

علی بن موسی الرضا (ع)

محمد رضایی آدریانی

بسم الله الرحمن الرحیم

آیین برنامه سازی درباره زندگی امام رضا علیه السلام

نویسنده:

محمد رضایی آدریانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آیین برنامه سازی درباره زندگی امام رضا علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی، محمد، ۱۳۵۰ -

عنوان و نام پدیدآور: آیین برنامه سازی درباره زندگی امام رضا علیه السلام / محمد رضایی آدریانی

مشخصات نشر: قم: صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری: ۳۳۶ ص.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۳۰۴-۴ ۱۲۰۰۰۰ ریال؛.

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: علی بن موسی علیه السلام ، امام هشتم، ۱۵۳؟ - ۲۰۳ ق.

موضوع: شیعه -- تاریخ -- قرن ۲ق.

موضوع: عباسیان -- تاریخ.

موضوع: تلویزیون -- ایران -- پخش برنامه های مذهبی -- اسلام.

موضوع: کشورهای اسلامی -- تاریخ -- ۱۳۲ - ۶۵۶ق.

شناسه افزوده: صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ، مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ۹ آ ۶ ر / ۴۷ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۵۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۵۵۴۸۰

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

پیش درآمد

پیش درآمد

در ادامه سلسله پژوهش های برنامه ای درباره زندگانی معصومان علیهم السلام ، کتاب آیین برنامه سازی درباره زندگی امام رضا علیه السلام ، بعد از تحریر و چاپ زندگی امام موسی کاظم علیه السلام و زندگی امام جعفر صادق علیه السلام ، سومین اثر در این مسیر است.

با توجه به حضور کوتاه مدت امام رضا علیه السلام در ایران، به ویژه، وجود بارگاه نورانی و مقدس ایشان، که معرف یکی از مهم ترین هویت های فرهنگی ایرانیان، از هر نژاد و مذهب، به ویژه، شیعه ایرانی است؛ زندگانی آن حضرت، جایگاهی ویژه از نظر اولویت برنامه سازی در شبکه های صدا و سیما دارد. توجه به زندگانی امام رضا علیه السلام و تقاضای مردم برای برنامه سازی در این باره و به تبع آن، نیاز به پژوهش های برنامه ای مستند و کاربردی، از علل مهم تهیه این اثر پژوهشی بوده است.

در این پژوهش سعی شده به زندگی امام رضا علیه السلام بیشتر از منظری تاریخی توجه شود. در حقیقت، این پژوهش، تاریخی و کتابخانه ای است؛ در حالی که می توان به بارگاه مطهر امام و انبوه زائران آن، که بیشترین زائر در شهرهای مقدس جهان اسلام هستند، از منظر علومی چون مطالعات فرهنگی و جامعه شناسی نیز نگریسته شود تا موضوعات و زمینه های فراوان برنامه سازی کشف شود؛ کاری که از دایره پژوهش تاریخی حاضر و محدودیت های آن بیرون است.

پژوهش برنامه ای زندگانی امام کاظم علیه السلام ، بسیار جزئی نگر بود و بر مطالعه موردی روایات و حکایات زندگانی آن حضرت متمرکز بود. پژوهش برنامه ای زندگانی امام صادق علیه السلام ، نیز نگاهی کلان تر داشت و قصدش تعریف مذهب جعفری از منظر امام صادق علیه السلام بود. در این پژوهش، تلاش شده است ضمن نگاهی نو به تاریخ و زندگانی امام رضا علیه السلام ، به برکات وجود مزار آن حضرت در ایران نیز اجمالاً پرداخته شود و

ص: ۱۰

درنهایت، برای ایده یابی از زندگی ایشان، روشی کاربردی تر نشان داده شود که ان شاء الله، برای برنامه سازان، مفیدتر از دو پژوهش سابق باشد.

اثر حاضر، صرفاً کتاب ایده های برنامه سازی رضوی نیست تا فقط فهرستی از ایده ها را، بدون پیش فرض ها و بازتاب هایشان پیشنهاد دهد، بلکه پژوهشی برنامه ای و ایده یاب است؛ یعنی تلاش شده تا پژوهشِ مبنای هر ایده یابی نیز آورده شود؛ تا پژوهش های برنامه ای در حوزه مباحث تاریخی عملاً نقد و بررسی و بازتعریف شوند.

امیدواریم مجموعه مدیران، سیاست گذاران، برنامه سازان، پژوهشگران رسانه ای، نویسندگان برنامه ای، کارشناسان دینی، مجریان برنامه های معارفی و منتقدان پژوهش های برنامه ای و آثار رسانه ای، به این مجموعه آثار توجهی ویژه بکنند و خصوصاً اثر حاضر را، با توجه به پژوهش های برنامه ای و مسئله ایده یابی، نقد و بررسی کنند تا میزان توفیق و کاستی های آن مشخص شود و نیز راهگشای نویسندگان مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، برای پژوهش های برنامه ای زندگانی سایر معصومان باشد.

با سپاس

محمد رضایی

ص: ۱۱

فصل آغازین: کلیات

اشاره

فصل آغازین: کلیات

زیر فصل ها

۱. تبیین موضوع

۲. ضرورت پژوهش

۳. پیشینه پژوهش

۴. شیوه و روش پژوهش

۵. مبانی و پیش فرض های موضوع

ص: ۱۲

ص: ۱۳

۱. تبیین موضوع

۱. تبیین موضوع

عنوان اثر پیش رو، «پژوهش برنامه ای و آیین برنامه سازی در مورد زندگانی امام رضا علیه السلام است. موضوع اصلی کتاب، شرح زندگی حضرت علی ابن موسی الرّضا علیه السلام ، هشتمین امام و دهمین معصوم در منظومه فکری و کلامی شیعه است. به زندگی امام رضا، نه از منظر پژوهش های عام و کتابخانه ای رایج، بلکه از منظر پژوهش های برنامه محور نگریسته شده است تا بتوان از هر بخش زندگی آن حضرت، به ایده یابی برای برنامه سازی رسید.

در این اثر، برای بهره وری بیشتر، فقط به زندگانی امام رضا علیه السلام در دوران امامتشان پرداخته شده که شامل بیست سال از زندگی ایشان در سال های ۱۸۳ تا ۲۰۳ ه . ق. است. زندگی امام رضا علیه السلام ، از دوران تولد تا همراهی با پدر بزرگوارشان، چون به گونه ای غیر مستقیم در کتاب زندگانی امام کاظم علیه السلام به آن پرداخته شده است، حذف گردید. (۱)

درباره مطالب مربوط به دوران پس از شهادت حضرت رضا علیه السلام نیز، به جای ذکر جزئیات روند بازسازی بارگاه ایشان و یا برشماری شخصیت های مرتبط (مانند متولیان آن بارگاه در طول تاریخ)، سعی شده است از منظر مطالعات تاریخی، روند اثرگذاری بارگاه آن حضرت و تأثیرات فرهنگ زیارت آن مزار در جغرافیای منطقه ای و فرامنطقه ای، در ادوار مختلفِ تاریخی به طور اجمالی بررسی شود.

۲. ضرورت پژوهش

۲. ضرورت پژوهش

همان گونه که در دو کتاب آیین برنامه سازی زندگی امام کاظم علیه السلام و امام صادق علیه السلام نوشته ایم، مناسبت های مذهبی، یکی از هویت های فرهنگی - اجتماعی و حتی سیاسی

۱- آیین برنامه سازی زندگانی امام موسی کاظم علیه السلام، ص ۳۷۹.

ص: ۱۴

جامعه شیعه، به ویژه، جامعه شیعه ایرانی است. در هیچ مذهب و جامعه ای، همانند جامعه شیعه ایرانی، مناسبت های مذهبی، دارای این همه تنوع و گستردگی و فراوانی و مهم تر از همه، اثرگذاری بالا نیست. با این وصف، متأسفانه در برنامه سازی مناسبتی، که از ضرورت های برنامه سازی رسانه های داخلی است، آنچه مشاهده می شود، حاکی از روزمرگی، تکرارزدگی و کم توجهی به این مناسبت هاست.

اصولاً در این برنامه سازی ها، طراحی و مهندسی جامع برای نگاه کلان به این مناسبت ها، که باید هماهنگ با سیاست گذاری های کلان فرهنگی و اجتماعی نظام، یا بر اساس تحولات و نیازهای جدید اجتماعی باشد، کمتر دیده می شود. این مشکل، در مواجهه مستقیم با مدیران و برنامه ریزان شبکه ها نیز دیده می شود.

یکی از علل این آسیب، شاید نبود متون پژوهشی ای است که جامع دو نگاه باشد: از یک سو، نگاهی کلان به هر مناسبت در منظومه مناسبت ها و در راستای تحول و رشد تاریخی جامعه شیعی ایرانی داشته باشد و از سوی دیگر، به نکته سنجی و موشکافی گزارش های تاریخی موجود در مورد زندگانی هر معصوم بپردازد تا در نهایت، ترکیب این دو نگاه کلان و خرد، منجر به ایده یابی های روزآمد برنامه سازی گردد.

تلاش شده است این پژوهش، تجربه ای نو در حوزه پژوهش برنامه ای در مورد زندگانی ائمّه معصومین علیهم السلام و به طور خاص، زندگی امام رضا علیه السلام باشد. همچنین سعی کرده ایم با نگاهی خاص به تاریخ امامت آن حضرت و تأثیرات تاریخی – اجتماعی وجود بارگاه مقدسش در این خطه، افق های جدیدی را در حوزه برنامه سازی، پیش روی برنامه سازان قرار دهیم و به سهم خود، ضمن کاهش آسیب ها و ضعف های برنامه سازی در حوزه مناسبت های رضوی، برای غنی سازی علمی و محتوایی این نوع برنامه ها تلاشی کرده باشیم.

۳. پیشینه پژوهش

۳. پیشینه پژوهش

در مورد زندگانی امام رضا علیه السلام ، هم به صورت مستقل و هم در ضمن دایرهالمعارف هایی که به طور کلی در مورد زندگانی اهل بیت علیهم السلام تألیف شده اند، پژوهش های فراوانی صورت گرفته است. از آخرین تجربه های ارزشمند در این حوزه، مجموعه «موسوعه الامام الرّضا علیه السلام » است که آن را مؤسسه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در قم فراهم کرده است.

ص: ۱۵

همچنین بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، در جوار بارگاه آن حضرت؛ و جشنواره تازه تأسیس فرهنگی - هنری امام رضا علیه السلام و بزرگان حوزه و دانشگاه، برای عرض ادب عالمانه به آن حضرت، در مورد زندگانی، امامت و بازتاب های تاریخی حضور امام رضا علیه السلام در ایران و آموزه های رضوی، تولیداتی علمی – پژوهشی، با تنوع و فراوانی نسبی داشته اند.

در این باره، همچنین مراکز گوناگون فرهنگی و علمی، لوح های فشرده ای عرضه کرده اند که فهرست برخی از آنها چنین است:

شمس الشموس، فارسی، تولید حوزه علمیه اصفهان، ویژه امام رضا علیه السلام .

شمس الشموس، عربی، تولید حوزه علمیه اصفهان، ویژه امام رضا علیه السلام .

در حریم توس، فارسی، تولید مؤسسه ولی عصر، ویژه امام رضا علیه السلام .

نرم افزار جامع «سیره معصومان»، فارسی عربی، تولید مؤسسه کامپیوتری نور، ۱۴معصوم.

به غیر از پژوهش های مربوط به آموزه ها و موسوعه ها، متأسفانه، سایر مجموعه پژوهش هایی که نگاهی کلی به زندگانی حضرت رضا علیه السلام دارند و یا به طور خاص، به تاریخ زندگانی آن حضرت پرداخته اند، متأسفانه گرفتار نوعی تکرار در شیوه و روش پژوهش هستند. این آثار با مبنا قرار دادن احادیث تاریخی موجود در منابع شیعی، سعی کرده اند تاریخی خطی - توصیفی، با محوریت زندگانی شخص امام رضا علیه السلام به دست دهند. در این روایات، دشمنان آن حضرت، به ویژه شخصیت و نقش مأمون در مسئله ولایت عهدی؛ و نیز شاگردان و یاران حضرت، به صورت اجمال؛ و جریان انحرافی مهم «واقفیه» نیز اجمالاً و یا مفصلاً مطالعه و بررسی شده اند؛ ولی شباهت بسیار زیاد این مجموعه آثار با همدیگر، اندکی ملال آور است.

همچنین، بی توجهی به روش های گوناگون مطالعات تاریخی و یا نداشتن نگرش صحیح در مطالعه تطبیقی جریان حق و باطل در لایه های گوناگون خود، متأسفانه این پژوهش ها را از تنوع و جاذبه های لازم دور کرده است. به همین علّت، وقتی کارشناسان مذهبی رسانه و یا نویسندگان و برنامه سازان، به این آثار مراجعه می کنند، نسبت به فراوانی کمّی، به فراوانی و تنوع کیفی موضوع ها و ایده ها نمی رسند.

با این وصف، نبودِ پژوهش برنامه سازی ویژه زندگانی امام رضا علیه السلام که بتوان بر اساس

ص: ۱۶

آن، به ایـده یـابی و سوژه سـازی منـاسب رسـید، از نیازهـا و خلأـ هـای موجود در حوزه پژوهش های رضوی است. امیـدواریم این پژوهش بتواند این جای خالی را پر کند.

۴. شیوه و روش پژوهش

۴. شیوه و روش پژوهش

شیـوه پژوهش در ایـن اثر، کتابخـانه ای اسـت و روش آن، مطـالعه اسـنادی است؛ یعنی تـوجه و رجـوع به احـادیث و گزارش هـای تاریخی در مورد زنـدگانی امام رضا علیه السـلام . بـدیهی است چون این پژوهش، با هـدف برنامه سازی پدید آمده است و باید به گونه ای باشـد که منجر به تولیـد ایـده ها و سوژه ها و موضوعات برنامه سازی شود، به طور طبیعی می بایست از پژوهش بنیادی، یا پژوهش توصیفی – تاریخی صرف فاصله گرفت و وارد حوزه پژوهش های کاربردی شد.

معمولاً پژوهش کاربردی، به معنی پرهیز از پژوهش تاریخی جدید است و هدفش صرفاً کاربردی کردن پژوهش های موجود است؛ ولی در موضوع زندگانی اهل بیت علیهم السـلام ، چون مجموعه پژوهش های موجود، صـرفاً توصـیفی هستند و کمتر به کار برنامه سازی رسانه ای می آینـد، ناچاریم در مجموعه پژوهش های جدیـدی که در حوزه زنـدگانی معصومان انجام می شونـد، و نیز برای کـاربردی کردن پژوهش هـای موجـود، نوعی پژوهش واسـطه ای جدیـد انجـام دهیم که شامـل تهیه و تـدوین گـاه شـمار زنـدگی شخصـیت اصـلی و همچنین اسـتخراج و بازشناسـی تمام عناصـر مرتبط و پیرامونی آن شخصیت، اعم از زمان، مکان، شخصیت ها و رویدادهای مختلفِ سفید، سیاه و خاکستری است که کارکردهای برنامه سازی دارند.

بـا تـوجه به مـوارد یادشـده، پژوهش برنـامه ای در این اثر، یعنی پژوهشـی که از یـک سو، به بـازخوانی و بـازفراوری پژوهش هـای توصـیفی و مبنـایی موجود می پردازد و از سویی دیگر، به یمن همین فراینـدِ بازخوانی، که بر محور ملاحظه تمامی جوانب و ابعاد و روابط و کنش های موجود در زندگی شخصیت اصلی است؛ بسترهای لازم برای ایده یابی برنامه ای را فراهم می سازد.

مبنای کاربردی کردن این پژوهش، پژوهشِ بینارشته ای است. فقط از طریق بازخوانی پژوهش های موجود و با پژوهش بینارشته ای است که می توان به اهداف مورد نظر دست یافت. به همین منظور، با هدف کاربردی کردن پژوهش برنامه ای، تلاش شده

ص: ۱۷

است با نگاهی بینارشته ای، زندگانی امام رضا علیه السلام از منظر چند علم دیگر نیز بازخوانی شود. این علوم عبارتند از:

علم تاریخ: از این علم، به ویژه از منظر روش گاه شماری رویدادها و تلاش برای فهم روابط علّی و معلولی یا ترتیب حوادث؛ و سپس تحلیل تاریخی مناسب که مبتنی بر این گاه شماری جزئی نگر باشد، استفاده خواهد شد.

علم جغرافیا: از علم جغرافیا، بیشتر در حوزه جغرافیای سیاسی، اجتماعی و دینی؛ و با هدف بازشناسی نسبت مکان ها با رویدادها، استفاده خواهد شد.

شخصیت شناسی، از این علم، به صورت نسبی، در معرفی و شرح زندگی افراد استفاده خواهد شد؛ در ضمن آن که در معرفی شخصیت های پیرامونی، به جای تقسیم بندی دوگانه سیاه و سفید، به تقسیم بندی سه گانه و هنری سیاه و سفید و خاکستری، آن هم در سطوح و لایه های گوناگون اجتماعی توجه خواهد شد.

فرایندی که ذکر شد، در بخش پژوهش محتوایی این اثر به اجرا گذاشته می شود؛ از این رو، بخش محتوایی این پژوهش، در موارد بسیار، ضمن اتکا بر منابع فراوانِ موجود، از نظر شیوه و روش اجرا، تفاوت قابل توجهی با پژوهش های پیشین می یابد و مثلاً در بحث تاریخ شناسی شهر مشهد، به جای نگاه تاریخی - توصیفی و یا تاریخ اجتماعی صرف، نگاه فلسفه تاریخی مبنا قرار می گیرد.

از دیگر ویژگی های این پژوهش آن است که در مرحله دوم پژوهش، در هر قسمت و در هر فصل؛ و بعضاً در هر مرحله از مباحث، جدول ایده های برنامه ای ترسیم می گردد. این جدول ایده ای، کامل و جامع نیست؛ بلکه به صورت نمونه، تلاش می شود با کمک روش بینارشته ای، گزارشی از ایده ها داده شود. وقتی در یک بخش، رویداد یا شخصیتی یا مرحله ای تاریخی توصیف شد، اگر چه حاصل نهایی، نسبت به پژوهش های محتوایی صرف، تا حدودی غنی تر است؛ ولی هنوز دارای ساختار پژوهشی صرف است. از این رو، در این مرحله از فرایند ایده یابی، با روش بینارشته ای و از زاویه علوم انسانی مختلف به بحث اصلی نگریسته می شود و تلاش می گردد ایده ها، سوژه ها و نکات آن استخراج گردند.

جدول علوم انسانی و علوم کاربردی که در این مرحله، برای ایده یابی مدّ نظرند، چنین است:

ص: ۱۸

انسان شناسی

اخلاق

الهیات

تعلیم و تربیت

فلسفه

منطق

اقتصاد

سیاست

جامعه شناسی

مطالعات فرهنگی

مطالعات زنان

روان شناسی

حقوق

مدیریت

علوم ارتباطات

هنر

آینده پژوهی

ادبیات

تربیت بدنی

تاریخ

جغرافیا

با توجه به جدول بالا و برای غنی سازی ایده یابی تفصیلی؛ برنامه سازان، کارشناسان مذهبی رسانه و نویسندگان رسانه می توانند در هر یک از علوم مذکور، فهرست هایی تفصیلی از موضوعات کاربردی تر را استخراج و سپس جدولی جامع از فهرست علوم انسانی تهیه کنند. سپس، بعد از فراهم کردن پژوهشی اجمالی و منظم از زندگی معصوم یا شخصیت تاریخی، آن پژوهش را با توجه به ریزِ موضوعات هر علم، بررسی کنند و آن گاه، بر اساس گزارش های مستقیمِ موجود و یا کشف پاسخ از قراین تاریخی و اجتماعی، ایده های جدید پژوهشی و برنامه ای تولید کنند.

اکنون برای اجرای تجربی این مهم، در ابتدا فهرستی اجمالی از زیرمجموعه برخی از علوم فوق که در مراحل بعدی پژوهش قابل استفاده اند، می آوریم و سپس سعی می کنیم به عنوان نمونه، یک جدول ایده یابی رضوی متنوع، بر اساس این روش ترسیم کنیم.

فهرستِ زیرموضوعات (یا ریزموضوعاتِ) علوم فوق چنین است:

روان شناسی: مباحث شخصیت و انواع شخصیت های موجود در هر فرد (شخصیت فردی، خانوادگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی، هنری، فرهنگی، تربیتی، فکری، علمی و عاطفی؛ همانند عادت ها و دغدغه ها و نگرانی ها و شادی ها و...).

مباحث هویت اجتماعی، فضایل و رذایل برجسته روانی و انسانی، کیفیت تعریف رشد و یا طی کردن عملی این رشد، تعریف و روش کمال گرایی، بحث هنجار ها و ارزش ها، بحث تربیت و آموزش و ... .

جامعه شناسی: مباحث جمعیت و جغرافیای اجتماعی، سازمان و نهاد، ساختار قدرت

ص: ۱۹

اجتماعی شـهر و شهروندی، هجرت ها و مهاجرت ها، جنبش های اجتماعی، گروه ها، طبقه بندی اجتماعی، فقر و ثروت و شغل ها، تحولات و یـا بحران هـای اجتمـاعی، آسـیب شناسـی اجتمـاعی، سـرمایه های اجتماعی هر فرقه و مـذهب، هویت اجتماعی هر فرقه، روابـط اجتمـاعی، فاصـله هـا و تقابـل هـا، غم هـا و شادی ها در فرهنگ های اجتماعی و آداب و رسوم اجتماعی، حقوق اجتماعی، سلوک اجتمـاعی، آگـاهی اجتمـاعی، پویـایی و یـا ایسـتایی اجتمـاعی، شور اجتمـاعی، افکار اجتماعی، انتظار اجتماعی، سنّت های اجتماعی، فتنه های اجتماعی، فرایند جامعه سازی و ... .

اخلاـق: بحث بسـیار مهم اخلاـق و سـبک زنـدگی اسـلامی، متناسب با نظام اخلاقی هر فرقه اسـلامی، اخلاق شـغلی، اخلاق فردی، اخلاـق اجتماعی، فهرست فضایل و رذایل اخلاقی، تربیت یافتگی و یا رهاشـدگی اخلاقی، فساد اخلاقی، الگوهای اخلاقی، وجـدان اخلاقی، چالش های اخلاقی در تحولات اجتماعی، اخلاق نقد، اخلاق رهبری، اخلاق قدرت و ... .

کلامی: مسـئله اثبات دو امامت در حد فاصل آغاز تا پایان امامت یک معصوم (ضرورت ها و چالش ها)، مسئله شبهات کلامی فرقه هـای انحرافی جدیـد، مسائـل کلاـمی جدیـد، نوع تبیین های تازه هر امام از امامت (با توجه به ظرفیت های زمانی و مکانی)، نگرش مقـایسه ای بین فرقه های اسـلامی در هر عصـر (از نظر مسائل کلامی خاص)، سـنگربانی معصوم در برابر اثرگـذاری انحرافی فکری فِرَق و مذاهب و ... .

فرهنگی: جایگـاه فرهنـگ در جـامعه سـازی برای مـذهب حق، جـامعیت نگاه به فرهنگ حزن و شادی در فرهنگ سازی اهل بیتی، پرهیز دادن جامعه حق از فرهنگ های التقاطی، مهندسـی فرهنگی جامعه شـیعه، آداب و رسوم فرهنگی، نهاد های فرهنگی، سـرمایه فرهنگی، ارزش هـا و ضـدّ ارزش های فرهنگی، میراث فرهنگی، ایجاد مناطق فرهنگی، طراحی نمادها و شـعائر فرهنگی، سـنت ها و عادات قدیم و جدید، افتخارات فرهنگی، هویت فرهنگی، استقلال و غنای فرهنگی و ... .

اقتصـادی: اسـتقلال اقتصـادی، خمس و زکات در فرهنگ اقتصادی شـیعه، مـدیریت فقرزدایی، ثروت و تجمل در فرهنگ اهل بیت علیهم السـلام ، قـدرت اقتصادی شیعه و احساس خطر دشـمنان، بحران اقتصادی، انحراف اقتصادی، شـیوه اقتصادی زندگی شـیعی، عدالت اقتصادی در مکتب اهل بیت علیهم السلام ، ارزش بهره وری، ارزش کار و تلاش، تعاملات

ص: ۲۰

اقتصادی فرافرقه ای و مذهبی، کارمندی برای دولت و نظام باطل، نقش وسوسه های اقتصادی در فرقه سازی انحرافی، روایات فقهی اقتصادی در دوران هر امام، اخلاق اقتصادی و ... .

سیاسی: فلسفه سیاسی، الگوی سیاسی تقیه زیستی، الگوی تعاملات سیاسی خُرد و کلان با نظام خلافت، سیاست مداران شیعه در مقاطع تاریخی، اخلاق سیاسی، ساختار سیاسی خلافت و تأثیر آن بر امامان و جامعه شیعه، نقش سیاسی شیعیان، الگوی روابط امامان شیعه با قیام های زیدیه، انتظار مردم از امامان برای قیام کردن ایشان، تطبیق مهدویت با امامان، کلام سیاسی شیعه و توان مندی آن، تحولات عمومی جهان اسلام و تأثیرات آن بر شیعه و ... .

تاریخی: نقش آفرینی تاریخی شهرهای شیعی، الگوی رفتار سیاسی شیعیان، فلسفه تاریخ شیعی، ادوار شناسی تاریخی، نقد تاریخی فرقه ها و مذاهب، گاه شمار تحولات مهم سیاه و سفید و خاکستری به صورت مستقل و یا تطبیقی، خاندان های تاریخی - علمی در هر دوره، تاریخ علمی شیعه در هر دوره، بانوان شیعه، نقش تاریخی سیاه و سفید در هر مقطع و ... .

جغرافیا: نقاط بحرانی یا بحران خیز، تقسیمات اداری، طراحی جغرافیاهای اجتماعی جدید، جغرافیای فرقه ها و مذاهب در هر عصر، ارزش گذاری های جغرافیایی، مهاجرت ها، جمعیت شناسی مذهبی - جغرافیایی مناطق مستعد فرقه های انحرافی، تعریف جغرافیاهای معنوی، فرهنگ های جغرافیایی معنوی شیعی همانند جغرافیای زیارت، جغرافیای مطلوب در مهاجرت های علویان، اولویت های جغرافیایی در تاریخ تشیع، جغرافیای شیعه در ادوار تاریخی، جغرافیای تاریخی و تمدن مناطق شیعه نشین، ویژگی جغرافیایی مناطق شیعه نشین، قدرت ژئوپولتیکی تاریخی شیعه و ... .

مدیریت: مدیریت منابع انسانی، مدیریت زمان، مدیریت منابع مالی، مدیریت استراتژیک، مدیریت بحران، مدیریت اجتماعی، مدیریت ارتباطات و نفوذ، مدیریت حمایتی، مدیریت دیپلماسی و مذاکره، مدیریت تبلیغی، مدیریت عملیات، مدیریت سازمانی، مدیریت امنیتی، مدیریت تقیه های سه گانه (حفاظتی، نفوذی و جذبی)، شیوه ها و اصول مدیریت عمومی مانند خلاقیت و تصمیم گیری، ارزیابی و نظارت استراتژیک،

ص: ۲۱

برنامه ریزی، نمونه سازی، بهره وری، خطرپذیری، آینده نگری و پیش بینی، تشویق ها و تهدید ها، نظرسنجی، فرصت سازی، انعطاف پذیری در برنامه ها، دشمن و مانع شناسی، رقیب شناسی و ... .

در پایان، مجدداً تأکید می گردد که در هر یک از این مباحث، که غالباً روایت تقابل حق و باطل است، یا بیان مواجهه یاران امام با امام، که به معنی مواجهه حق حداقلی با حق حداکثری است، می توان هر یک از این جدول ها را، از منظر دو جبهه حق و باطل (و یا سه گانه سفید، سیاه، خاکستری) نگریست.

اکنون، به عنوان نمونه، برای هر یک از موارد فوق، نمونه هایی از ایده های رضوی می دهیم تا مشخص شود که اگر پژوهش های تاریخی موجود، اول کاربردی شوند، یعنی با توجه به مکان و زمان شخصیت ها و رویدادها، نظامی مجدد بیابند و سپس با نگاه بینارشته ای بررسی شوند، انبوه ایده های متنوع تولید می گردد؛ ایده هایی که از یک طرف، باعث بازشناسی بهتر و بیشتر زندگانی، تاریخ، سیره، سنّت و اخلاق رضوی می شوند و از سوی دیگر، می توانند پیام هایی کاربردی برای جوامع شیعی و مسلمان در هر زمان داشته باشند.

جدول نمونه های ایده های رضوی بینارشته ای در هر یک از رشته های علوم انسانی:

علم و گرایش

ایده رضوی

روان شناسی

شخصیت شناسی یاران برتر امام رضا علیه السلام .

شخصیت شناسی سران برجسته واقفیه.

دغدغه ها و نگرانی های امام رضا علیه السلام در زمانه خودش.

تعریف و تطبیق کمال گرایی بین سخنان امام و قیام های زیدیه و نگرش مأمون و مذاهب گوناگون عامه.

عوامل فشارزای روانی عباسیان و زیدیه بر امام رضا علیه السلام و روش مواجهه ایشان با آنها.

امام رضا و توجه به تفاوت های فردی در مدیریت یاران خود.

شخصیت های متفاوت و قدرت تحمل و درک متفاوتشان در دوران ابهام و بحران؛ و واکنش آنها به مسئله واقفیه.

جامعه شناسی

ص: ۲۲

سازمان وکالت در زمان امام رضا علیه السلام .

امام رضا علیه السلام و برنامه ریزی برای توسعه جغرافیای تشیع در ایران.

مهاجرت علویان و شخصیت های برجسته شیعه در زمان امام رضا علیه السلام .

سرمایه اجتماعی ای که امام رضا علیه السلام برای اقامت در شهر جدید مشهد، بر گِرد مزارش تعریف می کند.

آشفتگی ها و بحران های اجتماعی جهان اسلام در دوران امامت امام رضا علیه السلام و تأثیرات کلامی آن در جهان اهل سنّت.

مرزبندی های دقیق اجتماعی امام رضا علیه السلام بین جامعه شیعه و قیام های زیدیه و غالیان.

نقش بارگاه مطهر رضوی در خراسان در تعریف هویت اجتماعی - تاریخی شیعه ایرانی.

ژئوپلتیک شیعه در زمان امام رضا علیه السلام و حساسیت های عباسیان و زیدیه نسبت به آن.

وضعیت آماری و جمعیتی شیعه در زمان امام رضا علیه السلام و بررسی رشد تاریخی آن در دوران خلافت عباسی.

مراکز علمی شیعی و الگوهای امام رضا علیه السلام برای توسعه جوامع و یا نهادهای علمی شیعه.

اخلاقی

امام رضا علیه السلام و تعریف سبک زندگی برای جامعه شیعه ایرانی.

مسائل اخلاقی - اقتصادی و نقش آن در پیدایش واقفیه.

اخلاق نقد در مواجهه امام با پیروان واقفیه و زیدیه.

مدیریت اخلاقی ویژه امام در زمان ولایت عهدی، در جمعِ بین قدرت و ثروت با معیار های اسلامی.

جاذبه های اخلاقی حضور امام رضا علیه السلام برای جامعه مسلمان خراسان.

مدیریتی

امام و مدیریت دیپلماسی و مذاکره در مسئله ولایت عهدی.

مدیریت مناظره در سیره رضوی.

ص: ۲۳

تبدیل بحران سفر به ایران به فرصت جامعه سازی تاریخی.

امام رضا علیه السلام و آینده نگری ها و پیش بینی ها و مدیریت جامعه شیعه در تحولات پیش رو.

امام و مدیریت بحران های داخلی جامعه شیعه در مسئله ولادت فرزند ایشان و امامت وی در کودکی.

کلامی

بحران های کلامی و فکری شیعه در زمان امامت امام رضا علیه السلام و مدیریت علمی امام.

امام و سنگربانی از تشیع در برابر تحریف روایات مهدویت توسط واقفیه و زیدیه.

امام و چگونگی بازخوانی نظریه امامت در جامعه سیاسی و علمی اهل سنّت معاصر خود.

مسائل کلامی جدیدی که فرقه های انحرافی شیعه برای جامعه شیعه ایجاد می کردند و چگونگی مدیریت علمی امام در مواجهه با آنها.

مشترکات ادعاهای انحرافی جامعه معاصر امام رضا علیه السلام در موضوع مهدویت.

مبانی اندیشه ای که واقفیه در طول بیست سال مواجهه با امام رضا علیه السلام برای خود جست وجو و فراهم می کردند.

فرهنگی

نتایج فرهنگی سفر امام رضا علیه السلام به جامعه اسلامی خراسان.

تفاوت های فرهنگی شیعه امامی و زیدی از منظر آسیب شناسی فرهنگی رضوی نسبت به زیدیه.

بنیان گذاری های فرهنگی امام رضا علیه السلام برای تشیع.

فرهنگ سازی های رضوی از منظر فسلفه تاریخ شیعه.

مزار مطهر رضوی و طراحی فرهنگ زیارت برای عامه و خاصه در خراسان.

کارکرد تاریخی فرهنگ زیارت رضوی در تحول اندیشه مسلمانان خراسان و هدایت آنان به سوی تشیع.

ص: ۲۴

سیاسی

بازی های سیاسی مأمون و فریب دادن تمام فرقه ها به جز تشیع.

هوشیاری خواص شیعه در مرزبندی سیاسی با زیدیه، در اوج اقتدار آنها.

مسئله ولایت عهدی و چالش های سیاسی آن برای دادن مشروعیت سیاسی به خلافت مأمون.

توقع و انتظار شیعیان برای قیامی سیاسی (برای به دست آوردن خلافت) و یا توقع ایشان برای مطرح کردن ادعای مهدویت و چگونگی مواجهه امام با این چالش ها.

تاریخی

بازشناسی دوران امامت امام رضا علیه السلام از منظر فلسفه تاریخ پیدایش و تقویت جامعه شیعی.

تاریخ تطوّر واقفیه در دوران بیست ساله امامت امام رضا علیه السلام .

سیر تاریخی شکل گیری هویت شهری مشهدالرضا علیه السلام .

نقش تاریخی بارگاه رضوی در هم گرایی و تقریب بین شیعه و سنّی در شرق اسلامی.

لازم است یادآوری شود که رویکرد اصلی ایده یابی در این پژوهش، ایده یابی برای برنامه های ترکیبی و مستند و یا معرفی موضوعات برای کارشناسی و نویسندگی رسانه ای است و به ایده های فیلم نامه ای در این اثر کمتر پرداخته شده است؛ اگر چه در بسیاری از موارد، از ترکیب بین ایده ها و پژوهش های محتوایی، می توان به ایده های جالبی برای فیلم و داستان و سریال رسید؛ به ویژه در آن بخش ها که بحث شخصیت های سه گانه (سفید و سیاه و خاکستری) مطرح است.

یکی دیگر از هدف های این پژوهش، نشان دادن فضای عمومی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و حتی اقتصادی جهان اسلام و نیز جهان تشیعِ معاصر با امامت امام رضا علیه السلام است؛ تا حتی در مقام تخیل در فیلم و مستند های داستانی تاریخی، فضاسازی های خیالی، چندان دور از واقعیت نباشند. برای نمونه، اقامت چهارماهه امام در نیشابور، با توجه به فضای علمی این شهر و عواملی که منجر به همراهی شخصیتی چون اباصلت هروی از نیشابور با امام شد، خود ایده خوب و پرمایه ای برای تولید اثری داستانی است، به شرطی که به فضا و حال و هوای علمی شهر نیشابور به درستی توجه شود.

ص: ۲۵

همچنین است حکایت ها و رویدادهای مرتبط با جامعه شیعه در مدت اقامت امام در خراسان، از منظر فرهنگ سازی عید غدیر یا محرّم. می دانیم که امام در این زمان، در صدد طراحی آغازین این فرهنگ ها در جامعه نوپای شیعه خراسان بود.

برای تقویت ظرفیت ایده یابی داستانی، می توان در مورد حکایت هایی که در این پژوهش به صورت موجز آورده شده است، مانند روش کتاب آیین برنامه سازی زندگی امام کاظم علیه السلام عمل کرد. در آن کتاب، ابتدا از منظر رویدادها و شخصیت ها، به واشکافی حکایت ها پرداخته شده و سپس ایده های پنهان در آنها استخراج و نهایتاً در قالب جدول هایی مرتب شده اند.

۵. مبانی و پیش فرض های موضوع

۵. مبانی و پیش فرض های موضوع

یکی از آسیب ها و معضلات برنامه سازی های مناسبتی و معارفی و مذهبی، چه در قالب داستانی و چه غیر داستانی، کم توجهی و غفلت نسبت به پیش فرض های اندیشه و کلام شیعی در روند برنامه سازی است؛ چرا که به عنوان نمونه، اگر چه بین فرقه ها و مذاهب اسلامی، مثلاًـ عقیده به توحید و نبوت خاصه (نبوت پیامبر اسلام) مشترک است؛ ولی تضادها و اختلاف ها در تفسیر و تعبیرها از خداوند تبارک و تعالی و یا نوع تعریف رابطه صفات ذاتی خداوند با ذاتش، گاه چنان متضاد است که انواع افراط و تفریط ها را در عقاید اسلامی شکل داده است و از خدای دارای تجسم تا خدای غیبی منفعلِ کنارکشیده از نظام هستی را می توان در فرقه های اسلامی دید!

همچنین شخصیت پیامبر، گاه چنان غیر معصوم به تصویر کشیده شده که در برخی از این تصاویر، ایشان حتی در مقام ابلاغ وحی و ابلاغ قرآن نیز دچار لغزش شده اند! گاه نیز ایشان را در امور زندگی اجتماعی و یا خانوادگی، از انسان متعارف هم پایین تر به تصویر کشیده اند. این در حالی است که در تشیع، سعی شده با ترکیب عقل و نقل، مجموعه ای از اندیشه ها و باورهای منسجم و هماهنگ با عقل، در حوزه پیش فرض ها تعریف گردد تا باعث پویایی و نشاط و ماندگاری تشیع در بستر تاریخ شود.

اهم موضوعاتی که بستر پیش فرض های شیعی هستند، چنین است:

انسان: تلاش برای تعریف انسان شناسی ای که به تعریف جامع و کامل از ابعاد وجودی، روابط، عوالم و مراحل وجودی انسان توجه داشته باشد و تعریف

ص: ۲۶

جامعی از نیازهای او بدهـد و برای حوزه های مختلف زندگی او، بر اساس آموزه های وحیانی و عقلانی، پاسخ داشته باشد. بر این اساس، انسان، موجودی بین حیوان و فرشته و دارای عقل و اختیار است که دوراهی های پیوسته حق و باطل، در لحظه لحظه زندگی اش حضور دارند و بر اساس نوع انتخاب راه، سعید یا شقی خواهد شد.

خداوند: تعریفی عقلانی از خداوند که تأییدشده با وحی است؛ خداوندی که غیب الغیوب و فعال ما یشاء در حوزه تکوینیات است و در حـوزه تشریع، پیش از وضـع قـوانین برای انسآنهـا، به آنهـا اراده، اختیـار، آزادی و عقـل و هـوش داده است؛ البته این به معنی رهاشدگی انسان ها در زندگی دنیوی نیست، بلکه خداوند انسان ها را با قانون سنّت ها محدود و مهار کرده است.

دین: برنامه جامع و کامل برای زندگی انسانی با هدف رشد همه جانبه اسـتعداد های انسانی و دادن کمال و سعادت به او در تمامی عوالم و مراحل وجود است.

چهارده معصوم با محوریت پیامبر: انسان های کامل و برترین اسوه های تاریـخ بشـر که در امتـداد تاریخ پیامبران، ضـمن عرضه دین خاتم، در کوششـی تاریخی تلاش داشته و دارند که این دین خاتم را در گستره جهانی فراگیر و عملیاتی کنند و مدینه فاضله دنیوی و جهانی را مبتنی بر عدالت و معنویت محقق سازند.

تاریـخ و فلسـفه تاریخ: یعنی نقطه شـروع زندگی بشـری بر روی زمین پس از هبوط آدم و حوا؛ و سـپس مرحله بندی تاریخ بشـر بر اساس تقابل حق و باطل بر محوریت تاریـخ پیامبران (تاریخ نزول تدریجی دین) و تاریخ اولیا (تجربه تدریجی اجرا و عملیاتی کردن دین کامل و جامع).

بر اسـاس این نگاه، تاریـخ با نبوت حضـرت آدم شـروع شـده است و مرحله دوم آن، با ظهور منجی موعود، مهـدی آل پیامبر علیهم السـلام به اوج می رسـد و زنـدگانی بشـر بر روی زمین، تـازه از زمـان ایشـان آغـاز می گردد. در این نگـاه، دوران امامت و حضور امامان در جامعه اسلامی، دارای ادوار و مراحلی است.

در این زمینه، موضوعـات دیگری هم وجود دارد: تعریف و جایگاه دنیا و طبیعت، تعریف حقیقت زنـدگی بشـری و طراحی سـبکی آرمانی برای آن و تعریف جایگاه

ص: ۲۷

علم و فناوری. برخی از موارد ریزتر دیگر نیز وجود دارد که می توان آنها را با هم ترکیب کرد و موضوعاتی جدید فراهم ساخت. این موارد، در نوع تعریف و یا پیش فرض های خود، هم مبنای مکتب تشیع را تشکیل می دهند و هم فصل امتیاز تشیع از دیگر مذاهب و فرقه ها و مکاتب هستند.

به این پیش فرض ها، به اجمال، در دو اثر پیشین؛ یعنی: پژوهش آیین برنامه سازی زندگانی امام کاظم علیه السلام و پژوهش آیین برنامه سازی زندگانی امام جعفر صادق علیه السلام پرداخته شده است و امید است که در آینده نزدیک، اثری مستقل با عنوان «آیین برنامه سازی در پیش فرض های مبانی تشیع» در نگاهی تطبیقی با دیگر ادیان و فرقه ها عرضه شود. از این رو، در این اثر، به عرضه فهرست وار این پیش فرض ها در همین حد بسنده می شود.

به عنوان سخن پایانی، تأکید می شود که به هنگام بازخوانی و مطالعه زندگی، سیره و شخصیت امام رضا علیه السلام ، همواره باید ادوار شناسی تاریخی زندگانی معصومان و ادوار شناسی تاریخی اسلام را در نظر داشت. برای نمونه، به هنگام بررسی و قضاوت درباره هر یک از سیره ها و رفتارهای امام رضا علیه السلام ، باید درگیری گسترده حق و باطل، یا مرحله بندی تاریخ امامت و دوران جامعه سازی برای مکتب حق، با محوریت تشیع و آسیب زدایی از آن را نیز در نظر داشت.

با ذکر نمونه ای بحث را روشن تر می کنیم: در ماجرای شهادت امام رضا علیه السلام در توس، می دانیم که امام رضا علیه السلام به ظاهر، به درخواست و اجبار مأمون به خراسان آمد و در نهایت در آنجا به شهادت رسید. در یک نگاه سطحی و ضد شیعی، می توان مجموعه رویدادهای این سفر را با نگاهی انفعالی نگریست که دستاورد خاصی برای امام و تشیع، دست کم در مقطع زمانی خود نداشت؛ ولی وقتی که با روش گاه شماری علم تاریخ، هم به ادوار شناسی اجمالی دوران امامت امام بپردازیم و هم، ادوار شناسی ویژه سفر امام به خراسان را کشف کنیم؛ و آن گاه نتایج این دو جدول گاه شمار را به مبانی و پیش فرض ها عرضه کنیم، مشاهده می کنیم که در بررسی و تحلیل سفر امام به خراسان، ایشان چگونه تمامی تهدید ها، بحران ها و هجوم ها را مدیریت کرده و بر اساس یک طرح از پیش نوشته شده غیبی، این سفر را پذیرفته است تا بر مبنای نگاه فلسفه تاریخی، فصلی جدید را برای جامعه سازی نوِ شیعه پایه گذاری کند.

ص: ۲۸

از همین روست که امـام، در طراحی این جـامعه سـازی، حتی زمـان و مکـان شـهادتی را که گریزی از آن نبود، به گونه ای طراحی کرد تا این اتفاق در شـهرهاییماننـد نیشابور، مرو و سـرخس رخ ندهد؛ در حالی که مأمون برای شـهادت امام، هم در مرو و هم در سرخس، تلاش هایی کرده بود و سـعی داشت این اتفاق، تا می شود در توس رخ ندهـد، تا صـدق پیش بینی امام و معصومان معلوم نشود و مهم تر از همه، در این شـهرها، بارگـاه مطهر امام و پایگاه اعتقادی تشیع ایجاد نگردد؛ ولی مـدیریت آشـکار و پنهان امام با تمام مظلومیت ها و غربت ها، در نهایت بر مدیریت قوی و قدرت مندِ ظاهری و دنیوی مأمون و خلافت عباسی پیروز گردید.

این مثال، بیان گر تأثیر نوع و میزان پیش فرض ها در پژوهش و ایـده یابی معارفی است. امیـد است که تمامی برنامه های معارفی از این منظر، به سلامت و استاندارد مناسب برسند تا بتوانند به جای شعارزدگی، پیام هایی مناسب و روزآمد برای مخاطبان شیعی و غیر شیعی داخل و خارج فراهم کنند.

ص: ۲۹

فصل اول: زندگی، شخصیت و گاه شمار دوران امامت امام رضا علیه السلام

اشاره

فصل اول: زندگی، شخصیت و گاه شمار دوران امامت امام رضا علیه السلام

ص: ۳۰

ص: ۳۱

مبانی و اصولی که در زمینه بازشناسی زندگانی امام رضا علیه السلام ، در این اثر، به آنها توجه می شود به شرح زیر است:

آشنایی اجمالی با زندگانی امام رضا علیه السلام .

نگاهی کوتاه به بحث شخصیت شناسی امام رضا علیه السلام .

گاه شمار تفصیلی دوران امامت امام رضا علیه السلام .

در حقیقت، در این فصل، دو بحث اساسی بیان می شود. اول: بحث شخصیت شناسی است که بیشتر در قالب کلیاتی که مبنای اندیشه شیعه هستند، آورده می شود تا حوزه های گوناگون شخصیت شناسی معصومان معرفی شود و به پژوهشگران و نویسندگان و برنامه سازان، الزامات نزدیک شدن به شخصیت معصومان را گوشزد کند. دوم: در میان حوزه های گوناگون شخصیت شناسی، برای کشف ابعاد تاریخی و عینی شخصیت امام رضا علیه السلام ، گاه شمار تاریخی در بستر زمان و مکان، مبنای کار در کل پژوهش قرار می گیرد تا در نهایت، در ترکیب آن نگاهِ شخصیت شناسی با این رویکرد گاه شماری، پژوهش کاربردی و سپس ایده یابی ها صورت بگیرد.

الف) چکیده زندگی نامه امام رضا علیه السلام

الف) چکیده زندگی نامه امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام ، بنا به قول مشهور، در سال ۱۴۸ ه . ق. یعنی کمی پس از شهادت امام صادق علیه السلام در مدینه متولد شدند. عده ای نیز تولد ایشان را در سال ۱۵۳ ه . ق. می دانند. شهادت امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۳ ه . ق. در خراسان، در منطقه توس رخ داد. پدر ایشان، امام موسی کاظم علیه السلام ، امام هفتم شیعیان؛ و مادرش، نجمه، از سرزمین مغرب (شمال غرب آفریقا) بود.

امام رضا علیه السلام ، تا سال ۱۸۳ ه . ق. با پدر گرامی اش، امام موسی کاظم علیه السلام ، زندگی می کرد، البته امام کاظم، از سال ۱۷۹ ه . ق. چهار سال در زندان های گوناگون هارون عباسی به سر برد و سرانجام در سال ۱۸۳ ه . ق. به شهادت رسید. از این سال، امام رضا در ۳۵ سالگی، امامت شیعیان را به مدت بیست سال به عهده گرفتند.

ص: ۳۲

امـام رضـا علیه السـلام در آغـاز امامتشان، با دو چالش و بحران جـدی روبه رو بودنـد؛ یکی خطر شـهادت ایشان به دست هارون و دیگری ریزش و انشعاب گروه واقفیه از شیعه. امام در آغاز امامت خود، با در پیش گرفتن سیاست تقیه، خطر تهدید هارون را از سر گذراند، ولی مسئله واقفیه، که بزرگ ترین انشعاب از بدنه علمی جامعه شیعه بود؛ مهم ترین چالشِ پیش روی امام بود. امام رضا علیه السـلام در مدیریت بلندمدت خود، این تهدید و انحراف و آسیب را، با بازشناسی، تحلیل و تعیین معیار برای مسئله ریزش ها و گمراهی ها، تبدیل به فرصتی تاریخی برای شیعه کرد.

پس از کم رنگ شـدن تدریجی بحران واقفیه، امام، ضـمن این که از نظر آماری، یاران بیشتری را نسبت به پدر گرامی خود تربیت کرد؛(۱) سـعی کرد سازمان وکالت و مدیریت سیاسـی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شـیعه را نظم و گسترش بیشتر و بهتری بدهد. بدین گونه، شیعیان در عراق و سراسر مناطق غربی ایران، به جامعه ای منسجم و هویت یافته تبدیل شدند.

پس از گـذشت یک دهه از امامت، چالش بعـدی امام رضا علیه السـلام ، مسـئله تأخیر در فرزنددار شدن ایشان بود که باعث هجوم سنگین و مجدد واقفی ها و تشـکیک و سستی برخی از یاران ایشان شد؛ ولی این مسئله با تولد امام جواد علیه السلام در سال ۱۹۶ ه . ق. پایان پذیرفت.

در سال ۱۹۳ ه . ق. هارون، خلیفه مقتدر عباسی، به هنگام لشکرکشی به خراسان، مرد و خلافت بین فرزندانش، مأمون و امین، به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد. این تقسیم بندی، خیلی زود باعث درگیری گسترده این دو مدعی خلافت گردید و پنج سال، جهان اسلام در آشفتگی به سر برد. این آشفتگی، به ویژه در بغداد و عراق، برای جامعه شیعه آثار و تبعات فراوانی داشت.

پس از فروکش کردن درگیری و به خلافت رسـیدن مـأمون، او که بـا انواع و اقسـام قیـام ها و شورش ها مواجه بود، در یک اقـدام تـاکتیکی مهـم، امـام رضـا علیه السـلام را برای ولایـت عهـدی خـود، به مرو و خراسـان دعـوت کرد. این اقـدام، تـأثیر مسـتقیمی در زندگانی امام رضا علیه السلام در سال های ۲۰۰ تا ۲۰۳ ه . ق. داشت. امام، در آغاز، با وجود این که تحت ستم و اقامت

۱- یاران علمی امام کاظم علیه السـلام را ۲۷۲ نفر و یاران امام رضا۷ را ۳۱۷ نفر ذکر کرده اند. (محمدباقر بهبودی، معرفه الحدیث، ص ۵۳).

اجباری و در محاصره همه جانبه مأمون قرار داشت، در نهایت، با تدبیر و مدیریت خود، نه تنها نقشه های مأمون را خنثی کرد، بلکه بذر تشیع و ولایت را در خراسان نیز کاشت تا این که مأمون در مواجهه با ناکامی های خود و موفقیت های امام، در نهایت، ایشان را در سال ۲۰۳ ه . ق. در مسیر بازگشت به عراق، در توس به شهادت رساند.

از نگاهی دیگر در مقایسه بین طول عمر و مدت امامت امام رضا علیه السلام در مقایسه با دیگر امامان می توان گفت که امام از جهت سن در بزرگسالی عمر قرار داشت اگر چه از جهت عمر طبیعی این سن اوج زمان مقبولیت و مشهور بودن احتمالی آدمی و اوج زمان ثمردهی آدمی است و به نظر می رسد مأمون عباسی که در اواخر سن جوانی بود از این جهت در برابر امام رضا علیه السلام مشاهده عجز کرده، امام را خیلی زود به شهادت می رساند.

این شهادت که در زمان پنج سالگی خلافت مأمون است در بیست سالگی امامت حضرت است و این مدت زمان در تاریخ امامت بین زمان حداکثری و حداقلی، زمانی متوسط است که این هم نشانگر درماندگی مأمون خلیفه مدعی علم و زیرکی در برابر امام رضا علیه السلام است. در نمودار زیر(۱) مقایسه آمار عمر و امامت امامان چنین است:

برای دیدن نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

۱- یادآور می گردد تمامی نقشه های تاریخی جغرافیایی و جدول های نموداری تاریخی همگی از کتاب اطلس شیعه نگارش استاد جعفریان تهیه گردیده است.

ص: ۳۴

ب) شخصیت شناسی اجمالی امام رضا علیه السلام

اشاره

ب) شخصیت شناسی اجمالی امام رضا علیه السلام

برای شخصیت شناسی جامع و کامل امام هشتم شیعیان، به نظر می رسد بازخوانی اجمالی مباحث انسان شناسی اسلامی - شیعی ضروری باشد. با توجه به پرداختن به این مهم، در مقدمه کتاب «آیین برنامه سازی زندگانی امام صادق علیه السلام »، در این جا فقط جدول های آن مباحث، فهرست وار و چکیده آورده می شود.

بر اساس نگاه دینی قرآنی، جدول ابعاد وجودی انسانی چنین است:

طرح و جدول کلی انسان شناسی

برای دیدن عکس به فایل پی دی اف مراجعه کنید

حوزه های انسان شناسی نمودار بالا، شامل عناوین زیر است:

انسان شناسی ذاتی (مبحث شخصیت)؛

انسان شناسی جنسیتی؛

انسان شناسی تاریخی؛

انسان شناسی جغرافیایی؛

انسان شناسی فرهنگی.

به نظر می رسد در نگرش شیعی و امام شناسی و تاریخ مقدس آن، انسان شناسی کلامی و عرفانی مقدم باشد؛ چرا که بر اساس نگرش شیعی، که مبتنی بر مطالعات

ص: ۳۵

تـاریخی و آموزه هـای دینی است، در انسـان هـا یک تقسـیم بنـدی کلی دوگانه وجود دارد. توضـیح اینکه بیشتر افراد بشـر، افرادی هستند با توان مندی های عادی، که از بدو تولّد، روند تدریجی رشد و شکوفایی را آغاز می کنند؛ اما انسان های دیگری نیز هستند که اگر چه از نظر جسـمی و روند طبیعی رشد، مانند دیگر انسان ها هسـتند، ولی از نظر روحانی و ابعاد فطری، به جای داشـتن روند طبیعی و تدریجی، همواره در اوج کمال به سر می برند.

جدول ابعاد فطری انسانی (که کیفیت آن باعث تقسیم بندی انسان ها می شود):(۱)

انسان، موجودی ترکیبی و دوبعدی از منظر قرآن

بعد جسمانی و فیزیکی

بعد روحانی و فطری

ویژگی ها

نیازها

ویژگی ها

نیازها

اعضا و جوارح و سیستم های بدن

غذا، هوا، پوشاک

ترک فقر و خلأ درونی

گرایش به معنایابی، تکیه گاه جویی نامحدود، حس عبادت و عبودیتِ آن معنا، معنویتِ ماورائی

غریزه جنسی

گزینش همسر و استمرار نسل

درک، توانایی، فهم و تعقل

گرایش به جست وجو و کشف و فهم وقایع، تشخیص حق و باطل، رشد و شکوفایی معرفتی و علمی

خستگی و خواب

مسکن و استراحت

درک خوبی و بدی

گرایش به خیر و گریز از شر، گرایش به عدالت در منافع، میل به مدینه فاضله جهانی

۱- برای مطالعه بیشتر در باره فطرت و گرایش های فطری انسان، ر. ک: مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۳، ص ۴۵۱؛ به ویژه ص ۴۷۴، بحث فطریات در ناحیه شناخت ها و ص ۴۸۳، فطریات در ناحیه خواست ها.

ص: ۳۶

حواس پنج گانه

مُدرَکات حسی برای ایجاد روابط با انسان ها و جهان فیزیکی

درک نظم و تناسب

گرایش به زیبایی ها، گریز از بدی ها و زشتی ها

درک اراده و آزادی و قدرت نسبی

گرایش به تولید، آفرینش و ایجاد تحوّل در پیرامون خود

درک مرگ و محدودیت زندگی زمینی

گرایش به جاودانگی

انسان های دسته نخست، در زمینه ابعاد فطری و روحانی خود، نیازمند تعلیم، تربیت و تزکیه هستند و در مسیر طبیعی رشد جسمی، رشد فطری آنها بسته به نوع انتخابشان، آنها را در نهایت، به درجات سه گانه سفید، سیاه یا خاکستری خواهد رساند.

جدول مراحل رشد موازی ابعاد جسمی – فطری انسان:

برای دیدن نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

در نگرش علمی، و همچنین از منظر اکثر فرقه ها و مذاهب، این مراحل رشد در دو حوزه جسمی و فطری، در همگی انسان ها مشترک است؛ ولی در نگرش شیعی، معدودی از انسآنها، با توجه به الگو بودنشان و نیز مسئولیت های سنگینی که باید از حق

ص: ۳۷

تعالی بپذیرنـد، این ویژگی، فعلیت تامّ و کامل دارد. همین دوگانگی در ابعاد روحانی، از نظر فعلیت در معصومان؛ و قوّه و اسـتعداد بودن در بقیه، انسان ها را به دو دسته تقسیم می کند.

جدول رابطه انسان و کمال:

برای دیدن نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

در نگرش شیعی از جهت کمال گرایی اکثر انسان ها فاقد کمال بوده و در جستجوی کمال انسانی خود هستند و در برابر، معصومان انسان های کامل هسـتند. آنها چهارده نفر بوده و شامل پیامبر صـلی الله علیه و آله و حضـرت زهرا علیها السـلام و دوازده امام علیهم السلام هستند. البته ۱۲۴ هزار پیـامبر، بـا محوریت پیامبران اولوالعزم نیز وجود دارنـد، ولی عصـمت و کمال آنها یک درجه کمتر از این چهارده نور مقدس است.(۱)

در میان چهارده معصوم، شخصیت محوری، شخص پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام است. حضرت زهرا علیها السلام ، ترجمان زنانه ای از شخصـیت معصومانه پیامبر صـلی الله علیه و آله ؛ و امیرالمؤمنین علیه السلام ، ترجمان مردانه عصمت و کمال پیامبر است. البته ترجمـان مردانه عصـمت، علم غیب و کمـال پیـامبر، تشـخص هـای گوناگونی در قالب امامت دارد. چون قرار است هر امام، پس از دوران حضـرت خاتم، رهبری تاریخی جبهه حق را به عهـده بگیرد؛ از این رو، ضـمن آن که این ترجمان، تعـدد می یابد، متناسب با وضع و نیازهای زمانه و مقطع تاریخی، تجلی و ترجمان خاصی از شخصیت پیامبر نیز هست.

۱- بر اساس طرح این جدول انسان ها در اصل انسانیت خود همگی با هم مشترک هستند چه معصوم باشند و چه غیر معصوم ، و در حقیقت، انسانیت جنس مشترک بین تمام انسان ها می باشـد. ولی کمال فصل امتیاز است. بدین معنی که کمال در معصومین فعلیت دارد ولی در دیگر انسان ها این امر استعداد وجود داشته و همه انسان ها فطرتاً در جستجوی دستیابی به آن هستند.

ص: ۳۸

این بدین معنی است که امامان، در مرتبه ابعاد وجودی شخصیت ذاتی خود، همگی نور واحدی هستند؛(۱) ولی با توجه به نیازها و وضع مقطع تاریخی خود، برخی از آن ابعاد، تجلی و نمود بیشتری می یابد.

شئون وجودی امامت:

برای دیدن عکس به فایل پی دی اف مراجعه کنید

بـا توجه به این تجلی زمـانی و تـاریخی، سـیره سیاسـی، اجتمـاعی و فرهنگی معصومان متفاوت است؛ به ویژه که امامان معصوم، در مـدیریت کلاـن خود، با سه جبهه سـفید، سـیاه و خاکستری نیز مواجه بوده انـد. جبهه سـفید، همان جامعه حق و مؤمنان است که هر امام، در مقطع زمانی خودش، مدیریت حفظ و رشد و تکامل آن را به عهده داشته است.

جبهه سـیاه، حـاکمیت سیاسـی - نظـامی باطل، همراه با تمامی جریان های همسو و حامیان فکری و فرهنگی و اقتصادی آنهاست که در تاریخ امامت، خود را در قالب نظام خلافت نشان داد.

جریان خاکستری، جوامع بین دو جبهه حق و باطل (با اولویت توده های اجتماعی در جامعه اسلامی) است که در صورت رفع موانع، آمادگی بیشتری برای پذیرش حق دارند.

با این نگاه، امام رضا علیه السـلام ؛ امام هشـتم شـیعیان است که از جهت ادوار شناسـی در دوره سوم امامت قرار داشتند. این مرحله، دوران جامعه سازی تازه ای برای مکتب تشیع بوده است.

۱- بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱، باب ۱؛ بدو ارواحهم و انوارهم و طینتهم و أنّهم من نور واحد.

ص: ۳۹

جدول ادوار شناسی کلی امامت:

برای دیدن عکس به فایل پی دی اف مراجعه کنید

جـدول بالاـ نگـاهی کلی و کلاـن به مقطع حضور تـاریخی هر یـک از معصومان است و می توان جـدولی کلی و تحلیلی از دوران امامت هر امام معصوم، با توجه به مدیریت جامعه حق و ادوار شناسی آن و نوع مواجهه با رهبران جبهه سیاه نیز ترسیم کرد.

جدول ادوار شناسی تفصیلی امامت:

دوره پایه گذاری

امام ومعصوم

جامعه شیعه

جامعه اسلامی

دشمنان

پیامبر اسلام

ایجاد محبت و اعتقاد در میان خواص نسبت به اهل بیت علیهم السلام

توصیه جامعه اسلامی به محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام

طراحی منافقان برای ناکام گذاشتن پیامبر در امر ولایت

ص: ۴۰

دوره دفاع از ولایت و خنثی کردن طرح شهادت ولیّ خدا با فدا کردن خود

امام ومعصوم

جامعه شیعه

جامعه اسلامی

دشمنان

حضرت زهرا علیها السلام

حفظ اندک شیعیان بر گرد محور ولیّ

هشدار به سرانجام ولایت گریزی

هجوم همه جانبه برای غصب خلافت و نابودی ولیّ و سپس تغییر ارزش های اسلامی

دوره بسط و گسترش ارزش های شیعی توسط اندک یاران

امام ومعصوم

جامعه شیعه

جامعه اسلامی

دشمنان

خانه نشینی امیرالمؤمنین علیه السلام

اوج فعالیت یاران برای توسعه تشیع و ارزش های شیعی به گونه ای غیرمستقیم

خستگی و خشم تدریجی جامعه اسلامی از نظام خلافت

غرور خلافت از پیروزی هایش و گسترش فساد و ...

دوره عرضه کردن الگویی از حاکمیت آرمان های شیعه

امام ومعصوم

جامعه شیعه

جامعه اسلامی

دشمنان

خلافت پنج ساله امیرالمؤمنین علیه السلام

اوج فعالیت جامعه شیعه و خواص آن

تحمل نکردن آرمان های شیعی و رها کردن و یا بحران آفرینی های پیاپی داخلی و زمین گیر کردن رهبر اسلامی

استفاده از تمامی ابزار زر و زور و تزویر برای جدایی مسلمانان از حاکمیت شیعی ونابودی نیروهای شیعی

دوره تقیه ای همه جانبه برای حفظ مکتب و نیروهای اندک

امام ومعصوم

جامعه شیعه

جامعه اسلامی

دشمنان

دوره حسنین علیهما السلام

دوره مشقت شیعه و اوج ابتلا و صبر

پذیرش ارزش های اموی و غربت اهل بیت علیهم السلام

تلاش همه جانبه برای محو فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و نابودی شخصیت ها و جوامع شیعی به گونه ای غیر مستقیم

ص: ۴۱

دوره قیامی حماسی و بیمه کردن تاریخی مکتب حق

امام ومعصوم

جامعه شیعه

جامعه اسلامی

دشمنان

حماسه عاشورای سیّدالشهداء علیه السلام

همراه و یاور امام تا شهادت در عاشورای حماسه وخون

دچار غفلت و وحشت و در نتیجه رها کردن اهل بیت علیهم السلام در قیام خود و در نتیجه غربت و مظلومیّت امام

تلاش برای وارد کردن آخرین و آشکارترین ضربه به ولیّ حق و مکتب اهل بیت علیهم السلام و نابودی کامل آن به هر قیمت، ولی ناکامی در این مسیر

دوره بازسازی مجدّد تشیع بر اساس عاشورای پیام و عرفان

امام ومعصوم

جامعه شیعه

جامعه اسلامی

دشمنان

امام سجّاد علیه السلام

نیروسازی دوباره برای تشیع در خفقان مروانیان از میان شیعیان غیر عرب و جوانان تشنه عرفان و معنویت به کمک فرهنگ و ارزش های عاشورایی

جامعه ای راکد و ساکن و خفقان زده که به سوی ابتذال فرهنگی و آشفتگی سیاسی و ظلم پذیری می رفت.

از آشفتگی های سیاسی پس از عاشورا تا قدرت گیری دوباره مروانیان و حاکمیت دوباره خفقان اموی

دوره طراحی علمی، فکری، فرهنگی و بنیادین مکتب

امام ومعصوم

جامعه شیعه

جامعه اسلامی

دشمنان

باقرین علیهما السلام

جذب شدن تدریجی جوانان علاقه مند به اهل بیت علیهم السلام به مدرسه باقرین و کسب معارف و بازگشت به مناطق خود و بسط وگسترش تشیع بر اساس نظامی فکری و فرهنگی

جامعه رو به خستگی از حاکمیت مروانیان و شروع تدریجی مبارزات اجتماعی در حمایت از شعارهای عباسیان به ویژه در ایران

شکست طرح مقابله و نابودی مستقیم اهل بیت علیهم السلام و تشیع توسط امویان و طرح جدید عباسیان برای ایجاد حکومت بر اساس تحریف و مصادره مقام اهل بیت علیهم السلام برای خود و ایجاد مسیر باطلی در جهان اسلام با شعار اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: ۴۲

دوره طراحی نظام اجتماعی شیعه به موازات نفوذ دادن نیروها در ساختار حکومتی دشمن

امام ومعصوم

جامعه شیعه

جامعه اسلامی

دشمنان

امام کاظم علیه السلام وامام رضا علیه السلام

تقویت سازمـان وکـالت امامان و ایجاد جوامع و مناطق شـیعه نشـین به موازات هجرت سادات و شـیعیان غیر عرب برای ایجاد جوامع شیعی در ایران و شمال آفریقا

جامعه اسلامی فریفته اوج شکوه ظاهری حکومت بنی عباس و ساکت در برابر علوی کشی آنها

اوج اقتـدار بنی عبـاس و ایجـاد رفـاه اجتمـاعی برای همراه کردن مردم و ایجـاد مکتبی از اهل سـنّت معتـدل در برابر اهل بیت علیهم السلام به موازات سرکوبی شدید علویان

دوره واگذاری نسبی مدیریت شیعیان به وکلا و جمع بندی نظام فکری و فرهنگی و آماده سازی برای غیبت

امام ومعصوم

جامعه شیعه

جامعه اسلامی

دشمنان

امام جواد علیه السلام

امام هادی علیه السلام

و امام عسکری علیه السلام

اوج گسترش و ثبات جوامع شـیعه و پیدایش شـهرهای شیعه نشین و نهادینه شدن فرهنگ مقابله با جریان های انحرافی و فرقه ساز و آمادگی ورود به دوران غیبت

جـامعه اسـلامی رو به انحطـاط و گرفتـار اختلافـات فرقه ای و اعتقادی و ابتـذال فرهنگی و افتادن رشـته امور علمی و حتی تحولات سیاسی به دست اقوام مهاجر غیر عرب، حاکمیت اصل اطاعت سطر از حاکم باعث رکود جهان اسلام

حکومت عباسی رو به انحطاط، بین سیاست های خشن و وادادگی در اداره امور دست و پا می زد؛ ولی حاکمیت اصل لزوم اطاعت مطلق از خلیفه حتی لا ـ وجود فسق و فجور او، خطری برای آنهـا از سوی جـامعه ایجـاد نمی کرد، پس تمام توجه آنها به سوی خطر مهدویت بود و تمام تدابیر را برای جلوگیری از آن به کار می گرفتند

ص: ۴۳

با این نگاه، برای ایده یابی در مورد زندگانی امام رضا علیه السلام ، بر اساس همان مواردی که در پیش درآمد تبیین شد، می توان جدولی ویژه طراحی کرد تا به تشریح و واکاوی تخصصی ابعاد گوناگون زندگانی و دوران امامت امام رضا علیه السلام بپردازد. در این مسیر، یکی از جدول های راه گشا و با کاربردهای فراوان، به ویژه در حوزه ایده یابی فیلم نامه ای و داستانی، جدول مطالعه ابعاد شخصیتی امام و انسان های پیرامونی اش در سه تقسیم بندی سفید، سیاه و خاکستری است. جدولی که با مبنا قرار دادن اشتراکات انسانی در انسان کامل و انسان های کمال جو در حوزه های سه گانه، سعی می کند سیرت و شخصیت امام رضا علیه السلام را به دور از فضای انتزاعی و شعاری در بستر واقعیت های تاریخی بازشناسی کند.

جدول ابعاد شخصیتی انسانی:

برای دیدن جدول به فایل پی دی اف مراجعه کنید

برای ایده یابی بر مبنای این جدول، می توان با مراجعه تخصصی به کتاب هایی همانند «موسوعه الامام الرّضا علیه السلام » که جامع اقوال و رفتارهای امام است، به بازشناسی

ص: ۴۴

ابعاد شخصیتی آن حضرت پرداخت. اگر این بازشناسی شخصیتی به صورت تطبیقی صورت بگیرد، ضمن آنکه بازشناسی تاریخ رضوی را عمیق تر می کند، فرایند ایده یابی را نیز آسان تر می کند و این بازخوانی، زندگی و شخصیت امام را به مقام فردی که پاسخ گوی نیازها و مسائل جامعه دینی معاصر است، نزدیک تر می سازد.

به عنوان نمونه، در جدول بالا، در بخش «شخصیت شناسی عاطفی»، سه ریزموضوع آورده شده است که در نگاه تطبیقی با زندگانی امام رضا علیه السلام و شخصیت های پیرامونی وی، می توان برای رسیدن به ایده های برنامه ای، و برای فهم بهتر و بیشتر شخصیت حضرت و جامعه معاصرِ ایشان، از منظر عاطفی، پرسش های زیر را در همین سهه ریزموضوع طرح کرد:

مهم ترین محورها و مؤلفه های شادی زا یا غم آفرین در زندگی امام چه هستند؟

آیا غم ها و شادی های یاران امام، نسبتی با مؤلفه های غم و شادی ایشان داشته است؟

در جامعه سیاه، چه در سطح کلان و چه خُرد، و در بین مردم مدینه و خراسان و بغداد، غم و شادی چگونه تعریف می شده، یا چگونه خود را نشان می داده، یا چه نسبتی با فرهنگ و سبک زندگی دینی آنها داشته است؟

زیدیه، به عنوان منادیان اصلاح در جامعه اسلامی، محور غم ها و شادی هایشان چه بود؟

در هر یک از غم و شادی های چهارگانه (امام، یاران امام، جبهه سیاه، جریان خاکستری)، کدام یک دارای مستندات دینی و عقلانی بوده و کدام برآمده از احساس زدگی صرف است؟

از نمونه مباحث بسیار خوب دیگر در همان نگاه تطبیقی، «شخصیت شناسی مدیریتی» است. اگر زیرمجموعه ها و ریزموضوع های بحث مدیریت، با این طیف های سه گانه در مقطع زمانی بیست ساله دوران امامت حضرت رضا علیه السلام ، بررسی و بازکاوی شود، می توان ایده ها و نکته های فراوانی برای برنامه سازی و یا پژوهش استخراج کرد.

در این مرحله، به عنوان نمونه، گزارشی اجمالی از شخصیت شناسی عبادی و معنوی امام رضا علیه السلام آورده می شود؛ چرا که در ابعاد چهارگانه روابط انسانی، رابطه با خدا، مهم ترین و مبنایی ترین رابطه در نگاه دینی است و در مقام شخصیت شناسی امام در

ص: ۴۵

حوزه های گوناگون سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، بن مایه اصلی حضور و اثرگذاری های گفتار و سیرت امام، همین بن مایه عبادی و معنوی است.

شخصیت شناسی معنوی و عبادی امام رضا علیه السلام

شخصیت شناسی معنوی و عبادی امام رضا علیه السلام

به عنوان پیش درآمد، در مقام بازشناسی شخصیت عبادی امام و به عنوان یکی از جامع ترین روش ها، که هم بیان گر شخصیت شناسی عبادی امام و هم بیان گر نمود های تاریخی ایشان است، می توان به بازشناسی القاب امام توجه کرد.

القاب امام و جدول تقسیم بندی آن:(۱)

القاب عبادی معنوی

الرّاضی الی الله، الرّاضی بالقَدَر و القضاء، الرّضا، سراج الله

القاب اخلاق فردی

الصّدیق، الصّابر، الفاضل، الوفی، عالم آل محمد، شمس الشّموس

القاب سیرت اجتماعی

معین الضعفاء، قرّه عین المؤمنین، ضامن الامّه، کافی الخلق، انیس النّفوس، غیظ الملحدین، الدّاعی الی الله

در میان القاب امام هشتم، «رضا»، مشهورترین لقب آن حضرت است. درباره منشأ انتساب این لقب به آن حضرت، برخی گمان کرده اند این لقب را مأمون پس از آغاز ولایت عهدی به امام داد تا شعار تاریخی «الرّضا من آل محمد» را بر ایشان تطبیق دهد و فتنه های حکومتش را بخواباند. این در حالی است که جامعه شیعه از آغاز امامت و تحت تأثیر فرهنگی که از امام کاظم علیه السلام آموخته بودند، آن حضرت را به لقب «رضا» می شناخت.

بزنطی به امام جواد علیه السلام عرض کرد: گروهی از مخالفان شما گمان می کنند که لقب «رضا» را مأمون به پدر شما داد. امام جواد علیه السلام فرمود: «این کذب است. این لقب را خداوند به ایشان داده بود، به سبب اینکه ایشان پسندیده خداوند در آسمان و پسندیده رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان در روی زمین بود، چنان که موافقان و مخالفان هم از او خشنود بودند».(۲)

۱- بحارالانوار، ج ۴۹، باب ۱؛ ولادته و القابه و کناه و نقش خاتمه و احوال امّه صلوات الله علیه.

۲- بحارالانوار، ج ۴، ص ۴۶.

ص: ۴۶

می توان حدس زد که مأمون پس از ولایت عهدی، با شیطنت قصد داشته لقب عبادی، اخلاقی و سیاسی مشهور آن حضرت را، که در برابر طیف های گوناگون باطل قرار داشته و همچنین دارای بار و معنایی سیاسی علیه خلافت بوده، با سوء استفاده سیاسی - تاریخی، تبدیل به مؤید و امضایی برای خلافت عباسی کند؛ چرا که شعار «الرّضا من آل محمد» از اواخر خلافت مروانیان، تبدیل به شعاری سیاسی شده بود که عباسیان با بزرگ نمایی و تحریف آن، خلافت را به دست گرفتند؛ ولی چون خلافت آنها به مسیر باطل رفت، زیدیه این شعار را مبنای قیام های خود قرار دادند.

در برابر هر دو حکومت مروانیان و عباسیان، مدیریت غیبی - تاریخی معصومان قرار داشت؛ مدیریتی که از احادیث و فرمایش های پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام شروع شده است. پیشینه و ریشه لقب «رضا» برای امام هشتم نیز، از آنجا آغاز و امامان، و به ویژه امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام هم، بر آن تأکید فراوان کرده اند. معنی این مطلب این است که معصومان با آگاهی های غیبی آینده نگر خود، می دانسته اند پس از گذشت نیم قرن از خلافت عباسی، حقیقت باطل آن بر همگان آشکار می گردد و همچنین، صادق نبودن جریان زیدیه هم مشخص خواهد شد؛ در نتیجه در این زمان، هم عباسیان و هم علویانِ زیدی، در مقابل شعار «الرّضا من آل محمد» خلع سلاح خواهند گردید؛ چرا که اصولاً یا تعریفی درست و روشن از این شعار ندارند (همانند عباسیان) و یا این که مصداق مشخص و جامعی برای آن ندارند (همانند زیدیه). بنابراین، در این وضعِ خلأ و حیرت و آشفتگی، لقب «رضا» تنها برای امام هشتم شیعیان صدق می کند و ایشان، مصادیق «رضا» را در جریان امامت و در الگویی تاریخی تعریف خواهد کرد تا لقب و صفت «الرّضا» را در سطوح گوناگونِ رضایت الهی تا رضایت پیامبر و رضایت دوست و دشمن، با سیرت و اخلاق خود نشان دهد.

با این نگاه، ابعاد برجسته سیره عبادی و معنوی امام رضا علیه السلام چنین است:

نماز

در طول سفر به خراسان، فرمانده مأمورِ آوردن حضرت، او را کثیرالصلوه توصیف کرده است.

در مدت اقامت در خراسان، نمازهای او را یادآور نمازهای پیامبر توصیف کرده اند.

مدتی که در سرخس زندانی شد، زندان بانان، امام را به کثرت نماز ستوده اند.

قرآن

ابراهیم ابن عباس می گوید: تمام سخنان و جواب ها و مثال های آن حضرت از قرآن بود و در هر سه روز، یک بار قرآن را ختم می کرد و می فرمود: اگر می خواستم

ص: ۴۷

می توانستم قرآن را در کمتر از سه روز ختم کنم؛ و لیکن من هر گز به آیه ای نگذشتم، مگر آن که درباره آن آیه و اینکه درباره چه چیز و چه وقت نازل شده است، می اندیشم.

در طول سفر به خراسان، شب ها در بستر خواب زیاد قرآن می خواند و هر گاه به آیات بهشت و جهنم می رسید، گریان می شد و از خدا طلب بهشت و نجات از جهنم را داشت.

روزه

امام در طول سفر به خراسان، هر گاه بیش از ده روز در جایی می ماند، روزه می گرفت.

مسجد

امام در مدینه، به غیر از برنامه های عبادی خود، در مسجد پیامبر می نشست تا محل مراجعه علما و مردم در مسائل علمی باشد.

حج

به جز زمانی که در سفر خراسان بود، هر سال به سفر حج می رفت.

دعا

فراوانی دعاهای رسیده از امام برای حاجت ها و حالت ها و اوقات عبادی و نماز ها، نشان گر انس ویژه امام با دعا است.

در همین زمینه، سخن رجاء ابن ابی ضحاك، فرمانده نیروهایی که مأمور آوردن امام به خراسان بود، شاید جامع ترین توصیف از شخصیت عبادی و معنوی امام، در کنار معرفی تأثیرات اجتماعی حضور ایشان باشد. او پس از بازگشت به مرو، به مأمون چنین گزارش داده است: به خدا قسم، من مردی متقی تر از او ندیدم. او کسی است که در همه اوقاتش به یاد خدا بود و ندیدم کسی را که بیش از او از خدا بترسد. هر گاه صبح می شد، نماز صبح را به جای می آورد و پس از آن، به ذکر و عبادت مشغول می شد تا طلوع آفتاب، پس سر به سجده می گذاشت تا روز بالا می آمد. در این هنگام مردم را می پذیرفت و با آنها حدیث و موعظه می فرمود تا نزدیک زوال ظهر. پس تجدید وضو می کرد و آماده مناسك ظهر وعصر خود می شد ... و بیشتر وقتِ بین نماز عصر تا مغرب را به تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلیل می پرداخت. پس از مغرب و اقامه نمازهای مغرب و عشا، همراه با تعقیب های فراوان، به صرف شام می پرداخت و سپس استراحت می کرد تا ثلث آخر شب فرارسد؛ پس در آن هنگام برمی خاست و به اقامه نماز شب می پرداخت و در بین آن، نماز جعفر را می خواند. سپس فراوان استغفار می کرد و قرآن می خواند تا وقت نماز صبح شود و ... (۱).

۱- عیون اخبار الرّضا، ج ۲، ص ۱۷۸.

ص: ۴۸

این توصیف فرمانده جبهه سیاه از سیر و سلوک عبادی امام، تنها توصیفی از عبادت های امام نیست؛ بلکه در ضمن آن، توصیفی از تأثیرات اجتماعی حضور امام و عبادات ایشان نیز هست. تأثیرات سیاسی - اجتماعی سیره عبادی امام را، به مراحل و مباحث بعد، خصوصاً به فصل ویژه ولایت عهدی ایشان واگذار می کنیم و در اینجا فقط به این نکته اشاره می شود که در مورد سیره عبادی و معنوی آن حضرت، آنجا که کارکردی اجتماعی می یافت؛ (همانند برگزاری نماز عید) امام پیش شرطی داشت و آن اقامه نماز بر سیرت و سنّت پیامبر بود. این سخن بدین معنا است که: در جامعه اسلامی آن روز، همانند آن چه امروزه مشاهده می شود، سیرت و سنّت عبادی و معنوی در سراسر جهان اسلام، به ویژه در طبقه علما و زهاد، شیوه های گوناگون و فراوانی داشته است و در آن عبادت ها و عبودیت ها، شاید چندان نشانی از سیرت و سنّت عبادی پیامبر یافت نمی شد.

این در حالی است که، سیرت و سنّت عبادی امام معصوم، ضمن این که عبادتی مخلصانه با حق تعالی است، به دور از جامعه گریزی صوفیانه است و آثار و کارکردهای تربیتی و اخلاقی و اجتماعی فراوانی دارد. از همین روست که در تلاشی تاریخی، جبهه باطل همیشه سعی کرده است حتی عبادت ها و عبودیت های اهل بیت علیهم السلام ، کمتر به چشم جامعه اسلامی بیاید.

اکنون با این پیش درآمد مختصر از شخصیت شناسی کلی امامت و امام رضا علیه السلام ، گاه شمار تفصیلی زندگانی امام را عرضه می کنیم تا پیش درآمدی بر مباحث تحلیلی و ایده یابی بعدی باشد.

ج) جدول گاه شمار تاریخی دوران امامت امام رضا علیه السلام

اشاره

ج) جدول گاه شمار تاریخی دوران امامت امام رضا علیه السلام

برای بازشناسی بهتر دوران امامت امام رضا علیه السلام و کشف ابعاد گوناگون سیره های سیاسی و اجتماعی آن حضرت، در آغاز باید به جدول گاه شمار دوران امامت آن حضرت بپردازیم؛ چرا که در این جدول، با شناسایی رویدادها و چیدمان آنها بر اساس روند و توالی زمانی، می توان در ضمن شناسایی رویدادها، به مطالعه میزان تأثیر این حوادث بر همدیگر پرداخت و در ضمن آن، کشف کرد که در هر یک از جبهه های حق و باطل، روند اوضاع به سوی شکوفایی است یا انحطاط یا روزمرّگی؟ همچنین با توجه

ص: ۴۹

به وجود جریان های موازی حق و باطل، به رصد و شناسایی تعاملات و درگیری ها و پیروزی ها و شکست های این دو جبهه، در مواجهه با هم در طول این دو دهه پرداخت.

بر این اساس، پیش از مطالعه جدول گاه شمار دوران امامت امام رضا علیه السلام ، توجه به نکات زیر ضروری است:

الف) ساختار کلی این بخش

الف) ساختار کلی این بخش

ساختار این جدول، بر اساس نگاه سه گانه سفید، خاکستری و سیاه است.(۱) منظور از «جریان سفید»، جریان امامت و جبهه شیعیان و پیروان آن حضرت است.

منظور از «جریان خاکستری»، جریان و خط فکری و اجتماعی زیدیه است؛ جریانی که چون از یک سو، ریشه در قیام های علویان داشته، دارای شعارها و ریشه های بعضاً مثبت بوده است؛ ولی از آنجا که روش های آنها را، غالباً معصومان تأیید نکرده اند؛ و یا نتایج اعمال آنها به نفع جبهه حق نبوده است، نمی توان آنها را کاملاً با دید مثبت نگریست؛ به ویژه این که در دوران امامت امام رضا علیه السلام ، فاصله گیری این نهضت از جبهه حق نیز بیشتر می شود، اما این فاصله گیری تا بدان حد نیست که آنها را به گونه ای کامل در برابر جبهه حق قرار بدهد.

منظور از «جریان سیاه»، تمامی جریان ها و مکتب ها و گرایش های اسلامی است که در برابر مسئله امامت، بر محور خلافت متمرکز بودند. این جریآنها، اعم از اینکه طرف دار خلافت عباسیان باشند یا نه، همین که اندیشه خلافت پس از رحلت پیامبر را پذیرفته اند، در جبهه باطل قرار می گیرند و از این منظر، تفاوتی نمی کند که در کنار پذیرش اندیشه خلافتِ غیر معصوم، تطوّرات و تحولات تاریخی خلافت را هم پذیرفته اند یا نه، با خلفای موجود سرِ سازگاری داشته اند یا نه. از این منظر، جبهه و جریان سیاه، در این پژوهش، شامل موارد زیر است:

جریان سیاسی خلافت عباسی و تمامی درگیری های داخلی آن ها؛

۱- درباره مبنای این تقسیم بندی سه گانه، و در خصوص امر گروه خاکستری می توان به آن دسته از آیات قرآنی تمسک کرد که به مسلمانانی اشاره می کنند که دارای عمل مخلوط بوده و پرونده اعمال آنها به قیامت واگذار می شود. همانند آیه : وَ آخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَ إِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (توبه: ۱۰۶).

ص: ۵۰

تمام جریان های سیاسی معارفی غیر شیعی، همانند خوارج، قیام های غیر اسلامی، قیام ها و شورش های احیاگرِ خلافت اموی و مدعیان دیگر؛

تمامی جریان های علمی و فکری و کلامی و فقهی که مبتنی بر اندیشه خلافت باشند.

از این منظر، ساختار کلی جدول گاه شمار آتی چنین است:

این جدول، بر اساس ادوار بیست ساله امامت امام رضا علیه السلام ، سال به سال جلو رفته و در هر سال، اگر حادثه مهم و شایسته توجهی رخ داده باشد، به صورت اجمالی به آن اشاره شده است. در بین این حوادث، رابطه حوادثِ خاکستری یا سیاه، با رویدادهای جبهه حق، گاه آشکار و روشن است؛ همانند رابطه بین برافتادن برمکیان (در جبهه باطل و سیاه) و ایجاد آزادی نسبی برای امام و شیعیان و کم رنگ شدن تقیه (در جبهه حق و سفید) که باعث بیشتر شدن قدرت حرکت و امکان فعالیت بیشتر شیعیان در برابر جریان باطل واقفیه (از دیگر شاخه های جبهه سیاه) شد.

گاه نیز درک و دریافت این رابطه ها و نسبت ها، نیازمند دقت و توجه و مطالعات سیاسی و اجتماعی است؛ مثلاً رابطه حضور یا سفر و مرگ یکی از علمای برجسته عامه بر زندگی و سیره امام رضا علیه السلام . در این باره، در مباحث ایده یابی، که پس از جدول آورده خواهند شد، بیشتر صحبت خواهیم کرد.

ب) منابع و مآخذ این بخش

ب) منابع و مآخذ این بخش

در این بخش، برای رعایت اختصار، از ارجاعات موردی و مفصل در جدول ها پرهیز شده، ولی در برابر، سعی شده است در استخراج رویدادها، به معتبر بودن و تنوع منابع توجه شود.

فهرست منابع اصلی بخش گاه شماری چنین است:

در بخش سفید جدول، مهم ترین منبع، «موسوعه الامام الرّضا علیه السلام » تألیف سیدمحمد حسینی قزوینی و همکاران نشر مؤسّسه ولیّ عصر(۱) و جلد ۴۹ «بحارالانوار» است. در بخش شخصیت شناسی یاران امام، کتاب «راویان امام رضا علیه السلام در مسند امام رضا علیه السلام » نوشته عزیزالله عطاردی، منابع و مراجع جدول بوده اند.

۱- برگرفته از نرم افزار حریم توس.

ص: ۵۱

در بخش خاکستری، مهم ترین منبع، کتاب «مقاتل الطالبین» اثر ابوالفرج اصفهانی و سپس جلد ۴۹ «بحارالانوار» و کتاب «تاریخ طبری» است.

در بخش سیاه، در مباحث سیاسی، «تاریخ طبری» و در شخصیت شناسی علمی، جلد های دهم تا پانزدهم «تاریخ الاسلام»(۱) اثر ذهبی و نیز موسوعه «طبقات الفقهاء» و همچنین «تاریخ الفقه الاسلامی و ادواره» از آثار منتشرشده آیت الله جعفر سبحانی(۲)، مرجع و منابع اصلی هستند.

در همین جا یادآور می گردد در چیدمان حوادث، در بیشتر موارد، زمان رویداد و حادثه در منابع فوق، ذکر شده بود و تنها در برخی از موارد بود که به قرینه رویدادهای موازی و یا آثار و نتایج آن حادثه، زمان حادثه حدس زده شده است.

ج/۱: گاه شمار اجمالی پیش از امامت امام رضا علیه السلام

سال

رویداد

۱۴۸ (و یا ۱۵۳) ه . ق.

تولد امام رضا علیه السلام در مدینه.

۱۷۰ تا ۱۷۹ ه . ق.

ازدواج در ضمن این سال ها با پول و مَهری که علی ابن یقطین به صورت ویژه برای امام کاظم علیه السلام به همین منظور فرستاده بود.

به نوشته حاکم نیشابوری، در جوانی، در مسجد پیامبر می نشست و فتوا می داد.

در سال ۱۷۸ و ۱۷۹: برنامه ریزی گسترده امام کاظم علیه السلام پیش از زندانی شدن، برای اعلام ولایت و وصایت فرزندش امام رضا علیه السلام ، همانند اعلام وصایت امام رضا پس از خود در وصیت نامه ای مکتوب که به شهادت و امضای شصت نفر از بزرگان مدینه رسید.

برقراری دو جلسه جداگانه سی نفره و هفده نفره از بنی هاشم که در آنها، امام وصایت را اعلام کرد.

اعلام وصایت ایشان در جمع فرزندانش.

۱- تمامی آثار تاریخی برگرفته از نرم افزار سیره معطومان و نرم افزار نور السیره.

۲- برگرفته از نرم افزار مجموعه اثار آیه الله سبحانی.

ص: ۵۲

اعلام وصایت ایشان در مسجدالنّبی در جمع نمازگزاران و اهل مدینه، از عامه و خاصه.

امام در اواخر این دهه، نسبت به خطر واقفیه هشدار داد و پیدایش آنها را پیش بینی کرد.(۱)

۱۷۹

دستگیری امام کاظم علیه السلام به دستور هارون و انتقال ایشان به بصره و سپس به بغداد و آغاز دوران چهار ساله زندانی شدن امام.

در این زمان، از یک سو امام رضا علیه السلام جانشین ایشان در مدینه بود و گه گاه نیز نامه های پدر به ایشان می رسید که امام کاظم علیه السلام در آنها بر وصایت امام رضا علیه السلام تأکید مجدد می کرد.

در این سال ها، زندانی بودن امام کاظم علیه السلام ، باعث انباشت موقت اموال و حقوق شرعی در نزد برخی از وکلای ایشان در کوفه و بغداد و مصر شده بود و این امر، تدریجاً باعث وسوسه و طمع آنها شد، ولی آنها تا امام زنده بود، در این باره ادعایی نکردند.

ج/۲: گاه شمار تفصیلی دوران امامت امام رضا علیه السلام

۱۸۳ ه . ق.

سفید

آغاز امامت حضرت رضا علیه السلام از ۲۶ رجب. در چند روز آغازین امامت، ایشان به شدت زیر نظر جاسوسان هارون الرّشید، به ویژه فردی به نام «زبیری» بود که از خاندان معروف زبیر بود. امام با رعایت تقیه و انجام دادن رفتارهایی که باعث رسوایی آنان شد، به تدریج امامت خود را آشکار کردند.

دیدار «حبّابه والبیه»، بانویی که از دوران خلافت امام علی علیه السلام زنده بود و مطالبه معجزه ای از امام رضا علیه السلام . این کار، برنامه همیشگی او در آغاز امامت امامان، از امام اول تا زمان امام رضا علیه السلام بوده است. امام، ضمن آوردن معجزه ای که نشانه امامت ایشان بود، در حق او دعا کرد تا جوان شود و

۱- در مورد مدیریت امام کاظم علیه السلام درباره آگاه سازی و آماده سازی جامعه شیعه نسبت به وصایت امام رضا، ر. ک: آیین برنامه سازی زندگانی امام کاظم علیه السلام. ص ۳۷۹.

ص: ۵۳

ضمن بیـان این که رحلت او نزدیـک است، به وی وعـده داد در آینـده، جزو بانوان رجعت کننـده خواهـد بود. حبّابه شـش ماه بعد رحلت کرد.

دیـدار محمد ابن فضل هاشـمی، از خواص شـیعه، با امام. او کمی پس از به امامت رسـیدن امام رضا علیه السـلام ، از عراق به مدینه آمـد و اخبـار و شـبهات نگران کننـده در جـامعه شـیعه را به امـام عرض کرد. امام از او خواست که به بصـره برود و سه روز پس از ورودش، بزرگـان شـیعه و غیر شـیعه بصـره را برای دیـدار با امام آماده کنـد. امام در روز موعود به بصـره رفت و در مـدت دو روز، جلساتی با علمای بصره برگزار و امامت خود را اثبات کرد. پس از آن، هاشمی را مأمور کرد به کوفه برود و جلسه آنجا را هم برای روز سومِ پس از ورود ایشان آماده کند.

نامه نگاری شیعیان عراق با امام درباره جریان واقفیه و پاسخ های سریع و صریح و قاطع امام به آنها.

خاکستری

سیاه

پس از شـهادت امام کاظم علیه السـلام ، به دستور خلیفه، فقها و علمای شهر احضار شدند تا پیکر ایشان را مشاهده کنند و بر طبیعی بودن رحلت و نبود شکنجه و نشانی از مسمومیت بر پیکر ایشان شهادت دهند و آنها نیز چنین کردند.

منازعه عباس ابن امام کاظم علیه السـلام ، یکی از برادران امام رضا علیه السـلام با وی، درباره وصایت و وراثت پدرشان و کشاندن این نزاع به نزد قاضی مدینه؛ که در نهایت، باعث رسوایی او نزد بنی هاشم، قاضی و اهل مدینه شد.

پیدایش جریان واقفیه توسط سه وکیل بزرگ امام کاظم علیه السلام و به سبب طمع آنها در اموالی که نزدشان جمع شده بود.

آغاز تلاش رهبران واقفیه در عراق و مصـر و حجاز برای جذب عوام و خواص شـیعه، با تطمیع مالی و تحریف در احادیث مهدویت و امامت و سوء استفاده آنها از تقیه و محدودیت های امام در آغاز امامتش.

برنامه ریزی سران واقفیه برای استفاده از فرصت حج برای منازعه با امام و همچنین آغاز تبلیغات خود در میان شیعیان.

ص: ۵۴

اعلام مجدد ولایت عهدی مأمون پس از امین و مؤتمن و تقسیم سرزمین های خلافت بین آن سه نفر.

۱۸۴ ه . ق.

سفید

رحلت مزاحم ابن حکیم در حوالی همین سال (بعد از ۱۸۳ ه . ق.). در زمان دستگیری امام کاظم علیه السلام ، هارون مزاحم را احضار کرد تا او را به شهادت برساند، ولی او با تقیه و زرنگی نجات یافت.

خاکستری

مرگ علی ابن عبدالعزیز، از علمای بصره، که از اصحاب امام صادق علیه السلام و نیز استاد برخی ازعلمای اهل سنّت و همچنین قاضی بصره بود. در رجال اهل سنّت، به علت گرایش های شیعی اش تضعیف شده بود.

سیاه

ابراهیم ابن اغلب، والی آفریقا، قیام و دولت موقت ادریس ابن عبدالله ابن حسن حسنی را در غرب آفریقا شکست داد و حاکم سراسر شمال آفریقا شد و حکومت «بنی اغلب» را با کمک عباسیان پایه گذاری کرد.(پیش از ابراهیم ابن اغلب، والی آفریقا، از سوی هارون الرّشید، محمد ابن مقتل بود که دارای گرایش های شیعی بود و برنامه هایش اعتراض عامه و عباسیان آفریقا را به دنبال داشت، پس درخواست عزل او را کردند).

اسحاق راهویه تمیمی مروزی، از خراسان به عراق و شام و یمن و حجاز آمد تا به کسب حدیث و علم بپردازد. در مدینه، شاگردی «امام شافعی» را کرد؛ ولی نزد امام رضا علیه السلام دیده نشد. در سفر امام رضا علیه السلام به مرو، او بزرگِ علمای نیشابور بود.

۱۸۵ ه . ق.

سفید

خاکستری

سیاه

محمد ابن بشیر، یکی از واقفی ها، با ترکیب واقفیه و غلو (اعتقاد به تفویض) و شعبده بازی، عده ای را گرد خود جمع کرد و فرقه ای به نام «بشیریه» ایجاد کرد.

ص: ۵۵

چون به واسطه شعبده بازی خبر او بالا گرفت، در همین زمان به دستور خلیفه دستگیر شد تا با عنوان زندیق اعدام شود، ولی او از خلیفه خواست او را زنده نگه دارد تا با شعبده و شگردهای علمی برای او کارهای خارق العاده انجام دهد. (یکی از کارهایش شیوه ای ابتکاری برای کشیدن آب از رود یا چاه به مزارع بود).

۱۸۶ ه . ق.

سفید

در طول اقامت هارون الرّشید در مدینه، شبی او تصمیم به کشتن امام گرفت و ایشان را هم احضار کرد. امام پس از توسل و خواندن دعایی خاص، نزد او رفت. هارون ناگهان از تصمیم خود بازگشت و امام را اکرام کرد و بازگرداند.

امام در پایان این سال، در مراسم حج، در عرفات، برای برافتادن برمکیان، به علت ظلم هایی که به امام کاظم علیه السلام کردند، دعا کرد.

خاکستری

سیاه

اولین سفر حج هارون الرّشید، پس از شهادت امام کاظم علیه السلام و آغاز امامت امام رضا علیه السلام . در این سفر، برخی همراهان هارون، وی را علیه امام وسوسه کردند، ولی خطری متوجه امام نشد. در این سفر، برخی از علمای مدینه جذب دربار هارون شدند؛ همانند واقدی، مورخ معروف و وهب ابن وهب محدث. این در حالی بود که غالباً در سفرهای حج هارون، در حدود سیصد نفر از فقها و فرزندان آنها هارون را همراهی می کردند.

هارون در مکه، ممالک اسلامی را بین سه پسرش امین و مأمون و مؤتمن تقسیم کرد و به ترتیب خلافت، از آنها پیمان گرفت و عهدنامه ای را با امضای فرزندانش در داخل کعبه به امانت گذاشت.

۱۸۷ ه . ق.

سفید

رحلت معاذ ابن مسلم کوفی نحوی، از شاگردان معمّر امام صادق علیه السلام که اولین کسی بود که در علم صرف کتاب نوشت و علمای ادبیات عرب، به ویژه «کسائی» با او حشر و نشر بسیاری داشتند. کُمیتِ شاعر از دوستانش بود. او در مسجد کوفه برای شیعه و غیر شیعه فتوا می داد.

ص: ۵۶

امام رضا علیه السلام پس از آغاز برافتادن برمکیان، به شیعیان فرمود: مسئله امامت ایشان و اخبار و احادیث آن را، بدون هیچ مانعی منتشر کنند. (بر اساس پیش بینی و برنامه ریزی امام کاظم علیه السلام ، فرزندش تا چهار سال پس از شهادت ایشان، در تقیه و خطری ویژه است و پس از آن، موانع برای ایشان برطرف خواهد شد).

امام، پس از آغاز زوال برمکیان و رفع خطر، از یارانش خواست که آشکارا و گسترده با واقفی ها محاجّه و مباحثه کنند و اندیشه آنها را باطل سازند.

خاکستری

سیاه

آغاز زوال برمکیان با قتل جعفر برمکی و برافتادن خاندان ایشان که از عاملان شهادت امام کاظم علیه السلام بودند، به دعا و نفرین امام رضا علیه السلام . پس از برمکیان، فضل ابن ربیع، وزیر هارون شد و عباسیان و زبیده، همسر هارون، در دربار غلبه پیدا کردند. این اتفاق منجر به تضعیف گرایش فارسی و غلبه گرایش عربی در دربار و مدیریت هارون شد.

مرگ فضیل ابن عیاض، عالم و صوفی معروف جهان اسلام. او اصلی خراسانی داشت و در کوفه ساکن بود، ولی در آخر عمرش مقیم و مجاور مکه شد. او با هارون دیدارهایی داشت و آرزوی او بود که خداوند از عمر او بکاهد و به عمر هارون بیفزاید! چون که مرگ هارون را نقطه آغاز اختلاف ها و فتنه های سیاسی و کلامی می دید و معتقد بود: با مرگ هارون نظریه خلق قرآن، که از منظر او باطل بود، گسترش خواهد یافت.

۱۸۸ ه . ق.

سفید

رحلت جریر ابن عبدالحمید، از یاران ایرانی امام صادق علیه السلام .

خاکستری

احمد ابن عیسی ابن زید علوی، که تنها قیامِ زیدی دوران هارون را شکل داد، ولی با تدبیر برمکیان، بدون جنگ و خون ریزی، به مصالحه با هارون رسید و از او امان داشت، در این سال به فتوای برخی علمای درباری دستگیر و زندانی شد؛ ولی او خیلی زود از زندان گریخت و در بصره به جمع آوری نیرو پرداخت، ولی چون تحت تعقیب جاسوسان قرار گرفت، متواری شد و دیگر از او خبری نشد!

ص: ۵۷

سیاه

آخرین سفر حج هارون، که در حقیقت آخرین سفر حج انجام شده خلفای بنی عباس هم بود.

۱۸۹ ه . ق.

سفید

رحلت هشام ابن حکم، از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام ، پس از تحمل سال ها زندگی مخفیانه و غربت و تقیه شدید از زمان شهادت امام کاظم علیه السلام تا آن سال. رحلت او به علت تحت تعقیب بودن از سوی هارون عباسی، در کوفه و در گم نامی رخ داد.

حمزه ابن یسعِ اشعری، بزرگِ قمی ها در زمان هارون، از او خواست که شهر قم را از جهت اداری از اصفهان جدا کند و او نیز پذیرفت. بدین گونه، شهر قم پس از سال ها از زیر ستم و فشار شهری که در تسنّن متصلّب بود، نجات یافت. (این اتفاق به احتمال زیاد در این سال و در طول اقامت هارون در ری رخ داده است).

خاکستری

سیاه

اولین سفر هارون به خراسان برای دفع شورش رافع ابن لیث در ماوراءالنّهر. او در این سفر تا ری رفت و در آنجا تحت تأثیر هدایای فراوان علی ابن عیسی ابن ماهان، حاکم ظالم خراسان قرار گرفت و از او راضی شد و دوباره به بغداد بازگشت.

مرگ کسائی، عالم نحوی معروف که دارای گرایش های شیعی بود و استاد فرزندان هارون در ضمن سفر او به ری بود.

مرگ محمد ابن حسن شیبانی، شاگرد دوم ابوحنیفه و شاگردِ شاگرد او ابویوسف قاضی. او پس از مرگِ ابویوسف، مدتی برای هارون قضاوت بغداد را بر عهده گرفت، ولی پس از مدتی عزل شد؛ امّا همواره مصاحب هارون بود تا این که در رکاب او به ری آمد و در همان جا مرد. او یکی از مروجین مهم مکتب ابوحنیفه در جهان اسلام در زمان خود بود.

مرگ یوسف ابن خالد بصری از آخرین شاگردان ابوحنیفه و اولین مروج مکتب فقهی او در بصره.

ص: ۵۸

۱۹۰ ه . ق.

سفید

رحلت حماد ابن عثمان فزاری از خواص شیعه. او یکی از اصحاب اجماع است که از جهت شاگردی، شاگرد امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام شمرده شده است. او ساکن کوفه بود.

خاکستری

سیاه

ظلم و ستم علی ابن عیسی ابن ماهان در خراسان، باعث گسترش شورش رافع ابن لیث در سمرقند و در دیگر مناطق شد. این قیام به مدت شش سال، مهم ترین دغدغه و نگرانی هارون و خلافت عباسی بود، چرا که روز به روز گسترش می یافت.

۱۹۱ ه . ق.

سفید

رحلت عاصم ابن حمید حناط از شاگردان امام صادق علیه السلام و استاد بسیاری از محدثین بعدی شیعه.

خاکستری

مرگ مسلمه ابن فضل ابرش رازی، قاضی ری. او شاگرد سفیان ثوری بود، ولی علمای ری چندان تمایلی به او نداشتند، چرا که متهم به تشیع بود.

سیاه

۱۹۲ ه . ق.

سفید

خاکستری

سیاه

مسلمان شدن فضل ابن سهل به دست مأمون. این در حالی بود که پیش از آن، فضل و برادرش حسن، توسط برمکیان جزو خدمت گزاران و کارگزاران مأمون قرار گرفته بودند.

مرگ علی ابن ظبیان کوفی، شاگرد ابوحنیفه و استاد شافعی، قاضی القضات بغداد در زمان هارون که در رکاب او به کرمانشاه آمد و همان جا مرد.

آغاز اولین مرحله از شورش بابک خرم دین در آذربایجان؛ شورشی که در آغاز، کوچک و محدود نشان می داد، ولی در سال های بعد تبدیل به قیامی بزرگ شد.

ص: ۵۹

۱۹۳ ه . ق.

سفید

حسین ابن قیاما، یکی از واقفی ها، با امام دیدار کرد و برخی از روایات و استدلال های واقفیه را به امام عرض کرد و امام به دفع شبهات و تحریف های آنها پرداخت.

رحلت عبدالله ابن سنان کوفی، از خواص اصحاب امام و استاد بسیاری از محدثین شیعه، همانند ابن ابی عمیر و ابن محبوب و یونس. او ساکن بغداد و خازن منصور و هارون بود.

خاکستری

رحلت محمد ابن اسماعیل، بنیان گذار دعوت اسماعیلیه و جانشینی فرزندش عبدالله.

مرگ ابوبکر ابن عیاشِ قاری، شاگرد عاصم در کوفه. او یکی از راویان قرائت قرآن است. استادش شیعه و او سنّی بود.

سیاه

سفر هارون به خراسان برای دفع شورش روزافزون رافع ابن لیث و مرگ ناگهانی او در توس.

به خلافت رسیدن امین در ۲۲سالگی در بغداد و مستقر شدن مأمون در ۲۳سالگی در مرو، به عنوان استاندار تمامی خراسان و مناطق غربی ایران.

تصمیم شتاب زده امین برای خلع مأمون و مؤتمن و جانشین کردن پسرش موسی به جای آنها.

ابراز ناراحتی شدید برخی از علمای جهان اسلام از مرگ هارون، چرا که مرگ او را نقطه آغاز فتنه های سیاسی و مصائب فکری (گسترش نظریه مخلوق بودن قرآن) می دانستند.

آغاز حکومت سه ساله خوارج تا سال ۱۹۵ ه . ق. در الجزایر؛ حکومتی کوتاه و کوچک که خیلی زود نابود شد.

مرگ ابن علیه بصری، از علمای بزرگ اهل سنّت و متولّی صدقات بصره و مظالم بغداد در دوران هارون و استاد احمد ابن حنبل و بسیاری دیگر.

قصد امین برای سفر حج و ممانعت وزیرش فضل ابن ربیع از آن و فرستادن مادرش زبیده به جای او به سفر حج و اقدامات عمرانی زیادی که او در مکه انجام داد.

ص: ۶۰

۱۹۴ ه . ق.

سفید

احمد ابن عامر طایی، از نوادگان یکی از شهدای کربلا، با امام ملاقات کرد و از آن پس مؤذّن آن حضرت و امام جواد علیه السلام شد.

امام در اوج تبلیغات سوء واقفی ها و برخی شکاکان دیگر، و به ویژه در ضمن مراسم حج، خبر از تولد قریب الوقوع فرزندش را داد.

خاکستری

هجرت عبدالله ابن محمد ابن اسماعیل ابن امام الصادق علیه السلام به سلمیه در شام، به صورت مخفیانه، به همراه یارانش و طراحی نظام مخفیانه و سرّی دُعات اسماعیلی و تلاش آغازین برای گسترش دعوت بر اساس ساختاری که عباسیان در دوره بنی امیه داشتند.

مرگ حفص ابن غیاث، از علمای عامّه، که شاگرد امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام بود و دارای تمایلات و گرایش های شیعی بود و قاضی شرق بغداد در دوران هارون بود.

مرگ عمرو ابن هارون بلخی، ساکن مکه و بلخ و از علمای اهل سنّت که راوی حدیث از امام صادق علیه السلام هم بود.

سیاه

آغاز اختلاف امین و مأمون و اقدام به تجهیز نیرو علیه یکدیگر.

مذاکره مأمون با کشور های همسایه و تعطیلی فتوحات و مذاکره او با شورشیان خراسان، از جمله مذاکره هرثمه با رافع ابن لیث، فرمانده شورش خراسان و پیوستن او به مأمون. این تحولات، هم باعث آرامش خراسان برای مأمون شد و هم تقویت نیروی نظامی او را به دنبال داشت و او را آماده جنگ با امین ساخت.

اسماعیل ابن حماد ابن ابوحنیفه، نوه ابوحنیفه، از سوی امین به قضاوت بغداد منصوب شد. او قائل به مخلوق بودن قرآن بود.

مرگ شقیق بلخی، از علما و صوفیان و زهّاد معروف خراسان. او کسی بود که تا سیصد زاهد به گرد او در نیشابور یا بلخ جمع می شدند. دغدغه او غزا با ترکان کافر در مرزها بود. مأمون او را نزد خود طلبید، ولی او نپذیرفت تا این که در یکی از جنگ ها با ترکان کشته شد.

مرگ سلم ابن سلم بلخی، از علمای زاهد و معتقد به امر به معروف و نهی از

ص: ۶۱

منکر و دارای جایگاه اجتماعی در بغداد. هارون عباسی از او احساس خطر کرد، پس او را زندانی کرد و او پس از مرگ هارون بود که از زندان آزاد شد.

۱۹۵ ه . ق.

سفید

تولّد امام جواد علیه السلام پس از سال ها انتظار امام و شیعیان. امام رضا علیه السلام این تولّد را بابرکت ترین تولد برای شیعه نامید.

پس از تولد امام جواد علیه السلام ، امام در دیدارهای گوناگون با شیعیان، او را وصی خود معرفی می کرد و در حج آن سال، با برخی از بزرگان واقفی، همانند حسین ابن قیاما درباره این ولادت بحث کرد.

خاکستری

سیاه

مذاکره هرثمه ابن اعین، فرمانده کل سپاه مأمون، به عنوان نماینده او با رافع ابن لیث و در نهایت پیوستن رافع به جمع یاران مأمون و ایجاد آرامش در سراسر خراسان و ماوراءالنّهر.

مذاکره نمایندگان مأمون با پادشاهان کشور تبّت و خاقان ترک و دادن امتیاز به آنها تا از حملات ناگهانی آنها در زمان جنگ با امین در امان باشد.

درگیری تاریخی سپاهِ کوچک طاهر ذوالیمین، فرمانده لشکریان مأمون با علی ابن عیسی ابن ماهان و لشکر انبوه امین در حومه ری و شکست علی ابن عیسی. این اتفاق، اولین ضربه سنگین به لشکریان امین بود.

مرگ بکّار (پدر زبیر ابن بکّار، عالم معروف اهل سنّت)، از آل زبیر، که به مدت دوازده سال والی مدینه از سوی هارون بود و به شیعیان و علویان سخت می گرفت و برخی، مقدّمات مرگ او را به سبب نفرین امام رضا علیه السلام می دانند.

اولین ورود و اقامت شافعی از مدینه به بغداد. اقامت او به مدت دو سال در بغداد طول کشید. او در این زمان بر مذهب اول خود بود.

۱۹۶ ه . ق.

سفید

خاکستری

ص: ۶۲

سیاه

شکست های پیاپی لشکریان امین و رسیدن لشکریان مأمون به فرماندهی طاهر و هرثمه ابن اعین به دروازه های بغداد.

مرگ وکیع یکی از بزرگ ترین علمای عامه در زمان خود و استاد بسیاری از علمای بعد، همانند احمد ابن حنبل و دیگران.

۱۹۷ ه . ق.

سفید

خاکستری

سیاه

محاصره بغداد توسط سپاهان مأمون و درگیری طولانی نیروهای دو طرف در حومه و محلات بغداد و آشوب و نابه سامانی و قحطی و فتنه و فساد و تعطیلی نماز جمعه و جماعت و مساجد.

قیام امویان و دمشقیان به رهبری مسلمه ابن یعقوب اُموی، از تبار یزید، که با لقب «سفیانی» شورش کرد و مدعی خلافت بود و لشکریان امین در سرکوبی او ناکام ماندند.

مرگ وکیع ابن جرّاح کوفی یکی از بزرگ ترین علمای عامه در زمان خود و استاد بسیاری از علمای بعد، همانند احمد ابن حنبل و دیگران.

مرگ عثمان ابن سعید قبطی مصری ملقب به ورش از قاریان سبعه . او از موالی آل زبیر بود و در مدینه قرآن و قرائت را از «نافع» فراگرفت و آن گاه با سفر به مصر قرائت او را در شمال آفریقا منتشر ساخت. اکنون قرائت ورش از نافع در شمال آفریقا مشهور است.

۱۹۸ ه . ق.

سفید

دیدار برخی از بزرگان شیعه (خصوصاً صفوان ابن یحیی) با امام رضا علیه السلام و پرسش از وصایت ایشان و معرفی شدن امام جواد علیه السلام از سوی آن حضرت.

خاکستری

قیام ابوالسرایا، از فرماندهان لشکر هرثمه (که از یاری مأمون و پیروز کردن وی سرخورده و ناراحت بود) با کمک علویان در کوفه

و عراق و معرفی کردن

ص: ۶۳

محمـد ابن ابراهیم علوی زیـدی (ابن طباطبـا) به عنوان خلیفه. (قیام ابوالسـرایا و همراهی احمـد ابن موسـی الکاظم علیه السـلام با او، باعث ریزش جمعی از واقفی هایی شد که گرد او جمع شده و فرقه «واقفی احمدیه» را درست کرده بودند).

تشـکیک برخی از بنی هاشم درباره امام جواد علیه السـلام در ۵/۲سالگی ایشان (ماه شـعبان این سال) و آوردن قیافه شـناس و حکم کردن او به انتساب وی به امام رضا علیه السلام .

بیعت کردن و همراهی بسیاری از علمـای عـامه در کوفه بـا ابوالسـرایا و محمـد ابن ابراهیم، به گونه ای که بـا بیعت آنهـا با زیـدیه، نزدیک به دویست هزار نفر از کوفه و اطراف آن به ابوالسرایا پیوستند.

سیاه

شکست و قتل امین و آغاز خلافت مأمون.

خروج حسن هرشی در عراق با شعار «الرّضا من آل محمد». دعوت او ناکام ماند.

خلع مؤتمن از ولایت عهدی توسط مأمون.

شـافعی پس از اقـامت یـک ساله خود در مـدینه، دوباره به بغـداد رفت و یک ماه آن جا مانـد و در نهایت چون بغـداد را برای تبلیغ مذهب جدید خود مناسب ندید، از آن جا برای همیشه به مصر رفت.

مرگ سـفیان ابن عینیه، یکی از علمای بسـیار بزرگ و محدث اهل سـنّت. او ساکن مکه بود و هفتاد حج انجام داد و استادِ شافعی و بسـیاری از علمـای اهـل سـنّت بود و در ایام حـج، مجلس درس پررونقی داشت و دست کم، چهل سال از ائمه مطلق و مشـهور اهل سنّت بود.

۱۹۹ ه . ق.

سفید

شکست قیام محمد ابن جعفر در حجاز، به دست «جلودی» فرمانده لشکریان مأمون. بازتاب این شکست، هجوم جلودی به منزل امام رضا علیه السـلام و بنی هاشم و قصـد تفتیش و جست وجوی منازل بنی هاشم و مصادره طلاها و دارای های آنها بود. دراین ماجرا، جلودی به امام رضا علیه السلام اهانت های بسیاری کرد.

سفر حج امام رضا علیه السلام همراه فرزندش امام جواد علیه السلام و وداع عجیب امام

ص: ۶۴

رضا علیه السلام با کعبه و مکه. در پاسخ به شگفت زدگی فرزندش، خبر از سفر قریب الوقوع خود به خراسان داد.

قیام زید پسر امام کاظم علیه السلام ، معروف به «زیدالنّار» در بصره. او در بصره، به تعقیب یونس ابن عبدالرّحمان، از خواص امام رضا علیه السلام و شیعه پرداخت، پس یونس به ناچار، به مدینه و نزد امام پناه آورد و در آستانه سقوط زید و زیدیه به عراق بازگشت.

پناه آوردن جمعی از علمای شیعه در زمان ابوالسرایا، از عراق به حجاز، به گونه ای که مراسم حج آن سال، یکی از پرشمارترین حضور یاران امام در مدینه بود.

رحلت علی ابن عبیدالله ابن حسین ابن امام سجّاد علیه السلام . او و همسرش امّ سلمه، ازعلویان صالح بودند. ابن طباطبا، رهبر قیام ابوالسرایا، در آستانه رحلت، وصیّ خود را، او و یا یکی از دو فرزند او معرفی کرد؛ ولی او نه خود پذیرفت ونه به پسرانش اجازه همکاری با زیدی ها را داد.

پناه آوردن جمع قابل توجهی از شیعیان عراق به مدینه و دیدار گروه هایی از شیعیان بغداد (همانند یونس ابن عبدالرّحمان و فرزندان علی ابن یقطین) و کوفه و بصره با امام، در حالی که اختلاف های فکری و اجتماعی بین آنها وجود داشت و امام به مدیریت آنها پرداخت.

مأمون پس از به شکست کشاندن قیام ابوالسرایا و دیگر پیروان زیدیه، به مدت دو - سه ماه از طریق نامه نگاری، چند بار از امام خواست که به میل خود به مرو بیاید و خلافت را در اختیار بگیرد، ولی امام دعوت او را در هر بار رد کرد.

خاکستری

قیام نصر ابن شبث عقیلی، در منطقه «جزیره» وقدرت گیری او در آن منطقه (شمال عراق و جنوب ترکیه)؛ سپس برخی از زیدی ها با او مذاکره کردند تا قیام او با قیام زیدی ها (در جنوب عراق) یکی شود؛ ولی او گفت که از طرف داران بنی عباس است و تنها مشکل او، سیاست های ضد عربی مأمون است.

ص: ۶۵

قیام ابراهیم ابن امام کاظم علیه السلام در یمن.

قیام اسماعیل ابن کاظم علیه السلام در فارس.

کشته شدن ابوالسرایا درعراق (و شهادت محمد ابن محمد ابن زید و حسن ابن حسین ابن زید و حسین ابن اسحاق ابن امام سجاد علیه السلام و محمد ابن حسین از نوادگان امام سجاد علیه السلام و علی ابن عبدالله از نوادگان جعفر در عراق و یمن).

محمد ابن سلیمان، والی ابوالسرایا در مدینه و والی شُرطه او محمد ابن اثرم، قصد بیعت گیری اجباری از امام برای خود داشتند، ولی امام از آنها بیست روز مهلت گرفت که در روز هجدهم، آنها از جلودی، فرمانده لشکر مأمون شکست خوردند.

سیاه

مرگ ابراهیم ابن هدبه بصری. او به اصفهان آمد و با حمایت والی شهر و مأمون، به نشر احادیث مالك ابن انس در این شهر پرداخت.

مرگ حکم ابن عبدالله بلخی، از شاگردان ابوحنیفه، که مدت ها قاضی شهر بلخ و مروّج مکتب ابوحنیفه درخراسان و پرورش دهنده شاگردان بسیار بود.

۲۰۰ ه . ق.

سفید

آغاز حرکت امام رضا علیه السلام از مدینه به خراسان. امام در آستانه حرکت ضمن وداع با خاندانش، دوازده هزار دینار بین آنها تقسیم کرد و اعلام کرد این سفر بی بازگشت است.

انتشار خبر رفتن امام رضا علیه السلام به مرو و تحیر و تشکیک برخی از شیعیان بغداد همانند یونس ابن عبدالرّحمان، در پذیرش امام و سرانجامِ ناخوشایند این سفر.

همراهی یکی از شیعیان با کاروان امام و درخواست او از امام برای کشتن رجاء ابن ضحاك، فرمانده لشکر مأمون و مسئول این سفر و ممانعت امام.

امام در طول سفر هر جا مقیم می شد، با مردمانش جلسه می گرفت و به آنها حدیث می آموخت و اگر در جایی بیشتر از ده روز مقیم می شد، در مدت اقامت، روزه می گرفت.

ص: ۶۶

با انتشار خبر حرکت امام از مدینه به مرو، شیعیان کوفه به انتظار دیدار امام نشستند، ولی وقتی خبر آمد مسیر سفر از بصره است، معدودی از آنها، مانند ابوهاشم جعفری، تلاش کردند به سرعت به سوی بصره بیایند و با امام دیدار کنند.

محوّل سجستانی، در روز خروج امام از شهر، با امام دیدار کرد و کمی پس از آن، در آن مسیر به راه افتاد و در نهایت به امام پیوست.

امام، چند ماه در نیشابور اقامت داده شد و پس از دریافت اجازه مأمون، ایشان را به سوی مرو بردند.

همراهی اباصلت هروی از نیشابور با امام رضا علیه السلام و ملازم ایشان بودن تا لحظه شهادت آن حضرت.

ریان ابن صلت و همچنین ریان ابن شبیب اشعری، دایی معتصم، به امام پیوستند و از ملازمان حضرت در خراسان و مرو شدند.

رحلت عبدالله ابن جندب بجلی کوفی، از وکلای امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام در بصره و خوزستان. امام پس از رحلت وی، بر او رحمتی ویژه فرستاد و علی ابن مهزیار اهوازی، جای گزین او شد.

خاکستری

قیام و ادعای خلافت محمد ابن امام صادق علیه السلام (دیباج) در مکه. او مدعی شد که قائم مهدی است و مبنای ادعای خود را بر احادیث نبوی قرار داد. حسین ابن حسن افطس در مدینه برای او بیعت گرفت. در این قیام، امام رضا علیه السلام بیعت و همکاری نکرد و از ناکامی قریب الوقوع آنها خبر داد. (ریشه قیام محمد ابن جعفر، کتابی بود که یکی از علمای ناصبی نوشت و در آن حضرت زهرا علیها السلام را سبّ کرد).

درگیری شدید هرثمه ابن اعین، فرمانده مأمون با قیام های زیدی در عراق و شهادت حسن ابن حسین ابن زید در کوفه و اسارت زید ابن امام کاظم علیه السلام در بصره و شهادت علی ابن عبدالله محمد، از نوادگان جعفر ابن ابی طالب، در یمن.

مأمون دستور داد پس از شکست و یا تسلیم شدن علویانِ زیدی، به آنها امان داده شود و آنها را با احترام به خراسان بفرستند. بدین گونه، به تدریج عده ای

ص: ۶۷

از علویان، به ویژه محمـد ابن جعفر، رهبر قیام حجاز و چنـد تن از برادران امام رضا در قیام ابوالسـرایا، همانند زیدالنّار، گرد او جمع شدنـد. هـدف مأمون این بود که در مـاجرای ولایـت عهـدی، آنهـا را هم به بیعت وادارد و بـدین گونه از آنهـا امضـای مشـروعیت خلافت عباسی را بگیرد و آنها را در جامعه از اعتبار بیندازد و در جنگ نرمِ تبلیغی، آنها را خلع سلاح کند.

مرگ «معروفِ کَرخی» از بزرگان صوفی در بغداد. می گویند او مدتی هم در مدینه در محضر امام رضا علیه السلام بوده است.

سیاه

فراگیر تر شدن قیام بابک خرم دین در آذربایجان و اعزام لشکریانی برای دفع فتنه او.

مرگ وهب ابن وهب قریشـی مـدنی. او در سـفر هارون، در سال ۱۸۶ ه . ق. به مـدینه، جـذب دربار او شـد و برای رضایت او جعل حدیث کرد؛ از این رو، مدت ها قاضی مناطقی از بغداد و آن گاه والی مدینه شد و در آخر، ساکن بغداد شد و همان جا مرد.

۲۰۱ ه . ق.

سفید

اعلام ولایـت عهـدی امـام رضـا علیه السـلام در آغـاز مـاه رمضـان. پـذیرش ولایـت عهـدی از سوی امام پس از یک دوره دوماهه مـذاکرات بین مـأمون و امـام و ابراز مخـالفت های محکم از سوی امام بود، تا اینکه در نهایت مأمون با تهدیـد به قتل امام، ایشان را نسبت به پذیرش ولایت عهدی مجبور کرد. (امام در این وقت، ۵۳ ساله و مأمون، ۳۱ساله بود).

مـأمون، از ریـان ابن صـلت، که شـیعه بود و در دسـتگاه مـأمون کار می کرد و دارای فضل و دانش بود، خواست که گه گاه بر منبرِ جامع مرو از فضائل امام علی علیه السلام برای مردم بگوید.

طرح اقامه نماز عید فطر به دستور مأمون توسط امام.

پایان خشک سالی با نماز باران امام.

در پایان ماه رمضان این سال، مأمون طرح سلسله جلسات مناظرات علما

ص: ۶۸

بـا امـام را طراحی کرد. اولین جلسه بـا علمـای اهـل کتاب و ادیان غیر اسـلامی بود و جلسات بعـد که در ماه ذیحجه برگزار شـد، با علمـای فرقه هـای گونـاگون اسـلامی بود. مأمون برای اجرای این جلسات دسـتور داده بود با برنامه ریزی قبلی، علمای اهل کتاب یا مسلمان را از مناطق دیگر در یک زمان بندی مشخص به مرو بیاورند.

مسـلمان و شـیعه شـدن عِمران صابی در اولین جلسه از مناظرات و همراهی او با امام در جلسات بعد، باعث درماندگی و خشم پنهان مأمون نسبت به امام شد.

در «یوم الترویه» یکی از بزرگ ترین جلسات مناظره توسط مأمون بین امام و سلیمان مروزی برگزار شد.

امـام در روز عرفه (اولین عرفه اقامتش در خراسان)، تمام اموال خود را بین فقرا تقسـیم کرد و این امر باعث اعتراض فضل ابن سـهل شد.

امام برای جشن عید غدیر، در جمع شیعیان خراسانی خود در مرو فرهنگ سازی می کرد.

در مسـجد جـامع مرو، بین مردم، مباحثـات و مجادلاـتی درگرفت که با مـدیریت عباسـیان کنترل می شـد، به همین علت، امام، برای یارانش در منزل خود جلسات خصوصی بحث امامت و ولایت را برقرار کرد.

هجرت حضرت معصومه علیها السلام به قم و رحلت ایشان در این شهر.

کمی پس از ولی عهدی امام رضا علیه السـلام ، گروهی از خراسانیان با ادعای تشـیع، قصد دیدار با امام را داشـتند، ولی امام دو ماه آنها را به حضور نپذیرفتند تا این که آنها مدعی محبّین اهل بیت علیهم السلام شدند و سایر ماجراها.

در مرو، برخی مباحث امامت و یا برخی مباحث کلامی شیعی، همانند «لا جبر و لا تفویض» به صورت موقت و ناقص فراگیر شد.

سفر دعبلِ شاعر، همراه برادرش علی و چند نفر از شـعرای عراق به مرو، برای عرضه اشـعار رضوی به محضر امام رضا علیه السلام و اقامت نزدیک

ص: ۶۹

به یک سال آنها در مرو و کسب حدیث از محضر امام، در کنار نشر اشعار اهل بیتی در خراسان.

خاکستری

سیاه

مأمون در نقشه ای مکّارانه، پس از پایان بیعت گیری، از امام می خواهد تا از طرف او به عراق برود و به تدبیر امور بپردازد، ولی امام شرط خود را یادآوری می کند و نمی پذیرد و به مأمون از دفن شدن خود در خراسان خبر می دهد.

دیدار جمعی از صوفی های خراسان با امام و ابراز اعتراض شدید به ایشان نسبت به پذیرش ولایت عهدی و همچنین اقامت داشتن ایشان در خانه ای اشرافی و پاسخ امام با تشبیه وضع خود به حضرت یوسف، آن گاه که عزیز مصر بود.

مخالفت بنی عباس در بغداد و عراق با مسئله ولایت عهدی امام رضا علیه السلام و شورش آنها و به خلافت رساندن ابراهیم ابن مهدی عباسی در بغداد و آغاز درگیری بین آنها و سپاهیان حسن ابن سهل، حاکم مأمون بر عراق.

شیوع فساد در بغداد و قیام خالد داریوش و سهل ابن سلامه انصاری خراسانی، با شعار امر به معروف و نهی از منکر در بغداد و بالا گرفتن تدریجی نهضت آنها.

شیوع خشک سالی و قحطی و مرگ در خراسان تا ری و اصفهان.

مرگ معروف ابن فیروز کرخی، از رجال طریقت در بغداد.

مرگ سعد ابن ابراهیم زهری، قاضی واسط در زمان هارون و از استادان احمد ابن حنبل. (شهر واسط در این زمان، هنوز دارای گرایش های ناصبی بود).

جذب شدن هشام ابن ابراهیم عباسی، با پیشنهاد مربی گری برای عباس پسر مأمون. او یکی از یاران باسابقه امام بود که از مدینه همراه ایشان به مرو آمده بود. او از آن پس، در زمره یاران فضل ابن سهل و مأمون قرار گرفت و در زمانی که امام از پذیرش ولایت عهدی ابا می کرد، مأمور شد امام را

ص: ۷۰

تهدیـد کنـد و ایشـان را در داخـل منزلش تحت فشار روانی قرار دهـد. پس از آن هم، به عنوان ناظر و مراقب مأمون، علیه امام عمل می کرد و اخبار امام را به آنها می رسانـد. او در همین زمان، یک مرتبه از سوی امام خبری را پخش کرد که امام فتوی به حلّیت غِنا داده، ولی امام این خبر را تکذیب فرمود و معلوم شد او بر امام دروغ بسته است.

فضل ابن سـهل، یکی از کاتبان فاسـدالاخلاق خود به نام محمد ابن ابی عباد، را به عنوان کاتب امام، اما در حقیقت به عنوان مراقب و جاسوس امام، تعیین می کند.

۲۰۲ ه . ق.

سفید

ریان ابن شبیب، در آغاز محرّم نزد امام آمـد و امام درباره اقامه شـعائر حسـینی و مراسم دهه محرّم با او سـخن گفت و شـیعیان را به اقـامه سوگواری تشویق فرمود. به مـأمون خبر رسـید امـام رضـا علیه السـلام در منزلش مجلس تشـکیل داده و بـا مردم درباره مسائل اعتقادی سخن می گوید و مردم شیفته دانش وی شده اند. مأمون به محمد ابن عمرو توسی، حاجب خود، دستور داد تا درِ منزل امام را ببندد و مردم را متفرق کند. امام ناراحت شد و پس از نمازی ویژه، او را نفرین کرد و از این رو، ناگهان پس از زلزله ای متوسط، در مرو شورشی بزرگ به راه افتاد که مأمون به سختی آن را فرونشاند و پس از آن، از مردم معذرت خواست.

در اواخر اقامت امام در مرو، چون رفت وآمـد مردم نزد ایشان محـدود شـده بود، امام هر گاه مجالی می یافت، با غلامان و خـدمت گزاران و کارگران منزل خود انس می گرفت و به آنها حدیث می آموخت.

سعـد ابن اشـعری قمی، پس از رحلت حضـرت معصومه علیهـا السـلام بـا امـام رضـا علیه السـلام دیـدار کرد و امام، متن زیارت نامه حضرت معصومه علیها السلام را به او داد.

تحول ایمانی حسن ابن علی وشاء، از واقفی بودن به امامت حضـرت رضا علیه السـلام . او در ضمن سفری تجاری که به مرو داشت، با امام دیدار کرد و به حق رهنمون گردید.

ص: ۷۱

ازدواج تحمیلی امام رضا علیه السلام با دختر مأمون، امّ حبیب، و اعلام نامزدی امّ فضل دختر دیگر مأمون با امام جواد علیه السلام .

امام در این دوران، از سوی مأمون و والیان وی، محل رجوع مسائل مستحدثه (پرسش های جدید فقهی) قرار می گیرد.

در اواخر این سال، در مسیر بازگشت مأمون به عراق، چون فضل ابن سهل در حمام سرخس کشته شد، به دنبال آن، امام رضا علیه السلام به دستور مأمون، چند روزی در سرخس زندانی شد. علت اصلی این کار، نپذیرفتن جانشینی مناصب فضل این سهل و همکاری نکردن امام با مأمون در حکومت داری بود، ولی در ظاهر، تحقیق درباره قتل فضل و آرام شدن اوضاع را بهانه این کار اعلام کردند.

در اواخر این سال، امام بر موعظه ها و نصایحش به مأمون افزود و این موجب ناراحتی مأمون شد.

امام، با این که با مأمون شرط کرده بود در امور سیاسی مداخله نکند، در اواخر این سال، به سبب آشفتگی اوضاع جهان اسلام، که بیشتر ناشی از وزارت نامدبرانه فضل ابن سهل و بی تدبیری برادرش، حسن ابن سهل در حکومت بر عراق بود، بر مشاوره و هشدار هایش به مأمون افزود.

مأمون در اواخر این سال، در مواجهه با عزت و عظمت روزافزون امام رضا علیه السلام ، چندین مرتبه در مرو و یک بار در سرخس، تصمیم به قتل ایشان گرفت، ولی در اجرای آن ناکام ماند.

مأموریت ریان ابن شبیب، از شیعیان نفوذی فضل به عراق و خداحافظی ویژه او با امام.

بازگشت دعبل از مرو به قم و اقامت چندماهه او در قم و نشر اشعار اهل بیتی و رضوی خود در قم.

خاکستری

در این سال، ابراهیم ابن امام کاظم علیه السلام ، برادر امام رضا علیه السلام از طرف مأمون، امیرالحاج در حج آن سال شد. او پس از به جای آوردن حج، برای اصلاح امور به یمن فرستاده شد.

به سبب شورش عباسیانِ بغداد و شورشی کوچک از زیدیه در کوفه، اوضاع

ص: ۷۲

این دو شهر آشفته بود؛ پس حسن ابن سهل، والی عراق، از سوی مأمون، عباس ابن امام کاظم علیه السلام را والی کوفه کرد و از او خواست همه مردم، خصوصاً زیدیه و شیعه را، به خود جذب کند. او در کوفه، مردم را به خلافت مأمون و ولایت عهدی برادرش دعوت کرد، ولی زیدیه گفتند: اگر به خلافت خودت یا برادرت دعوت کنی، با تو بیعت می کنیم. شیعیان هم از او خواستند به امامت برادرش دعوت کند، ولی او نپذیرفت. پس زیدیه و شیعه از او فاصله گرفتند و فقط بعضی از مردم با او بیعت کردند. کمی بعد او از عباسیان بغداد شکست خورد و کوفه را به آنها تحویل داد.

شورش داعی الی الحق، حسین کوکبی، در زنجان و قزوین.

سیاه

در اواخر اقامت امام و مأمون در مرو، روزی فضل ابن سهل و هشام عباسی، در اقدامی مشترک، نزد امام آمدند و در جلسه ای سرّی، سعی کردند امام را برای کودتا علیه مأمون راضی به همراهی با خود کنند، ولی امام نپذیرفت و کمی بعد نقشه آنها فاش شد و مأمون آنها را بازخواست کرد، ولی آنها بهانه آوردند که این طرح، نقشه ای برای امتحان امام بوده است؛ اما مأمون خیلی زود هشام عباسی را برای مأموریتی به عراق فرستاد و پس از آن، به فکر حذف فضل افتاد.

مأمون از اوضاع آشفته و شورش بنی عباس در عراق با خبر شد و از مرو برای رفتن به عراق خارج شد. سپس از مسیر سرخس به توس آمد و یک ماه در سرخس و نزدیک به هفت ماه در توس ماند.

قتل فضل ابن سهل در حمام سرخس به دستور مأمون. پس از قتل فضل، فرماندهان و سربازان طرف دار او، در لشکر مأمون شورش کردند و این امام رضا علیه السلام بود که به سبب عجز و لابه مأمون، با تجلی قدرت تکوینی و بیان بلیغ خود، آنها را متفرق کرد.

سهل ابن سلامِ انصاری، به سبب گسترش فسق و فجور در شهر بغداد، نهضت امر به معروف و نهی از منکر به راه انداخت که باعث تضعیف حکومت ابراهیم ابن مهدی شد. لشکریان ابراهیم عباسی، پس از شکست دادن نیروهایش، او را زندانی کردند.

ص: ۷۳

مرگ یحیی ابن مبارک بصری، نحوی، قاری و لغوی برجسته. او استاد مأمون بود و همراه او به مرو آمد و همان جا هم مرد.

کشته شدن محمد ابن فرات غالی در کوفه، به نفرین امام، به دست ابراهیم ابن شکله عباسی (خلیفه عباسیان در عراق).

امام رضا علیه السلام از مرگ علی ابن ابی حمزه بطائنی، از سران واقفیه در عراق و عاقبت شوم او خبر داد.

۲۰۳ ه . ق.

سفید

دست گیری یک صوفی فقیر در توس به اتهام دزدی و برگزاری جلسه محاکمه او در دربار مأمون و با حضور امام رضا علیه السلام که ضمن تبرئه آن صوفی توسط امام، جلسه محاکمه، تبدیل به انتقاد از خلافت مأمون توسط آن صوفی شد. مأمون به ناچار او را آزاد کرد و در خشم از جایگاه امام، مقدّمات شهادت ایشان را فراهم ساخت.

اوج گیری خبردهی امام نسبت به وصایت و ولایت فرزندش، امام جواد علیه السلام ، به خادمان و ملازمان خود و یا در دیدار با شیعیان.

شهادت امام رضا علیه السلام در آغاز این سال در توس با انگور یا انار مسموم به دست مأمون.

خاکستری

مسموم شدن و رحلت محمد دیباج، در حالی که همراه مأمون در سفر بازگشت او به عراق بود، کمی پس از شهادت امام رضا علیه السلام .

سیاه

مرگ جارود ابن یزید عامری، فقیه نیشابور. او شاگرد ابوحنیفه و عالم بزرگ نیشابور بود.

زلزله ی بزرگی در خراسان و ماوراءالنّهر در میانه این سال (پس از شهادت امام رضا علیه السلام) رخ داد و خرابی بسیاری در بلخ و جوزجان و فاریاب و طالقان (شمال افغانستان) و ماوراءالنّهر ایجاد کرد. نوشته اند پس لرزه های آن تا هفتاد روز ادامه داشت.

ص: ۷۴

رویدادهای عمومی و یا نامشخّص در دهه اول امامت حضرت

امام رضا علیه السلام در مسجد پیامبر می نشست و علما، هر گاه در مسئله ای درمی ماندند، در نهایت به ایشان مراجعه می کردند.

رحلت بزرگان شیعه بعد از سال ۱۸۳ ه . ق. (آغاز امامت امام رضا علیه السلام):

علی ابن سوید.

عیسی ابن عبدالله ابن سعد اشعری.

محمد ابن اسحاق ابن عمّار. او کسی بود که پس تولّدش، امام صادق علیه السلام به طور ویژه دعایش کرد.

محمد ابن سماعه ابن موسی کوفی، از بزرگان شیعه، که دو فرزندش حسن و جعفر هم از خواص اصحاب امام رضا علیه السلام بودند.

مفضل ابن صالح اسدی.

نصر ابن قابوس لخمی، از وکلا و سفرای امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام . (او بیست سال وکیل امام صادق علیه السلام بود، بدون این که کسی بداند!)

وهب ابن حفص.

یزید ابن اسحاق غنوی. او با دعای امام رضا علیه السلام شیعه شد.

یونس ابن یعقوب بجلی دهنی، از خواص اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام ، که امام رضا علیه السلام متکفّل کفن و دفن او شد.

رحلت عبدالرّحمان ابن حجاج، از شاگردان مهم امام صادق علیه السلام و یاوران و وکیل اول امام کاظم علیه السلام در بغداد. او در آغاز امامت امام رضا علیه السلام ، مدتی کوتاه تحت تأثیر واقفیه قرار گرفت، ولی خیلی زود به حقیقت بازگشت و کمی بعد رحلت کرد.

رحلت علی ابن سوید.

ج) نگاهی کلی به جدول گاه شمار

ج) نگاهی کلی به جدول گاه شمار

با نگاهی کلی به جدول گاه شمار که در صفحات پیش آوردیم، مشخص می شود که آغاز امامت امام رضا علیه السلام ، در دوران

اقتـدار خلافت عباسـی است؛ ولی همین اقتـدار، باعث این تصور برای خلیفه شـد که امام رضا علیه السـلام نمی توانـد خطری جدی برای او داشته باشد. البته این به معنی آزاد گذاشتن امام از سوی دستگاه خلافت نیست، بلکه تا

ص: ۷۵

وقتی که وزرای برمکی در دستگاه خلافت بودند و در جست وجوی طراحی خلافتی برای خود، امام از آزادی نسبی هم در مدینه محروم بود. امام در این زمان توانست با انجام دادن مراتبی از تقیه، خود را حفظ فرماید.

ماجراهای واقفیه، بحران اصلی امام در این سال ها بود. چالشی که با مدیریت امام رضا علیه السلام ، اگر چه در مورد نجات و احیای بدنه تشیع، از دست واقفیه، به سرعت به نتیجه رسید؛ ولی مواجهه با سران واقفیه، نزدیک به پانزده سال، یعنی تا زمان ولادت امام جواد علیه السلام ، به طول کشید. پس از ولادت امام جواد علیه السلام ، جریان واقفیه اضمحلالی سریع را آغاز کرد.

از منظری دیگر، مدرسه علمی عامه در حجاز، با حضور شاگردان «مالک» و یا حضور شخص «شافعی»، که در جست وجوی نام بود، در این سال ها، در برابر اهل بیت علیهم السلام حضوری قدرت مند داشت، اما مرگ هارون و جنگ های داخلی امین و مأمون و پس از آن قیام زیدیه، ضربات سختی به انسجام و ثبات مدارس علمی گوناگون عامه در عراق و حجاز وارد کرد و شاید همین امر، یکی از علل رفتن شافعی از حجاز به بغداد و از آن جا به مصر است.

در نگاهی موازی به سیره امام رضا علیه السلام ، اوضاع عمومی جریان خلافت، مدارس علمی عامه و جریان سیاسی زیدیه، مشخص می شود که در مدیریت کلانِ تمام جریان های رقیب، معارض و یا موازی با مدیریتِ معصومانه امام، نوعی تشتّت و پراکندگی و حتی بحران سازی های خودساخته دیده می شود؛ همانند بحران سازی سیاسی هارون برای جانشینان پس از خودش.

در برابر این مسائل، امام رضا علیه السلام ، با وجود تحمل انواع فشارها و مهجوریت ها و بحرآنها، با مدیریت ویژه خود، نه تنها سعی کرد جامعه شیعه را در آن شرایط ویژه حفظ کند، بلکه مجموعه ای از طرح های کلان تاریخی و جغرافیایی را، برای نشر تشیع، در همین زمان به اجرا گذاشت. بخش عمده ای از این مدیریت و برنامه ریزی امام، فرصت شناسی و بهره وری از تحولات و بحران ها و درگیری ها در دو جبهه سیاه و خاکستری است.

بازشناسی تفصیلی تأثیر و تأثّر رویدادهای موازی جریان های سیاه و خاکستری، بر خط امامت و تشیع، در مباحث بعد به صورت مبسوط آورده خواهد شد.

ص: ۷۶

ص: ۷۷

فصل دوم: نگاهی کلی به جهان اسلام در دوران امامت امام رضا علیه السلام

اشاره

فصل دوم: نگاهی کلی به جهان اسلام در دوران امامت امام رضا علیه السلام

ص: ۷۸

ص: ۷۹

در این مرحله، برای بازشناسی بهتر شخصیت، سیره و مدیریت امام رضا علیه السلام در رهبری جبهه حق، نگاهی اجمالی به جریان های جبهه باطل می کنیم و این جبهه را از سه منظرِ سیاسی و اجتماعی و علمی - فکری بررسی خواهیم کرد.

۲/۱: وضعیت سیاسی جهان اسلام

۲/۱: وضعیت سیاسی جهان اسلام

دوران امامت امام رضا علیه السلام مصادف با اوج خلافت عباسی است. خلافت عباسی، پس از نزدیک به دو دهه فعالیت تبلیغی داعیانش در خراسان، با کمک ابومسلم خراسانی، پس از حدود یک دهه درگیری با امویان به قدرت رسید.

خلافت عباسی در سال ۱۳۲ ه . ق. آغاز شد؛ یعنی در زمان امامت امام رضا علیه السلام ، نزدیک به نیم قرن از این خلافت گذشته بود و حاکمیت آن تثبیت شده و در اوج اقتدار و شکوفایی خود بود. مورخان، این دوران را، دوره اول و دوره ایرانی گری خلافت عباسی معرفی می کنند.(۱) این دوران از آغاز خلافت عباسی تا پایان دوران خلافت واثق عباسی در سال ۲۲۷ ه . ق. ادامه یافت. البته دوره ایرانی گری در حقیقت، با پایان حکومت مأمون به پایان رسید، ولی پایان عملی دوره اول، دوران حکومت واثق عباسی است.

دوران امامت امام رضا علیه السلام معاصر با سه خلیفه عباسی بود

شخصیت

دوره زمانی

امامت امام رضا علیه السلام

۱۸۳ - ۲۰۳ ه . ق.

خلافت هارون

۱۷۰ - ۱۹۳ ه . ق.

خلافت امین

۱۹۳ — ۱۹۸ ه . ق.

خلافت مأمون

۱۹۸ — ۲۲۰ ه . ق.

۱- حسن ابراهیم حسن، تاریخ اسلام، ج ۲، ص ۲۰.

ص: ۸۰

خلافت هارون الرّشید، پس از مرگ برادرش هادی آغاز شد. این انتقال، بدون هیچ مشکلی انجام شد. دوره خلافت هاورن، اوج قدرت و قوت سیاسی عباسیان بود و این اتفاق، به واسطه وزارت و مدیریت خلافت به دست خاندان برمکیان بود. این دوران، در حقیقت، اوج دوره ایرانی گری در خلافت عباسیان نیز بود. در این دوران، برمکیان برای ایجاد امپراطوری اسلامی به رهبری هارون تلاش می کردند؛ از این رو، در خلافت او، با مخالفان با شدت و قدرت برخورد می شد. نمونه آن، چند سال زندانی کردن امام کاظم علیه السلام و سپس به شهادت رساندن ایشان است. قدرت و اقتدار سیاسی هارون در دوران برمکیان، به حدی بود که در این دوران، نه قیام زیدی و نه هیچ شورش دیگری در جهان اسلام رخ نداد و تنها رویداد سیاسی اجتماعی، فتوحات تابستانی(۱) هارون در برابر امپراطوری روم شرقی بود.

وقتی که هارون، به پیشنهاد برمکیان، امام کاظم علیه السلام را در سال ۱۸۳ ه . ق. به شهادت رساند، برمکیان گرفتار نفرین امام رضا علیه السلام شدند و خود در سال ۱۸۶ ه . ق. بر افتادند. از همین سال بود که با قدرت گیری وزیران عرب (فضل ابن ربیع) و امیری امیران عرب (عیسی ابن ماهان، استاندار خراسان)، انواع بحران و شورش، تدریجاً خراسان را فراگرفت و سرانجام، بحران و شورش در خراسان و ماوراءالنّهر چنان اوج گرفت که هارون خود مجبور شد برای سرکوبی آنها راهی خراسان شود؛ ولی در آستانه ورود به خراسان، درگذشت.

از دیگر مشکلات سیاسی این دوران، وسعت بسیار زیاد خلافت و مسئله و معضل جانشینی هارون بود. او چندین پسر داشت که برجسته ترینِ آنها، مأمون و محمد امین و قاسمِ مؤتمن بودند و پس از این ها، معتصم بود که بعد ها جانشین مأمون شد. در میان این پسران، اگر چه مأمون، بزرگ تر و با کفایت تر بود، ولی چون مادرش کنیز و ایرانی بود، بنی عباس به او بی مهری کردند. تمایل عباسیان به برادر دیگر او، امین بود، چرا که مادرش، دخترعموی هارون بود؛ اما امین کوچک تر بود و مهم تر اینکه هوش و درایت و کفایت سیاسی مأمون را نداشت.

هارون، سرانجام پس از مدت ها اندیشه، به طرح تقسیم خلافت بین سه فرزندش رسید

۱- اعراب چون آب و هوای سرد و سرما عادت نداشتند، در زمستان فتوحات را در مناطق سردسیر تعطیل کرده و آن را در تابستان سال بعد از سر می گرفتند.

ص: ۸۱

و آن را در سال ۱۸۰ ه . ق. اعلام رسمی و عمومی کرد. سپس برای تحکیم طرح خود، در سال ۱۸۶ ه . ق. همراه فرزندانش و رجال دربار، به سفر حج رفت و پیمان نامه ای را که به امضای فرزندان سه گانه و درباریانش رسیده بود، در کعبه به امانت گذاشت. این اتفاق، از همان زمان هارون، باعث اختلافات پنهانی بین امین و مأمون و حامیان آن دو شد.

مرگ ناگهانی هارون در خراسان، در سال ۱۹۳ ه . ق. در آغاز، باعث تقسیم جغرافیای خلافت بین فرزندانش شد. خراسان و تمامی ایران تا همدان، به مأمون رسید؛ جزیره و سرحدات روم شرقی به مؤتمن؛ و عراق و شام و آفریقا به امین. البته در این میان، مؤتمن کم سنّ و سال و ضعیف، و در حقیقت، در زیر سلطه امین بود. رقابت اصلی بین امین و مأمون بود که در حقیقت، رقابتی پنهان بین فضل ابن ربیع، وزیر عرب امین با فضل ابن سهل، وزیر ایرانی مأمون بود. فضل ابن سهل، از دست پرورد گان برمکیان بود که به دست آنان یا مأمون، تازه مسلمان شده و جزو کارگزاران بادرایت ایشان بود. فضل ابن ربیع هم، آخرین وزیر هارون در دوران خلافتش بود.

اختلافات بین امین و مأمون، خیلی زود علنی شد. این اختلافات، احیاگر خاطره تاریخی اختلافات شرقی و غربی در جهان اسلام، بین عباسیان در شرق با امویان در غرب بود؛ چرا که اکثر جناح مأمون را در ترکیب سیاسی و نظامی، ایرانیان و یا اعراب مقیم ایران؛ و اکثر جناح سیاسی و نظامی امین را، عرب ها، با محوریت بنی عباس تشکیل می دادند. این اختلاف، پس از یک سال، منجر به درگیری نظامی شد که سه سال طول کشید و در نتیجه آن، به شهر نوساز بغداد، صدمات فراوانی وارد شد و سرانجام در سال ۱۹۸ ه . ق. با کشته شدن امین به پایان رسید. از این سال، خلافت مأمون شروع شد، ولی خلافت مأمون در شرایطی کاملاً بحرانی آغاز گردید؛ چرا که به واسطه تهی شدن خزانه بغداد و کمبود مواجبِ لشکریان فاتح بغداد، در آغاز چند شورش کوچک رخ داد و در نهایت، بخشی از آنها به فرماندهی ابوالسرایا، در اعتراض به بی مهری به فاتحان بغداد، از بنی عباس جدا شدند و به کوفه رفتند و با جلب همکاری علویان، ناگهان قیامی بزرگ را در کوفه به راه انداختند. این قیام، با همکاری زیدیه، ناگهان سراسر عراق جنوبی و خوزستان ایران را فراگرفت و به سرعت، به حجاز و یمن هم رسید. گستردگی این قیام؛ مأمون را به وحشت انداخت و او را ناچار کرد با تمام قوا به سرکوبی آن بپردازد.

این قیام و سرکوبی آن، تلفات و خسارات بیشتری در جنوب عراق و جنوب غرب ایران

ص: ۸۲

به بـار آورد. یکی از بازتـاب هـای سیاسـی و اجتمـاعی این قیـام آن بود که مأمون به فکر طرح مسئله ولایت عهـدی امام رضا علیه السـلام افتـاد. مـأمون در این سـال هـا به واسـطه قتـل امین، مبغوض عباسـیان بود و در میان توده های اجتماعی مسـلمان هم، چنـدان جایگاهی نـداشت؛ چرا که قیام ابوالسـرایا و زیدیه، موجب همراهی و همکاری بسـیاری از علما و توده های اهل سنّت و جماعت با آنهـا از عراق تـا حجاز و یمن شـده بود. از این رو، مأمون برای انتقام از دشـمنی ها و بی مهری های عباسـیان و برای جـذب و جلب توجه خواص و عوام جامعه اسـلامی و برای جلوگیری از نفوذ اجتماعی علویان، که سـرآمد آنها در این عصـر، امام رضا علیه السلام بود؛ ابتـدا امـام را به اجبار به خراسان آورد و آن گاه ایشان را مجبور به پـذیرش ولایت عهـدی کرد تا با مصادره نفوذ اجتماعی آن حضرت برای خود و ضربه زدن به جایگاه و محبوبیت اجتماعی امام، به تحکیم و تثبیت خلافت خود بپردازد. امام رضا علیه السلام ، اگر چه بـا قوه قهریه ناچـار به پـذیرش سـفر و همچنین پـذیرش ولاـیت عهـدی مأمون شـد، ولی با مبارزه منفی خود در قالب شـرط مـداخله نکردن در امور سیاسـی؛ و نیز بـا ایجـاد تـدریجی پایگاه اجتماعی برای خود در خراسان، در نهایت باعث ناکامی طرح های مأمون شد تا آن جا که او درمانده در برابر امام، سرانجام ایشان را در مسیر بازگشت به عراق به شهادت رساند.

برای دیدن عکس به فایل پی دی اف مراجعه کنید

ص: ۸۳

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

از برمکیان تا خانواده ابن سهل ایرانی

سیاسی / مدیریتی

امام رضا علیه السلام و مواجهه با دو نمونه از خلّاقیت و تجربه مدیریت ایرانی که در خدمت باطل است.

تاریخی / سیاسی

جامعه خواص ایرانی در سده آغازین خلافت، به دنبال احیای نقش آفرینی تاریخی خود در ایران و منطقه، با عباسیان به خوبی همکاری می کردند، ولی وقتی که عباسیان به ترکان متمایل شدند، ایرانیان نیز به فکر استقلال افتادند.

مدیریتی

همکاری وزرای ایرانی با عباسیان، امام رضا علیه السلام را با لایه های تودرتو و پیچیده هجوم گسترده جبهه باطل روبه رو کرد، که در اوج این تقابل با مدیریت غیبی امام، سرانجام آن پشتوانه های فکری - مدیریتی خلافت نابود شدند.

سیاسی / مدیریتی

عباسیان و تلاش برای استفاده از درایت و تدبیر خواص ایرانی برای طراحی ایجاد و تثبیت خلافت خود و نقشی که این تدبیر در بقای پانصد ساله خلافت عباسی داشت.

هارون و امامان شیعه

سیاسی / اجتماعی

تلاش های تاریخی خلافت برای طراحی غیر مستقیم بحران داخلی در بین تشیع با زندانی کردن چند ساله امام کاظم علیه السلام و سپس شهادت ایشان؛ تا در نهایت بتواند بین بخشی از جامعه خواص شیعه و امامِ بعدی، تقابل و درگیری ایجاد کند و بدین گونه به امامت و جامعه شیعه ضربه بزند.

جایگاه جامعه شیعه در این سال ها

تاریخی / اجتماعی

هم زمانی اوجِ دوران جامعه سازی امامان برای تشیع، با اوج اقتدار خلافت عباسی و بازتاب های این هم زمانی برای آسیب شناسی و طراحی دقیق تر ساختار جامعه شیعه توسط امامان.

سیاسی

چالش های درونی و رو به افزایشِ حکومت، در حالی که خلافت عباسی در اوج اقتدار بود، نشان دهنده نبود اندیشه کلان فلسفه تاریخی - سیاسی در این خلافت است.

ص: ۸۴

هارون و مسئله جانشینی اش

تاریخی / روانی

هارون در مسئله ولایت عهدی اش، با وجودی که انواع و اقسام تجربه های انتقال خلافت در ۱۵۰ سال گذشته را در پیش رو داشت، توانایی تصمیم گیری قاطع و کم هزینه برای جهان اسلام را نداشت و سیاست های او در این باره، زمینه های بحران آفرینی را در جهان اسلام ایجاد کرد.

فلسفه تاریخی

مسئله جانشینی هارون، نشان داد که جریان باطل در اوج اقتدار خود، چگونه با تصمیم گیری های غلط، که ریشه در اندیشه های باطل دارد، به نابودی خود کمک کرد و فرصتی تاریخی، برای حفظ و رشد، در اختیار حق و حقیقت قرار داد.

جنگ های امین و مأمون

سیاسی / مدیریتی

این جنگ، بیان گر چالش درونی عباسیان بین حفظ یا طرد ایرانی گری در خلافت است.

سیاسی / اجتماعی

این جنگ، تقابلی بین جریان اسلامِ انحصارگرای عربی - عباسی (امین) و بین تجربه مشارکت جمعی مسلمانان عرب و عجم در امور سیاسی است. البته در این نظریه اصل خلافت همچنان عربی بوده ولی کاگزاران آن میتوانستند غیر عرب و در خدمت عباسیان باشند (مأمون) و پایان این جنگ و شکست، نشانه پایان یافتن دوران انحصارگری در خلافت است. بدین جهت با آغاز خلافت مأمون دوران فارسی دوم خلافت عباسی آغاز می گردد.(۱)

جنگ داخلی عباسیان، نشان گر فروپاشی یک پارچگی اجتماعی، سیاسی و کلامی اندیشه خلافت عباسی و تبدیل شدن خلافت به وسیله ای برای کسب انواع منافع و اهداف حکومتی است.

۱- خلافت عباسی بر خلاف خلافت اموی که بر بنیان تعصب عربی بنیان شده بود ، اصولاً با کمک ایرانیان و خراسانیان ایجاد شد. این دوران از سفاح تا هارون البته با روندی رو به کاهش ادامه یافت. خلافت امین عباسی خلافتی عربی بود. خلافت مأمون دوره دوم ایرانیت خلافت عباسی بود و از دوران معتصم به تدریج دوران ترک ها در خلافت عباسی شروع می شود تا زمان تا آل بویه که دوباره ایرانی ها کانون خلافت بغداد را تصرف می کنند.

ص: ۸۵

۲/۲: وضعیت اجتماعی جهان اسلام

۲/۲: وضعیت اجتماعی جهان اسلام

جغرافیای جهان اسلام در این سال ها، از مرزهای چین و هند در شرق، تا اقیانوس اطلس در غرب را شامل می شد و به جز سرزمین اندلس که تحت سیطره بازماندگان امویان بود، مابقی سرزمین ها، تحت سیطره خلافت عباسی بود. این گستردگی جغرافیایی و جمعیتی، در آغاز، به سبب مدیریت برمکیان و قوانین مالیاتی نسبتاً مناسبی که وضع کرده بودند؛ همراه با آرامشی نسبی بود؛ ولی پس از برافتادن برمکیان، در کنار فزونی گرفتن ظلم و ستم امیران و والیان بنی عباس، در ابتدا سرزمین مغرب (مراکش امروزی) با قیام «ادریسیان»، که از علویان زیدیه بودند، استقلال یافت، به گونه ای که هارون ناچار شد در سال ۱۸۳ ه . ق. «بنی اغلب» را در تونس به قدرت برساند تا مانع پیش روی ادریسیان به سوی شرق شود.

در خراسان هم، ظلم و ستم های عیسی ابن ماهان، والی عربِ هارون، باعث راه افتادن شورش بزرگی به رهبری رافع ابن لیث، در ماوراءالنّهر و خراسان شد. گسترش دامنه این قیام، هارون را دو بار در سال های ۱۸۸ و ۱۹۳ ه . ق. به خراسان کشاند و در نهایت، با اینکه عیسی ابن ماهان را از اِمارت خراسان عزل کرد، بدون این که بتواند شورش را سرکوب کند، در توس فوت کرد.

پس از مرگ هارون و تقسیم سرزمین های خلافت بین امین و مأمون و آغاز جنگ های سه ساله، بیشترین آسیب ها و صدمات به عراق با محوریت بغداد وارد شد.آغاز خلافت مأمون در سال ۱۹۸ ه . ق. تا زمان ورود او به عراق در سال ۲۰۳، به مدت پنج سال، سرزمین عراق، شاهد آشفتگی ها و قیام ها و ویرانی ها و کشتار های متعددی بود.

در ایران، اگر چه خراسان به آرامش رسید، ولی منطقه سیستان، در چنگال شورش خوارج بود و در همین زمان، آذربایجان هم شاهد مراحل آغازین شورش بابک خرم دین بود. شدت گستردگی این نابه سامانی های اجتماعی بود که مأمون را دست به دامان ولایت عهدی امام رضا علیه السلام کرد تا به نوعی با مشارکت دادن امام در مسئله خلافت، به فرافکنی بحران های اجتماعی به سمت آن حضرت بپردازد، ولی امام با مدیریت و درایت معصومانه خود، این نقشه مأمون را خنثی کرد.

ص: ۸۶

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

قیام ها و شورش ها

اجتماعی / کلامی

گستردگی قیام ها در دوران اوج عباسیان، آن هم پس از گذشت نیم قرن از خلافت آنها، نشان گر آشکار شدن چهره باطنی و ظالمانه خلافت و رواج نومیدی اجتماعی از احیای عدالت اجتماعی توسط آنهاست.

جغرافیای قیام ها و گستردگی آن

گستردگی قیام ها در مناطق عربی و غیر عربی، بیان گر تضعیف تدریجی قدرت اجتماعی عباسیان در جغرافیا غیر عربی و یا عربِ غیر معتقد به مذهب عامه است؛ جغرافیایی که در بلندمدت می توانست پایگاه اجتماعی مناسبی برای فرقه های مذهبی و سیاسی باشد.

گستردگی و تنوع قیام ها در زمان هارون و امین و مأمون، نشان گر عمق بحران و آشفتگی اجتماعی و شکل نگرفتن هویت اجتماعی ثابت و واحد است.

پیام های سیاسی قیام خراسان

سیاسی / اجتماعی

قیام خراسان، نشان گر پیدایش تدریجی روی گردانی توده های اجتماعی در خراسان و ایران، از عباسیان و ایجاد آمادگی در آنها از نظر تمایل به فرقه های سیاسی و کلامی دیگر است.

بازتاب های سیاسی قیام ها

سیاسی / اجتماعی

وحشت گسترده هارون نسبت به از دست رفتن سرمایه اجتماعی ای که باعث پیدایش بنی عباس شده بود و تلاش برای حفظ این سرمایه.

زمینه های تشیع در خراسان

کلامی / فرهنگی

خراسان نشانه هایی مبنی بر آمادگی برای تغییر در اندیشه و فرهنگ و تعلقات دینی از خود بروز می داد که امام را برای تصمیم گیری برای بسط و گسترش تشیع اصیل در این جامعه مصمم تر کرد.

ص: ۸۷

بازتاب اجتماعی

اجتماعی

روند رو به تضعیف پایگاه اجتماعی عباسیان در سراسر جغرافیای اسلامی، که به صورت قیام ها یا شورش ها خود را نشان می داد.

بازتاب های سیاسی

فکری / سیاسی

عباسیان تلاش می کردند به کمک جریان های گوناگون علمی، این مطلب را جا بیندازند که امنیت بر عدالت ترجیح دارد و در نتیجه، هر قیامی، حتی در صورت رواج ظلم و فساد سیاسی و اجتماعی، نامشروع است.

۲/۳: وضعیت فکری و فرهنگی جهان اسلام

۲/۳: وضعیت فکری و فرهنگی جهان اسلام

مهم ترین شعار عباسیان برای رسیدن به قدرت و خلافت، شعار «الرّضا من آل محمد» بود. این شعاری بود که آن را از زیدیه فراگرفته بودند و با تعریفی مبهم و کلی از آن، قصدشان تهییج اذهان عمومی علیه امویان بود. پس از برافتادن امویان و به قدرت رسیدن عباسیان، آنها می دانستند که اکثریت جهان اسلام، پیرو مکتب خلفا و اهل سنّت هستند و بزرگ نمایی شعار «الرّضا من آل محمد» می تواند به مشروعیت زیدیه منجر شود؛ از این رو، پس از کسب قدرت، خیلی زود به علما و گرایش های فکری اهل سنّت روی آوردند. در نتیجه این سیاست، در زمان زندگانی و امامت امام رضا علیه السلام ، شاهد اوج گیری نظام و طرح فرقه سازی در میان اهل سنّت با کمک خلفای عباسی هستیم.

در این سال ها، پس از نظام یافتن فرقه «اهل رأی» در فقه توسط شاگردان ابوحنیفه، و گسترش بخشی از آن در مرکز و شرق اسلامی، برای ذوق و سلیقه های سنّتی هم، «مکتبِ حدیثی مالک» در حجاز طراحی شد و در همین زمانِ امامت امام رضا علیه السلام ، این مکتب در شام و مصر و آفریقا و حتی اندلس ترویج می شد؛ ولی به سبب نقل گرایی شدید آن، در اواخر دوران امامت امام رضا علیه السلام ، شافعی با ایجاد تعدیل در دو مذهب رأی و حدیث و همچنین در میان دو مذهب حنفی و مالکی، مذهب خود را، به عنوان سومین راهکار و طرح و مدرسه فقهی برای جهان اهل سنّت در مصر عرضه کرد.

این در حالی است که با توجه به رهاشدگی پدیده اجتهاد در مدارس اهل سنّت، در این زمان مکتب های فقهی دیگری هم به تدریج ایجاد شد و در گستره محدودتری

ص: ۸۸

رواج یافتند؛ مکـاتبی هماننـد «فقه اوزاعی» که بیشتر در شـام و در فضـای فکری جـامعه متمایـل به انـدیشه تاریخی امویان گسترش یافت؛ یا «فقه سفیان ثوری» که در بخش هایی از عراق و غرب ایران رواج یافت.

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

وضعیت فکری عباسیان

سیاسی

سرگردانی فکری و انـدیشه ای عباسـیان در صـد سـاله اول خلافـت و تلاـش برای دامن زدن به هر جریانی که رقیب شـیعه و زیـدیه باشد.

علمای برجسته عامه و همکاری با سیاست های فکری عباسیان

کلامی / تاریخی

همراهی علمای عامه با جریان و سیاست فرقه سازی عباسیان و تلاش برای به روزسازی مکتب عامه.

تناقض های تاریخی علمای جهان اسلام در آن دوران

فکری / سیاسی

سرگردانی اندیشه ای علمای عامّه، بین اصولی که آنها را به اطاعت از خلافت عباسی فرامی خواند و اصولی اصلاح گرا که گه گاه باعث همراهی آنها با زیدی ها می شد.

بازتاب اجتماعی وضعیت فکری تفرقه زا

اجتماعی / تاریخی

فرقه سـازی علمای عامه و بازتاب اجتماعی آن، که باعث پیـدایش تفرقه و تشـتّت اجتماعی شـد و هر روز که می گـذشت جامعه را بیشتر به سوی تفرقه تشویق می کرد.

در این مرحله، برای بازشناسی بهتر علمی و فقهی جهان اسلام، جدول معرفی مشهور ترین علما و منطقه جغرافیایی و رویکرد فعالیت علمی آنها آورده می شود. کارکرد این جدول را، در یک بررسی تطبیقی و نگاه مقایسه ای می توان در بازتاب هایش در جغرافیای

حضور شیعیان و نوع مواجهه احتمالی آنها با امام رضا علیه السلام و یا یارانش و یا شیعیان دید. همچنین میزان همراهی این علما با عباسیان و یا قیام های زیدیه، از نکات مورد مطالعه در آن زمانه می تواند باشد تا معلوم گردد در زمانی که رهبر حق، در جامعه اسلامی حضوری آشکار و فعال داشت، چگونه جریان های مدعی علم و اندیشه

ص: ۸۹

در جهـان اسـلام، بـا مهجور کردن اهل بیت پیامبر صـلی الله علیه و آله ، رو به سوی جریان ها و مکاتب دیگر آورده بودنـد و باعث تقویت و گسترش آنها می شدنـد. فهرست جـدول آتی، بر اساس دو تقسیم بنـدی علما به مـدرسه حـدیث و رأی و در چهار حوزه جغرافیایی حجاز، عراق، ایران و آفریقا است و محـدوده زمانی معرفی علما، در محدوده امامت امام رضا علیه السـلام و کمی پس از آن است که زمان اوج فعالیت آن علمای مذکور است.

علمای ناحیه حجاز؛

علمای ناحیه عراق از اهل رأی؛

علمای ناحیه عراق از اهل حدیث؛

علمای ناحیه ایران از اهل رأی؛

علمای ناحیه ایران از اهل حدیث؛

علمای سایر بلاد (شام و مصر و آفریقا و اندلس).

علمای مدرسه حجاز

نام

تاریخ وفات

جغرافیا

توضیحات

سفیان عینیه

۱۹۸

متولد کوفه ساکن مکه

از بزرگ ترین علمـای اهـل سـنّت که چهل سال، عالم مطلق آنها در حجاز و مکه بود و به ویژه در موسم حـج، مـدرسه اش، کانون تجمع علما و دانش جویان عامه بود.

ابراهیم ابن سعد زهری مدنی

۱۸۴

مدینه / بغداد

شاگرد پـدرش و همانند او قاضـی مدینه شد. در سال ۱۸۴ به عراق رفت و هـارون او را اکرام کرد. چون قائـل به حلّیت غِنـا بود و با مخالفت محـدثین بغـداد روبه رو شد، او هم با خود عهد کرد که از آن پس، هیچ حدیثی را نخواند، مگر این که قبلش غِنایی انجام دهد! او در بغداد، مسئول بیت المال بود.

ص: ۹۰

مغیره ابن عبدالرّحمان مخزومی

۱۸۶

مدنی

شاگرد مالک و از فقهای مدینه بود. هارون به او قضاوت مدینه را پیشنهاد داد، ولی او نپذیرفت؛ پس هارون به او هزار دینار داد.

هشام ابن یوسف صنعانی

۱۹۷

صنعا / یمن

شاگرد سفیان ثوری و از استادان شافعی و قاضی صنعا بود.

معن ابن عیسی اشجعی مدنی

۱۹۸

مدینه

برترین شاگرد و جانشین مالک ابن انس در مدینه بود.

عبدالله ابن نافع مدنی

۲۰۶

مدینه

فرزند نافع از قرّاء قرآن و شاگرد ویژه مالک بود که در مدینه به مذهب او فتوا می داد.

محمد ابن مسلمه مخزومی مدنی

۲۱۶

مدینه

شاگرد مالک و ملازم او و یکی از فقهای مدینه پس از او بود.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

علمای مدرسه حجاز

اجتماعی

نقش و کارکرد مدرسه حجاز در این سال ها برای منحرف ساختن اکثریت جهان اسلام از مدرسه و مکتب اهل بیت علیهم السلام به سوی خود.

نوزایی مدرسه فقهی

فکری

چون به مدرسه علمی حجاز، در این سال ها توجه زیادی می شد، تشویق می شد که پیوسته به نوزایی و فرقه سازی بپردازد؛ از این رو، تبدیل به مدرسه مالک و شافعی و سفیان ابن عینیه گردید.

همکاری مدرسه حدیث و عباسیان

سیاسی

همکاری گسترده علمای حجاز و جذب شدن آنها در همکاری های مختلف علمی و قضایی که باعث تقویت خلافت عباسی می شد.

مدرسه جمودگرایی حجاز

فکری

مدرسه و مکتب فکری حجاز، با توجه به اقلیم و فرهنگ عربی و سنّتی، مکتبی حدیثی و نقلی و تعبّدگرا و دور از تعقّل و اندیشه بود.

ص: ۹۱

جایگاه اجتماعی مدرسه حدیث

عبادی / اجتماعی

مراسم سالانه حج، باعث کسب اعتبار و جایگاه ویژه ای برای علمای حجاز در جهان اسلام شده بود و همین امر، زمینه های ترویج تدریجی این مکتب را فراهم می ساخت.

بازتاب تاریخی مدرسه حجاز در جهان اسلام

فکری / تاریخی

گسترش اندیشه های مدرسه حجاز، باعث رواج جمودگرایی و تعبّدگرایی ظاهری و تعطیلی تدریجی اندیشه دینی در جهان اسلام می شد.

علمای مدرسه حدیث در عراق

نام

تاریخ فوت

جغرافیا

توضیحات

عفیف ابن سالم موصلی

۱۸۶

موصل

شاگرد مالک و ثوری و مفتی موصل.

معاد ابن معاذ

۱۹۵

بصره / بغداد

شاگرد ثوری و از استادان احمد حنبل بود. مدتی قاضی هارون در بصره بود (۱۷۲ ه . ق.)؛ ولی به علت اعتراض مردم عزل شد و مردم در عزل او شادمانی کردند.

وهب ابن وهب قریشی مدنی

۲۰۰

مدینه / بغداد

از محدثین مدینه بود که در یکی از سفرهای هارون به حجاز جلب دربار او شد و با او به بغداد رفت. او برای میل هارون، حدیث وضع می کرد و بر امام صادق علیه السلام دروغ می بست و به درخواست هارون، فتوا به قتل یحیی ابن عبدالله علوی، که در امان هارون بود، داد. پس هارون به او یک میلیون و شش صد هزار درهم داد و او را قاضی مدینه و سپس یکی از مناطق بغداد کرد. او پس از بکّار زبیری، مدتی هم والی مدینه بود و قائل به حلّیت شرب نبیذ بود. در بغداد ساکن شد و مرد.

ص: ۹۲

وکیع ابن جرّاح کوفی

۱۹۶

کوفه

از علمای بسیار بزرگ حدیث و جانشین سفیان ثوری. او قائل به حلّیت شرب نبیذ بود.

ابن علیه

۱۹۳

بصره

از علمای محدثین معروف که از علمای نسل بعد از خود بسیار برجسته تر بود. او دوران هارون، متولّی صدقات بصره و مظالم بغداد بود و قائل به حلّیت شرب نبیذ بود.

عیسی ابن یونس

۱۸۸

مرزهای شام و روم شرقی

شاگرد ثوری و اوزاعی بود که در ۴۵ غزوه با رومیان شرکت کرد و ۴۵ حج انجام داد.

یزید ابن هارون واسطی

۲۰۷

واسط / بغداد

از علما و محدثین معروف زمان خود و از نواصب و دشمنان امام علی علیه السلام بود. استادِ احمد حنبل و معتقد به امر به معروف و نظریه قدیم بودن قرآن بود. تا او زنده بود، مأمون نظریه خلق قرآن را ترویج نکرد.

سعد ابن ابراهیم زهری

۲۰۱

عراق

قاضی واسط در زمان هارون و قاضی یکی از مناطق بغداد در دوران مأمون بود.

سلیمان ابن داوود ابی داوود بصری

۲۰۴

عراق / بغداد

صاحب مسند ابی داوود بود. او سفری هم به اصفهان کرد و احادیث خود را در آن جا منتشر ساخت.

محمد ابن عمر واقدی مورخ

۲۰۷

حجاز / بغداد

او از مردم مدینه و آگاه به تاریخ اسلام بود. در سفر هارون به حجاز، استاد راهنما و روایت گر تاریخ برای او در مدینه شد و بدان وسیله، جذب دربار هارون شد. کمی بعد، به واسطه فقر به بغداد سفر کرد و به هارون پیوست. مأمون که به عراق آمد، او را قاضی یکی از مناطق بغداد کرد و او در این شغل بود تا مرد.

ص: ۹۳

علمای مدرسه اهل رأی در عراق

نام

تاریخ فوت

جغرافیا

توضیحات

محمد ابن حسن شیبانی

۱۸۹

بغداد

دومین شاگرد برجسته ابوحنیفه و شاگردِ قاضی ابویوسف بود. مدتی پس از ابویوسف، قاضی هارون بود، ولی پس از مدتی عزل شد. همیشه مصاحب هارون بود و در سفر وی به خراسان، در ری مرد. او یکی از مهم ترین عناصر نشر مکتب حنفی در عراق و ایران بود.

یوسف ابن خالد بصری

۱۸۹

بصره

از آخرین شاگردان ابوحنیفه و اولین مروّج مذهب او در بصره بود.

علی ابن ظبیان کوفی

۱۹۲

بغداد

شاگرد ابوحنیفه و استاد شافعی و مدتی نیز قاضی القضات جهان اسلام در دوران هارون بود. او همراه هارون به ایران آمد و در کرمان شاه مرد.

اسماعیل ابن حمّاد ابن ابوحنیفه

۲۱۲

بغداد / بصره

نوه ابوحنیفه بود. در سال ۱۹۴ ه . ق. قاضی «امین» در بغداد بود. در سال ۲۱۰ ه . ق. قاضی بصره شد. او قائل به نظریه مخلوق بودن قرآن و از مرجئه بود.

بُشر ابن ابی الازهر نیشابوری کوفی

۲۱۳

عراق

شاگرد ابویوسف و فقیه و مفتی در کوفه بود.

سلم ابن سلم بلخی زاهد

۱۹۴

عراق / بغداد

از علمای معتقد به مرجئه و همچنین معتقد به لزوم امر به معروف و نهی از منکر بود و همیشه می گفت: «اگر صد هزار شمشیر داشتم، علیه هارون قیام می کردم.» هارون او را زندانی کرد و پس از مرگ هارون از زندان آزاد شد.

ص: ۹۴

محمد ابن عبدالله بصری (از تبار انس ابن مالک انصاری)

۲۱۵

بصره / بغداد

شاگرد ابویوسف بود. در زمان هارون، در آغاز، قاضی بصره و کمی بعد قاضی مناطق بغداد شد. در زمان امین از قضاوت، به امر مظالم منتقل شد و در نهایت، دوباره به حکم امین به قضاوت بصره رسید. مأمون چون به خلافت رسید او را عزل و خانه نشین کرد تا مرد.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

مدارس فقهی اهل رأی در عراق و نقش تاریخی آن

فکری / اجتماعی

مدارس گوناگون عراق، بیشترین نقش را در تکثّرگرایی در فقه عامه داشتند.

تکثّرگرایی در فرقه های فقهی، با هدف روزآمدسازی و نوسازی فقه عامّه، هماهنگ با نیازهای زمان و مکان در جهان اسلام بود.

روابط سیاسی مدرسه اهل رأی با عباسیان

سیاسی

علمای مدرسه اهل رأی، دارای بیشترین رابطه ها با خلافت عباسی بودند و بیشترین مناصب فقهی و قضایی خلافت عباسی را به عهده داشتند.

بازتاب تاریخی اندیشه اهل رأی در فقه عامه

فرقه شناسی

تأثیر مدرسه فقهی اهل رأی عراق در تکثّرگرایی مذاهب فقهی اهل سنّت.

علمای حدیث در ایران

نام

تاریخ وفات

جغرافیا

توضیحات

ابراهیم ابن هدبه بصری

۱۹۹

اصفهان

از شاگردان مالك و از محدثین بود. او به اصفهان آمد و با حمایت والی شهر (و حتی حمایت

ص: ۹۵

هارون) به نشر حدیث مالك در آن جا پرداخت. او غِنا را حلال می دانست و در نقل حدیث هم ضعیف بود.

علی ابن حصین کوفی

۱۹۱

ری

شاگرد ثوری بود و فقیه و قاضی ری.

یحیی ابن ضریس

۱۹۵

ری

قاضی و محدث بود.

سعد ابن صلت کوفی

۱۹۶

شیراز

فقیه و قاضی شیراز بود.

عمر ابن هارون بلخی

۱۹۴

مکه / بلخ

از قرّاء و محدثین ساکن مکه بود، سپس به بلخ آمد. او با این که امام صادق علیه السلام را ندیده بود، از ایشان حدیث روایت می کرد و بر ضدّ مرجئه بود.

یحیی ابن مبارك بصری نحوی

۲۰۲

عراق / مرو

قاری و استاد در علوم نحو و لغت عرب بود. او استاد مأمون بود، پس همراه او به ایران آمد و در مرو مرد. قاضی مرو بود و اولین کسی بود که سنّت را در مرو رواج داد.

حفص ابن عبدالله سلمی نیشابوری

۲۰۹

نیشابور

بیست سال قاضی نیشابور بود.

حسین ابن ولید نیشابوری

۲۰۳

نیشابور

شاگرد ثوری و استاد احمد حنبل و از محدثین نیشابور بود.

شقیق بلخی

۱۹۴

خراسان

شاگرد ثوری و علمای محدث و صوفیان متعددی بود. او در آخر عمر بیشتر ساکن خراسان بود و گروهی سیصدنفره از زهّاد را گرد خود جمع کرده بود و عمدتاً به فتوحات می پرداخت تا اینکه در جنگ با ترکان کشته شد.

ص: ۹۶

علمای مدرسه اهل رأی در ایران

نام

تاریخ وفات

جغرافیا

توضیحات

خالد ابن سلیمان بلخی

۱۹۹

عراق / بلخ

از خواص شاگردان ابوحنیفه و مروّج آثار او در بلخ بود.

حکم ابن عبدالله بلخی

۱۹۹

عراق / بلخ

شاگرد ابوحنیفه، منسوب به جهمیه، قاضی بلخ و استاد علمای اهل خراسان بود.

ابراهیم ابن رستم مروزی

۲۱۱

عراق / خراسان

او در آغاز از اصحای حدیث بود، ولی چون به وی توجهی نشد، از یاران شیبانی شد و به مدرسه اهل رأی روی آورد. به مأمون نزدیک شد، ولی قضاوت او را قبول نکرد. فضل ابن سهل به او هدایایی می داد. او معتقد به مرجئه بود و در نیشابور مرد.

احمد ابن حفص کبیر بخاری

۲۱۷

بخارا

شاگرد شیبانی و ساکن بخارا و شیخ فقهای ماوراءالنّهر بود. در اواخر عمرش، امام بخاری، نویسنده صحیح بخاری به بخارا آمد، ولی با هم سازش نداشتند، پس اهالی بخارا به دستور او، امام بخاری را از شهر بیرون کردند.

جارود ابن یزید عامری

۲۰۳

نیشابور

شاگرد ابوحنیفه و عالم مشهور نیشابور بود.

خلف ابن ایوب بلخی

۲۰۵

بلخ

شاگرد ابویوسف و از علمای حنفی و مفتی اهل بلخ بود.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

ص: ۹۷

جغرافیای فرقه ای در ایران

جغرافیایی / اجتماعی

در غرب ایران، غلبه با مدرسه حدیثی و در شرق ایران، غلبه با مدرسه اهل رأی بود و این به سبب سابقه بیشتر خلافت اموی و ناشی از اثرگذاری طولانی مدت تفکر دینی متعصب محور آنها در غرب ایران بود؛ امری که در بسیاری از مناطق، باعث مقاومت مردم در برابر تشیع می شد.

جغرافیای فرقه ای در خراسان

جغرافیایی / اجتماعی

در خراسان، در مناطق شرقی، تنوع فرقه ای و مدرسه ای وجود داشت و همین باعث می شد که زمینه برای رشد تشیع در آن هم فراهم باشد؛ ولی در ماوراءالنّهر، حاکمیت گسترده اندیشه های فقهی و کلامی عامه، آن مناطق را تدریجاً به مناطقی تشیع گریز تبدیل کرد.

جغرافیای فرقه های انحرافی در ایران

جغرافیایی

در جغرافیای ایران و خراسان، به علت پیش زمینه های تمدنی، زمینه برای رواج مذهب رأی، که هماهنگ با اندیشه کلامی مرجئه گری و تساهل و تسامح مذهبی بود، فراهم تر بود.

سیاست فرهنگی و فکری عباسیان برای ایران

فکری / فرهنگی

به نظر می رسد عباسیان در این سال ها که شاهد وجود گرایش های تحول خواه در ایرانیان بودند، سعی در حمایت از ترویج و حمایت از فرقه های گوناگون عامه در ایران داشتند تا مبادا ایران تمایلی به سوی تشیع از خود نشان دهد.

علمای مدرسه حدیث و رأی در آفریقا

نام

تاریخ فوت

جغرافیا

توضیحات

محمد ابن ادریس شافعی

۱۵۰ -۲۰۴

حجاز، مصر

یکی از عالمان بزرگ و چهارگانه اهل سنّت و از شاگردان ویژه مالک ابن انس بود. مدتی هم با والی مدینه همکاری می کرد تا این که جزء علما شد. در زمان امین و پس از مرگ

ص: ۹۸

او، دو سفر به بغداد کرد، ولی آنجا را مساعد برای نشر افکار خود نیافت. در نهایت در سال ۲۰۰ ه . ق. به مصر رفت و مذهب خود را در آنجا منتشر کرد.

زیاد ابن عبدالرّحمان اندلسی

۱۹۳

اندلس

ازشاگردان مالك و اولین کسی بود که مذهب او را به اندلس آورد و آن را جای گزین مذهب اوزاعی کرد.

علی ابن زیاد تونسی

۱۸۳

آفریقا

شاگرد مالك و مروّج مذهب او در شمال آفریقا (قیروان) بود.

اشهب ابن عبدالعزیز قیسی مصری

۲۰۴

مصر

رئیس مالکی ها و از رفقای شافعی در مصر و متولّی خراج مصر بود.

ابومسهّر الشّامی دمشقی

۲۱۸

شام، دمشق

او در زمان شورش سفیانی (۱۹۸ — ۱۹۵) قاضی دمشق بود.

یحیی ابن یحیی لیثی اندلسی

۲۳۴

حجاز، مصر، اندلس

در ۲۸ سالگی نزد مالک، «موطا» را خواند و در مکه، شاگردی سفیان ابن عینیه را کرد. در مصر، از لیث ابن سعد آموخت، سپس به اندلس رفت و مذهب مالکی را رواج داد.

محمد ابن مسروق کوفی

۱۸۵

عراق، مصر

او هشت سال قاضی هارون در مصر بود تا این که در سال ۱۸۴ عزل شد. شخصی متکبّر بود و به نصارا اجازه داد برای مراجعه به قاضی داخل مسجد شوند.

هاشم ابن ابوبکر مدنی تیمی بکری

۱۹۶

حجاز، عراق، مصر

شاگرد ابوحنیفه بود. در سال ۱۹۴ قاضی امین در مصر شد. معتقد به حلّیت شرب نبیذ بود.

ص: ۹۹

اسد ابن فرات خراسانی الاصل کوفی

۲۱۳

عراق، آفریقا

در آغاز شاگرد مالک و سپس شاگرد ابویوسف و شیبانی شد. به مصر و آفریقا آمد و در آن جا با علمای مالکی درگیر شد. در سال ۲۰۴ قاضی قیروان شد و از سوی حاکمان بنی اغلب، به فتح سیسیل پرداخت و در یکی از فتوحات، مجروح شد و مرد.

ابراهیم ابن اسماعیل اسدی بصری ثمّ مصری

۲۱۸

بصره، مصر

فرزند ابن علیه، عالم بزرگ آن زمان بود. ساکن مصر شد. او قائل به مخلوق بودن قرآن بود و با شافعی در بغداد و مصر مناظرات متعدد داشت و کتابی هم در ردّ مالک نوشت.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

جغرافیای اجتماعی - مذهبی

اجتماعی

حضور اعراب در اقلیم سنّتی آفریقا، در کنار تعطیلی اندک مدارس سنّتی اندیشه ای، باعث تقویت روحیه جمود و نقل گرایی در شمال آفریقا شد، امری که باعث ترویج مذهب مالکی شد.

جغرافیای تشیع در آفریقا

کلامی / فرقه ای

با رواج فرقه هایی همانند مالکی و گسترش روحیه جمودگرایی، مذهب تشیع امامی که عقل گرا بود، تضعیف شد.

۲/۴: اطلس فرقه ای جهان اسلام در دوران امامت امام رضا علیه السلام

اشاره

۲/۴: اطلس فرقه ای جهان اسلام در دوران امامت امام رضا علیه السلام

جهان اسلام در دوران امامت امام رضا علیه السلام ، مشغول شکل دهی و پی ریزی فرقه ها و مکتب های فکری و فقهی بود و این اتفاق، ریشه در سیاست فرهنگی و فکری عباسیان داشت. عباسیان در این سال ها، که در اوج قدرت خود بودند در مقایسه با امویان، چند سیاست کلی را به اجرا گذاردند:

ص: ۱۰۰

در این دوران، با توجه به پیچیده تر شدن مدیریت سیاسی و کثرت مسائل و گرفتاری های آن و همچنین برای دادن اعتبار ویژه به جایگاه سیاسی خلافت، شئون دینی و مدیریت فکری و مسئله اقامه جمعه و جماعت را، از عهده خلیفه و امرای مهم در استان ها برمی دارند و خلیفه و استانداران، تقریباً فقط به امور سیاسی و اجتماعی می پردازند و امور دینی و مسائل مربوط به آن را به علما وامی گذارند.

این تفکیک وظایف، در کنار رشد تدریجی تشیع، عباسیان را به گونه ای جدی وادار به اندیشه در حوزه نظام فکری و کلامی و فرهنگی و دینی (فقهی) جامعه کرد و چون که خلافت ایشان، بیشتر خلافت سیاسی بود تا دینی، آنها به این نتیجه رسیدند که برای تنظیم نظامی کلامی و فقهی، باید رهبران و فرقه هایی مخصوص طراحی کنند. (درست همانند جریان زیدیه، که در مباحث کلامی، فرقه ای مستقل بود، ولی در حوزه فقه و شریعت، دچار فقر علمی بود و از همین رو از آبشخور دیگر فرقه های جهان اسلام بهره می گرفت، که همین حالت، در نهایت زیدیه را به فقه حنفی، یکی از مکتب های فقهی اهل سنّت کشاند).

عباسیان، در مباحث اندیشه ای و کلامی، برخلاف سهولت بخش فقه و شریعت، دچار ابهام و سرگردانی بودند؛ چرا که از یک سو، با شعار «الرّضا من آل محمد» روی کار آمده بودند و دست کم، در سده اول خلافت خود، اصراری ویژه داشتند که خود را جزء اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کنند؛ ولی در برابر آنها، زیدیه و شیعه امامیه قرار داشتند که این ادعا را به چالش می کشیدند؛ و از سوی دیگر، بیشتر جامعه، پیرو مکتب اهل سنّت و جماعت بودند و با توجه به نظریه سیاسی آنها که خلافت بود، بهترین نظریه برای حکومت داری عباسیان، نظریه خلافت بود، ولی آنها نمی خواستند با پذیرش نظریه خلافت، گرفتار ناصبی گری امویان شوند؛ گذشته از آن که جهان اسلام هم، تدریجاً شاهد تکثّر اندیشه های کلامی بود که نشان گر نیازمندی گرایش های کلامی به نوزایی بود.

از شواهد نیاز اندیشه های کلامی به تعدیل و اصلاحات و بازنگری، تحیر و سرگردانی علمای مشهور اهل سنّت در سده آغازین خلافت عباسی درباره

ص: ۱۰۱

قیام های مختلف علیه عباسیان است؛ به گونه ای که بیشتر علمای اهل رأی عراق و علمای اهل حدیث حجاز، به مشارکت در قیام های زیدیه علیه عباسیان تمایل داشتند و از همین رو، در قیام نفس زکیه و برادرش ابراهیم، در زمان خلافت منصور عباسی، و در قیام ابوالسرایا و علویان، در آغاز خلافت مأمون، علما، به ویژه علمای کوفه و مدینه، یا به طور گسترده حضور داشتند و یا اینکه این شورش ها را تأیید و حمایت می کردند.

از دیگر نشانه های این سرگشتگی، این است که چه در زمان خلافت هارون و چه در زمان خلافت امین، برخی از علما، نظریه عمل به امر به معروف و نهی از منکر را، نه تنها به عنوان یک اصل دینی - سیاسی - اجتماعی ترویج می کردند؛ بلکه در مقاطعی این باور آنان، خود را به شکل قیام های اجتماعی نشان می داد.

همه این موارد، نشان گر این است که فرقه های کلامی و فکری اهل سنّت نیز به نوگرایی نیاز داشتند. این ضرورت، اگر چه در زمان امامت امام رضا علیه السلام ، بسترهایش فراهم شد، ولی در نهایت، پس از ایشان بود که در ماجرای معروفِ مخلوق و یا قدیم بودن قرآن، چالش های فکری - اجتماعی در جامعه اسلامی ایجاد شد.

بدین گونه است که از نظر کلامی، در سده اول خلافت عباسی، چه در جبهه مخالفان عباسیان و چه در جبهه داخلی اهل سنّت، انواع چالش ها، تعارض ها و فرقه سازی ها پدید آمد و خود خلافت عباسی هم، بر محور خلفای برجسته خود، در این دوران گرفتار تحیر و سرگشتگی بود؛ به گونه ای که در دوره منصور عباسی، به سوی تسنّن محض رفت و در دوران مهدی عباسی، به شعار مهدویت شیعی نزدیک شد و در زمان هارون، بسترهای ترویج معتزله فراهم گردید و سرانجام در دوران مأمون، خلافت عباسی شاهد متزلزل ترین دوران خود گردید.

در این دوران، مأمون سعی می کرد در مقام عالم ترین و دانشمند ترین (اعلمهم سابعهم) خلیفه عباسی، برخی از نظریه های التقاطی و تعدیل فکری را آزمایش و نهادینه کند. مواردی همانند

سعی برای جمع کردن بین دو نظریه امامت شیعی و خلافت سنّی در ماجرای ولایت عهدی امام رضا علیه السلام .

ص: ۱۰۲

سعی برای اموی ستیزی نهایی از کلام و اندیشه و جامعه اسلامی، با طراحی سیاست فرهنگی موقتِ لعنِ معاویه و تبرّی از او.

سعی برای ایجاد عقلانی سازی اندیشه اهل سنّت با حمایت از معتزله و ترویج نظریه خلق قرآن.

این سیاست ها در ظرف زمانی بیست سال (به غیر از زمان ولایت عهدی)، از زمان بازگشت مأمون به بغداد تا پایان دوران خلافت واثق عباسی، با فراز و نشیب به اجرا گذاشته شد، ولی سرانجام معلوم گردید که نظام فکری اهل سنّت، تنها به کمترین حد از تعدیل قانع شده است و حاضر به پذیرش بسیاری از این طرح ها نیست.

اکنون، با توجه به این آشفتگی های فکری و کلامی، فرقه ها و مکاتب کلامی اهل سنّت را معرفی می کنیم و در کنار آن می کوشیم بازتاب اندیشه هر یک از آنها را بر سبک و شیوه زندگی روزمرّه پیروانشان به اجمال معرفی کنیم.

در این معرّفی، ابتدا فرقه های اهل سنّت و سپس فرقه های منتسب به شیعه را معرفی می کنیم.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

تفاوت سیاست فرقه ای عباسیان با امویان

سیاسی

عباسیان به جای سیاست مذهبی واحد بر محوریت اسلامِ اموی، بقای حکومت خود را در تکثّرگرایی مذهبی و تلاش برای فرقه سازی های محدود در چهارچوب اصول مبنایی اسلام رایج عامه می دیدند.

اجتماعی

سیاست تکثّرگرایی فرقه ای، با توجه به گستردگی جغرافیایی جهان اسلام و تنوع فرهنگ ها و نیاز های منطقه ای، تنها برای مدیریت دینی بود که عباسیان، آن را برای حفظ وفاداری جامعه اسلامی به خلافت در پیش گرفتند.

تاریخی

سیاست تکثّر فرقه ای، اگر چه در آغاز صرفاً کلامی یا فرقه ای

ص: ۱۰۳

بود، ولی به تدریج در سبک زندگی مردم تفاوت ها و اختلاف هایی پدید آورد و زمینه ساز پیدایش تقابل ها و درگیری های اجتماعی خرد و کلان شد.

کلامی

کنار گذاشتن مذهب و مکتب حق اهل بیت علیهم السلام ، که بر مبنای توحید ناب در تمام اصول و فروع بود، باعث تحیر و سرگردانی اهل سیاست (عباسیان) و مدعیان دینی (علمای عامه)، در طراحی مکتب اسلامی شد. تحیری که با فاصله گیری از توحید غیبی، باعث اختلافات و فرقه سازی و تفرقه فکری و اجتماعی شد.

کلامی

اقتضائات زمان و مکان در فقه اهل بیت علیهم السلام ، باعث روزآمدی در فروعات، با حفظ مبانی شد؛ ولی در اسلام عامّه، این اقتضائات، باعث تفسیر به رأی و یا تغییر در مبانی شد و اختلافات فرقه ای بسیاری با فاصله گیری مبنائی ایجاد کرد. (همانند فاصله مبنائی معتزله و اهل حدیث در کلام و یا بین مدرسه فقه ابوحنیفه در برابر مدرسه فقه مالکی)

مسائل کلامی چالش برانگیز

کلامی

شعار سیاسی «الرّضا من آل محمد» که به شکلی مبهم و اجمالی طراحی شده بود، برای سال ها عرصه رقابت سیاسی - فکری عباسیان و زیدیه بود.

اجتماعی

دو اصل امر به معروف و نهی از منکر، پس از گسترش فساد اجتماعی در پایتخت عباسیان، راهکار پیشنهادی برخی از علمای عامه برای اصلاح انحرافات اجتماعی بود؛ ولی خلفای عباسی، از ترس تبدیل شدن این جریان های اجتماعی به نهضت های سیاسی، با آنها به شدت مقابله می کردند.

کلامی

در این سال ها، به تدریج بحث های کلامی مدرسه ای و

ص: ۱۰۴

بیهوده، تبدیل به منازعات سیاسی و خیابانی فرقه های کلامی شد و به وحدت جامعه ضربه زد. (همانند بحث مخلوق بودن قرآن)

نسبت سنجی گرایش فکری فرقه های کلامی و فقهی

تجربه تاریخی عباسیان و یا زیدیه نشان می دهد این فرقه ها و یا جریان ها، به سبب دور افتادن از مکتب وحدت آفرین و توحیدی اهل بیت علیهم السلام ، دچار چنان بحران اندیشه ای شده بودند که در حوزه اصول و فروع دینی مشکل داشتند و طرح ها و شعارهای آنها یا صرفاً یک سویه بود؛ همانند ادعاهای سیاسی - کلامی زیدیه و فقر فقهی آنها؛ و یا اگر دوسویه بود، بین اصول و فروع آن، هماهنگی وجود نداشت؛ مثل این که برخی در اصول، معتزله یا مرجئه بودند، ولی در فقه، به مکتب حدیث گرایش داشتند.

مأمون و بازنگری در کلام و سیاست تاریخی اهل سنّت

دوران مأمون عباسی، آخرین مرحله از تلاش تاریخی عباسیان برای ایجاد تعدیل و اصلاحات روشن فکرگرایانه در مبانی کلامی و سیاسی اسلام عامه بود؛ تلاشی که با خلافت متوکل و احیای نگرش متعصبانه اسلام حدیثی عامه ناکام ماند.

۲/۴/۱: فرقه ها و گرایش های کلامی اهل سنّت در دوران امامت امام رضا علیه السلام

اشاره

۲/۴/۱: فرقه ها و گرایش های کلامی اهل سنّت در دوران امامت امام رضا علیه السلام

زیر فصل ها

فرقه شماره ۱:

فرقه شماره ۱:

نام گرایش: اهل سنّت حدیث گرا

مبانی و اصول:

- محوریت حدیث در بینش کلامی؛

- تشبیه و تجسیم در توحید؛

- جبر در افعال انسان.

ص: ۱۰۵

وضعیت و جغرافیا:

این مکتب، ریشه در مکتب حـدیثی حجـاز و سـیاست فرهنگی امویان داشت از این رو، در حجاز و شام و مصـر، بیشتر علما و به تبع آنها مردم، متمایل به آن بودند. در عراق هم دارای پایگاه هایی قوی، به ویژه در بغداد بود.

سبک زنـدگی: پیروان این نظریه در مکتب اهل سـنّت، متعصب بودنـد و کمی بعـد، باعث پیـدایش جریان حنابله در عراق و بغـداد شدند. این گرایش، در متن زندگی، بیشترین فاصـله با امامان و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را داشت. آنها در برابر حکومت، تا وقتی که بدعتی آشکار نداشت، ساکت بودند و نسبت به تشیع بیشترین موضع گیری را داشتند.

جدول ایده یابی

موضوع

جزئی

پیش فرض علمی

ایده

ریشه تاریخی مذهب اهل حدیث

تاریخی / کلامی

مذهب اهل حدیث، محصول نگرش سـنّتی و جمودگرایی صحابه حجاز و بازخوانی خلافت اموی بود که عباسیان آن را برای حفظ جامعه متعصب عامه پشتیبانی کردند و در نهایت، پس از فراگیر نشدن فرقه های دیگر، به توسعه و گسترش آن پرداختند.

تاریخی / سیاسی

مـدرسه حـدیثی، به علت جمودگرایی و حفـظ مبـانی انـدیشه ای امویان در تجربه تاریخی خود، بیشترین موضع گیری علیه امامان و مکتب و جامعه شیعه را داشت.

جغرافیایی

حـاکمیت تـاریخی اسـلام در جغرافیای حجاز، باعث ایجاد بیشترین مظلومیت ها و غربت های اجتماعی برای اهل بیت علیهم السـلام در حجـاز شـده بود. (اگر چه در دوران امـامت امام رضا علیه السـلام ، امویان برافتاده بودنـد، ولی عباسـیان با تقویت این جریان در قالب مالک

ص: ۱۰۶

ابن انس و خاندان زبیری و دیگر رجال این مکتب، عملاً به محاصره اجتماعی امام در مدینه پرداخته بودند).

کلامی / تاریخی

عباسیان در مقام فرقه سازی، با توجه به مقبولیت مذهب و مدرسه حدیث، در تجربه ای تاریخی با حمایت از علمای این مدرسه (معاصر با زندگانی و امامت امام رضا علیه السلام) به اصلاحات و تعدیل این مدرسه از فضای اسلامِ اموی به اسلام عباسی و مدرسه حدیثی سنّی پرداختند؛ از این رو، در این سال ها مذهب مالك و شافعی ایجاد و حمایت شد.

فرقه شماره ۲:

فرقه شماره ۲:

نام گرایش: اهل سنّتِ اهلِ رأی

مبانی و اصول:

تمایل به جمعِ بین عقل و حدیث در عقاید؛

تمایل به مرجئه گری در عمل و قضاوت.

وضعیت و جغرافیا:

این مکتب با فقه اهل رأی، خصوصاً فقه نوپای حنفی ملازم بود و اکثر علمای حنفی مذهب، متمایل به این مکتب بودند. مکتب مرجئه، به تفکیك ایمان از عمل شناخته می شد؛ از این رو، این مذهب در عراق، که به سوی سستی در عمل در میان جامعه متوسطه و طبقه مرفهین می رفت و نیز در میان بیشتر تازه مسلمانانِ خراسان و ماوراءالنّهر رواج فراوان یافت.

سبك زندگی: این مکتب، به سبب شرط نبودن عمل برای مؤمن بودن، در کنار حکم جواز شرب خمر و نیز حلّیت غِنا از سوی برخی از علمای این مکتب، که مورد حمایت خلفا و والیان عباسی هم بود، مروّج نوعی تساهل و تسامح در زندگی دینی و آسان گیری در آن بود.

ص: ۱۰۷

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

کارکرد های مدرسه اهل رأی برای عباسیان

سیاسی / اجتماعی از منظر عباسیان

عباسیان پس از کسب خلافت، چون به دنبال فقهی باز و آزادتر بودند که هم به حکومت داری نزدیک باشد و هم تساهل و تسامح گرا باشد، با جذب و تقویت ابوحنیفه، شاگردانش به تقویت و گسترش فقه حنفی در مراکز قدرت اجتماعی خود (در عراق و خراسان) پرداختند.

کلامی / اخلاقی برای جامعه

بازتاب فقه حنفی، در ساده ترین مرحله اش، پذیرش اسلام حداقلی در فقه و اخلاق و سبک زندگی بود و باعث رواج نوعی تساهل و تسامح و اباحه گری (در شکل مرجئه گری) بود.

سیاسی / اجتماعی

علمای مدرسه اهل رأی در عراق و ایران، بیشترین همکاری و همراهی را با خلافت عباسی در پذیرش مناصب قضایی و حقوقی و یا مرجعیت علمی برای آنها داشتند و خود را به عنوان مهم ترین فقه رسمی حکومتی، مطرح کردند.

جغرافیایی

با حمایت عباسیان، تلاش شد فقه حنفی در پایگاه های اجتماعی عباسیان، همانند عراق و خراسان و ماوراءالنّهر رواج یابد تا با ویژگی فکری و همچنین مرجئه گری اخلاقی خود به جذب و همراهی بیشتر مردم این جوامع با خلافت بپردازند.

بازتاب های مدرسه اهل رأی برای تشیع

کلامی / فرقه ای از منظر شیعه

امامان معصوم در مقطع دوران پیدایش فقه حنفی، تلاش زیادی داشتند که فقه شیعی از بازتاب های روشی و نتیجه ای فقه حنفی، که به اسم اجتهاد پویا و بی نیاز از نصوص عمل می کرد، در امان بماند و دچار التقاط نگردد.

ص: ۱۰۸

فرقه شماره ۳:

فرقه شماره ۳:

نام گرایش: معتزله

مبانی و اصول:

نفی حدیث در کلام و عقل گرایی در نگرش اعتقادی؛

سعی در عرضه نظریات و قضاوت های میانه درباره رویدادهای تاریخ اسلام، همانند جنگ جمل؛

تمایل تدریجی به احیای امر به معروف و نهی از منکر.

وضعیت و جغرافیا:

این مذهب، در این سال ها، نزدیک به نیم قرن بود که در بصره پایه گذاری شده بود؛ ولی هنوز مرکز اصلی اش در همین شهر بود؛ از این رو، در این مرحله، معتزله عثمانی هم تحت تأثیر فرهنگ عمومی بصره بود. در این سال ها، رهبر فکری معتزله، ابوهذیل علّاف (۱۳۵ – ۲۲۵) بود که علی ابن اسماعیل میثمی از علمای شیعه با او مناظراتی داشت. یکی دیگر از رهبران معتزله در بصره، در همین زمان، بُشر ابن معتمر (متوفّی ۲۱۰ ه . ق.) بود که اولین معتزلی علوی الرأی است، و از این رو، در زمان هارون سال ها را در زندان بود و پس از مرگ او آزاد شد. وی چون که در نهایت، بصره را مناسب تفکرات جدید خود ندید، کمی قبل از مرگش، در زمان مأمون به بغداد مهاجرت کرد و پایه گذار گرایش معتزله علوی بغداد شد.

سبک زندگی:

اعتزال، بیشتر یک اندیشه روشن فکرگرایانه در جامعه اهل سنّت بود و به سبب عقل گرایی و یا علوی گرایی، کمتر توانست در جامعه نقل گرایانه اهل سنّت تبدیل به فرهنگ و تفکّری رایج شود، به ویژه که خود علمای آنها هم دچار تناقض های فراوان بودند. همین بُشر ابن معتمر، بانی اعتزال علوی (افضلیت امام علی علیه السلام) بود؛ ولی در همان زندان های هارون، اشعاری می سرود که مرزبندی خود را با تشیع و واقفیه و زیدیه و خصوصاً ضدیت با هشام ابن حکمِ شیعی را اعلام می کرد.

رهبران معتزله، در این دوره عبارت بودند از: ابوهذیل علّاف (متوفّی ۲۳۵ ه . ق.)، بُشر ابن معتمر (متوفّی ۲۱۰)، نظّام (متوفّی ۲۳۱)، شمامه ابن اشرس نِمیری (متوفّی ۲۱۳) از معتزله بغداد.

ص: ۱۰۹

جدول ایده یابی

موضوع

جزئی

پیش فرض

علمی

ایده

چیستی معتزله

تاریخی / کلامی

معتزله، برجسته ترین تلاش اصلاحی در کلام اهل سنّت است که ریشه در مدرسه فکری بصره داشت، از این رو، ضمن تلاش برای اصلاحات توحیدی در کلام سنّی، می کوشید مرزبندی های خود را با عقلانیت و تاریخ تشیع حفظ کند.

سیاسی / کلامی

در دوران مأمون، اولین نسل از معتزله علوی گرا حمایت و تقویت شدند تا این اندیشه اصلاحی در توحید، به اصلاح و بازنگری در بحث تاریخی - کلامی خلافت بپردازد و بتواند تبدیل به ایدئولوژی سیاسی - کلامی رسمی دربار عباسی بشود.

کلامی / فرقه ای از منظر شیعه

شاگردان امامان، همواره مواجهه ای آگاهانه با معتزله داشتند و در مناظرات گسترده خود، آنها را متوجه تناقض مبانی عقلانی فراگیر در برابر نتیجه گیری حداقلی از آنها می کردند تا نشان دهند عقل گرایی دینی در کلام و تاریخ، جز با تشیع تطبیق نمی کند.

کلامی از منظر اثرپذیری شیعه

مواجهات تاریخی شیعه با معتزله، در یک بستر تاریخی تدریجی و قهری، آنها را از معتزله عثمانی به معتزله علوی گرا کشاند؛ تحولی که بذرهای آن در دوران امامت امام رضا علیه السلام و در فرصت خلافت مأمون کاشته شد.

سیاسی از منظر معتزله

جریان فکری معتزله، پس از یک قرن مشاهده استقبال نکردن عوام و خواص فکری جامعه اسلامی از آنها، تدریجاً به سوی ائتلاف با خلفای اصلاح طلب عباسی رفت تا شاید بدین روش بتواند نظرهای فکری و طرح های اصلاح خود را در جامعه اسلامی عملیاتی

سازد.

ص: ۱۱۰

فرقه شماره ۴:

فرقه شماره ۴:

نام: خوارج

مبانی و اصول:

ضدّیت با اهل بیت علیه السلام ؛

ضرورت قیام به سیف.

وضعیت و جغرافیا:

در این سال ها، سرکوب های پیاپی خوارج در عراق، باعث طرد آنها از حجاز و عراق و غرب ایران به سوی مرزها شده بود؛ از این رو، آنها در این سال ها در مرزها و حاشیه های جهان اسلام فعال بودند. خوارج، ابتدا یک حکومت کوچک سه ساله (۱۹۳ – ۱۹۵) در الجزایر تشکیل دادند که خیلی زود نابود شد، ولی در همین زمان، در عمّان حکومتی کوچک تشکیل دادند که تا قرن ۱۴ ه . ق. ادامه یافت. کانون اصلی فعالیت آنها در این سال ها، شورش گسترده ای بود که گروهی از خارجیان در سیستان به راه انداخته و از کرمان تا خراسان تاخت وتاز کردند و هارون و مأمون در مقابله با آنها ناکام بودند. شورشی که بعدها زمینه ساز قیام صفّاریان شد.

سبک زندگی: زندگی خوارج، اگر چه در این سال ها کمی معتدل شده بود، به ویژه در حکومتی که در عمّان تشکیل دادند، ولی شورش سیستان و خراسان نشان داد که آنها هنوز معتقد به قیام با شمشیر هستند و بدون اینکه دارای نظریه خاص و یا مدعی خلافت باشند، می توانند مردمِ خسته از ظلم را گرد خود جمع کنند و با قیام های کور باعث کشتارهای فراوان از هر دو طرف شوند.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

جغرافیای قیام های خوارج

جغرافیای سیاسی

خوارج در این زمان، برخلاف دوره امویان، که در مرکز جهان اسلام، در عراق و مناطق اطراف آن معترضانی دائمی بودند، تبدیل

به فرقه ای تبعیدشده به مرزها شدند، آن هم

ص: ۱۱۱

مرزهایی که چندان دارای سابقه تمدن تاریخی و یا آگاهی های اسلامی نبودند.

فرهنگی / اجتماعی

تبعید خوارج به سوی مرزها، نشان گر پس زدن این اندیشه سیاسی - کلامی در مناطقی است که دارای فرهنگ اصیل اسلامی بودند.

تحولات اندیشه ای در بستر تاریخ

کلامی

قیام های خوارج در این سال ها، به جای اینکه در مبانی کلامی و اندیشه سیاسی آنها ریشه داشته باشد، بیشتر بر بستر سوءاستفاده از خستگی مردم از ظلم های عباسیان قرار داشت؛ از این رو، اندیشه سیاسی خوارج نیز، برای تأمین نیاز جوامع جدید، به اصلاح و تعدیل خود پرداخت.

شیوه قیام های خوارج در این سال ها، نشان گر گذر کردن آنها از مسائل سیاسی - کلامی به سوی سوءاستفاده از مسائل اجتماعی - اقتصادی است و اینکه عمر شعارهای سیاسی آنها پایان یافته است.

فرقه شماره ۵:

فرقه شماره ۵:

نام گرایش: صوفیه

مبانی و اصول: دنیاگریزی و زهد و عبادت افراطی.

وضعیت و جغرافیا:

تصوّف در این سال ها اگر چه رو به گسترش بود، ولی هنوز تبدیل به یک جریان فکری و یا اجتماعی مستقل و یا دارای نفوذ اجتماعی ویژه نشده بود؛ چرا که تصوّف در این سال ها، خود را بیشتر در شکل رفتار اجتماعی نشان می داد و افکار و اندیشه های عرفانی (التقاطی) هنوز وارد این نهضت اجتماعی نشده بود. در این سال ها، به عنوان نمونه، در آبادان یک گروه از عابدان و زاهدان بودند که کسانی مانند بهیم عِجلی عابد (ف ۲۰۶) و داوود ابن محبر طایی بصری (ف ۲۰۶)، یا جزء آنها بودند یا با آنها رفت وآمد داشتند.(۱)

۱- ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱۴، ص ۱۴۸.

ص: ۱۱۲

در زمانی که امام رضا علیه السلام در خراسان، ولایت عهدی را پذیرفت، جمعی از صوفیه خراسان به نزد ایشان آمدند و پذیرش ولایت عهدی و زندگی در رفاه امام را، منافی مسلمانی دانستند و به ایشان اعتراض کردند.(۱) این اتفاق هم قبلاً در مدینه در برابر امام رخ داده بود.(۲)

شخصیت ها و رهبران: در اوایل این دوران، فضیل ابن عیاض زندگی می کرد، که گه گاه به موعظه هارون می پرداخت. همچنین شقیق بلخی، که شاگرد سفیان ثوری و ابراهیم ابن ادهم، از مدعیان تصوّف بود. او در خراسان، گروهی سیصد نفره از زهّاد را گرد خود جمع کرده و عمدتاً ساکن نیشابور بود. مهم ترین دغدغه آنها جنگ و فتوحات بود تا اینکه در سال ۱۹۴ ه . ق. در جنگ با ترکان کشته شد. معروف کرخی هم، زاهد و صوفی ساکن بغداد بود.(۳) نزد صوفیه معروف است که او مدتی حاجب امام رضا علیه السلام بود، اگر چه این ادعا اثبات نشده است.

سبک زندگی:

گوشه گیری و انزوا از زندگی اجتماعی و افراط در عبادت.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

ریشه های پیدایش و گسترش تصوّف در این زمان

تاریخی / جغرافیایی

با آشکار شدن چهره باطنی عباسیان، پس از نیم قرن خلافت سیاسی، احساس یأس و نومیدی از ایجاد حکومتی عادلانه، باعث تقویت گرایش های صوفیانه در عراق و حتی در خراسان شد.

اخلاقی

گسترش صوفیه، نشان گر رواج اخلاق بی اعتنایی، در برابر اخلاق اجتماعی و مسئولیت پذیر در جامعه اسلامی است.

۱- موسوعه الامام الرّضا، ج ۱۰۶، ص ۳.

۲- ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۹۶.

۳- ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱۳، ص ۴۰۳.

ص: ۱۱۳

مرزبندی تصوّف با علمای عابد مطرح در جامعه

فرقه ای / فکری

در جامعه اسلامی و مدارس گوناگون، به ویژه در مدرسه حدیثی حجاز، علمای بسیاری بودند که به عبادت های فراوان و ریاضت معروف بودند، ولی آنها به تصوّف شناخته نبودند؛ چرا که یا همکاری گسترده ای با خلافت داشتند و یا دارای روابط گسترده اجتماعی با پیروان خود بودند و انزوای اجتماعی نداشتند. این گروه غیر از صوفیه ای هستند که به انزوای سیاسی و اجتماعی پرداخته بودند.

شاخصه تصوّف در این زمان

سیاسی / اجتماعی

بازتاب پیدایش صوفیان، سکوت و دوری از مسائل سیاسی و اجتماعی همراه با مشغولیت در مناسک عبادی بود؛ البته در این سال ها، گروهی از صوفیان، حسّ مشارکت اجتماعی و سیاسی خود را با طراحی نبردهای خودساخته کوچک در مرزها تأمین می کردند.

بینش فکری صوفیه و بازتاب های آن در برابر اهل بیت علیهم السلام

اخلاقی

صوفیه با روحیه استقلال و خودبینی ای که داشتند، چندان رابطه سردی با خلفا نداشتند، ولی در برابر اهل بیت علیهم السلام و امام رضا علیه السلام ، که در مقام احیاگری سیره نبوی بودند، چه در مدینه و چه در خراسان، بر اساس درک اغلب نادرست خود، به موعظه و یا اعتراض به ایشان می پرداختند.

فرقه شماره ۶:

فرقه شماره ۶:

نام گرایش: نهضت امر به معروف و نهی از منکر

اصول و مبانی:

ضرورت اجرا و عمل به امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده و اجتماعی و مجاز نبودن اطاعت از فرد عاصی و فاسق؛

دعوت به کتاب خدا و سیره پیامبر در زندگی و حکومت داری.

ص: ۱۱۴

وضعیت و جغرافیا:

بـا فاصـله گرفتن تـدریجی خلافت عباسـی از شـعارهای اولیه، در کنار انـدیشه های تغییر و یا ضـدّیت با خلافت در نزد گروه هایی همانند زیدیه یا خوارج، در بدنه جامعه اهل سنّت نیز به تدریج جریان دیگری ایجاد شد که راه چاره اصـلاح عباسیان را، در احیای امر به معروف و نهی از منکر، آن هم به صورت گسترده می دیـد. در آغـاز، سـلم ابن سـلم ابن زاهـد بلخی (ف ۱۹۴)، به رواج این نظریه در زمان هارون پرداخت، ولی هارون او را زندانی کرد و تا زمان مرگ هارون در زندان بود.(۱)

بعـدها در اواخر جنگ های امین و مأمون، که بغـداد محاصـره شد و گرفتار آشوب و غارت گری شده بود، برای اولین مرتبه، سـهل ابن سلام انصاری، گروهی را به عنوان آمر به معروف و ناهی از منکر، گرد خود جمع کرد و به مصاف فاسقان و غارت گران بغداد رفت. در زمـان قیـام ابوالسـرایا، از جریـانی دیگر به نـام «هَرْشـی» گزارش شـده است، ولی همین سـهل انصـاری، در بغـداد در زمان خلافت ادعـایی ابراهیم ابن مهـدی، که وضـعیت اخلاقی بغـداد رو به انحطاط رفت، دوباره نهضتی اجتماعی راه انـداخت؛ ولی این مرتبه چون باعث تضعیف حکومت شد، لشکریان خلیفه با او درگیر شدند و او را شکست دادند و به زندان انداختند.(۲)

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

پیش زمینه های سیاسی و فرهنگی پیدایش نهضت امر به معروف و نهی از منکر

تاریخی / فرهنگی

تغییر خلافت، بـا شـعار احیـاگری دین و بازگشت به الرّضا من آل محمـد بود، ولی وقتی اخلاق فردی و اجتماعی خلفای عباسـی و جـامعه ای که برآمـده از خلافت آنها بود، آکنـده از جور و فساد شـد، برخی از علمای عامه تصـمیم به احیای اصل امر به معروف و نهی از منکر گرفتند.

۱- ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱۳، ذیل حوادث سال ۱۹۴ه . ق.

۲- ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱۴، ۸ .

ص: ۱۱۵

مراتب نظریه امر به معروف و نهی از منکر

فکری / سیاسی

نظریه امر به معروف و نهی از منکر، دارای رویکرد مبنایی همکاری برخی از علمای عامه با قیام های زیدیه بود و با مبنای اصلاح گری اجتماعی صرف، به نهضتی اجتماعی در بغداد دست زد.

تناقض های کلامی این نظریه

کلام سیاسی

نظریه امر به معروف و نهی از منکر، تلاش داشت ضمن اقدام مستقل علیه مفاسد اجتماعی، خود را از برچسب مخالفت با خلافت و یا طرح براندازی تبرئه کند و بین نظریه سیاسی اطاعت کامل و حق اصلاح، به نوعی جمع و هم گرایی برسد.

بازتاب های اجتماعی

اجتماعی

به راه افتادن نهضت امر به معروف و نهی از منکر، در دو - سه مرتبه ای که در بغداد رخ داد، با توجه به شیوع مفاسد اجتماعی و آزردگی مردم، به سرعت در شهر بغداد حمایت شد و در پاره ای از موارد، باعث درگیری های موردی پیروان نهضت با مأموران حکومتی شد.

بازتاب های سیاسی

اجتماعی

این قیام داخلی در بغداد، نشان گر از دست رفتن سرمایه اجتماعی و پایگاه مردمی خلافت عباسی در میان اعراب مسلمان است. امری که در بلندمدت، پای ترکان را به مرکز خلافت باز کرد.

سیاسی / اجتماعی

خلافت عباسی، از به راه افتادن و فراگیر شدن این نهضت به شدت واهمه داشت و در هر مرتبه که این نهضت دست به عملی می زد، به سرعت با واکنش خلافت و دستگیری و زندانی شدن رهبران فکری و علمی و اجتماعی اش روبه رو می شد.

سیاسی / کلامی

دستگاه خلافت، با همکاری علمای حدیثی، در بلندمدت، پس از شورش های مذکور، به بازخوانی اصول

ص: ۱۱۶

کلامی مکتب عامه پرداخت و ضمن تقویت اصل لزوم اطاعت مطلق از خلیفه، دو اصل امر به معروف و نهی از منکر را کاملًا از عرصه سیاست و جامعه کنار گذاشت و تعطیل کرد.

فرقه شماره ۷:

فرقه شماره ۷:

نام گرایش: وجود علما و جامعه اهل سنّت محبِّ اهل بیت علیهم السلام

اصول و مبانی: جمع بین تسنّن و ابراز محبّتِ ویژه نسبت به اهل بیت علیهم السلام

وضعیت و جغرافیا:

یکی از آثار فکری سده اول خلافت بنی عباس در جامعه این بود که هر چه خلافت از فضای خلافت اموی بیشتر فاصله می گرفت، رنگ و بوی ناصبی گری هم به تدریج کمتر می شد و زمینه های شدت گرفتن گرایش های اهل بیتی، حتی در میان اهل سنّت رسمی (غیر از معتزله و زیدیه)، آماده تر می شد و فزونی می یافت.

سرآمد این تغییر را در افکار شافعی، پایه گذار مذهب شافعی می توان دید، که دارای اشعار اهل بیتی معروفی است. نیز در منابع رجالی اهل سنّت، از علمایی نام برده می شود که در وصف آنها این صفات را گفته اند: «متّهم بالتّشیع، موالیاً الاهل بیت، یتشیع، روی عن الشّیعه و السنه، فیه رفض» و مواردی مانند اینها.

از سرآمدان سیاسی محبّان اهل بیت علیهم السلام ، می توان مأمون، خلیفه عباسی را برشمرد. نیز برخی از محدثین اهل سنّت، که شاگردان امامان شیعه بودند و در آن سال ها زنده بودند. افرادی همانند: عبیدالله ابن موسی عبسی (شاگرد امام صادق علیه السلام)، ثوری، اوزاعی، استاد احمد حنبل، امام بخاری، فضیل ابن دکین کوفی، عمر ابن هارون بلخی، هشام ابن محمد کلبی و حفص ابن غیاث.(۱)

سبک زندگی:

این گروه از علما، به همراه پیروان خود، تدریجاً طیفی معتدل در اهل سنّت پدید آوردند که حاضر به تحمّل شیعیان و هم زیستی با آنان بودند.

۱- ر. ک: ذهبی، تاریخ الاسلام، ذیل حوادث سال های ذکرشده در تاریخ وفات این شخصیت ها.

ص: ۱۱۷

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

پیشینه سیاسی و فکری

تاریخی

در نیمه دوم خلافت مروانی، علمای عراقی عامه از خلافت و همکاری با آنها در قیام ابن اشعث و زید فاصله گرفتند. این اتفاق، در کنار گستردگی شعار و موج بازگشت به شعار «الرّضا من آل محمد»، زمینه های انس و رفت وآمد برخی از علمای عامه به محضر درس و علم امامان شیعه را فراهم کرد.

سیاسی

ناکارآمدی خلافت عباسی، در کنار قیام های زیدیه، باعث تقویت روحیه اعتراض سیاسی بخشی قابل توجهی از علمای اسلامی در حجاز و عراق شد. امری که در شکل مدرسه ای و علمی اش باعث کشش آنها به سوی مدرسه اهل بیت علیهم السلام شد.

بازتاب های اندیشه ای و فرهنگی

فرهنگی

وجود علمای میانه رو، چه در میان معتزله و یا اهل حدیث و چه در مدرسه فقهی اهل رأی، باعث ایجاد گروه میانه ای در علمای عامه شد که به انتقال محدود دانش و معارف اهل بیت علیهم السلام به مدارس فکری عامه پرداختند و یا اندیشه های اسلام سنّی را تعدیل کردند.

این گروه از علمای عامّه، بعدها به شدت مورد هجوم و تضعیف علمی علمای مدرسه حدیث قرار گرفتند و با به حاشیه رفتن آنها؛ جریان اسلام ناصبی قدرت روزافزون گرفت.

گاه شمار تاریخی و آماری

تاریخی

تاریخ پیدایش این علما، از دوران باقرین شروع شده و تا دوران امام رضا علیه السلام امتداد یافت و پس از امام جواد علیه السلام ، با

تبعید و در محاصره قرار گرفتن امامان شیعه رو به کاستن گذاشت.

ص: ۱۱۸

بازتاب تاریخی / کلامی

سیاسی/ کلامی

این گروه از علمـای عـامّه، نمونه عملی وحـدت گرایی اسـلامی در جـامعه اهل سـنّت بودنـد؛ وحـدتی که از سوی اسـلام سنّی می توانست در کمترین مراتب خود، به معنی پذیرفتن مرجعیت علمی و دینی اهل بیت علیهم السلام باشد.

فرقه شماره ۸:

فرقه شماره ۸:

نام گرایش: سفیانیه

اصول و مبانی: احیای خلافت امویان و ارزش های فکری آنها.

وضعیت و جغرافیا:

در اوج درگیری هـای امین و مـأمون و تضـعیف موقعیت امین در منطقه شامات، گروهی از طرف داران سـنّتی امویان، گرد علی ابن خالـد ابن یزیـد ابن معاویه را گرفتند و به او لقب «سـفیانی» دادند و در سال ۱۹۵ ه . ق. قیـام کردنـد و دمشق و مناطق اطراف آن را گرفتند و مدعی خلافت برای این سفیانی شدند. این شورش تا سال ۱۹۷ پابرجا بود تا این که لشکریان امین آن را در هم شکستند.

سبک زندگی:

این شورش نشـان داد بـا وجود گـذشت نیم قرن از خلافت عباسـی و سـرکوب و قتل عام گسترده بنی امیه، هنوز در شام، زمینه های فراوانی برای احیای خلافت و اندیشه های اموی وجود دارد؛ به ویژه که آنها درست بر ضد روایات مهدویت، عنوان سفیانی را برای رهبر خود انتخاب کرده بودند، البته سفیانی ای که مصلح اسلامی است نه دشمن اسلام.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

زمینه اجتماعی پیدایش سفیانیه

اجتماعی / فکری

عباسیان با شکست دادن امویان، اگر چه منطقه شامات، پایگاه سنّتی امویان را تسخیر کردند، ولی برای تغییر

ص: ۱۱۹

بینش و نگرش و گرایش های سنّتی در منطقه کاری نکردند، بلکه به حفظ و تقویت علمای سنّتی منطقه نیز کمک کردند. این اتفاق، باعث حفظ گرایش های اموی گری و ناصبی گری در منطقه شد.

تاریخی

تضعیف خلافت عباسی بر اثر جنگ های فراگیر امین و مأمون و گرایش ها و شعارهای ظاهری آنها، با عنوان «الرّضا من آل محمد»، در کنار تحقیرهای تاریخی ای که عباسیان بر امویان وارد کردند، زمینه ساز این شورش شد.

پیش زمینه های کلامی شورش

کلامی

امویان برای مشروعیت بخشی به این شورش و خلافت جدید، با وجود خلافت رسمی عباسیان، نیازمند مدرکی خاص برای خود بودند و تنها روایتی که برای مشروعیت قیام از پیامبر یافتند، روایات قیام سفیانی و برافتادن عباسیان بود. پس با تحریف آن از قیامی منفی و ضد اسلامی به قیامی در راستای احیای اسلام و البته اسلام اموی، سعی کردند به قیام خود مشروعیت دهند.

اجتماعی / فرهنگی

استقبال مردمی از شورش و دوام چندساله این خلافتِ ادعایی، نشان از گرایش اجتماعی اسلام اموی و ناصبی در منطقه شامات دارد.

تاریخی

هم زمانی شورش سفیانیه با بحران سیاسی داخلی عباسیان و قیام زیدیه و ادعای مهدویت محمد ابن جعفر در مکه، می توانست زمینه ساز گم راهی اجتماعی در جامعه اسلامی باشد.

در پایان این بخش لازم است به اختصار به چند گرایش دیگر نیز اشاره شود. یکی دیگر از گرایش های رایج در این زمان، مسئله زندقه گرایی و بی دینان است؛ به گونه ای که حتی برخی معتقدند: یکی از عوامل سقوط برمکیان، متهم شدن آنها به زندیق گرایی بوده است.(۱)

۱- حسن ابراهیم حسن، تاریخ اسلام، ج ۲، ص ۹۹.

ص: ۱۲۰

همچنین از دیگر پدیده ها در جهان اسلامِ ایرانی، مسئله گسترش گرایش های ملّی گرایی و بازگشت به ادیان و مذاهب باستانی ایران است، که سرآمد آنها را در این سال ها، در شروع مراحل اولیه قیام بابک خرم دین در منطقه آذربایجان می توان دید.

نکته دیگر، گرایش هایی با عناوین بیشتر، مرجئه و کمتر، جهمیه است که اگر چه اینان گرایش های کلامی بودند، ولی چون غالباً با فقه و مذهب اهل رأی عجین شده بودند، از بازشناسی مستقل آنها در این سال ها پرهیز شد.

سخن آخر هم این که مسئله خلق قرآن، به معنی حادث و یا قدیم بودن قرآنِ موجود، یکی از مسائل مهم جامعه اسلامی در اواخر قرن دوم و آغاز قرن سوم ه . ق. است. در زمان امامت امام رضا علیه السلام ، بسترهای طرح این موضوع، توسط معتزله و برخی از مرجئه فراهم شد که همراه با اعتراض های نسبی علمای اهل حدیث بود. به عنوان نمونه، احمد ابن حنبل، که دوران جوانی اش مصادف با خلافت امین بود، از وی با تمجید فراوان یاد می کرد، چون که مخالف نظریه خلق قرآن بود.(۱)

این مسئله، با اینکه زمزمه های آن از بصره تا بغداد و از خراسان تا مصر، شنیده می شد، ولی تبدیل به چالش رسمی جهان اسلام نشده بود؛ از این رو، اشاره به آن در همین اندازه کفایت می کند.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

پیش زمینه های فکری / فرهنگی فرقه های انحرافی

فرهنگی

طراحی نشدن یک نظریه دینی و فکری قوی از سوی عباسیان، در کنار ضعف ها و انحرافات فراوان سیاسی و حقوقی و فقهی آنها، باعث زمینه سازی برای پیدایش افکار ضدّ دینی و انحرافی در جامعه اسلامی شد.

تاریخی / کلامی

گستردگی روابط تاریخی مسلمانان با اهل کتاب، که بعضاً با حمایت از نهضت ترجمه متون اهل کتاب

۱- ذهبی، تاریخ اسلام، ج ۱۲، ص ۲۴.

ص: ۱۲۱

(در زمان امویان و یا ترجمه متون یونانی از زمان هارون به بعد) همراه بود، باعث گسترش افکار ضدّ اسلامی و یا ضدّ دینی در جامعه اسلامی شد.

کلامی / فرقه ای

التقاط و اختلاط اندیشه های وارداتی در جهان اسلام، در آغاز، خود را به صورت پیدایش فرقه های جدید کلامی نشان داد؛ فرقه هایی همانند جبریه و مرجئه، و آن گاه گسترش دامنه آن در مدارس علمی عامّه، در مقابل اختلافات درباره مسائل کلامی بود؛ همانند اختلاف فراگیر در مسئله مخلوق یا قدیم بودن قرآن و در نهایت، این التقاط در افراطی ترین شکل، خود را به صورت زندقه و بی دین گرایی و ضد خدا بودن در جامعه نشان داد.

بازتاب ضعف فکری - فرهنگی عباسیان در جغرافیای ایران

جغرافیایی

ضعف فکری و فرهنگی خلافت عباسی، باعث رواج زندقه گرایی به صورت امواج محدود اجتماعی در مرکز اسلام عرب شد، ولی در جغرافیای غیر عربی، تدریجاً خود را در مقام احیاگری مذاهب و فرقه های پیش از اسلام نشان داد، که مهم ترین نمونه اش شورش بابک خرّم دین در آذربایجان بود.

بازتاب های تاریخی اهل بیت علیهم السلام

کلامی

در تاریخ اسلام و کلام اسلامی، امامان معصوم شیعه و شاگردانشان، جامع ترین، منسجم ترین و فراگیرترین مواجهه علمی را با زنادقه و بی دینان در جهان اسلام داشتند.

۲/۴/۲: فرقه ها و گرایش های شیعی در زمان امامت امام رضا علیه السلام

اشاره

۲/۴/۲: فرقه ها و گرایش های شیعی در زمان امامت امام رضا علیه السلام

اگر چه مراد از تشیع در این پژوهش، تشیع دوازده امامی است، ولی به لحاظ ریزش ها و افراط و تفریط ها، جامعه شیعه در زمان امامت امام رضا علیه السلام هم، دچار مسئله و بحران

ص: ۱۲۲

فرقه سازی بود. در این مرحله، گزارشـی اجمالی از این فرقه ها، به عنوان پیش درآمـد بخش شـیعه شناسـی اصـلی در آن دوران می آوریم.

گرایش فرقه ای ۱:

گرایش فرقه ای ۱:

نام گرایش: زیدیه

اصول و مبانی:

مدعی خلافت برای علوی ای که قیام کننده با شمشیر باشد؛

مدعی احیای سیره و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله ؛

تلاش برای نوعی هم گرایی اسلامی بر اساس جمع بین کلامِ تعدیل شده شیعی با فقه سنّی.

وضعیت و جغرافیا:

نهضت زیدیه، اگر چه ریشه در قیام زید دارد، ولی شـکل گیری و هویت یابی آن، بیشتر در دوران خلافت عباسیان صورت گرفت. قیـام هـای زیـدیه در سـده اول خلافت عباسـی در سه مقطع مهم بود. قیام نفس زکیه در زمان منصور، مصادف با دوران امامت امام صادق علیه السـلام ، قیام شـهید فخ در زمان هادی عباسـی، مصادف با دوران امامت امام کاظم علیه السلام و قیام ابوالسرایا در زمان مأمون و مصادف با دوران امامت امام رضا علیه السلام .

سرکوب شدیـد دو قیـام اول، بـاعث شـد که دوران خلاـفت هـارون الرّشـید، از جهت قیام زیـدیه دوران آرامی باشـد. در این زمان، دولت ادریسـیان، در منتهی الیه مغرب آفریقا به وجود آمد؛ ولی هارون با طراحی دولت اغلبیان در تونس و الجزایر، سـعی کرد آنها را محصور و مهار کند.

پس از پایان درگیری چند ساله امین و مأمون؛ و در اوضاع نابه سامان پس از آن، ابوالسـرایا، یکی از فرماندهان دون پایه لشکر فاتحِ مأمون، در اعتراض به بی مهری ها و بهره منـد نشـدن از غنایم، دست همکاری به علویان داد و قیامی ده ماهه را در محدوده کوفه و مدائن تا خوزسـتان و حجاز و یمن راه انداخت و اگر چه خود او خیلی زود کشته شد، ولی علویان زیدی تا یک سال بعد، در حجاز و یمن مقاومت کردنـد. در این قیام ها، ابتـدا محمـد ابن ابراهیم ابن طباطبا، در کوفه مـدعی خلافت شـد و کمی بعد محمد ابن امام صادق علیه السلام در مدینه نیز همین ادعا را مطرح کرد.

ص: ۱۲۳

این قیام ها، اگر چه در سال ۱۹۹ ه . ق. شروع شدند، ولی در نهایت، بساط همگی در سال ۲۰۰ ه . ق. جمع شد و بیشتر علویان به اسارت لشکر مأمون درآمدند و به دستور مأمون، همگی آنها به مرو منتقل شدند و بدین گونه، یکی از گسترده ترین قیام های علویان زیدی با ناکامی فرونشست.(۱)

با دقت در جدول آماری زیر که درباره شهدای آل ابی طالب در دوران عباسیان است مشخص می شود که در دوران خلافت هارون و مأمون آمار شهدای قیام های زیدیان علوی رقم قابل توجهی است. البته این شهدا غالبا در دوران قبل و بعد از امامت امام رضا علیه السلام به شهادت رسیده اند و تنها شهدای علوی دوران امامت امام رضا علیه السلام اندك شهدای دوران قیام ابوالسرایا می باشد.

برای دیدن نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

رابطه قیام های زیدیه با شیعیان

اگر چه در برخی از منابع، ادعاهایی درباره همکاری موردی برخی از شیعیان با این قیام گزارش شده است، ولی در مدینه، اصرار زیدی ها برای بیعت گیری از امام رضا علیه السلام با

۱- درباره قیام های زیدیه، ر.ك: ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطّالبین، فصل قیام های علویان در زمان خلافت مأمون.

ص: ۱۲۴

ناکامی مواجه شد و حتی امام به آنها هشدار داد که قیام آنها بی بنیان است و به زودی به شکست می انجامد.

در بصره هم، زید ابن امام کاظم علیه السلام ، معروف به زیدالنّار، به تعقیب برخی از سران شیعه، به ویژه یونس ابن عبدالرّحمان پرداخت و او ناچار شد همراه عده ای از شیعیان به حجاز پناهنده شود و تا سقوط دشمنانش همان جا ماند.(۱)

عباسیان پس از به شکست کشاندن این قیام ها، مدتی باعث آزار و زحمت امام رضا علیه السلام در مدینه شدند. (تندی ها و آزار «جلودی»، سردار فاتح مأمون به امام رضا علیه السلام).

سبک زندگی: علویان زیدی، ضمن اینکه در فرآیند قیام، به ویژه در کوفه، توسط بیشتر عالمان عامه شهر حمایت و همراهی شدند، پس از به قدرت رسیدن، تنها نشانه حاکمیت و به قدرت رسیدنشان، صرفاً آشکارسازی برخی از شعارهای علوی بود. مواردی همانند تغییر مختصر در اذان و یا تغییر رنگ لباس رسمی حکومتی؛ و این، بدین معنی بود که آنها حکومت خود را با کمی تغییر در کلام و فقه رایج و رسمی، تشکیل داده بودند. با این وصف می توان نتیجه گرفت که نظام اجتماعی تسنّن، قابلیت هم زیستی و هم گرایی بیشتری با زیدیه داشت تا این که به تشیع نزدیک باشد و همین اتفاق در بلندمدت، زیدی ها را در فقه به سوی استفاده از فقه حنفی کشاند.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

وضعیت فکری – کلامی زیدیه در مقایسه با شیعه

کلامی / تاریخی

نهضت زیدیه با این که بیشتر از نیم قرن از پیدایش آن می گذشت و از جهت کلامی – سیاسی، جدی ترین رقیب عباسیان بود، ولی در این سال ها، دارای آشفتگی در اندیشه و نوعی التقاط فکری بود و بیشترین نشانه های هویتی آنان، مبارزه سیاسی و ریشه های نژادی شان بود.

۱- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱۸.

ص: ۱۲۵

امام رضا علیه السلام ، در این سال ها، در مقاطعی خاص در برابر زیدیه موضع گیری قاطع و صریحی داشتند.

زیدیه در طول قیام های تاریخی خود، با توجه به آگاهی از قدرت نرم و رهبری امامان شیعه، تلاش بسیاری می کرد تا از ظرفیت نفوذ امامان شیعه به نفع خود استفاده کند، ولی امامان شیعه در برابر آنها مقاومت می کردند.

بازتاب اجتماعی قیام زیدیه

فکری / فرهنگی

قیام زیدیه و شعارهای کلی و مبهمی که مطرح می کرد، هنوز برای بخشی از جامعه علمی عامه جاذبه داشت؛ از این رو، در این سال ها وقتی قیامی زیدی رخ می داد، زمینه ها برای همراهی علما با ایشان فراهم بود.

اجتماعی

نمودار آماری قیام های زیدیه نشان می دهد هر چه زمان بیشتری از خلافت عباسی می گذشت، بر کمیت و کیفیت قیام های ایشان و میزان استقبال اجتماعی از آنها افزوده می شد.

بازتاب سیاسی

سیاسی

افول محبوبیت و سرمایه اجتماعی عباسیان در جامعه اسلامی، در کنار اثرگذاری قیام های زیدیه در مرکز جغرافیای جهان اسلام، از مهم ترین علل تصمیم گیری مأمون درباره مسئله ولایت عهدی امام رضا علیه السلام بود.

فکری / اجتماعی

امام رضا علیه السلام در دوران قیام فراگیر زیدیه، اهتمامی ویژه داشت که همانند موارد پیشین، مرزبندی بین شیعه امامی و زیدی حفظ گردد و شیعه، هیچ گونه التقاط فکری با آنها نداشته باشد و یا از آنان حمایت سیاسی - اجتماعی نکند.

سبک زندگی زیدیه

اخلاقی / اجتماعی

زیدیه پس از رسیدن به حاکمیت، تغییر خاصی در وضعیت اجتماعی و علمی جهان اسلام ایجاد نکرد و حتی در رعایت عدالت در حوزه سیاست و جامعه و اقتصاد هم، چندان کارنامه شفافی ندارد و تنها ویژگی بارز حکومت

ص: ۱۲۶

آنها، ریاست علویان بر حکومت و تغییر برخی شعارهای رسمی و ظاهری اسلام بود.

گستره جغرافیایی زیدیه

جغرافیایی / اجتماعی

گستردگی قیام زیدیه، که از غرب ایران تا یمن و تا همسایگی بغداد، پایتخت عباسیان را شامل می شد، در مقایسه با قیام های محدودشان در گذشته، نشان گر رشد ظرفیت ها و تأیید ها و سرمایه های اجتماعی برای پذیرش قیام های زیدی است.

فکری / اجتماعی

چون که سرمایه اجتماعی زیدی ها، صرفاً شعار علوی گرایی بود، بدون اینکه این شعار پایگاه های خاص و عام تعریف شده ای در جامعه داشته باشد، تا حکومت و قیامشان شکست می خورد، دیگر کمترین اثری از آنها در جامعه باقی نمی ماند و همین وضعیت نمی گذاشت که زیدیه تبدیل به حزب و نهضتی ماندگار در مرکز جامعه اسلامی بشود.

سیاسی

مأمون در آغاز خلافت خود، اگر چه توانست قیام های زیدی را شکست دهد و موقتاً آنها را، در ضمن ماجرای ولایت عهدی با خود همراه سازد، ولی وقتی پس از شهادت امام رضا علیه السلام چهره باطنی اش آشکار شد، علویان که فرصت هجرت های تاریخی به ایران را یافته بودند، تلاش کردند با پناهنده شدن به شهرهای مختلف ایران، به صورت گسترده برای خود پایگاه هایی بیابند.

بازتاب قیام های زیدیه برای جامعه شیعه

اجتماعی / فکری

قیام های زیدیه، با توجه به شکنندگی و ناپایداری دولت هایشان، باعث هجوم های مضاعف بر جامعه شیعه، هم از سوی زیدیه و هم از سوی خلافت شد.

فکری / سیاسی

با اوج گرفتن قیام های زیدیه، انتظار شیعیان برای قیام امام و یا مطالبه قیام از ایشان هم فزونی می گرفت. همچنین

ص: ۱۲۷

مباحث مهدویت، تبدیل به یکی از پرسش ها و چالش های جامعه شیعه شده بود.

گرایش فرقه ای ۲:

گرایش فرقه ای ۲:

نام گرایش: اسماعیلیه

اصول و مبانی: ادعای امامت برای اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام و پس از آن برای فرزندش محمد و تبار او.

وضعیت و جغرافیا:

اسماعیل، فرزند بزرگ امام صادق علیه السلام ، در زمان امامت ایشان رحلت کرد؛ ولی پس از این که برخی از پیروان فرقه غالیانِ خطابیه، گرد فرزندش محمد را گرفتند، او نیز همراه برادرش، علی ابن اسماعیل، وسوسه شد که نهضتی مستقل را پایه گذاری کند. آن دو و به ویژه علی، متهم هستند که با سخن چینی علیه امام کاظم علیه السلام ، اسباب زندانی شدن ایشان را فراهم کرده اند؛ از این رو، بعد ها محمد ابن اسماعیل، در یکی از سفرهای هارون به حج و حجاز، با او همراه شد و همراه او به بغداد و عراق رفت. او که خواهان راه اندازی فرقه ای جدید بود و تجربه های ناکام زیدیه را هم مشاهده کرده بود، به تجربه تاریخی عباسیان روی آورد، یعنی تبلیغات مخفیانه زیرزمینی و سرّی را در پیش گرفت.

او به قصد یافتن مکانی مناسب برای دعوت خود، پس از عراق، سفری هم به ایران کرد و تا ری هم رفت، ولی در نهایت، همانند رهبران اولیه عباسی در زمان بنی امیه، به حمیمه، در شام، در جنوب بحرالمیت رفت. با رحلت او در سال ۱۹۳ ه . ق. پسرش عبدالله (ف ۲۱۲) جانشین او شد. او در سال ۱۹۴، مخفیانه ساکن سلمیه شد و به طراحی نظام دعوت مخفیانه و تربیت داعیان اسماعیلی پرداخت.

سخن آخر اینکه:

با رفتن فرزندان و نوادگان اسماعیل از مدینه، هیچ مواجهه ای بین آنها و امام رضا علیه السلام صورت نگرفت، اگر چه دست آنها آلوده به پرونده سازی علیه امام کاظم علیه السلام بود.

سبک زندگی: اطلاعات مشخصی از اسماعیلیه در این سال ها وجود ندارد، ولی البته آن چه مسلّم است، سه اصل کلی در باورهای آنان است. یکی: اعتقاد به استمرار امامت

ص: ۱۲۸

در تبار اسماعیل، دیگری: در تعریفِ امامت، تحت تأثیر فرقه غالی خطابیه بودند و گرایش باطنی گرایی بسیار شدیدی داشتند و سوم اینکه: دارای زندگی سرّی و مخفیانه شدیدی بودند و خود را از تمام جامعه اسلامی کنار می کشیدند.(۱)

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

زمینه های پیدایش اسماعیلیه

کلامی / اجتماعی

اتصال و وسوسه برخی جریان های غالی با فرزندان اسماعیل ابن جعفر، زمینه پیدایش و میل به تشکیل فرقه و مذهب در میان محمد و علی، فرزندان اسماعیل شد.

بازتاب های اولیه جدایی فرزندان اسماعیل

سیاسی / تاریخی

حسادت ها و رقابت های فرزندان اسماعیل و سعایت های آنها، یکی از بهانه های هارون عباسی برای زندانی کردن و به شهادت رساندن امام کاظم علیه السلام بود.

جغرافیایی / اجتماعی

فرزندان اسماعیل، پس از زندانی شدن امام کاظم علیه السلام و مشاهده حفظ اقتدار تشیع و امامان شیعه در حجاز، تصمیم به ترک حجاز و جست وجوی پایگاه های اجتماعی جدید در عراق و ایران گرفتند.

روش های تبلیغ و مدیریت

مدیریتی / سیاسی

به نظر می رسد محمد ابن اسماعیل با دیدن تجربه ناکام قیام های زیدیه و مطالعه تطبیقی مدیریت امامان شیعه و تجربه تاریخی داعیان مخفی عباسی، در نهایت تصمیم می گیرد شیوه دعوت مخفی عباسیان را مبنای فرقه سازی خود قرار دهد.

۱- صفری فروشانی، غالیان، کاوشی در جریان ها و برآیندها، ص ۱۰۷؛ تاریخ تشیع در ایران،ج ۱، ص ۳۰۳.

ص: ۱۲۹

گرایش فرقه ای ۳:

گرایش فرقه ای ۳:

نام گرایش: غالیان

اصول و مبانی:

گرایش های افراطی و غلو درباره مقام امامت؛

ادعای تناسخ و حلول و یا الوهیت برای امامان؛

ترویج مراتب گوناگونی از اباحه گرایی فقهی.

وضعیت و جغرافیا:

دوران امامت امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام ، دوران پیدایش و گسترش پدیده غُلات است که با گذشت زمان، همانند دوران امامت امام رضا علیه السلام و امامان بعد، این پدیده رو به ضعف و یا تکرار رفت، اتفاقی که ریشه در مبارزه گسترده امامان و یارانشان در برابر غالیان داشت. از همین روست که در زمان امامت امام رضا علیه السلام ، شاهد پیدایش فرقه جدیدی از غلات، به ویژه نسبت به شخص امام رضا علیه السلام نیستیم. به جز این، شاید حملات پیاپی واقفیه نیز باعث تضعیف بستر غالی گری نسبت به امام رضا علیه السلام شده بود.

در این زمان، پدیده غلو را می توان در دو فرقه و یک روند پی گیری کرد. اولین فرقه، فرقه جدید «بشیریه» است که پیروان محمد ابن بشیر، از اصحاب امام کاظم علیه السلام بودند. این فرقه در حقیقت، رویکرد غالی گر نهضت واقفیه بود. واقفی ها معتقد به حیات غایبانه و مهدویت امام کاظم علیه السلام بودند؛ یعنی صرفاً احادیث مهدویت را بر امام کاظم علیه السلام تطبیق می کردند، ولی محمد ابن بشیر، اضافه بر آن، معتقد به حیات نوریه برا امام شد و به غلو درباره ایشان پرداخت.(۱) یونس ابن عبدالرّحمن، در قالب مبارزه با واقفیه، با بشیریه مناظرات فراوانی کرد و به ابطال و تضعیف آنها پرداخت.

دومین فرقه غالیان، در بقایای فرقه معروف «خطابیه» است، به ویژه که آنها در این زمان، رهبری معروف به نام یونس ابن ظبیان نیز داشتند که معتقد به نبوّت و سپس الوهیت ابوالخطّاب بود و زینب، دختر او را بنت رسول الله می نامید. امام رضا علیه السلام ، او و یارانش را از خود راند و به شیعیان توصیه اکید داشت که از مجالست با آنها پرهیز کنند.

اما روندی که می توان غالیه را از آن طریق شناخت، روندِ رصد و شناختن ادعاها و

۱- رجال کشی، ص ۲۹۹.

ص: ۱۳۰

شبهات غالیان است که شیعیان از امام رضا علیه السلام در این باره جست وجو می کردند. در این زمان، این شبهات غلوآمیز، بیشتر در دو حوزه حضور داشت. یکی مباحث مهدویت و تطبیق آن با امام کاظم علیه السلام و دیگر ادعای به شهادت نرسیدن حضرت سیدالشهداء علیه السلام و کشته شدن بدل او، حنظله ابن اسعد شبامی؛ که همانند داستان مصلوب شدن شبیه مسیح به جای مسیح است، و عقاید افراطی دیگر درباره آن حضرت.(۱)

به نظر می رسد بعد از ماجرای واقفیه، مسئله غُلات، دومین مسئله دوران امامت امام رضا علیه السلام باشد؛ البته همان گونه که بیان شد، بیشتر جنبه پالایش و تکمیل مبارزات پیشین است.(۲) از نظر جغرافیای غلو، غلو اعتقادی و فرقه ای منحصر به عراق با مرکزیت کوفه است؛ ولی غلو به معنی نقل روایات با مضامین غلوآمیز، در جهان تشیع فراگیر بود، اگر چه در مدرسه حدیثی قم، سعی می شد با این پدیده به شدت مقابله شود.

سبک زندگی غالیان

مهم ترین شاخصه غلو در آغاز، ابراز عقاید افراطی و مبالغه آمیز درباره امامان معصوم بود که در مراتب پیش رفته خود، به اعتقاد به تفویض و یا الوهیت آنها منجر می شد. بازتاب این عقاید، در مقام عمل و رفتار، در نهایت به سوی اباحه گری و رفع تکالیف است. از این روست که امام رضا علیه السلام ، برای پرهیز از رسوخ عقاید و یا رفتارهای باطل آنها در میان شیعیان، به یارانش تأکید داشت که به مرزبندی اجتماعی مشخص و محکم بین خود و غالیان بپردازند.

غالیان زمان امامت امام رضا علیه السلام (۳)

نام

وفات

ملاحظات

یونس ابن ظبیان

از پیروان فرقه خطابیه بود. نزد امام آمد و مدعی کشف و مکاشفه در حج شد. امام او را نفرین و طرد کرد و کمی بعد مرگ او فرارسید.

۱- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۴، ص ۴۹۱.

۲- درباره غُلات و دوران امام رضا۷، ر.ک: غالیان، کاووشی در جریان ها و برآیندها، ص ۱۲۲ به بعد.

۳- صفری فروشانی، غالیان، صص ۳۵۱ و ۳۵۳؛ موسوعه الامام الرّضا، ج ۱، صص ۳۸۶ و ۴۲۳و: ج ۷، ص ۶۰۰ .

ص: ۱۳۱

محمد ابن فرات کوفی

از افراد مشهور و فعال در زمینه غلو است که بر امام دروغ می بست. امام از شیعیان خواست از او تبرّی جویند و او را لعنت کنند. سرانجام او به نفرین امام توسط ابراهیم ابن مهدی عباسی (ابن شکله) احتمالاً در حوالی سال ۲۰۲ ه . ق. کشته شد.

زینب کذّابه

زنی در خراسان بود که مدعی شد حضرت زینب است و امام ادعای او را باطل ساخت.

محمد ابن جمهور

غالی ای بود که در قالب اشعاری که می سرود، به اباحه گری و حلال کردن محرّمات می پرداخت.

یونس ابن بهمن

تازه مسلمانی بود که تمامی خویشانش مسیحی بودند و او ارتباط خود را با آنها حفظ کرد.

عمر ابن فرات

از دربان های امام که بعدها جزو غالیان شد.

در بین اصحاب امام رضا علیه السلام عده ای هستند که بعضی از علمای رجال، آنها را به غلو متهم کرده اند. افرادی همانند محمد ابن ارومه قمی، محمد ابن سنان زاهری، داوود رقی (ف ۲۰۳، کمی پس از شهادت امام رضا علیه السلام)، محمد ابن سلیمان دیلمی، محمد ابن عیسی ابن عبید یقطینی، محمد ابن فضیل کوفی و چند تن دیگر.

نکته مهم در این باره آن است که به نظر می رسد اتهام غلو به این اشخاص، با مقوله انتساب افراد به فرقه های غُلات از دو مقوله باشد؛ بدین معنی که افراد نام برده، از شیعیان هستند و صرفاً راوی اخباری هستند که در آنها، مضامین غلوآمیز وجود دارد؛ در حالی که گروه قبلی، خود، مدعی و سازنده ادعاهای کذب و جدید و انواع غلو بودند.

شیوه امام برای شناسایی و خنثی کردن افکار غالیان(۱)

یونس ابن عبدالرّحمان، پس از جمع آوری احادیث بسیاری، از عراق به مدینه آمد و به عرضه احادیث به امام پرداخت. امام، بخش قابل توجهی از آنها را رد کرد و آنها را از جعلیات فرقه خطابیه دانست. آن گاه امام، معیاری به یونس داد به این شرح که فقط

۱- صفری فروشانی، غالیان، صص ۱۶۳ تا ۱۶۹.

ص: ۱۳۲

خبری حجت است، که موافق با قرآن و سنّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد و از احادیث دیگر اهل بیت علیهم السلام ، شاهد و تأییدی داشته باشد.

یاران امام رضا علیه السلام که به مواجهه و مقابله با غالیان پرداخته و در رد آنها کتاب نوشته اند، عبارتند از: یونس ابن عبدالرّحمان، حسن و حسین ابن سعید اهوازی و حسن ابن علی ابن فضال.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

زمینه پیدایش، بقا و گسترش غالیان

فکری / اجتماعی

وجود التقاط و اختلاط فکری و فرهنگی با فرقه ها و مذاهب دیگر که باعث رسوخ افکار افراطی در افراد و گروه های دارای ضعف فکری می شد.

ایستادگی در برابر برنامه های اصلاح امام، مبنی بر پالایش فکری و مرزبندی اجتماعی و نیز استمرار بر التقاط و افراط در اندیشه ها، باعث استمرار جریان انحرافی غلو گردید.

بازتاب های اخلاقی افراط گری

اخلاقی

پیش افتادن یا واپس ماندن از امام و افراط گری، در نهایت باعث جدا شدن کامل غالیان از امام، علما و جامعه شیعه و دوری از سبک زندگی و فقه شیعه شد و آنان را به سوی اباحه گری رفتاری کشاند.

بازتاب های رفتاری غالیان

اخلاقی

بازتاب های غلو، خصوصاً در رفتار سران و رهبران آنها، مواجهه اهانت آمیز و جسارت آمیز با امامان و رهبران شیعه بود، وقتی که آنها را تأیید نمی کردند.

غلـو، چـون همراه بـا عقیـده شـرک آمیز تفویض است (به جـای تصوّف و ریـاضت)، از نظر اخلاقی، به سوی ابـاحه گری و ترویج مفاسد می رود که این حالت، ناشی از تفسیر غلطِ شفاعت و توسل است.

ص: ۱۳۳

بازتاب های غلو

در جامعه اسلامی

سیاسی / اجتماعی

غلو، چون ملازم با افراط درباره امامان است، باعث تشدید ذهنیت منفی دشمنان تشیع نسبت به امامان شیعه و سوءاستفاده از عقاید غالیان برای ضربه زدن به شیعه می شود.

مسائل کلامی مستعد برای غلو

کلامی

در معارف شیعه، نگاه افراطی به بحث مقام امامت و بحث مهدویت و تا حدودی مسئله عاشورا، زمینه ساز پیدایش غلو شد؛ از این رو، اهل بیت علیهم السلام اهتمامی ویژه به تبیین دقیق و شفاف این معارف داشتند.

موضع گیری امام رضا علیه السلام

مدیریتی

امام، ضمن تبیین صریح و سریع، اهتمامی ویژه بر مرزبندی اجتماعی بین شیعیان و غالیان داشتند تا مبادا افکار انحرافی آنها باعث گمراهی شیعیان شود.

شخصیت شناسی رهبران غالیان

روان شناسی

رهبران غالیان، عمدتاً کسانی بودند که یا بهره ای اندک از دانش امامان و یارانشان داشتند و یا در کنار ضعف بینش اعتقادی، با مشاهده معجزات گوناگون امامان، قائل به غلو درباره آنان شده بودند.

روش شناسی مطالعه پدیده غلو

تاریخی / انتقادی

در مسئله غلو شناسی، باید بین فرقه های غالیان و بین راویانِ بازگوکننده احادیثِ دارای مضامین غلوآمیز تفاوت قائل شد.

بررسی طول عمر و بقای فرقه های غالی

تاریخی

نگاهی آماری - تاریخی به فرقه های غالی نشان می دهد، غالب آنها عمری کوتاه داشته اند و این، ناشی از مدیریت فراگیر فکری و اجتماعی امامان در برابر غالیان، در کنار سستی و ضعف بنیان های فکری آنان است.

بازتاب علمی جریان غلو بر حدیث شیعه

فکری / حدیثی

بازتاب جریان غلو در مباحث حدیثی شیعه، بازتعریف مبانی علم حدیث در مورد رجال و تعیین معیارهای مشخص و شفاف بود، تا به راحتی بتوان احادیث تحریف شده توسط غالیان را از احادیث صحیح تشخیص داد.

ص: ۱۳۴

گرایش فرقه ای ۴: واقفیه

گرایش فرقه ای ۴: واقفیه(۱)

با توجه به اهمیت ویژه این فرقه انحرافی در دوران امامت امام رضا علیه السلام و گستردگی مباحث و مسائل آن، درباره این فرقه، به طور ویژه و مفصل بحث می شود.

الف) جریان شناسی فتنه واقفیه

واقفیه، مهم ترین آسیب و بحران جامعه شیعه در زمان امام رضا علیه السلام بود. از نظر گونه شناسی نوع آسیب، واقفیه، پدیده ای بی سابقه و گسترده بود که نظام و تشکیلات مرتبی داشت. در پیشینه ریزش ها و انشعاب های تاریخ تشیع، تمامی فرقه های جداشده از تشیع، یا ریشه در انشعاب های کلامی داشتند (زیدیه و کیسانیه) یا ریشه در افراط و تفریط (فرقه های گوناگون غالیان) و همه این ها در نقطه پیدایش خود، وابسته به یک فرد مدعی بودند که با انشعاب ناگهانی و یا تدریجی خود و با جمع آوری عده ای، که عمدتاً از توده ها و عامه مردم شیعه و یا مسلمان بودند، به فرقه سازی می پرداختند؛ ولی در ماجرای واقفیه، برای نخستین بار بود که جمعی از خواص شیعه با انشعاب ناگهانی و با سوءاستفاده از شرایط موجود، برای حفظ استقلال خود در حوزه اقتصادی و اجتماعی، به ایجاد یک فرقه پرداختند.

رهبران واقفیه، در آغاز اگر چه از همدیگر فاصله مکانی داشتند، ولی با توجه به شکل گیری بسترهای اجتماعی یکسانی که باعث پیدایش آنها شد، خیلی زود همدیگر را پیدا کردند و با تحکیم پیوندهای خود کوشیدند به سامان دهی و استحکام مدّعای خود بپردازند و بدین گونه بود که امام رضا علیه السلام ، در آغاز امامت خود، اگر چه برخلاف اکثر امامان سابق، از طرف دشمنان سیاسی و خلافت، مواجه با خطر جدی ای نبود، ولی از طرف خودی ها و جبهه داخلی و جامعه مؤمنان به خط امامت، گرفتار بزرگ ترین فتنه تاریخ تشیع شد.

ب) ریشه های پیدایش واقفیه

در اوج دوران امامت امام کاظم علیه السلام ، که مصادف با جوانی امام رضا علیه السلام بود؛ و امام رضا علیه السلام در این دوران، مهم ترین دستیار و یاور پدر نیز بود؛ امام کاظم علیه السلام ، به نظام مند

۱- به این گروه واقفیه می گویند چرا که پس از شهادت امام کاظم علیه السلام به صورت ناگهانی در امامت ایشان متوقف شده و امامت امام رضا۷ را نپذیرفتند.

ص: ۱۳۵

کردن و گسترش سازمان وکالت در جغرافیای پراکنده تشیع پرداخت. در این زمان، به موازات گسترش اجتماعی تشیع، که همراه با بهبود اقتصادی شیعیان بود، یکی از وظایف اصلی این سازمان وکالت، جمع آوری اموال شیعیان با محوریت خمس و زکات و بعضاً هدایای آنها و ارسال آنها به شیوه های مناسب و در پوشش تقیه به مدینه بود؛(۱) ولی پس از آن که هارون در حوالی سال ۱۷۹ ه . ق. امام کاظم علیه السلام را دستگیر و دوران زندان های چهارساله امام آغاز شد، فرایند انتقال اموال، به فرایند ذخیره و حفظ و نگه داری اموال نزد وکلا، تا تغییر شرایط تبدیل شد تا اینکه سرانجام، امام کاظم علیه السلام در بغداد در زندان به شهادت رسید و پیکر مطهر ایشان هم به دستور خلیفه، سه روز در کنار پل معروف بغداد به نمایش گذاشته شد تا دامان خلیفه از تهمت مسموم کردن امام مبرّا بماند. پس از شهادت امام کاظم علیه السلام و تفویض امامت به امام رضا علیه السلام ، آن حضرت، با ارسال نامه ای، از تمامی وکلای پدرش خواست که آنچه از اموال نزدشان جمع شده است، نزد ایشان بفرستند. همه وکلا چنین کردند مگر چند نفر از وکیلان بسیار مهم و برجسته که عبارت بودند از:

علی ابن ابی حمزه بطائنی که ساکن کوفه بود و نزد او سی هزار دینار جمع شده بود.

زیاد ابن مروان قندی که ساکن بغداد بود و نزد او هفتادهزار دینار جمع شده بود.

عثمان ابن عیسی رواسی که ساکن مصر بود و نزد او سی هزار دینار و شش کنیز بود.

احمد ابن ابی بشر سرّاج که ساکن عراق بود و نزد او ده هزار دینار جمع شده بود.

حیان سرّاج، که نزد او سی هزار دینار از زکات اموال خاندان اشعث بود.(۲)

اینان، همراه جمعی دیگر، مدعی شدند که امام کاظم علیه السلام نمرده و مهدی موعود و امام غایب است؛ از این رو، آنها به عنوان نایبان عام در دوران غیبت هستند و وظیفه ای برای استرداد اموال به امام رضا علیه السلام ندارند. آنها سپس، با صرف کردن بخشی از این اموال در جامعه شیعه، سعی کردند تا آنجا که می توانند بیشتر خواص و عوام شیعه را با خود همراه کنند. آنها در این میان، از برخی محدودیت های تقیه ای امام رضا علیه السلام

۱- محمد رضا جباری، سازمان وکالت، ج ۱، فصل ۵، ص ۲۸۰.

۲- سازمان وکالت، ج ۲، فصل ۸، صص ۶۴۳ ۶۴۹.

ص: ۱۳۶

نسبت به عباسیان هم، نهایت استفاده را کردند و ادعای آنها که باعث تضعیف امامت امام رضا علیه السلام می شد، شاید مورد حمایت عباسیان هم قرار می گرفت. بدین گونه بود که ترکیب عامل اقتصادی، که جمع شدن اموال فراوان در کنار جایگاه اجتماعی برای این وکلا ـ بود و همچنین موقعیت ضعیف تر امام رضا علیه السلام در آغاز امامتش در مقایسه با پدرش، دست به دست هم داد تا این یاران برجسته امام کاظم علیه السلام ، جریان واقفیه را ایجاد کنند.

ج) گستره جغرافیایی واقفیه

نطفه واقفیه در کوفه و بغداد و مصر ایجاد شد، ولی با راه افتادن تبلیغات و هدایای مالی رهبران واقفیه، خیلی زود این جریان، از نظر جغرافیایی در اکثر مناطق شیعه نشین، برای خود پایگاهی ایجاد کرد و به ویژه مناطق شیعه نشین مرکزی و جنوبی عراق، از بغداد تا بصره، تبدیل به مهم ترین پایگاه های آنها شد. برای آشنایی با جغرافیا و شخصیت های اجتماعی واقفیه به جدول زیر توجه کنید.

نام

منطقه

ملاحظات

ابراهیم ابن شعیب عقرقوقی

بغداد

او در سفرهای حج به مدینه می آمد و در مسجدالنّبی، در میان شیعیان به شبهه پراکنی می پرداخت.

ابراهیم ابن عبدالحمید

کوفه

از اصحاب امام صادق علیه السلام بود

حسین ابن ابی سعید مکاری

هم خودش و هم پدرش واقفی و از معاندین سرسخت امام رضا علیه السلام بودند که امام رضا علیه السلام او را نفرین و طرد کرد.

علی ابن خطّاب

او در ضمن سفر حج به مدینه به دیدار امام رضا علیه السلام آمد و با این که از امام، معجزه مشاهده کرد، بر گم راهی خود ماند تا مرد.

فضل ابن یونس

کوفی ساکن بغداد

ص: ۱۳۷

محمد ابن حسن ابن شمعون

بصره

از غالیان واقفیه بود.

مقاتل ابن مقاتل

ساکن کوفه

در توصیف او گفته اند که واقفی خبیثی بوده است.

حمزه ابن بزیع

امام رضا علیه السلام از او به «بدبخت و شقی» تعبیر کردند.

ابراهیم و اسماعیل فرزندان ابی الاسمال

ساکن کوفه

آنها ابتدا واقفی شدند، ولی پس از مدتی گرد احمد ابن امام کاظم علیه السلام (شاه چراغ) جمع شدند، ولی وقتی احمد با ابوالسرایا خروج کرد، آنها دوباره از او جدا شده و با ادعای زنده بودن امام کاظم علیه السلام دوباره واقفی شدند.

حنّان ابن سدیر

کوفی

از اصحاب امام صادق علیه السلام که تا آن زمان زنده بود.

زرعه ابن محمد حضرمی

جعل کننده احادیث مهدویت برای امام کاظم علیه السلام و از نظریه پردازان فکری واقفیه.

محمد ابن فضیل

بغداد

او در بغداد، چنان مهجور و ترسان شده بود که می ترسید برای سفر عمره از بغداد خارج شود!

حسین ابن قیاما

واسط عراق

او از واقفی هـایی بود که در ضـمن مراسم حـج، در طی چنـد سـال دیـدارهای مکرری با امام کرد و در هر دیـدار، بر مبنای یکی از شبهات یا ادعاهای واقفیه با امام محاجّه می کرد. (مثلاً در سـفرهای آغازین، با روایات مهـدویت به مصاف امام آمد و در سال ۱۹۵ سال پیش از تولد امام جواد علیه السلام ، با بهانه عقیم بودن امام با ایشان سخن می گفت).(۱)

بر اساس این جدول، مشـخص می شود که کانون واقفی گری، عراق با مرکزیت کوفه و بصـره بود و از نکات جالب توجه در زمینه جغرافیای واقفی گری، سلامت فکری و اجتماعی جامعه شیعه ایران، به ویژه مرکز آن، شهر قم، در مورد این مسئله مهم است.

---

۱ – ۴دربـاره پی نـوشت هـای این جـدول، ر.ک: موسوعه الامـام الرّضـا علیه السـلام، ج ۳، ذیـل هر یـک از اسـامی فـوق؛ همچنین: عطاردی، مسند راویان امام رضا۷، ذیل هر یک از اسامی فوق.

ص: ۱۳۸

شـدت این سـلامت تا بـدان حد است که در میان راویان حدیثی که واقفی شدند، فقط دو نام با پسوند ایرانی دیده می شود؛(۱) که آنها هم ساکن کوفه بودند و در جغرافیای عراق زندگی می کردند.

جالب توجه است بـدانیم که در دوران بیست ساله امامت امام رضا علیه السـلام ، با مـدیریت همه جانبه امام و برخی تحولات دیگر، هماننـد مرگ تـدریجی رهـبران اولیه و اصـلی واقفیه، به تدریـج جغرافیـای واقفی گری به کـوفه و بغـداد منحصـر شـد و در آسـتانه شهادت امام رضا علیه السـلام ، از نظر اجتماعی و جغرافیایی، مشـخص شد که مرگ واقفی گری خیلی زود و در آینده نزدیکی رخ خواهد داد.

د) گاه شمار زمانی و فکری واقفی گری

واقفی گری، چون در آغاز توسط رهبران سرشـناس جامعه شـیعه آغاز شد، تکانی شدید و سنگین به جامعه شیعه وارد کرد؛ به ویژه در کوفه و بغـداد و در آغاز، با توجه به صـداقت و درستی پیشـین این شخصـیت ها و سابقه درخشانشان، حتی گروه قابل توجهی از خواص شیعه هم با آنها همراه شدند.

یکی از علـل اقبـال اولیه جـامعه شـیعه به واقفیه، رهبری فردی چون علی ابن ابی حمزه بطـائنی بود. وی تـا قبل از زنـدانی شـدن امام کاظم علیه السـلام ، سال های سال و از جوانی، در مدینه به عنوان مهم ترین پیش کار و همراه امام و یکی از برجسته ترین شاگردان علمی ایشان بود. او که در اصل، کوفی بود، کمی پیش از دستگیری امام به کوفه آمد و از سوی امام، وکالت کوفه را عهده دار شد و به اعتبار سابقه مجالست طولانی با امام، اعتبار اجتماعی ویژه ای در نزد شیعیان کوفه و عراق داشت.(۲)

این عامل اجتماعی، در کنار همراهی برخی اتفاقات سیاسی و یا طراحی مرحله به مرحله جنگ روانی و تبلیغاتی واقفی ها، باعث شد اگر به شکل حداقلی، جریان واقفیه، استمرار پیدا کند. سیر زمانی تحولات جامعه واقفیه چنین است:

۱- مقاتـل ابن مقاتـل بلخی، سـاکن کوفه و سـلیمان ابن حفص مروزی. (ر.ك: موسوعه الامام الرّضا علیه السـلام، ج ۷، ذیل اسامی مذکور).

۲- تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۶۱؛ مسندالرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۴۱.

ص: ۱۳۹

زمان

رویداد

۱۸۳ ه . ق.

انتشار خبر شهادت امام کاظم علیه السلام و وسوسه شدن رهبران واقفیه و طراحی و پیدایش واقفیه در ماه شعبان این سال.

۱۸۳ ه . ق.

تبلیغات گسترده واقفی ها با محوریت تطبیق روایات مهدویت با امام کاظم علیه السلام و ادعای تبدیل شدن زندان امام به غایب شدن ایشان(۱) (و در حقیقت، انتقال از غیبت صغرای زندان به غیبت کبرایی که حتی از چشم خواص دوست و دشمن هم ناپدید گشته است.) به علاوه طرح این شبهه که چون در زمان شهادت امام کاظم علیه السلام ، امام رضا علیه السلام در مدینه بود و برای دفن و کفن پدرش، حضور نداشت؛ پس به همین علت امام نیست، چرا که امام، کسی است که امام پیشین را کفن و دفن کند.(۲)

ماه های آغازین سال ۱۸۳

شروع پدیده واقفی گری و متمایل شدن جمع قابل توجهی از خواص و عوام شیعه، به ویژه در کوفه و بغداد به واقفیه.

ماه های پایانی سال ۱۸۳ ه . ق.

آغاز تبلیغات افشاگرایانه امام وبرخی از خواص علمای شیعه علیه واقفی ها. در این میان، نقش یونس ابن عبدالرّحمان در بغداد، بسیار پررنگ بود. سران واقفیه، برای جذب یونس و همچنین صفوان ابن یحیی، یکی دیگر از بزرگان شیعه، که با آنها مبارزه می کرد؛ جداجدا نزد آنها رفتند و با پیشنهاد مبلغ کلان ده هزار دینار به آنها، سعی در جذبشان داشتند، ولی آنها سران واقفیه را طرد کردند.(۳)

مراسم حج سال ۱۸۳ ه . ق.

رهبران واقفیه، به رهبری علی ابن ابی حمزه، سفر حج گسترده ای کردند که قصدشان اقناع امام رضا علیه السلام بود برای دست برداشتن از ادعای امامت، دست کم به بهانه اینکه دوران تقیه است و بیشتر امامان، در آغاز امامت خود تقیه شدیدی را رعایت می کردند و چندان آشکارا ادعای امامت نمی کردند.(۴)

۱- در این زمینه، ر.ک: موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۳، ص ۲۶۶.

۲- مسندالرّضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۶۷؛ رجال کشی، ص ۶۴۶؛ حدیث ۸۸۳ .

۳- رجال کشی، ص ۴۹۳؛ عطاردی، مسند راویان امام رضا۷، ص ۲۰۸.

۴- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۹۴.

ص: ۱۴۰

افرادی همانند ابراهیم ابن شعیب عقرقوقی نیز در همین سفر، در مسجدالنّبی سعی می کردند با شناسایی شیعیان و گفت وگو، آنها را جذب واقفیه کنند و بذر واقفی گری را در حجاز هم بپاشند؛(۱) ولی در نهایت، در این نبردِ نرم افزاری، سران واقفیه مغلوب استدلال های امام شدند و در این زمان و ماه های آغازین سال ۱۸۴ ه . ق. بود که بازگشت ها از واقفی گری به تشیع آغاز شد؛ ضمن اینکه تلاش واقفی ها هم برای توسعه جغرافیای واقفی گری در حجاز، توسط امام و اندک یاران حجازی اش ناکام ماند.

سال ۱۸۶

در این سال، با نابودی خاندان برمکیان، که از دشمنان امام و علویان بودند، امام به واسطه رفع خطر تهدید های مستقیم آنها، به یاران و شیعیانش دستور داد آشکارا و گسترده به مواجهه با واقفیه بپردازند.

سال های ۱۹۶ – ۱۹۵

این سال ها، اوج تبلیغات واقفیه علیه امام رضا بود، مبنی بر این که امام، چون فرزند پسری ندارد، پس امام نیست. حسین ابن قیاما، یکی از سران واقفیه، بارها در این سال ها به دیدار امام آمد و هر بار یک شبهه را مطرح کرد که آخرین آنها، مسئله بی فرزندی امام بود؛(۲) ولی در سال ۱۹۶، با تولد امام جواد علیه السلام ، تمام این تبلیغات خنثی و ضربه ای سنگین به آنها وارد شد و برای بازتاب آرامش بخش این تولد در جامعه بزرگ شیعه، امام این تولد و آن مولود را بابرکت ترین مولود برای شیعه خواندند.(۳)

سال های ۱۹۷ – ۲۰۰

در این سال ها به نظر می رسد که واقفیه که در ماجرای تولد امام جواد علیه السلام ضربه سختی خورده بودند، به کثیف ترین تبلیغات علیه امام بپردازند؛ تبلیغاتی که بازتاب آن را این مرتبه در جامعه شیعه می توان دید، بدین گونه که آنها به موازات رشد فرزند امام، و با توجه به

۱- مسند راویان امام رضا۷، ص ۱۹.

۲- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱۷.

۳- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۱. (نرم افزار گنجینه نور)

ص: ۱۴۱

شباهت های بیشتر امام جواد علیه السلام به مادر تا پدر، اول در انتساب فرزند تشکیک کردند(۱) و آن گاه که این تهمت خنثی شد، با تمرکز بر سنّ بالای امام و احتمال شهادت قریب الوقوع ایشان، شبهه امامت در کودکی را وارد کردند؛ البته این شبهه را بیشتر شیعیان از زبان آنها مطرح می کردند و امام با پذیرش این حدس و احتمال، به دفاع از مسئله امامت در کودکی می پرداختند.

سال های ۱۹۰ – ۲۰۰

با تضعیف مبانی فکری رهبران واقفیه و تضعیف پایگاه اجتماعی و روی دادن تحولات گوناگون، به تدریج واقفی ها دچار انشعاب و فرقه گرایی شدند. در ابتدا عده ای در کوفه، با احساس نیاز به داشتن یک رهبر علوی، به گرد احمد ابن موسی کاظم جمع شدند، که البته پس از همراهی او با قیام ابوالسرایا در سال ۲۰۰ ه . ق. از گرد او پراکنده شدند و به همان گرایش واقفیه بازگشتند.(۲)

محمد ابن بشیر، یکی دیگر از رهبران واقفیه، در هنگام مرگ، پسرش سمیع را جانشین خود معرفی کرد و مدعی شد امامت در نسب او ادامه خواهد یافت.(۳)

مابقی واقفیه، در رسیدن به یک نظر واحد ناکام ماندند. عده ای می گفتند: امام کاظم علیه السلام شهید شده؛ عده ای می گفتند: ایشان هم چنان زنده است و عده ای هم دچار تردید بودند که با وجود ادعای شروع زودهنگام دوران غیبت، آیا امام شهید شده یا زنده است؟

سال ۲۰۰ ه . ق.

در هنگام سفر امام رضا علیه السلام به ایران، در حد فاصل بصره تا انتهای استان خوزستان، که ایشان بیشتر در دست رس شیعیان بودند، شبهات واقفیه را که به محضرشان عرضه می شد، پاسخ می دادند و به دفع شبهه واقفیه برای شیعیان این مناطق می پرداختند.

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۶۱.

۲- رجال کشی، ص ۴۰۰.

۳- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۷، ص ۳۸۶.

ص: ۱۴۲

۲۰۱ ه . ق.

امـام در این سـال، مقیم خراسـان بود. در خراسـان، دو - سه نفر از واقفی هـا در ضـمن تجـارت به مرو آمدنـد و عـده ای از آنها، از جمله: حسن ابن علی وشاء، با هـدایت امام، به مذهب حق باز گشـتند(۱) و کمی بعـد امـام، خبر مرگ علی ابن ابی حمزه بطائنی، از آخرین رهبران بزرگ واقفی ها را به او داد؛ مرگی که لطمه ای بزرگ به جریان واقفی گرایی زد و به شدت آنها را تضـعیف کرد، به گونه ای که در آستانه امامت امام جواد علیه السلام ، واقفی ها از نظر اجتماعی و اندیشه ای به شدت ضعیف شده بودند.

ه) بازتاب های جریان واقفیه در جامعه شیعه

جامعه شـیعه در آسـتانه شـهادت امام کاظم علیه السـلام ، به واسـطه سیاست های خشن هارون و برمکیان علیه امام و شیعیان، مجدّداً دچار وضـعی بحرانی شـد. در سال های واپسین زندگانی امام کاظم علیه السـلام ، از یک سو، رحلت علی ابن یقطین، که در دربار عباسـی حضور و نفوذ داشت، بـاعث شـد عامل تعـدیل کننـده فشارها بر شـیعه حـذف شود و جبهه باطل با تمام قوا به مصاف شـیعه بیایـد. از سوی دیگر، غفلت و لغزش هشـام ابن حکم، از بزرگ ترین نظریه پردازان فکری و کلامـی شـیعه، که بـا حضور و منـاظره هـای ناسـنجیده اش در دربـار هـارون، بـاعث حساسـیت هارون علیه خود و شـیعه و امام کاظم علیه السـلام شـد، در نهایت، منجر به مخفی شدن هشام ابن حکم از انظار جامعه شـیعه شد. نیز از سوی دیگر، عده ای اگر چه معدود، اما مهم و اثرگذار در جامعه شیعه، همانند محمد ابن ابی عمیر به زندان های هارون افتادند و به شدت شـکنجه شدند تا اسامی شخصیت های برجسته شیعه را افشا کنند تا عباسـیان همه آنها را در آسـتانه به اجرا گذاشـتن طرح شـهادت امام کاظم علیه السلام ، دستگیر و ضربه ای بزرگ به جامعه شیعه وارد کنند.

بـا این وصف، جـامعه شـیعه در سـال پایانی زنـدگانی امام کاظم علیه السـلام ، در تقیه و فشار بسـیار شدیـدی بود و با وجود اجرای تدابیر متنوع امام کاظم علیه السـلام برای اطلاع رسانی نسـبت به وصایت و جانشینی فرزندش، امام رضا علیه السلام ، در این دوران، به نوعی، دچار خلأ حضور اجتماعی رهبران درجه اول شد و به جای آن، در محدوده زمانی کوتاهی، شخصیت هایی

۱- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام /۱/ ۲۳۷/ ۳۱۲/ ۳۲۳

ص: ۱۴۳

که بعد ها جزء سران واقفیه شدند، جای گزین آنها شدند؛ از این رو بود که وقتی خبر شهادت امام کاظم علیه السلام در بغداد اعلام شد و حتی برای دو – سه روزی پیکر ایشان به نمایش عمومی درآمد، زمینه برای شبهه افکنی رهبران واقفیه در جامعه شیعه کاملاً آماده بود؛ به ویژه که رهبران اصلی واقفیه، از شخصیت های برجسته شیعه در کوفه و بغداد بودند و کاملاً مورد اعتماد شیعیان؛ و تبلیغات آغازین آنها هم بسیار قوی و گسترده بود. در این وضع بود که متأسفانه، در اولین گام، عده ای از خواص شیعه فریب واقفیه را خورند. کسانی همانند عبدالرّحمان ابن حجاج (در زمان امام کاظم علیه السلام ، وکیل بغداد بود، ولی با توجه به رحلت او در سال های آغازین امامت امام رضا علیه السلام ، احتمالاً در این سال ها بازنشسته بوده و کمتر نقش اجتماعی ایفا می کرده است)، رفاعه ابن موسی، یونس ابن یعقوب، حماد ابن عیسی، جمیل ابن درّاج، احمد ابن محمد ابن ابی نصر بزنطی و حسن ابن علی وشاء.(۱)

اینان از شخصیت های برجسته شیعه بودند. برخی از آنها از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام و برخی دیگر از خواص اصحاب امام کاظم علیه السلام بودند و برخی نیز همانند: احمد ابن محمد ابن ابی نصرِ بزنطی، بعدها جزء یاران خاص امام رضا علیه السلام گردیدند.

تردید و تحیر یا اطمینان این افراد، در پذیرش واقفیه، در آغاز امامت امام رضا علیه السلام ، شباهت بسیاری به ماجرای «زراره»، برجسته ترین شاگرد امام صادق علیه السلام ، دارد که پس از شهادت امام صادق علیه السلام ، چون در آستانه رحلت قرار گرفت، فرزندش را به مدینه فرستاد تا با توجه به وصیت نامه امام به شش نفر معتمد ایشان، درباره جانشین بر حق امام صادق علیه السلام از نزدیک تحقیق کند و چون پیش از آمدن فرزندش بر بستر مرگ افتاد، قرآن را به سینه گذاشت و گفت: «خدایا! امام حاضرین کسی است که فرزندم از مدینه خبرش را بیاورد و قرآن آن را تأیید کند».(۲)

این بدین معنی است که در آن سال ها، شرایط تقیه در کنار فتنه و شبهه افکنی جریان های انحرافی، چنان باعث تحیر و سرگردانی حتی خواص می شد که به صورت کوتاه مدت باعث لغزش یا تردید آنان می شد. البته با گذشت زمان و آشکار تر شدن

۱- بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۲۵۸.

۲- معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۲۳۰. (نرم افزار درایه النور)

ص: ۱۴۴

ماهیت باطنی مدعیان انحرافی و رسیدن اخبار حق به این خواص، بسیاری از آنها به سرعت به مسیر درست بازگشتند.

و) برنامه های امام و یارانش در برابر واقفیه

با آغاز فتنه واقفیه، امام رضا علیه السلام در اولین گام، پس از طی کردن چند روز آغازین امامت خود، که زیر نظر و مراقبت شدید جاسوس های هارون عباسی بود، پس از گم راه کردن این جاسوس ها و دفع فتنه آنها، به سرعت درِ منزلش را باز کرد و بر اساس وصایت های پدر و پذیرش اندك شیعه حجاز، امامت خود را در مدینه آشکار ساخت. خبر امامت امام رضا علیه السلام ، خیلی زود به عراق رسید، به گونه ای که برخی از شیعیان همانند عبدالله ابن جندب، درباره واقفیه با امام به نامه نگاری پرداختند.(۱)

اعلام علنی امامت توسط امام رضا علیه السلام باعث تشجیع و ترغیب برخی از خواص شیعه، همانند یونس ابن عبدالرّحمن(۲) در بغداد و علی ابن اسماعیل میثمی در بصره(۳) شد تا با تمام قوا به ابطال ادعاهای واقفیه و تبیین امامت امام رضا علیه السلام در محدوده عراق مرکزی بپردازند. این دو رویداد، باعث بازگشت گسترده و سریع بسیاری از خواص و عوام شیعه به سوی امام رضا علیه السلام شد، به ویژه اینکه پس از گذشت چند ماه، ضمن اینکه خبر شهادت امام کاظم علیه السلام تثبیت شد و از فرزندان ایشان، با وجود فراوانی آنها، کسی دیگر مدعی امامت نشد و مهم تر اینکه ادعای مهدویت امام کاظم علیه السلام هم با هیچ یک از روایات امامت و مهدویت شیعه تطبیق نکرد؛ البته مراسم حج سال ۱۸۳ ه . ق. نقشی بسیار مهم در این بازگشت به حق ایفا کرد، چرا که در این سال، پس از انتشار دعوت و امامت علنی امام رضا علیه السلام ، جمع های ویژه ای از شیعیان مردد از یک طرف و جمع مهمی از رهبران واقفیه از طرف دیگر به حجاز سفر کردند.

از شیعیان مردد؛ این نام ها در منابع رجالی ذکر شده است که در ضمن سفر حج، با امام رضا علیه السلام دیدار کردند و به حق بازگشتند: ابن ابی کثیر، حسین ابن بشّار واسطی مدائنی، حسین ابن عمر ابن یزید و عبدالله ابن مغیره بجلی.(۴)

۱- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۹۵.

۲- بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۲۵۲.

۳- المقالات و الفرق، ص ۹۲.

۴- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۳، در ذیل اسامی یادشده.

ص: ۱۴۵

در این سال، از واقفیه هم، اینان با امام دیدار کردند: علی ابن ابی حمزه بطائنی (از رهبران درجه اول)، محمد ابن اسحاق ابن عمّار، حسین ابن مهران، حسین ابن ابی سعید مکاری، احمد ابن ابی بشر سرّاج.(۱) آنها ابراز دعوت علنی امام را، برخلاف سیاست تقیه شدید امامان صادق و کاظم علیهما السلام در آغاز امامتشان می دانستند و این را نشانه ای بر صادق نبودن امام به شمار می آوردند. امام هم در برابر پاسخ دادند: هارون با تمام اقتداری که دارد، به او هیچ گزندی نخواهد رساند، چون او درگیر مسائل حکومتی است. امام هم وظیفه اش ابلاغ علنی است.

به نظر می رسد بر اساس روایتی از امام کاظم علیه السلام ، که دوره چهار ساله آغازین امامت امام رضا علیه السلام را همراه با تقیه ویژه می داند،(۲) فعالیت های امام رضا علیه السلام در این دوران، بیشتر در حد اعلام علنی امامت، در کنار توصیه به خواص یاران خود برای بیان حق بوده است؛ ولی پس از این چهار سال، که سال برافتادن برمکیان است، امام با تمام قوا به نبرد واقفیه آمد. محمد ابن زیات، در همین باره گفته است: تا پیش از برافتادن برمکیان، احادیث امامت امام رضا علیه السلام را خیلی آشکار نمی کردیم، ولی پس از آن، امام اجازه آشکارسازی آنها را به ما داد. پس از آن من بارها در کوفه و بغداد با زیاد قندی (از سران واقفیه) گفت وگو کردم.(۳)

از دیگر اقدامات امام، برای هدایت افراد مستعد به سوی حق موارد زیر است:

استفاده از دوستان هدایت شده برای جذب افراد واقفی؛ حسن ابن علی وشاء می گوید: با مردی واقفی برای تجارت به مرو رفتم و در آنجا در دیدار با امام به امامت ایشان معتقد شدم. پس از مدتی برای هدایت دوستم تلاش کردم، ولی با مشاهده لجاجت او ناامید شدم و قصد داشتم رهایش کنم، ولی نامه ای از امام به من رسید که برای هدایت او به حق به تلاشم ادامه دهم.(۴)

پذیرش افراد دچار تردید و مواجهه با آغوش باز با آنها؛ با توجه به تمامی تندی ها و یا درخواست هایی که برخی از آنها داشتند؛ همانند ابوجریر قمی که

۱- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۹۴.

۲- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۷۴.

۳- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۹.

۴- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۳.

ص: ۱۴۶

نزد امام آمد و پرسش هایش را همراه با قسم به امام عرض می کرد تا امام تقیه نکند و کاملاً جواب او را بدهد.(۱)

دعای ویژه برای بازگشت برخی افراد متحیر مستعد، همانند دعای امام در حق یزید ابن اسحاق؛

شعر.(۲)

در این سال ها، امام در آغاز، سیاستِ مبارزه نرم افزاری و فکری را با واقفیه راه می اندازد تا آن جا که هر کس زمینه بازگشت به حق را دارد، به حق باز گردد و آن گاه پس از گذشت نزدیک به یک دهه، که تمام حجت ها آشکار شد و تمام بهانه ها مرتفع گردید و حتی فرزند بابرکت امام رضا علیه السلام ، یعنی حضرت جوادالائمه علیه السلام متولد شد؛ امام به سیاست مبارزه منفی اجتماعی روی آورد.

محمد ابن عاصم در این باره می گوید: نزد امام رضا علیه السلام بودم. ایشان به من فرمود: «شنیدم با واقفی ها نشست و برخاست داری!» گفتم: بله، ولی با آنها مخالف هستم؛ ولی امام مرا از این مجالست به شدت منع فرمود.(۳)

جمع بندی و نتیجه گیری

جریان واقفیه یکی از بزرگ ترین بحران های داخلی جامعه شیعه در دوران امامت امام رضا علیه السلام بود؛ زمانی که امام رضا علیه السلام ، در اوج دوران طراحی ساختار اجتماعی و فرهنگی و گسترش جامعه شیعه بود. این بدین معنا است که در فرآیند جامعه سازی، همانند همه تجربه های تاریخی، جامعه حق نیز ممکن است دچار آسیب انحراف و تحریف و ریزش شود. جامعه شیعه هم از این قاعده مستثنی نیست و می بایست به طور طبیعی، دچار این آسیب می شد تا نشان دهد که برخلاف نظریه عدالت صحابه، که اهل سنّت به آن اعتقاد دارند، از دیدگاه شیعه، هیچ فرد یا جامعه ای، از احتمال لغزش و انحراف به دور نیست، زیرا معصوم نیست؛ و ممکن است حتی فرد یا افراد و همچنین گروه ها و تشکل هایی، سال ها هم در ارتباط

۱- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۳، ۱۳۱.

۲- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۷، ص ۶۷۶.

۳- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۲۴.

ص: ۱۴۷

نزدیک با امام معصوم باشند، ولی در یک موقعیت ویژه و حساس، دچار وسوسه و انحراف شوند و سقوط کنند.

مسئله واقفیه، دست کم در دهه اول امامت امام رضا علیه السلام ، که جامعه شیعه از سوی جریان های سیاه (عباسی) و خاکستری (زیدیه) در آرامش بود، تجربه ای تاریخی بود تا جامعه شیعه که به تدریج به سوی دوران غیبت و انتظار می رفت، در آینده، آمادگی و تجربه مواجهه با پدیده انحرافات و تحریف ها را داشته باشد؛ و به ویژه در برابر سقوط و لغزش برخی از خواص جامعه دچار تردید و تحیر و تزلزل نشود و در چنین شرایطی بداند که معیار درستی و حقانیت هر فرد و هر مسئله ای، ولیّ معصوم به علاوه قرآن و معارف دینی، در کنار عقلانیت است.

تجربه جریان واقفیه، بعد ها به ویژه در دوران غیبت صغری، درسی بسیار مهم و اساسی شد در برابر ماجرای مدعیان دروغین نیابت و وکالت و سفارتِ امام غایب؛ و همچنین تجربه ای بود که به غنی سازی روش های گوناگونِ مواجهه با مدعیان دروغین، در دوره صدساله امامت امام رضا علیه السلام تا پایان غیبت صغری کمک شایانی کرد. جامعه شیعه، که مدعی بر حق بودن بود، زیر نظر مدیریت مستقیم امامان و نایبان راستین آنان آموخت که اولاً از پدیده طبیعی ریزش ها در جامعه دینی، خصوصاً ریزش خواص و فتنه های ناشی از آنها نهراسد و ثانیاً آموخت که چگونه با این فتنه ها مواجه شود و چگونه در آغاز، با در پیش گرفتن سیاست های نرم افزاری، سعی در جذب و بازگشت خواص و عوام شیعه به سوی حق داشته باشد و آن گاه که همه سیاست های جاذبه ای اجرا شد، در نهایت با اجرای سیاست دافعه ای، به مرزبندی بین پس مانده های جریان فتنه با جامعه حق بپردازد.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

زمینه های پیدایش واقفیه

اجتماعی

خواصی که به تدریج دچار وسوسه های دنیوی و مال پرستی شدند، مهم ترین عامل پیدایش جریان واقفی گری بودند.

ص: ۱۴۸

سیاسی

سیاست هارون در فاصله اندازی طولانی بین امام و رهبری شیعه، از عوامل واسطه ای پیدایش واقفیه بود.

مدیریتی / اخلاقی

رهبران واقفیه، وکلا و مدیران واسطه ای کلان بین شیعه و امامان بودند و این نشان گر به بلوغ نرسیدن و آمادگی نداشتن بخشی از خواص برای مسئولیت های بزرگ بود.

شیوه های تبلیغ و گسترش واقفیه

مدیریت تبلیغی

واقفی ها با ابزار ترکیبی تطمیع مالی و شبهه پراکنی علمی، سعی در تبلیغ فرقه خود به ویژه بین خواص جامعه شیعه داشتند.

واقفی ها در جنگ نرم خود سعی کردند با تطبیق روایات غیبت امام موعود با زندانی شدن امام کاظم علیه السلام ، منکر شهادت ایشان شوند و اخبار مهدویت را با ایشان تطبیق دهند و بدین گونه برای ادعای خود مبنایی دینی و شرعی جعل کنند.

بازتاب های واقفی گری بر جامعه شیعه

اجتماعی

پی آمد سقوط و انحراف خواص جامعه شیعه، به ویژه در مناطق دور از امام، همراهی گسترده و اولیه دیگر خواص و انبوه عوام با واقفیه بود که اگر سریع با آن برخورد نمی شد؛ می توانست واقفیه را به جریانی بزرگ و غالب در شیعه تبدیل کند.

جایگاه علمی و اجتماعی برخی از سران واقفیه، مثل علی ابن ابی حمزه بطائنی، که سال ها شاگرد و خدمت گزار امام کاظم علیه السلام بود، باعث حیرت و تردید بسیاری از شیعیان و همراهی موقت آنها با واقفیه شد.

آسیب سقوط خواص دانش مند

فکری / اخلاقی

واقفیه، چون خود از رهبران برجسته علمی و اجتماعی شیعه بودند، پس از طراحی فرقه واقفیه، با توجه به آگاهی هایی که به مبانی علمی مذهب داشتند، در طراحی مبانی فکری دروغین برای خود و یا مواجهه با

ص: ۱۴۹

استدلال های تشیع در برابر خود سعی کردند عالمانه ترین نبرد مذهب علیه مذهب را راه اندازی کنند.

مدیریت و روان شناسی سران واقفیه

مدیریتی

جرئت و جسارت سران واقفیه در آغاز انحراف چنان بود که مستقیماً به دیدار امام رضا علیه السلام آمدند و مستقیماً امام را به چالش می کشیدند و سعی در حذف امام از صحنه با مذاکره و گفت وگو داشتند.

جریان واقفیه در بستر زمان

تاریخی

جریان واقفیه، پس از توفیق های اولیه در برابر موضع گیری همه جانبه اولیه، به سرعت بسیاری از پایگاه های اجتماعی خواص و عوام را از دست داد. در این زمان، برخی از سران آنها، اگر چه در ادامه مسیر احساس تنهایی می کردند، ولی بر راه باطل خود اصرار می ورزیدند.

تبلیغی/ کلامی

واقفیه پس از شکست در جنگ نرم افزاری خود با معیار تحریف در روایات، سعی می کرد در هر زمان شبهات جدیدی علیه امام طراحی کند. از مهم تریِن این تبلیغات، مسئله فرزند نداشتن امام و سپس مسئله شبهه انتساب فرزند و سپس تبلیغات گسترده علیه مسئله امامت در کودکی بود.

جریان شناسی

واقفیه پس از وارد شدن به مرحله روزمرگی و تکرار، به واسطه فقر اندیشه ای و علمی، دچار تحیر و سرگردانی و فرقه گرایی شدند؛ جمعی از آنها بر واقفی گری مطلق ماندند، بعضی پیرو امامزاده شاه چراغ شدند و گروهی فرقه غالی واقفیه (بشیریه) را تشکیل دادند و این تفرقه به زوال روزافزون آنها کمک کرد.

جریان فتنه واقفیه، پس از گذار از پیروزی های اولیه و تحمل ناکامی های پیاپی، وقتی به جریانی اقلیت در جامعه

ص: ۱۵۰

شیعه تبدیل شد، به واسطه مبارزه منفی شیعه با آنان و طرد شدن از سوی دیگر فرقه های اسلامی، به شدت دچار بحران های اجتماعی و فرهنگی شد و نشانه های زوال آنها آشکار شد.

بازتاب های واقفیه برای جامعه شیعه

معرفتی / مدیریتی

آشنایی و آگاهی جامعه شیعه از امکان سقوط خواص باسابقه و اینکه در مکتب تشیع، میزان و معیار، حق است نه افراد و همچنین میزان، حال فعلی افراد است نه سابقه آن ها.

معرفتی / جریان شناختی

تجربه واقفیه، منجر به کسب تجربه ای ارزش مند جامعه شیعه برای برخورد با بحران هایی شد که ناشی از سقوط خواص است.

فریب خوردن خواص علمی، خواصی که مدیران سیاسی و اجتماعی شیعه بودند، درسی تاریخی برای علما در مکتب تشیع بود که چگونه کم توجهی به نظام و درخت واره معرفتی شیعه، می تواند حتی باعث لغزش آنها بشود.

تجربه مقاومت یونس ابن عبدالرّحمان

روان شناختی

مقاومت و استقامت خواص اقلیت بر حق، در زمان انحراف خواص اکثریت، یکی از سخت ترین، مخاطره آمیز ترین و و دشوارترین مراحل دین داری برای خواص حق در شرایط فتنه و بحران است.

در آغاز هر فتنه ای که ممکن است رهبری اصلی در محذوری مانند تقیه باشد و هجوم جریان باطل بسیار سنگین است، حضور فعال خواص بصیر، به قصد روشن گری، بالاترین جهاد و یاوری رهبر حق است.

سیره امام رضا علیه السلام در برابر سران واقفیه

مدیریتی / اجتماعی

بهره وری گسترده امام از فرصت تاریخی اولین حج دوران امامت خود، برای موضع گیری و بیان حق و ابطال ادعاهای سران باطل.

سعه صدر بسیار بالای امام در پذیرش همه طیف های

ص: ۱۵۱

دچار بحران و لغزش، شامل: سران واقفیه، خواص فریب خورده، عوام شیعه و خواصی که دارای پرسش و سؤال بودند.

امام، خواص باقی مانده بر حق را در شهرهایی که سران واقفیه فعال بودند؛ به تکاپو و فعالیت واداشت.

امام، شبکه روابط اجتماعی شیعه با خویشان و دوستان را، برای آگاه سازی های سریع و فوری در بدنه اجتماعی شیعه فعال کرد.

امام، در آخرین مرحله و پس از مشخص شدن سران و پایگاه اجتماعی نهایی واقفیه معاند و لجوج، دستور سیاست مبارزه منفی و فاصله گیری اجتماعی از واقفیه را به شیعیان داد.

تأثیر بحران واقفیه بر سازمان وکالت

جریان شناسی

جریان انحرافی واقفیه، بزرگ ترین لغزش در میانه تاریخ سازمان وکالت در دوران حضور عملی و فراگیر امامان شیعه در متن جامعه بود. مدیریت مستقیم امام در این بحران فراگیر، تجربه ای تاریخی برای جامعه شیعه در مواجهه با لغزش های قطعی اما کوچک تر، در آینده سازمان های وکالت و نیابت عامه در تاریخ تشیع شد.

مدیریتی

جریان انحراف واقفیه نشان داد که در ساختار مدیریتی شیعه، محور و مبنا، رابطه امام و جامعه است و در این میان، مدیریت و مسئولیتی خواص، نه به عنوان امتیاز، بلکه به عنوان مسئولیت سنگین و حساس است که اگر وجود داشته باشد، عصای دست امام خواهد بود و اگر هم حذف یا منحرف شد، به کلیت کلان جریان تاریخی حق ضربه نخواهد زد؛ زیرا مدیر اصلی جامعه حق، امام معصوم است، نه خواصی که مدیریت واسطه ای دارند.

ص: ۱۵۲

ص: ۱۵۳

فصل سوم: تشیع در دوران امامت امام رضا علیه السلام

اشاره

فصل سوم: تشیع در دوران امامت امام رضا علیه السلام

زیر فصل ها

ص: ۱۵۴

ص: ۱۵۵

پیش درآمد

پیش درآمد

در این فصل که بخش اصلی این کتاب است، از منظر شیعه شناسی اجتماعی تاریخی، که معاصر با دوران امامت امام رضا علیه السلام است، تلاش می شود تا دوران امامت آن حضرت و بازتاب های گوناگون آن در جامعه حق بازشناسی شود.

۳/۱: اطلس و جغرافیای تشیع در زمان امام رضا علیه السلام

اشاره

۳/۱: اطلس و جغرافیای تشیع در زمان امام رضا علیه السلام

جغرافیای جهان اسلام، در دو دهه پایانی قرن دوم، تقریباً همانند جغرافیای اسلامی دوران معاصر ما، در حد فاصل مرزهای چین تا اقیانوس اطلس بود، یعنی: جغرافیای اسلامی از جهت خط طولی، در خط شرقی - غربی خود، در نهایت امتداد بود؛ اگر چه این جغرافیا از نظر عرضی و در خط شمالی - جنوبی خود، چه در جنوب آفریقا و چه در شمال ترکیه و جنوب اروپا، مجال توسعه بیشتر داشت؛ ولی در این سال ها اتفاق مهمی در این جغرافیا رخ نداده است.

در این سال ها، هارون الرّشید، هر تابستان، طرح فتوحات تابستانی اش را به اجرا می گذاشت، ولی این فتوحات، دست آوردش بیشتر در حد تصرفات محدود و یا دفع حملات روم شرقی بود. در دریای مدیترانه و شمال اسپانیا هم، مسلمانان فتوحاتی محدود، همراه با درگیری های فراوانی داشتند؛ ولی این تحولات مرزی، چه در منتهی الیه ماوراءالنّهر و چه در مرکز ترکیه و چه در اندلس و جزایر دریای مدیترانه، ارتباطی و نسبتی با جغرافیای حق و باطل و مدیریت سیاسی و اجتماعی امام رضا علیه السلام نداشت.

جغرافیای تشیع را در این زمان، باید در مناطق مرکزی تا شمال شرق اسلامی جست وجو کرد. مراکز مهم شیعه در این سال ها، که آنها را می توان از منظر جغرافیای سازمانِ وکالت و یا جغرافیای شیعیانِ ملاقات کننده با امام و یا از منظر شاگردان مدرسه رضوی رصد کرد، شامل مناطق زیر است:

ص: ۱۵۶

مصر

مصر

مصر، غربی ترین منطقه ای بود که اقلیت شیعه قابل توجهی داشت. جایگاه این اقلیت و قدرت اقتصادی اش، به حدی بود که در آغاز امامت امام رضا علیه السلام ، یکی از رهبران بزرگ واقفی ها (عثمان ابن عیسی رواسی) ساکن مصر بود. البته تشیع در مصر، به سبب دوری از مراکز مهم تشیع، قدرت گرفتن مکاتب گوناگون عامه و نیز متأثّر از جریان واقفیه، چندان قوی و رو به رشد و گسترش نبود.

عراق

عراق

کوفه: در عراق، کوفه هنوز مهم ترین کانون اجتماعی شیعه بود. به موازات اوج توسعه و شکوفایی بغداد و انتقال جمعیتی فراوان از کوفه به آن شهر، ترکیب جمعیتی کوفه به سوی غلبه بیشتر تشیع می رفت و نمود و حضور تشیع در این شهر بیشتر به چشم می آمد؛ اگر چه این حالت به معنی بیشتر بودن اهل تشیع در این شهر نیست، بلکه اهل تسنّن (تسنّنی که گرایش های اهل بیتی داشت و به اصطلاح «شیعه عراقی» نامیده می شوند)، در این شهر غالب بودند؛ به گونه ای که در قیام ابوالسرایا، در سال ۲۰۰ هجری، شیعیان با او همکاری نکردند، ولی علما و عوام عامه و زیدیه، چنان با اشتیاق با وی بیعت کردند که رقم کوفیانِ یاری گرِ او را تا دویست هزار نفر هم گفته اند. از سوی دیگر، در این سال ها هنوز علمای بزرگی از مکاتب گوناگون فقهی در کوفه ساکن بودند.

بغداد: پس از کوفه، بغداد، مهم ترین مرکز سکونت شیعیان بود؛ البته شیعیان بغداد، نسبت به جمعیت بسیار فراوان آن شهر، در اقلیت شدیدی بودند؛ ولی جمع بسیاری از بزرگان و مدرسه علمی آنها در بغداد مستقر بود.

شهرهای دیگر: در مناطق دیگر عراق، بصره و شهرهای دیگر هم، تشیع حضور پررنگی داشت و حتی در شهری مانند واسط، که به مرکز نواصب عراق مشهور است، ناصبی گری داشت کم رنگ می شد و به تدریج، این شهر نیز شاهد حضور شیعیان می شد، به گونه ای که حسن ابن شاذانِ واسطی، از یاران علمی امام رضا علیه السلام که ساکن واسط بود، زمانی به واسطه فراوانی ناصبیان، قصد ترک آنجا را داشت، ولی امام رضا علیه السلام با این تصمیم او به شدت مخالفت کرد و او را به صبر و استواری توصیه کرد.

ص: ۱۵۷

از دیگر مناطق مهم شیعه نشینِ عراق، می توان مدائن را نام برد.

آمار راویان معصومین در کتاب رجال طوسی

برای دیدن عکس به فایل پی دی اف مراجعه کنید

ایران

ایران

قم: در ایران، در این سال ها، قم تبدیل به تنها شهر شیعی جهان اسلام شده بود؛ اگر چه جمعیت این شهر فراوان نبود و عمده شیعیانش، اهل قبیله اشعری ساکن آن شهر بودند. از نظری دیگر، قم را می توان شرقی ترین منطقه مهم شیعه نشین در ایران برشمرد، چرا که در ایرانِ غربی، مناطقی هم چون خوزستان با مرکزیت اهواز و نیز مناطق همدان و ری، دارای یاران علمی و جمعیت های قابل توجه شیعی بودند؛ البته در این سال ها، هنوز حتی یاران ایرانی اهل بیت علیهم السلام ، غالباً ریشه در قبایل عرب ساکنِ ایران داشتند.

خراسان: اگر چه در میان یاران امام رضا علیه السلام ، ده نفر با پسوند «خراسانی» و یا «نیشابوری» بودند، ولی اینان عمدتاً مربوط به دوران پس از حضور امام رضا علیه السلام در خراسان بودند؛ یا افرادی انگشت شمار بودند در جامعه ای که اهل تسنّن در آن غلبه داشتند. این اندک شیعیان، پایه گذار اولین خانواده ها و جوامع شیعی در ایران، به ویژه در شرق و شمال شرق آن بودند. شهر جرجان از همین نمونه مناطق است، که اگر چه

ص: ۱۵۸

در آغاز، چندان نامی از تشیع در آن نبود، ولی در زمان امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام ، تبدیل به یکی از پایگاه های تشیع در شمال ایران گردید.

غرب و جنوب غرب ایران: بر اساس گزارش های موجود، کانون تشیع در ایرانِ آن زمان، در غرب و جنوب غرب بود و اگر گزارش هایی نیز از حضور شیعیان در فارس و جنوب ایران، یا خراسان و آذربایجان و طبرستان، به صورت پراکنده وجود داشته باشد، این گزارش ها موردی هستند و حضور شیعه در این مناطق، تا آن زمان، تبدیل به جریان و تشکل اجتماعی فراگیر نشده بود.

وضع سایر شهرهای ایران: برخی از شهرها و مناطق ایران در این سال ها، به مناطق سنّی نشین و یا سنّی ناصبی شناخته شده بودند. معمولاً ـ این ادعا، درباره شهرهای اصفهان، ری و توس مطرح می شد که البته گرایش فکری مردمان این مناطق، ریشه در تبلیغات گسترده والیان ناصبی و اموی این شهرها در گذشته داشت که باعث نهادینه شدن ناصبی گری در آنها شده بود. پس از برآمدن عباسیان، چون که این خاندان در تقابل با امامیه و زیدیه قرار داشتند، با این که قیام خود را با شعار «الرّضا من آل محمد» شروع کرده بودند، در این سال ها به احیا و ترویج مکتب تسنّن پرداختند، ولی برای تعدیل و تلطیف این تسنّن، تا دوران امامت امام رضا علیه السلام برنامه خاصی نداشتند و یا آن را اجرا نکردند.

آمار موالی در میان یاران معصومین در کتاب رجال طوسی

برای دیدن نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

ص: ۱۵۹

در همین جا شایسته است نگاهی به آمار یاران و شاگردان امام رضا علیه السلام بیندازیم که بر اساس پسوند اسامی افراد، می توان با سیمای کلی جغرافیای تشیع در آن زمان و آمار و جغرافیای تشیع در ایران آشنا شد.

در رجال شیخ طوسی و برقی، یاران و شاگردان امام رضا علیه السلام را تا ۳۲۲ نفر شمرده اند(۱) و آمار یاران ایرانی امام در میان آنها، چنین است:

منطقه قم و ری: ۲۷ نفر اشعری و اندکی از مهاجران به قم + ۱ نفر اهل ری.

منطقه خراسان: ۱۰ نفر خراسانی و نیشابوری + ۱ نفر هروی + ۱ نفر بوشنجی + ۱ نفر مروزی + ۱ نفر سجستانی + ۱ نفر طالقانی.

منطقه غرب ایران: ۲ نفر نهاوندی + ۲ نفر همدانی + ۱ نفر دینوری + ۱ نفر تفلیسی.

منطقه شمال: ۲ نفر طبری + ۱ نفری دیلمی + ۱ نفر جرجانی.

منطقه جنوب غربی: ۴ نفر اهوازی + ۱ نفر فارسی + ۱ نفر ارّجانی (بهبهانی).

از نظر آماری و در نگاهی تطبیقی به یارانِ ائمّه علیهم السلام ، از دوران امام سجّاد علیه السلام تا زمان امام رضا علیه السلام ، یاران ایرانی امام رضا علیه السلام با محوریت شیعیان قمی، بالاترین درصد رشد را نشان می دهند.

جدول درصد افراد ایرانی در میان یاران امامان(۲)

امامان علیهم السّلام

کلّ اصحاب

تعداد یاران ایرانی

درصد یاران ایرانی در میان اصحاب

امام سجّاد علیه السلام

۱۶۱

۲۰

۱۱/۵

امام باقر علیه السلام

۴۶۶

۲۵

۵/۳

امام صادق علیه السلام

۳۲۲۳

۴۴۰

۱۳/۶

امام کاظم علیه السلام

۲۷۳

۲۰

۷/۳

امام رضا علیه السلام

۳۱۷

۴۶

۱۴/۳

۱- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۷، صص ۳۹۵ ۴۱۱ و ص ۴۲۹.

۲- رسول جعفریان، تاریخ تشیع درایران، ج ۱، ص ۱۳۰.

ص: ۱۶۰

در پایان یادآور می گردد که:

میزان اجمالی قدرت اجتماعی شیعه را در این سال ها، در عراق و غرب ایران، در چند اقدام و واکنش دشمنان تشیع می توان دید که عبارتند از:

تلاش های هارون الرّشید برای مبارزه با سران شیعه در بغداد و تلاش برای شناسایی رهبران آنها در بغداد.

هارون و به نمایش گذاشتن پیکر مطهر امام کاظم علیه السلام پس از شهادت ایشان با هدف تهمت زدایی از خود.

تلاش زیدیه در طول قیام خود برای همراه کردن شیعه عراق با خود.

مأمون و طراحی نقشه مسیر امام از جغرافیایی که کمتر شیعی باشد.

تلاش والیان زیدی مسلک مأمون برای همراه کردن شیعیان عراق با محوریت شیعیان کوفه با ائتلاف تاریخی زیدیه و عباسیان در جریان ولایت عهدی، ولی ناکام شدن آنها در اجرای این توطئه خود.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

وضعیت فتوحات تاریخی – حکومتی در این زمان

جریان شناسی

فتوحات اسلامی که از طراحی نظام های گوناگون خلافت به دست آمده بودند، بیشتر برای مشغولیت مسلمانان بود. این فتوحات در دوران خلافت عباسی با توجه به گستردگی جغرافیای اسلامی و آغاز بحران های سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی داخلی، تدریجاً رو به کاستی گذاشت. این کاستی در پیروزی های مسلمانان، به سبب متوقف شدن آنان در برابر موانع و ناهمواری های طبیعی مانند صحرای بزرگ آفریقا و صحراهای جنوب غرب ایران در حد فاصل شبه قاره و فلات ها و کوه های بلند البرز و قفقاز و پامیر و هیمالیا و

ص: ۱۶۱

صحرای تبت و گبی و همچنین ضعف در عرصه نبردهای دریایی بود. از دیگر علل کاستی پیروزی های مسلمانان، متوقف ماندن آنان در پشت دروازه تمدّن های جدید بود؛ تمدن هایی که برخلاف ایران، به راحتی آمادگی پذیرش اسلام را نداشتند، همانند امپراطوری های روم شرقی و غربی و امپراطوری های نژاد زردِ ترکستان شرقی تا چین و یا پادشاهان حاکم بر شبه قاره و یا امپراطوری مسیحی حبشه در شاخ آفریقا.

وضعیت اجتماعی خلافت عباسی

سیاسی/ اجتماعی

ناتوانی خلافت عباسی برای طراحی فتوحات جدید، در کنار از دست دادن مهره های کارآمد داخلی (همانند مدیران و وزرای ایرانی و یا شیعی) در کنار قدرت گرفتن قیام های زیدیه، باعث رشد و به چشم آمدن بحران های اجتماعی داخلی در جهان اسلام و تضعیف سرمایه اجتماعی عباسیان در بین جوامع عربی و فارسی شد.

جغرافیای اجتماعی

جغرافیای جمعیتی و سیاسی و فرقه ای جهان اسلام در این سال ها در محدوده حجاز، مصر (در شمال آفریقا)، مناطقی از شامات و اکثر مناطق عراق و ایران تا خراسان و ماوراءالنّهر بود و پایگاه مردمی عباسیان هم بر محوریت جمعیت عرب و عجم از عراق تا خراسان بود.

اطلس شیعه در آن عصر

مصر

تشیع ناب در مصر، همواره با توجه به شرایط اقلیمی آن دیار و غلبه اسلام اموی و یا فرقه های اسلام عامه در اقلیت بوده است؛ اگر چه گرایش های عمومی محبت به اهل بیت علیهم السلام در این سرزمین همیشه وجود داشته است. این سرزمین در آن زمان، پایگاه کوچکی برای تشیع بود.

ص: ۱۶۲

عراق

عراق در این سال ها، مهم ترین پایگاه اجتماعی برای شیعه بود؛ به ویژه پس از آن که عباسیان، بغداد را پایتخت سیاسی خود قرار دادند و در آن شهر برخلاف شهرهای مکه و مدینه و دمشق و بصره، به نوعی فضای تسامح و تساهل مذهبی حاکم بود. فضایی که فرصتی تاریخی برای اسکان گروه بسیاری از شیعیان را در این شهر می داد.

عنایت امام به تقویت مکتب شیعه در جغرافیای ناصبی گری در عراق

واسط / بصره

امام، سازمان وکالت و یا اسکان دهی شاگردان بومی خود در بصره (حماد ابن عیسی) و واسط (حسن ابن شاذان) را تقویت کرده و عنایتی ویژه به تقویت و گسترش جغرافیای شیعه در مناطق جنوبی عراق داشت.

امام و مدیریت تشیع در ایران

مثلث شیعی ایران

مدیریت امام در جغرافیای ایران، تا پیش از هجرت به خراسان، بر محوریت مثلث اهواز، قم و همدان بود. در این مثلث، تقویت برنامه تربیتی برای توسعه و تعمیق مدارس و شاگردان علمی بومی و یا توصیه به مهاجرت شخصیت های برجسته شیعی به آن مناطق مورد توجه و تأکید امام بود.

افزایش کیفی و تا حدودی کمّی شاگردان و یاران ایرانی در مقایسه با دوره های گذشته، نشان دهنده تقویت تدریجی جغرافیای شیعی ایران در مدیریت اجتماعی امامان معصوم است.

قم

افزایش آمار شاگردان علمی امام از قم و انتخاب وکیلی مستقل از سوی امام در این شهر، بیان گر آمادگی تدریجی این شهر برای تبدیل شدن به مرکزیت شیعه در ایران و کسب لقب «حرم اهل بیت علیهم السلام » است.

ص: ۱۶۳

۳/۲: بازشناسی وضعیت فکری، تاریخی و اجتماعی مدرسه علمی شیعه

اشاره

۳/۲: بازشناسی وضعیت فکری، تاریخی و اجتماعی مدرسه علمی شیعه

محوریت تاریخ و جامعه شیعه در این سال ها، با شخصیت ها و شاگردان و مدارس علمی شیعه است، از این رو، برای جامعه شناسی شیعه این دوران، بایـد نقش و جایگـاه اجتمـاعی این گروه در جـامعه شـیعه را شـناخت؛ همچنین مطالعه جامعه شـیعه از منظر روابط متقابل این مدارس و شخصیت ها با جامعه معاصر خودشان، لازم است.

۳/۲/۱: مدارس علمی و ادوار علمی شیعه

۳/۲/۱: مدارس علمی و ادوار علمی شیعه

برای بازشناسی وضعیت علمی شیعه در زمان امامت امام رضا علیه السلام ، در آغاز باید بر اساس ادوار حدیثی و فقهی، نگاهی کلی به ادوار علمی شیعه و مدارس مهم آن بکنیم:

مدرسه

زمان

شرح وظایف

مدرسه کوفه با رویکرد پایه گذاری

۷۰ – ۱۵۰ ه . ق. از امام سجّاد علیه السلام تا امامین باقرین علیهما السلام

ایجاد مجامع حدیثی و نگارش کتاب های چهارصدگانه (اصول اربع مأه).

مدرسه اول بغداد

۱۵۰ – ۳۱۰ ه . ق. دوران امام کاظم علیه السلام تا پایان غیبت صغری

دوره جمع آوری حـدیث و جرح و تعـدیل و پالایش آنها، در کنار تلاش برای شـناسایی و طرد احادیث مجعولِ غالیان و یا مقابله با تطبیق های انحرافی امثال واقفی ها.

مدرسه حدیثی قم

۲۱۰ – ۳۷۰ ه . ق.

مدرسه قم در سال های ۱۵۰ تا ۲۱۰ ه . ق. شاهد مرحله اولیه ورود حدیث به آنجا است، خصوصاً با ورود ابراهیم ابن هاشم در اواخر این سال ها و اسکان یاران قمی امام رضا علیه السلام در قم و از ۲۱۰ تا ۳۷۰ ه . ق. دوران جمع آوری و پالایش حدیثی قم شروع شد.

مدرسه دوم بغداد

ص: ۱۶۴

از دوران شیخ کلینی در غیبت صغری تا ۴۵۰ ه . ق. که سال هجرت شیخ طوسی از بغداد به نجف است

دوره پالایش حدیثی با نگرش علم اصول و نگارش مجامع حدیثی جامع و فراگیر و تبویب احادیث بر اساس مبانی کلامی و ابواب فقهی.

با نگاه به این جدول، مشخص می شود که دوران امامت امام رضا علیه السلام دورانی مهم در شکل گیری دو مدرسه مهم بغداد و قم است و یاران امام رضا علیه السلام در ایجاد و یا تقویت و تکمیل این دو مدرسه، نقش ویژه ای داشته اند. این یاران، از منظر طبقه بندی علم رجال از منظر آیت الله بروجردی در طبقه ششم راویان حدیث هستند.(۱)

در نگاهی دیگر، از منظر طبقه بندی فقهی - حدیثی، عنوانی وجود دارد به نام «اصحاب اجماع» که به معنی بلندمرتبه ترین توثیق برای یاران هر یک از امامان است و لازمه آن، پذیرش احادیث این راویان به صورت مطلق است. از این منظر هم اصحاب و یاران امام رضا علیه السلام در مرتبه سوم اصحاب اجماع هستند. شرح این طبقات چنین است:(۲)

طبقه

امامان

اسامی محدثین

طبقه اول

یاران امام سجّاد علیه السلام

سعید ابن مسیب، قاسم ابن محمد ابن ابی بکر، ابوخالد کابلی.

طبقه دوم

اصحاب باقرین علیهما السلام

زراره، معروف ابن خربوذ، برید ابن معاویه، ابوبصیر، فضیل ابن یسار، محمد ابن مسلم.

اصحاب اختصاصی امام صادق علیه السلام

جمیل ابن درّاج، عبدالله ابن مسکان، عبدالله ابن بکیر، حماد ابن عثمان، حماد ابن عیسی، ابان ابن عثمان.

طبقه سوم

اصحاب امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام

یونس ابن عبدالرّحمان، صفوان ابن یحیی (این دو، افقه این گروه هستند)، محمد ابن ابی عمیر، عبدالله ابن مغیره، حسن ابن محبوب، احمد ابن ابی نصر بزنطی.

۱- یاران امام رضا۷ در طبقه ششم و یاران امام جواد۷ تا امام عسکری۷ در طبقه هفتم هستند. موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۷، ص ۶۰۵؛ الموسوعه الرّجالیه، ۴، ۳۱۹.

۲- در این زمینه، ر.ک: آیت الله سبحانی، کلّیات علم الرّجال.

ص: ۱۶۵

(برخی از علما، چند اسم دیگر را هم به این گروه ملحق کرده اند که عبارتند از: حسن ابن علی ابن فضال، فضاله ابن ایوب، عثمان ابن عیسی، فضل ابن شاذان نیشابوری).

با دقت در این دو جدول، مشخص می شود که دوران امامت امام رضا علیه السلام در حقیقت، دوران تغییر ساختار تربیت شاگردان است، به این نحو که تربیت یاران علمی شیعه که به طور مستقیم در محضر امامان صورت می گرفت، به مدارس علمی شیعه انتقال یافت؛ به گونه ای که در مرحله بعد و به ویژه دوران امامت امام هادی علیه السلام ، با اینکه دوران امامت، بسیار طولانی بود، ولی به علت تبعید آن حضرت به سامرا، فرایند تربیت مستقیم شاگرد، به شدت محدود شد؛ از همین رو، تربیت و مدیریت علمی واسطه ای، جای گزین تربیت و مدیریت علمی مستقیم شد.

بررسی شخصیت ها، تحولات، کتاب ها و مدارس دوره امامت امام رضا علیه السلام (از اواخر امامت امام کاظم علیه السلام تا اوایل امامت امام جواد علیه السلام که غلبه با شاگردان امام رضا علیه السلام بود)، گویای مدیریت ترکیبی امام، یعنی مدیریت مستقیم و مدیریت واسطه ای است، تا جامعه علمی شیعه به تدریج رو به استقلال و استغنا و اتخاذ رویکرد اجتهاد مبتنی بر نص برود.

شاهد این مدعا، نگاهی آماری به احادیث روایت شده از شش امامِ پس از امام صادق علیه السلام ، در کتب اربعه کنونی شیعه است که گزارش اجمالی آن چنین است:

مجموعه روایات باقرین علیهما السلام : بیش از ۱۰ هزار حدیث.

مجموعه روایات امام کاظم علیه السلام : در حدود ۱۲۰۰ حدیث.

مجموعه روایات امام رضا علیه السلام : در حدود ۵۰۰ حدیث.

مجموعه روایات سه امام بعد از امام رضا علیه السلام (ابناءالرّضا): نزدیک به ۱۰۰ حدیث.

از این رو، مشخص می شود اگر چه مجموع اسامی اصحاب اجماع در دوران امام رضا علیه السلام در فهرست اصلی و غیر اصلی تا ۱۰ نفر ذکر شده اند، ولی این به معنی شاگردی و حضور مستمر آنها در محضر امام رضا علیه السلام نیست، بلکه آنها در کنار بهره مندی های عمومی و تخصصی در مدرسه حدیثی کوفه و بغداد، در نزد شاگردان

ص: ۱۶۶

صادقین علیهما السلام ، مراحل فوق تخصصی و یا ابهامات و مشکلات علمی پیچیده خود را به امام عرضه می کردند.

همان گونه که در وصف یونس ابن عبـدالرّحمان، برترین شخصـیت این دوران گفته انـد، او در آغاز و در دوران جوانی، سال ها به کسب حدیث در کوفه و بغداد پرداخت، آن گاه برای پالایش احادیث جمع آوری شده، نزد امام رضا علیه السلام آمد.

اصولاًـ دوران امام رضا علیه السـلام تا دوران امام هادی علیه السـلام را می توان دوران پالایش حـدیث و کلام شـیعه زیر نظر امامان دانست و در حقیقت، برخلاف اهل سنّت، که در دوران جمع آوری و پالایش حـدیث، دارای هیـچ مرجع و مسـتند علمی مطمئن و مستحکمی نبودند و یا برخلاف جریانی مثل واقفیه، که به علت از دست دادن جریان امامت، از نعمت پالایش حدیثی محروم شدند، دو تا سه نسل از محـدثین و علمای شـیعه، در دورانی بیش از نیم قرن، فرصت پالایش حدیثی معصومانه برایشان فراهم شد و در این فرصت، شیوه های مواجهه مجتهدانه با حدیث را آموختند. این دوران پالایش و نظام سازی، ابعاد گوناگونی دارد.

برخی از شاخصه های علمی این دوره چنین است:

الف) امام رضا علیه السلام به احمد ابن ابی نصر بزنطی فرمود: «بر ماست که اصول را بر شما عرضه کنیم و بررسی فروع هر مسئله و بحث درباره آن به عهده شماست».(۱)

ب) امام در جواب علی ابن اسـباط که پرسـید: در مسائل مستحدثه (نوپدید)، اگر فقیهی از اصحاب شما را نیافتیم، چه کنیم؟ فرمود: «نزد فقیه عامه برو و از او بپرس و آن گاه برخلاف آن عمل کن».(۲)

ج) احمد ابن حسن میثمی می گوید: روزی جمعی از اصـحاب نزد امام بودند و از ایشان درباره دو حدیث متعارض پرسـیدند و امام در سخنی مفصل، معیارها و ملاک های ترجیح دو حدیث متعارض را فرمودند.(۳)

د) در مباحث کلامی هم، امام، احادیث موجود در مباحث کلامی را که ضد عقل

۱- موسوعه، ج ۳، ص ۳۱۷.

۲- موسوعه، ج ۳، ص ۳۲۰.

۳- موسوعه، ج ۳، ص ۳۱۴.

ص: ۱۶۷

هستند، ساخته و پرداخته غُلات می دانستند و گاه به اختلافات اصحاب درباره مباحث کلامی گوش می کردند و یا اقوال کلامی شاگردان امام صادق علیه السلام را می شنیدند و سره از ناسره را در اقوال کلامی معرفی می کردند و معیارها و مبانی آن را هم بیان می فرمودند.(۱)

ه) از مباحث بسیار مهم در این زمان، بحث مهدویت، احادیث مهدویت و مسائل کلامی مهدویت است و شاید بتوان گفت که در دوران امامت امام رضا علیه السلام ، بیشترین شک و شبهه ها درباره مباحث مهدویت در جامعه شیعه رخ داده است؛ چرا که در آغاز این دوران، تنها مدرک و مستند شرعی جریان واقفیه برای توجیه دینی وقف گرایی خود، موضوع و احادیث مهدویت بود. از سوی دیگر، مسئله ولایت عهدی و پذیرش آن از سوی امام هم، می توانست وسوسه گر برخی از شیعیان برای تطبیق اخبار مهدویت و قائمیت بر امام رضا علیه السلام باشد. عامل دیگری که به این شک و شبهه ها دامن می زد، هم زمانی دو اتفاق دیگر به این شرح است:

ابتدا، در اواخر خلافت امین، یکی از امویان، از تبار یزید ابن معاویه، در دمشق با شعار و لقب «سفیانی» مدعی خلافت شد و در حدود یک سال بعد نیز، هم زمان با قیام ابوالسرایا در عراق، محمد ابن جعفر الصادق در مدینه و مکه قیام کرد و مدعی خلافت شد و هنگامی که در یکی از نبردها، آثار زخمی بر صورت او ماند، گمان کرد این همان «خال» است که یکی از نشانه های مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ پس او هم مدعی مهدویت شد!

از این رو، یکی از تلاش های مهم امام در این دوران، بازخوانی احادیث مهدویت، از نظر مفهومی و مصداقی و تطبیقی است و در ضمن این بازخوانی، امام سعی می کرد مغالطات ادعایی واقفی ها(۲) و یا زیدی ها و همچنین شبهات یا تطبیق های ساده انگارانه برخی از آنها در مسئله ولایت عهدی را از بین ببرد. به عنوان نمونه، در برابر ایوب ابن نوح که به امام گفت: الان که بدون خونریزی ولی عهد شده اید و به نام شما سکّه زده شده است، امید است که شما مهدی باشید؛(۳) امام برای او تبیین کرد که این ولایت عهدی را به اکراه پذیرفته است و این امر، سرانجامی ندارد و مهدویت را نباید در

۱- موسوعه، ج ۳، ص ۳۹۵.

۲- موسوعه، ج ۳، ص ۲۶۶.

۳- موسوعه، ج ۳، ص ۲۶۷.

ص: ۱۶۸

حـد حکومت های ظاهری ظالمان تنزل داد. ایشان از نظر مهـدی شناسـی هم اعلام کردنـد که او دوازدهمین امام و از نسل فرزندش امام جواد علیه السلام خواهد بود.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

ساختار تاریخی شاگردپروری امامان

مدیریت تربیتی

امامان شـیعه در مقام شاگردپروری، دو دسـته شاگرد داشـتند: دسـته ای که هسـته خاص و اصـلی و تخصصـی در هر دوران و محور فکری و علمی شیعه در جغرافیا های اصـلی شـیعه بودنـد و دسـته دوم، شاگردان عمومی که بـدنه علمی جامعه شـیعه را تشـکیل می دادند.

جریان شناسی

از دوران امام سجّاد علیه السلام تا اوایل دوران امامت امام کاظم علیه السلام ، ساختار عمومی پرورش شاگرد، بر بهره مندی طولانی مدت از محضر امامان طراحی شده بود، ولی در مراحل بعد، و به ویژه در دوران امام رضا علیه السلام ، حتی ساختار پرورش شاگرد تخصصی هم به عهده شخصیت های اصلی شیعه در مدارس جغرافیایی شیعه واگذار شد.

مدیریت منابع انسانی

در دوران امام رضا علیه السـلام ، آمار اصـحاب اجماع با توجه به گسترش دانش شـیعی و جغرافیای شیعیان، بیشتر از نسبت میانگین آمار در دوره های پیشین است.

رسالت و وظیفه علمی اصحاب اجماع در این زمان

ادوار حدیثی

اگر رسـالت اصـحاب اجمـاع تـا نیمه هـای دوره امامت امام کاظم علیه السـلام ، دریافت احادیث و معارف از امامان معصوم بود، از دوران امام کاظم علیه السلام ، و به ویژه در دوران امام رضا علیه السلام (و ابناءالرّضا)، رسالت اصحاب

ص: ۱۶۹

اجماع، پالایش و نظام دهی و مهندسی احادیث فقهی و کلامی و طراحی نظارت مکتب شیعه در دو حوزه اصول و فروع بود.

نگاهی به احادیث رضوی

جهان شناسی علم حدیث

اگر چه آمار کمّی احادیث رضوی در دایره المعارف حدیثی شیعه، کمتر از امامان پیش است، ولی در حوزه های کلام و فقه و اخلاق و حدیث شناسی، اغلب احادیث، کارکرد ساختاردهی، جمع بندی و نتیجه گیری، معرفی نحوه جمع بین احادیث و یا رفع تعارض، آسیب شناسی و اصول و مبانی کلی دیگر را دارند.

بررسی تطبیقی پالایش حدیثی شیعه و اهل سنّت

حدیث شناسی

تاریخ حدیث اهل سنّت در این سال ها، شاهد مراحل آغازین پالایش و نگارش مجامع بزرگ حدیثی بود. این رویداد، با توجه به فاصله دویست ساله از صدر اسلام، با روش های اجتهادِ غیر معصومانه صورت می گرفت؛ ولی پالایش حدیثی شیعه در همان دوران، مستقیماً زیر نظر امامان شیعه، به ویژه امام رضا علیه السلام صورت گرفت و این پالایش، هم در متن احادیث و هم در روش نقد، مستند به معصوم است.

مسائل کلامی شیعه در دوران امامت امام رضا علیه السلام

کلامی / حدیثی

دوران امامت امام رضا علیه السلام از منظر بحران آفرینی های پیاپی داخلی (واقفیه) و جریان های رقیب (زیدیه) و عناصر خارجی (عباسیان)، دوره تولید شبهات و مناظرات گوناگون کلامی، علیه مبانی اعتقادی شیعه بود؛ از این رو، احادیث کلامی امام رضا علیه السلام نقش مهمی در تبیین، تأکید و دفع شبهات درباره اصول اعتقادی شیعه، به ویژه در حوزه امامت و تاریخ آن را داشت.

ص: ۱۷۰

مدارس علمی شیعه

جغرافیایی

در دوران امامت امام رضا علیه السلام ، ساختار کلی مدارس مهم شیعه در مناطقی چون بغداد و کوفه و قم شکل گرفته بود و هر مدرسه، دارای شخصیت های علمی متعدد در رشته های گوناگون معارف اسلامی بود.

۳/۲/۲: امام و مدیریت اجتماعی یاران

اشاره

۳/۲/۲: امام و مدیریت اجتماعی یاران

با تبیین ادوار شناسی وضعیت فکری و حدیثی و شخصیت های علمی شاگردان امامان شیعه، از زمان امام صادق علیه السلام تا دوران امامت امام رضا علیه السلام ، مشخص می شود که شیوه اصلی تعلیم و پرورش شاگردان در این دوران، بر اساس مدیریت واسطه ای است؛ مدیریتی که در مرحله بعدی امامت، یعنی دوران امامت امام جواد علیه السلام تا امام عسکری علیه السلام ، مبنای مدیریت علمی و اجتماعی امامان شیعه است.

در این دوران، امام، که شدیداً زیر نظر خلافت عباسی بود، به جای برگزاری مدرسه در مدینه، سعی می کرد علاقه مندان آموزش را به شخصیت های برجسته شیعه در مناطق گوناگون ارجاع دهد. این ارجاع، نشان گر پیشرفت نظام مدرسه ای شیعه در این دوران است. به نظر می رسد علل و عواملی که باعث اتخاذ سیاست و راه برد مدیریت واسطه ای از سوی امام شد، موارد زیر باشد:

ضرورت ها و اقتضائات زمانه

ضرورت ها و اقتضائات زمانه

گسترش جغرافیای تشیع و ضرورت توسعه نظام نیروسازی.

استفاده جوامع شیعه از شخصیت های علمی و اندیشه ای و ضرورت بهره وری از ظرفیت ها و استعدادهای علمی و دینی آن ها.

قدرت گرفتن خلافت عباسی و پیچیده شدن سیاست های مواجهه عباسیان در دوران خلافت هارون و مأمون و ضرورت دور کردن توجه ها از امام و فعالیت های گسترده ایشان. (همان گونه که مأمون با توجه به همین جایگاه امام، سعی کرد ایشان را از مدینه دور کند و یا خلفای بعدی، سیاست تبعید امامان به بغداد و سامرا را اجرا کردند).

ضرورت آماده سازی جامعه شیعه از منظر فلسفه تاریخی برای مرحله بعدی امامت،

ص: ۱۷۱

که مرحله محدودیت های اجتماعی امامان شیعه و تفویض مسئولیت به نیروهای علمی شیعه بود.

با توجه به این شرایط بود که امام، در کنار طراحی سازمان و سیستم وکالت، به مدیریت و نظام بخشی به شخصیت های علمی شیعه هم می پرداختند.

نمونه هایی از سیره مدیریتی امام رضا علیه السلام برای نیروهای علمی شیعه چنین است:

الف) طرح استقرار برخی از نیروهای شاخص در مناطق خاص و توصیه به آنها برای استمرار اقامتشان، حتی با وجود شرایط سخت سیاسی و اجتماعی؛ همانند توصیه امام به ضرورت ماندن زکریا ابن آدمِ قمی در قم و حسن ابن شاذان واسطی در شهر واسط.(۱) ضرورت ماندن زکریا در قم از این رو بود که: اگر چه شاگردان متعدد امامان در آن حضور داشتند، ولی فضای عمومی شهر، هنوز آمادگی تبدیل شدن به حرم اهل بیت علیهم السلام و مدرسه ای برای شیعه در ایران را پیدا نکرده بود و این اتفاق می بایست با حضور شخصیت بسیار برجسته ای مانند زکریا و نیروسازی های تدریجی، صورت می گرفت. ضرورت ماندن حسن ابن شاذان در شهر واسط هم، از آن رو بود که در جنوبِ عراق که تدریجاً به سوی تشیع می رفت، هنوز در شهر واسط، به سبب سابقه ناصبی گری شدیدی که داشت، آثار ناصبی گری باقی بود و می بایست با اقامت شیعیان فرهیخته و بومی و صبر و استقامت و نیروسازی اجتماعی آنها، هسته های اولیه شیعی در این شهر ایجاد می گردید.

از دیگر مصادیق اجرای این طرح، اعزام شخصیت های علمی ویژه به مناطقی بود که دارای فقر و خلأ و کم بودِ شخصیت های علمی بودند، ولی استعداد تحول مکتبی در آنها فراهم بود. نمونه این موارد، هجرت حسین ابن سعید اهوازی و برادرش از کوفه و اقامت بلندمدت آنان در اهواز بود؛ اقامتی که ثمره اش نیروسازی شاخص و متعدد برای جبهه حق بود. یکی از شاخص ترین این نیروهای تربیت شده، علی ابن مهزیار اهوازی است. نتیجه حضور این دو برادر در اهواز، تقویت و گسترش تشیع در برخی از خاندان ها و مناطق اهواز و نیز تربیت عده ای از بهترین نیروها بود که برای مقاصد امام رضا علیه السلام ، در اختیار و خدمت ایشان قرار گرفتند.

۱- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۳، ص ۲۷۵.

ص: ۱۷۲

ب) رفع ناهماهنگی ها و سوءظن ها و کدورت ها و به پایان رساندنِ سریع مباحثات علمی ای که تبدیل به جدل شده بودند. امام رضا علیه السلام برای اینکه نیروها و یارانش، به سبب مباحث علمی و غیر علمی، دچار اختلاف و تفرقه نشوند، با حساسیت ویژه ای مسائل آنها را زیر نظر داشت و به ویژه در دیدارهایش با علما و شاگردان، ضمن مطلع شدن از آخرین اخبار، اگر متوجه کدورت و یا اختلافی بین آنها می شد، مداخله می کرد و علاوه بر تألیف قلوب و تقویت هم گرایی، به بیان نظر حق نیز می پرداخت.

یکی از این موارد، سوءظن و بدبینی حسن ابن علی ابن یقطین نسبت به یونس ابن عبدالرّحمان است. امام ضمن برطرف کردن این بدبینی ها، به عامل این اختلاف که یک مباحثه علمی جنجالی بین یونس و عبدالله ابن جندب بود اشاره کرد و در این مورد، نظر علمی جندب را تأیید فرمود.(۱)

در موردی دیگر، یاران امام درباره قصر و یا تمام بودن نماز در حرمین (مکه و مدینه) دچار اختلاف شدند که امام با مداخله سریع و بیان حکم درست، ماجرا را خاتمه دادند.(۲)

در زمان قیام ابوالسرایا نیز، وقتی گروه های مختلفی از علما و شخصیت های شیعه در مدینه جمع می شدند، امام اگر چه جلساتی عمومی برای آنها برگزار می کرد، ولی بعضاً، به ویژه در آغاز ورود آنها به مدینه، برنامه ای ویژه برای دیدارهای جداگانه علمای هر شهر نیز تنظیم می کرد تا مسائل علمای هر شهر از نیک و بد را با عنایت ویژه، رسیدگی کند.(۳)

ج) طرح ارجاع دهی استعدادهای جوان به شخصیت های فرهیخته منطقه ای

در این زمان که در اکثر مناطقِ شیعه نشین، علما و محدثین بومی و یا مهاجر حضور داشتند، برنامه دیگر امام، ارجاع دادن استعداد های علاقه مند و یا حتی توده های اجتماعی به این شخصیت های منطقه ای بود تا ضمن این که از قدر و منزلت آنها استفاده می شود، برای آنها هم مرجعیتی علمی - اجتماعی ایجاد گردد و آنها تبدیل به رهبران منطقه ای جامعه شوند. از موارد این طرح، ارجاع دادن برخی از جوانان طالب

۱- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۷، ص ۳۵۵.

۲- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۷، ص ۳۵۵.

۳- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۳۲.

ص: ۱۷۳

علمِ قمی به زکریا ابن آدم و ارجاع دادن عراقی های بغدادی به یونس ابن عبدالرّحمان است.

د) مدیریت استعدادها و توان مندی ها

امـام با توجه به شـناسایی اسـتعداد یارانش و با توجه به نیاز های هر منطقه، سـعی می کرد آنان را فعال یا مهار کنـد؛ ماننـد وقتی که شنید هشام عباسـی به بحث در مباحث کلامی، به ویژه بحث توحید می پردازد، به دوستانش گفت: «به او بگویید از سخن گفتن در این مباحث دست بردارد».(۱)

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

زمان شناسی امام در مدیریت اجتماعی یاران

مدیریتی

امام برای مدیریت و فعال ساختن یاران علمی اش، نگاهی جامع به نیازهای جامعه شـیعه و نیز طرح ها و برنامه های دشـمن داشت تا ساختار مدرسه علمی شیعه، پویاتر و جلوتر از مزاحمت های جریان باطل باشد.

مدیریتی / سیاسی

زمان شناسـی امام و اسـتقلال دادن به مدارس علمی شـیعه، جامعه شـیعه را آماده مواجهه آسان با طرح های فاصـله افکن دشمن بین امام و جامعه می کرد، بدون اینکه این فاصله افکنی، منجر به تجربه جدیدی از انحراف مثل نهضت واقفیه شود.

مدیریت علمی

امـام بـا ارجـاع دادن هـای عـوام و خـواص به یـاران ویژه اش در هر منطقه، به تقویت مرجعیت علمی – اجتمـاعی رهـبران شـیعه می پرداخت.

۱- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۴، ص ۴۵۰.

ص: ۱۷۴

طرح مرجعیت محوری علما در جامعه شیعه

ساختار اجتماعی

امام با اسکان دادن یاران علمی اش در مناطقی که خلأ شخصیت های علمی داشتند، تلاش و تبلیغ گسترده ای برای مرجعیت و محوریت شخصیت های علمی شیعه کرد تا ساختار جامعه شیعه بر علم و عالم محوری بنا شود.

مبنای نظام سازی علمی - اجتماعی امام

شخصیت شناسی / مدیریت

امام به منظور مرجعیت بخشی به شخصیت های علمی، بر اسکان شخصیت های بومی و منطقه ای در سرزمین خودشان تأکید داشت (زکریا ابن آدم برای قم)؛ و یا بر انتخاب افرادی که دارای نزدیک ترین گرایش فکری - فرهنگی به منطقه بودند، تأکید می کرد (انتخاب حسن و حسین ابن سعید اهوازی که از ایرانیان بودند برای اهواز).

آسیب شناسی و مدیریت سریع روابط بین یاران

مدیریت اخلاقی

امام نسبت به پیدایش اختلاف ها و کدورت ها و فاصله ها بین یارانش (خصوصاً خواص) حساس بود و با مداخله سریع، ضمن تبیین مسائل علمی، تلاش ویژه ای در رفع کدورت ها بین خواص جامعه شیعه می کرد.

۳/۲/۳: شخصیت های برجسته شیعه و جغرافیای اقامت و فعالیت آنها

اشاره

۳/۲/۳: شخصیت های برجسته شیعه و جغرافیای اقامت و فعالیت آنها

همان گونه که در بحث های گذشته اشاره شد، مناطق مهم شیعه نشین در این سال ها، شامل شهرهای کوفه، بصره، و بغداد در عراق و قم (اهواز و همدان) در ایران بود. مدینه نیز در موسم حج، به صورت موقّت (مانند دوران قیام ابوالسرایا) و گاه به صورت دایم، محل رفت وآمد و سکونت شیعیان بود. از این رو، برای بازشناسی بیشتر جغرافیای تشیع و بر مبنای شهرهای ذکرشده، جدول جغرافیای سکونت و فعالیت علمای مهم هر یک از این شهرها و برخی از بازتاب های علمی و اجتماعی آن را در زیر می آوریم.

ص: ۱۷۵

الف) علمای شیعه کوفه

الف) علمای شیعه کوفه

نام

وفات

ملاحظات

حماد ابن عثمان

۱۹۰ ه . ق.

از اصحاب اجماع بود.

عاصم ابن حمید حناط

حدود ۱۹۱

از موثق ترین اصحاب و استاد بسیاری از کوفیان و علما بود.

محمد ابن سماعه

حدود ۱۸۴

از بزرگان شیعه بود که دو فرزندش، جعفر و حسن نیز از علمای شیعه بودند.

معاذ ابن مسلم

۱۸۷

استاد علم نحو و اولین نویسنده کتاب صرف در مسجد کوفه برای شیعه و غیر شیعه فتوا می داد.

مفضل ابن صالح ابوجمیله اسدی

حدود ۱۸۴

از استادان برجسته یاران امام رضا علیه السلام بود.

عبدالرّحمان ابی نجران

از بزرگان شیعه بود.

عبدالله ابن سعید کنانی

از بزرگان شیعه بود.

محمد ابن خالد طیالسی

۲۵۹

سندی ابن محمد بجلی

۲۲۰

خواهرزاده صفوانِ جمال و از بزرگان شیعه بود.

حسن ابن وشاء کوفی

حدود ۲۲۰

از بزرگان شیعه بود.

حسن ابن فضال

۲۲۴

دارای کتاب های فراوان بود.

حسن ابن محبوب

۲۲۴

احادیث فراوان نقل کرده است.

محمد ابن خالد طیالسی

۲۵۴

یونس ابن یعقوب

در آستانه رحلتش به مدینه رفت و به سفارش امام در بقیع دفن شد.

احمد ابن ابی نصر بزنطی

ریشه ای ایرانی داشت. ساکن کوفه و از یاران برجسته امام بود.

و مواردی دیگر همانند محمد ابن سلمه کوفی، علی ابن نعمان کوفی.

ص: ۱۷۶

ب) علمای شیعه بغداد

ب) علمای شیعه بغداد

نام

وفات

ملاحظات

عبدالله ابن سنان

۱۹۳ ه . ق.

از بزرگان شیعه و خازن اموال خلفای عباسی از منصور تا هارون بود.

مزارم ابن حکیم مدائنی

حدود ۱۸۴

به هنگام دست گیری امام کاظم علیه السلام به تعقیب او پرداختند، ولی نجات یافت.

یونس ابن عبدالرّحمان

۲۰۸

از شاگردان و موالیان خاندان یقطین بود. در عراق و حجاز حدیث آموخت و دانش خود را با عرضه به امام پالایش کرد. در نهایت، ساکن بغداد و از علمای برجسته آنجا شد. او ۵۵ بار حج و ۴۵ مرتبه عمره به جا آورد و بدین گونه، پیوسته با امامان معصوم در تماس بود.

محمد ابن ابی عمیر

۲۱۷

از بزرگان شیعه بود که در زمان هارون مدت چهار سال زندانی شد (در زمان محبوس بودن امام کاظم علیه السلام) تا اسامی شیعیان را افشا کند.

جعفر ابن بشیر بجلی

از زهّاد و علمای شیعه بود. مأمون وقتی به بغداد بازگشت، مجالست با او را برای خود انتخاب کرد.

محمد ابن اسماعیل ابن بزیع

حدود ۲۲۰

حسین ابن سیف نخعی

پدرش از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام بود و او و برادرش از اصحاب امام رضا علیه السلام بودند.

و افراد برجسته دیگری همانند حسن و حسین ابن علی ابن یقطین، احمد ابن ابی نصر بزنطی، صفوان ابن یحیی، محمد ابن سنان و برادرش عبدالله ابن سنان، محمد ابن حسن عطار.

ص: ۱۷۷

ج) علمای شیعه در مناطق دیگر عراق

ج) علمای شیعه در مناطق دیگر عراق

نام

وفات

ملاحظات

علی ابن حدید مدائنی ساباطی

حدود ۲۲۰ ه . ق.

عمر ابن سعید زیات مدائنی

حدود ۲۲۰

حسین ابن بشّار مدائنی واسطی

حدود ۲۲۰

حسین ابن شاذان واسطی

ساکن واسط بود که چون جریان های سنّی نواصب و عثمانی آزارش می دادند، قصد ترک آنجا را داشت، ولی امام رضا علیه السلام به او دستور داد در آنجا بماند و صبوری کند.

د) علمای شیعه بصره

د) علمای شیعه بصره

نام

وفات

ملاحظات

حماد ابن عیسی بصری

۲۰۹ ه . ق.

با دعای امام صادق علیه السلام ، در جوانی توفیق پنجاه حج و عمره بابرکت را یافت. از اصحاب اجماع است که ساکن بصره بود.

علی ابن اسماعیل میثمی

از تبار میثم تمّار و متخصص در علم کلام بود که برای دفاع از تشیع در برابر معتزله به بصره رفت و مقیم آنجا شد.

ابراهیم ابن سلیمان ابن ابی داحه

۲۰۸

از بزرگان شیعه در بصره بود.

ه) علمای شیعه در مدینه و حجاز

ه) علمای شیعه در مدینه و حجاز

نام

وفات

ملاحظات

یزید ابن اسحاق ابن ابی السّخف غنوی

حدود ۱۸۵ ه . ق.

از علمای عامه بود که به دعای امام رضا علیه السلام شیعه شد.

ص: ۱۷۸

احمد ابن عامر طایی

نواده یکی از شهدای کربلا- بود که در سال ۱۹۴ به امام رضا علیه السلام پیوست و از آن پس مؤذّن امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام شد. خودش و فرزندش از محدثین هستند.

اسحاق ابن ابراهیم

به دست حسین ابن سعید اهوازی شیعه و به امام معرفی شد و پس از آن خادم امام گردید.

و) خادمان و باب های امام در مدینه

و) خادمان و باب های امام در مدینه(۱)

خادمان:

یاسر خادم، نادر خادم، موفّق خادم، مسافر (مولای امام)، خیران (مولای امام)، صبیح دیلمی (مولای امام)، محمد ابن علی همدانی و مزارم (خادم امام صادق علیه السلام) که در زمان امام رضا علیه السلام رحلت کرد.

باب ها و دربانان امام:

محمد ابن سنان، عمر ابن فرات (که بعدها از غالیان شد).

ز) بنی هاشم شیعی

ز) بنی هاشم شیعی

علویان به دو شاخه مهم حسنی و حسینی تقسیم می شدند. اکثر حسنی ها گرایش های زیدی داشتند، به گونه ای که رهبری معنوی قیام ابوالسرایا با آنها بود. همچنین دولت ادریسی ها (در مغرب) و دولت علویان (در طبرستان) در مراحل مقدّماتی، به دست آنها پی ریزی شد.

علویانی که از تبار امام سجّاد علیه السلام بودند، به ویژه آن هایی که از تبار زید بودند، گرایش زیدی داشتند؛ ولی با این حال در میان آنها، علویانی که پیرو امامان باشند نیز دیده می شد. این حالت در بین فرزندان امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام نیز دیده می شد: با این که محمد ابن جعفر الصّادق علیه السلام پس از شکست قیام ابوالسرایا، در مکه مدعی

۱- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۷، صص ۶۲۸، ۶۴۹، ۶۵۳، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۷۳، ۶۹۳.

ص: ۱۷۹

خلافت شد و یا از برادران امام رضا علیه السلام ، عباس و احمد و اسماعیل با ابوالسرایا همکاری می کردند؛ ولی با این حال؛ دیگر برادران این چند تن، یعنی علی ابن جعفر الصّادق علیه السلام و حسین ابن موسی الکاظم علیه السلام ، از خالص ترین و عالم ترین شیعیان زمان خود بودند.

فهرست علویان امامی مذهب چنین است:

علی ابن جعفر الصادق علیه السلام ؛

حسین ابن امام الکاظم علیه السلام ؛

ابوهاشم جعفری (از تبار جعفر ابن ابی طالب)؛

عبدالله ابن علی حسین ابن زید ابن علی (محمد ابن طباطبا، رهبر معنوی قیام ابوالسرایا، در آستانه رحلت و در اثنای قیام، او، یا یکی از دو فرزند او را، جانشین خود اعلام کرد؛ ولی او این جانشینی را نپذیرفت و به فرزندانش هم اجازه همکاری با زیدیه را ندارد)؛

محمد ابن علی (از نوادگان زید)؛

یحیی ابن محمد ابن جعفر؛

محمد ابن یحیی ابن عمر علوی؛

اسماعیل ابن امام الکاظم علیه السلام ؛

علی ابن عبید الله ابن حسین ابن امام سجّاد علیه السلام .

ح) علمای شیعه در ایران

ح) علمای شیعه در ایران

قم: مهم ترین مرکز و مدرسه در حال شکل گیری با محوریت خاندانی شیعه از قبیله اشعری.

نام

توضیحات

زکریا ابن آدم قمی

او از خواص اصحاب امام رضا علیه السلام بود که پس از دانش اندوزی، به سفارش امام، به قم بازگشت و ساکن آنجا شد. او پس

از مدتی تحت تأثیر بی مهری و آزار جوانان شـهر، از امام اجازه رفتن از قم را خواست؛ ولی امام او را به ماندن و صبر توصیه کرد و ایشان را برکت قم دانست.

محمد ابن عیسی اشعری

شیخ و رئیس اشعریان.

ص: ۱۸۰

عبدالعزیز ابن مهتدی اشعری

وکیل امام رضا علیه السلام در قم و به تعبیر فضل ابن شاذان، بهترین قمی زمان خود بود.

محمد ابن خالد برقی

از روستای برق رود قم بود.

ریان ابن صلت اشعری

در مدت اقامت امام رضا علیه السلام در خراسان، ملازم ایشان بود و با دستگاه حکومتی مأمون همکاری داشت. در اواخر دوران زندگانی اش از خراسان به بغداد آمد.

ریان ابن شبیب

از یاران برجسته امام در خراسان بود که با دستگاه خلافت نیز همکاری داشت. پس از شهادت امام به قم آمد و در آنجا ساکن شد.

علی ابن مسیب همدانی

ساکن قم بود و در سفری به امام رضا علیه السلام عرض کرد: ما در قم دور از شماییم. در مشکلات علمی به چه کسی مراجعه کنیم؟ امام فرمودند: به زکریا ابن آدم.

افراد دیگر

محمد ابن سهل اشعری، عبدالله ابن صلت قمی، اسماعیل ابن سعد اشعری، سعد ابن سعد اشعری، محمد ابن حسن اشعری.

علمای شیعه در اهواز

نام

توضیحات

فضاله ابن ایوب

از اصحاب اجماع که ساکن اهواز شده بود.

حسن و حسین ابن سعید اهوازی کوفی

آنها کوفی بودند، ولی ساکن اهواز شدند و گروهی از مردم آن شـهر را به تشیع هدایت کردند و به دیدار امام آوردند. از جمله این افراد، علی ابن مهزیار و اسحاق ابن ابراهیم حضینی و عبدالله ابن محمد حضینی بودند. حسین، گه گاه به آمل و طبرستان هم می رفت و در آنجا احمد ابن محمد دینوری از او حدیث فرامی گرفت. حسین در نهایت ساکن قم شد.

حمزه ابن جعفر ارّجانی (بهبهانی)

ص: ۱۸۱

دیگر موارد

نام

توضیحات

فضل ابن شاذان نیشابوری

در جوانی به همراه پدر، ساکن کوفه بود و از بسیاری از علمای شیعه کوفه حدیث آموخت. مدتی هم در مدینه از امام رضا علیه السلام بهره برد و در آخر عمر ساکن نیشابور شد.

ابراهیم محمد همدانی

در کنار علی ابن مسیب که از اهالی همدان بود، وکیل امام در آن شهر بود.

افراد دیگر: محمد ابن سلیمان دیلمی، محمد ابن علاء جرجانی، فتح ابن یزید جرجانی، نعیم ابن صالح طبری، فیاض ابن محمد توسی.

یارانی که در خراسان به دیدار امام آمده و یا در سفر خراسان همراه امام بودند:

نام

توضیحات

اباصلت هروی

پیش از ورود امام به خراسان، ساکن نیشابور بود و در آنجا به امام پیوست و تا لحظه شهادت همراه ایشان بود.

خیران و مسافر

دو نفر از خادمان امام در مدینه بودند که با ایشان به خراسان آمدند و پس از شهادت حضرت، به دستور ایشان به مدینه بازگشتند و به خدمت امام جواد علیه السلام درآمدند.

محوّل سجستانی

پس از حرکت امام به سوی خراسان، او هم خیلی زود در همان مسیر به راه افتاد و از میانه راه همراه امام شد.

ریان ابن صلت اشعری قمی

کمی پیش از شـهادت امـام، در طی مـأموریتی از طرف حکومت، به عراق رفت و پس از آن، ساکن بغـداد شـد. از علمای شـیعه در بغداد بود.

ریان ابن شبیب

پس از شهادت امام به قم آمد و ساکن آنجا شد.

سعد ابن سعد اشعری قمی

پس از رحلت حضـرت معصومه علیها السـلام در قم، با امام در خراسان دیدار کرد و امام او و قمی ها را به زیارت خواهرش توصـیه فرمود.

حسن ابن وشاء

از واقفیه بود که در سفری تجاری به مرو، به دیدار امام رفت و به راه حق بازگشت.

ص: ۱۸۲

ابراهیم ابن ابی محمود

حامل نامه امام به فرزندش امام جواد علیه السلام بود.

محمد ابن زید طبری

در ابتدا ساکن کوفه بود، ولی در زمانی که امام در خراسان بود، جزء خادمان خانه امام شد.

فیاض ابن محمد توسی

راوی برخی احادیث امام در خراسان بود.

ی) سازمان وکالت و شخصیت های علمی – اجتماعی آن

ی) سازمان وکالت و شخصیت های علمی - اجتماعی آن

یکی دیگر از راه های شناخت وضعیت علمی و فکری جهان تشیع زمان امام رضا علیه السلام ، شناخت وکلای امام رضا علیه السلام در مناطق مختلف و جغرافیای تشیع است. اگر چه شاید مهم ترین مأموریت سازمان وکالت، ایفای نقش ارتباطی و اجرای مدیریتِ واسطه ای بین امام و جامعه شیعه بود، ولی از آنجا که اکثر قریب به اتفاق وکلا، از بین شخصیت های برجسته علمی هر منطقه انتخاب می شدند، گه گاه، نوعی مرجعیت علمی هم برای آنها ایجاد می شد (البته به غیر از مناطقی که آکنده از علمای شیعه بودند).

شخصیت ها و جغرافیای فعالیت وکیلان امام رضا علیه السلام

نام وکیل

سال وفات

جغرافیا

ملاحظات

عبدالرّحمان ابن حجاج

۱۸۳ ه . ق.

بغداد

سال ها از زمان امام صادق علیه السلام و سراسر دوران امام کاظم علیه السلام و اولین سال امامت امام رضا علیه السلام مهم ترین وکیل امامان در بغداد بود.

عبدالله ابن جندب

۲۰۰

بصره / اهواز

نزد امام رضا علیه السلام از شخصیت های محبوب بود. امام در رحلتش بر او رحمت فرستاد. پس از رحلتش، علی ابن مهزیار اهوازی جانشین او شد.

علی ابن مهزیار اهوازی

کوفه و اهواز

از سال ۲۰۰ به بعد وکیل امامان در بصره و اهواز بود.

نصر ابن قاموس لخمی

۱۸۳

عراق

از زمان امام صادق علیه السلام از وکلا بود و بیست سال وکالتش مخفی بود. کمی پس از امامت امام رضا علیه السلام رحلت کرد.

ص: ۱۸۳

صفوان ابن یحیی بیاع سابری

۲۱۰

بغداد

وکیل امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام بود. با این که واقفیه با پیشنهاد پول فراوان، سعی در تطمیع او داشت، ولی او فریب نخورد. سلامت و تبلیغ او نقشی فراوان در تضعیف واقفیه در بغداد داشت.

هشام ابن ابراهیم عباسی

مدینه

در مدینه از یاران و وکلای امام و بلکه وکیل اصلی امام بود. وقتی همراه امام به خراسان آمد، جذب مأمون و فضل ابن سهل شد و منحرف گردید؛ پس امام او را طرد و نفرین کرد.

عبدالعزیز ابن مهتدی اشعری قمی

حدود ۲۲۰

قم

فضل ابن شاذان می گوید: او بهترینِ قمی ها در زمان خود بود.

خالد ابن نجیع

کوفه

در آغاز نهضت واقفیه با آنها به مقابله پرداخت و کمی بعد امام نزدیکی زمان فوتش را به او خبر داد و از او خواست دیگر از مردم چیزی نگیرد و هر چه نزد او است، به امام تحویل دهد. او خود به حجاز آمد و امانت ها را تحویل امام داد و در ادامه سفر، در مکه درگذشت.

داوود ابن رزین

از وکلای امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام بود.

ابراهیم ابن سلامه نیشابوری

ابراهیم ابن محمد همدانی

حدود ۲۵۳

همدان

از دوران امام رضا علیه السلام از وکلای امامان بود. امام، نامه ای به شیعیان همدان نوشت که در

ص: ۱۸۴

همدان جز ابراهیم وکیل دیگری ندارد.(۱) او در آغاز از علمای عامه بود و در این زمان شیعه شد و ضمن اینکه بر رشد تشیع در همدان سنّی مذهب تأثیر فراوان گذاشت، خودش هم رهبر شیعیان شهر شد و بعد ها برخی از فرزندانش هم وکیل امامان بعدی شدند.

یونس ابن یعقوب بجلی کوفی

کوفه

از اصحاب امام صادق علیه السلام بود. پس از شهادت ایشان، مدتی «فطحی» شد؛ ولی مدتی بعد به راه حق بازگشت. در زمان امام رضا علیه السلام به مدینه آمد و همان جا رحلت کرد و به سفارش امام رضا علیه السلام ایشان را در بقیع دفن کردند. امام توجهی ویژه به مراسم دفن و کفن او داشت.

ابوعلی حسن ابن راشد

کوفه

از وکلای امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام بود.

زکریا ابن آدم قمی

قم

در زمان امام رضا علیه السلام مدتی نزد امام به کسب علوم پرداخت، آن گاه به دستور امام به قم آمد و از برخی قراین می توان وکالت او را برای امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام کشف کرد.

محمد ابن سنان زاهری خزاعی

۲۲۰

کوفه

در برخی از منابع، او را باب و دربان امام رضا علیه السلام و از وکلای ایشان شمرده اند.

جدول وکالت در دوران امام رضا علیه السلام در مقایسه با دوران امام کاظم علیه السلام ، مشخص می کند که در این دوران، پس از دوران گذار از انحراف و ریزش وکلایی که خود را در قالب سران واقفیه نشان دادند، خیلی سریع ترکیبی از وکلای قدیمی و جوان تر مدیریت جامعه شیعه را به عهده گرفتند و با همکاری دیگر شخصیت های علمی شیعه، به مصاف تبلیغات و اقدامات واقفی ها رفتند. سرعت بازسازی سازمان وکالت، باعث

۱- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۶، ص ۱۶۰.

ص: ۱۸۵

تضعیف شدید اثرگذاری واقفیه بر متن جامعه شد، به گونه ای که جریان واقفیه به صورت عمده، در حد خواص و رهبران منحرف باقی ماند.

از نظر جغرافیایی و اجتماعی نیز، به موازات قدرت گرفتن مذاهب مالکی و شافعی، تشیع در مصر رو به ضعف می گذاشت و در برابر، شیعه در غرب و جنوب غرب ایران، شامل سه منطقه اهواز، همدان و قم، یا پایگاه های تازه ای یافت و یا این که قدرتش بیشتر شد؛ در حالی که در این سال ها، در دو منطقه ری و نیشابور هم، شیعه نسبت به گذشته قوی تر می شد؛ ولی این قدرت هنوز بدان حد نرسیده بود که امام در آنجا وکیل ثابت داشته باشد. شاید هم حضور کوتاه امام در خراسان، ایشان را بی نیاز از نصب وکیل در این مناطق کرده بود.

از نکات جالب توجه دیگر اینکه پیدایش جریان واقفیه، ریشه در جدایی و فاصله چهار ساله بین آنها و امام کاظم علیه السلام داشت. این فاصله، در کنار وسوسه های اقتصادی و شهرت اجتماعی، باعث انحراف سران واقفیه شد. در پایان دوران امامت امام رضا علیه السلام ، این وضعیت اجتماعی دوباره تکرار شد، یعنی امام به مدت سه سال از حجاز و عراق به منتهی الیه شرق ایران برده شد و نتیجه این کار، دور افتادن وکلا از امام بود. با توجه به پیش بینی های امام، شهادت ایشان هم نزدیک بود و فرزند ایشان هم در دوران کودکی بود؛ ولی با همه این مسائل، سازمان جدید وکالت، با وجود فعالیت موازی و شدید سازمان واقفیه، به چنان مرحله ای از بلوغ و آگاهی رسیده بود که همه این حالت ها و اتفاقات گوناگون، باعث پیدایش بحران یا انحراف جدیدی نگردید.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

وضعیت علمی شیعه در شهرهای عراق

جغرافیایی

کوفه : کوفه، در دوران امامت امام رضا علیه السلام ، شاهد آخرین نسل از شخصیت های برجسته شیعه بود.

بغداد : جامعه و مدرسه علمی شیعه بغداد، با مقاومت در برابر هجوم ها و فشارهای هارون عباسی، به تثبیت جایگاه خود پرداخت و مدرسه

ص: ۱۸۶

علمی شیعه پس از هارون، مدرسه ای رسمی و شناخته شده و پیش گام تر از دیگر مدارس شیعی بود.

بصره و جنوب عراق : در مقایسه با عقب نشینی تاریخی خوارج و نواصب و در بستر تحولات اجتماعی ناشی از قیام زیدیه، تشیع با مدیریت امام در جنوب عراق رو به رشد گذاشت و در این رشد، علمای شیعه پرچم دار ساختن جامعه ای نو بودند.

باب ها و دربانان امام

شخصیتی / اخلاقی / کلامی

دربانی امام که به معنی واسطه گری فرد بین امام و مراجعه کنندگانِ عمدتاً شیعی بود، طبیعتاً همراه با مشاهده جلوه های گوناگونی از سیره مدیریتی امام با رویکرد غیب و اعجاز است و همین امر، باعث شد اکثر باب های دوران امامت امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام ، به واسطه ضعف در تحمل این مسئولیت مهم، دچار نوعی آسیب شوند، به گونه ای که احمد ابن ابی نصر بطائنی (با تقلید ناقص از مقام امام) از سران واقفیه شد، عمر ابن فرات (با مشاهده معجزات فراوان امام) از سران غالیان شد و محمد ابن سنان (به واسطه کثرت نقل روایاتِ اعجاز و کرامات) متهم به غلو در عقیده و حدیث شد.

علویان شیعی

شخصیت شناسی

علویان در این سال ها دارای دو گرایش عمده فکری بودند. آنها یا زیدی بودند یا شیعی امامی. هر چه انس علویان با امام و یا اقامت آنها در مدینه بیشتر بود، به تشیع نزدیک تر بودند.

ص: ۱۸۷

شخصیت شناسی

شخصیت های برجسته علوی، به علت مأنوس بودن با امام و کسب علم از محضر ایشان، جزو سرآمدان شیعیان بودند.

شیعیان ایرانی

جغرافیا و جامعه کانونی

به سبب کثرت شخصیت های برجسته شیعی در قم و یا انس برخی از آنها با امام در خراسان، به سرعت بافت اجتماعی شیعه قم، از شیعی احساسی و قبیله ای، به تشیع اعتقادی و اندیشه ای تغییر ماهیت داد.

شخصیت های شیعی در ایران

کثرت اقامت شیعیان عرب و عجم در ایران، نشان گر آینده روشن جغرافیای تشیع در ایران زمین بود.

شیعیان دیدارکننده ایرانی

کثرت شیعیان ایرانی دیدارکننده با امام در خراسان، بیان گر بهره مندی ایرانیان شیعی از فرصت حضور تاریخی امام در خراسان است.

سازمان وکالت

وضعیت جغرافیایی

محوریت سازمان وکالت در نوار شمالی - جنوبی بغداد تا بصره در عراق و نوار شمالی - جنوبی، قم، همدان و اهواز است که گویای کثرت شیعیان در این مناطق است.

جغرافیای وکالت در ایران

فعال شدن وکالت در ایران در زمان امام رضا علیه السلام ، نشان گر نهادینه شدن تشیع در مناطقی از غرب ایران و سپس آمادگی کل ایران برای نفوذ فراگیر شیعه در آن است.

جغرافیایی / اقتصادی

گستردگی جغرافیای وکالت در ایران، بیان گر رشد وضعیت اقتصادی در مناطق شیعه نشین ایران بود،

ص: ۱۸۸

به گونه ای که امام، در کنار معرفی شخصیت های علمی دینی، به معرفی وکیلانی با مأموریت اقتصادی اجتماعی نیز می پرداخت.

شخصیت شناسی

انتخاب وکیلان بومی و منطقه ای در ایران، نشان گر بلوغ و رشد شخصیت خواص شیعه ایران، برای بر عهده گرفتن مسئولیت های جامعه شیعه، به دور از خطرِ آسیب ها و تهدیدِ ریزش هایی همانند جریان واقفیه و یا غالی گری است.

مدیریتی

سرعت بازسازی سازمان وکالت در مناطق بحران زده و آسیب دیده ناشی از تبلیغات واقفیه، نشان از غَنا و فراوانی شخصیت های رشدیافته جامعه شیعی است، به گونه ای که با ریزش برخی از خواص، جامعه و مدیریت آن، دچار فقر و خلأ شخصیت ها و مدیران مورد نیاز نمی گردد.

بازتعریف سازمان وکالت در برابر انحراف ها

جریان شناسی

آگاهی دهی امام درباره جایگاه وکالت و انتخاب وکیلان نسل بعدی، که از جهت علمی و معنوی، شخصیت بالاتری داشتند، باعث شد تکرار تجربه دوری سه ساله امام از مرکز جغرافیای شیعه، در ماجرای ولایت عهدی، بدون هر گونه بحران و یا ریزشی سپری شود و بیان گر بلوغ اجتماعی و مدیریتی خواص و عوام شیعه باشد.

۳/۲/۴: جامعه شیعه و مسئله تقیه

اشاره

۳/۲/۴: جامعه شیعه و مسئله تقیه

برای شناخت بهتر وضعیت سیاسی و اجتماعی شیعه در دوران امام رضا علیه السلام ، شناخت تقیه و جایگاه و نوع آن در جامعه شیعه ضروری است؛ چرا که این دوران، در امتداد دوران زندگی تقیه محور در تاریخ شیعه قرار دارد. از این رو، شناخت و مطالعه سیره سیاسی - اجتماعی امام و شیعه، بدون در نظر گرفتن مسئله تقیه، ناقص خواهد بود.

ص: ۱۸۹

مراتب سه گانه تقیه در تاریخ و فقه شیعه، «حفاظتی، نفوذی و جذبی» است. کارکرد این سه روش تقیه را در دو مرحله بررسی می کنیم. ابتدا کارکرد عمومی مدیریت تقیه محور در سطح تقیه حفاظتی معرفی می گردد و آن گاه، مرتبه بالاتر آن، که تقیه نفوذی است مطالعه و بررسی و معرفی خواهد شد.

۳/۲/۴/۱: امام و مدیریت تقیه محور جامعه و یاران در برابر هجوم ها و فشارهای دستگاه خلافت

۳/۲/۴/۱: امام و مدیریت تقیه محور جامعه و یاران در برابر هجوم ها و فشارهای دستگاه خلافت

جامعه شیعه، در دوران آغاز خلافت عباسیان (۱۳۲ ه . ق.) تا آغاز غیبت صغری (۲۶۰ ه . ق.)، از نظر هجوم ها و فشارهای سیاسی دشمنان، دو وضعیت داشت؛ بدین نحو که در آغاز و پایان این دوران، شدیدترین فشارها و هجوم ها علیه آن صورت می گرفت، ولی در میانه آن، وقتی که دستگاه خلافت با اتخاذ سیاست های روشن فکرگرایانه، سعی کرد نبرد و تقابل سخت با جریان امامت را به تقابل نرم تبدیل کند، این فشارها به ظاهر کمی فروکش کرد.

دوران امامت امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام ، که معاصر با خلافت هارون، مأمون و معتصم بود؛ یعنی دوره دوم خلافت عباسیان، تحت تأثیر سیاست های فرهنگی، علمی و فکری این سه خلیفه، فضای اجتماعی بازتری برای جامعه شیعه فراهم گشت و تحت تأثیر همین فضا بود که یاران امام و جامعه شیعه و سازمان وکالت، بیشتر از قبل، به رشد و ارتقا و نظام مندی درونی خود پرداختند. البته این سخن به معنی کنار گذاشتن تقیه نیست، بلکه بدان معنی است که به موازات علمی شدن روش های دشمن، روش تقیه هم روزآمد گردید و جامعه شیعه سعی می کرد موقعیت علمی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی خود را در جامعه اسلامی بیشتر تثبیت کند.

نگاهی کلی به سیره و مدیریت تقیه محور امام رضا علیه السلام

در نگاهی کلی به مدیریت تقیه محور امام در دوران امامتشان، مشخص می شود که امام در آغاز امامت، هم خودشان به تقیه اهتمامی ویژه داشتند و هم به یارانش، رعایت مراتبی از تقیه را توصیه می کرد؛ به ویژه که در دربار هارون، که رقابت بین خاندان ها و جناح ها شدید بود، رقابتی سه سویه وجود داشت؛ رقابت بین برمکیانِ ایرانی، جریانِ

ص: ۱۹۰

عربی - عباسی فضل ابن ربیع و جناح اشاعثه (خاندان محمد ابن اشعث، از کارگزاران مهم عباسیان) که گرایش های علوی داشتند. در این رقابت، چون زور برمکیان به جریان عربی - عباسی فضل ابن ربیع نمی رسید، تلاش آنها متوجه ضربه زدن به اشاعثه و تلاش برای کسب موقعیت ها و امتیاز های آنها بود. برمکیان در مسیر این مبارزه، برگ برنده مهمی از اشاعثه به دست آورند که کشف گرایش های شیعی آنها بود.

کشف گرایش های شیعی اشاعثه، با پرونده سازی های برمکیان داشت کم کم به خطری بزرگ برای امام، اشاعثه و شیعه تبدیل می شد؛ از همین رو، امام در سیاستی متقابل، ضمن اعلام رسمی امامت خود، به مدت چهار سال تبلیغات امامت را در حالتی عادّی نگه داشت و آن را گسترش نداد تا بهانه ای به دست برمکیان نیفتد و چون در آستانه چهار سالگی امامتشان، خطر برمکیان به شدت به ایشان و شیعه نزدیک شد، دعا و توسل ویژه امام در مراسم حج، باعث برافتادن ناگهانی آنها گردید. با این اتفاق، که هم زمان با آغاز تدریجی بحران های حکومتی عباسیان بود، فرصت های مناسبی برای امام و شیعه در مواجهه با واقفیه و جریان های انحرافی دیگر و همچنین گسترش بیشتر تشیع فراهم گردید.

امام رضا علیه السلام زمانی به مأمون فرموده بود: «من در مدینه بودم و نامه های شرق و غرب (از جهان اسلام) به من می رسید.» شاید بتوان ادعا کرد که این فضای نسبتاً بازی که برای شیعه درست شده بود، به این علت بود که مأمون از موقعیت امام احساس خطر کرده بود و او به این فکر افتاده بود که به جای حذف فیزیکی امام (با شهادت و یا زندانی کردن ایشان)، با همراه کردن جریان عظیم شیعه با جریان خلافت از امام و تشیع استفاده کند؛ ولی هوش مندی و درایت امام در تمامی دورانِ ولیّ عهدی، باعث جلوگیری از این اتفاق شد. با شکست مأمون در اجرای این نقشه بود که شکلی دیگر از هجوم ها و فشارهای او بر امام آغاز شد و در چند ماه پایانی امامت و زندگی امام رضا علیه السلام ، آن حضرت، شاهد محاصره شدید و حصر خانگی در مرو، سرخس و به ویژه در توس بود.

ابعاد تقیه ورزی در دوران امامت امام رضا علیه السلام را می توان به سه مرحله تقسیم کرد:

دوره آغازین امامت؛

دوره میانی؛

دوره پایانی در خراسان.

ص: ۱۹۱

اکنون به شرح و بررسی هر یک از این سه دوره تقیه می پردازیم.

۱. در دوره آغازین، اگر چه هارون تصمیمی جدی برای به شهادت رساندن امام نداشت؛ ولی مراقبت ها از امام و جامعه شیعه، هنوز گسترده و با تمام قدرت هم چون گذشته اجرا می شد و تا زمانی که هارون گرفتار مسائل سیاسی - اجتماعی دیگری نشده بود، ادامه داشتند. از این نظر، در این دوره، هجوم علیه امام و شیعیان هنوز ادامه داشت و متقابلاً تقیه امام و شیعیان نیز روند خود را طی می کرد، اگر چه مرتبه و درجه آن به اندازه دوران سابق نبود. نمونه هایی از هجوم ها و تقیه های امام و شیعیانش در این زمان چنین است:

در آغاز امامت امام در مدینه، فردی به نام بکّار، از خاندان زبیر (پدر زبیر ابن بکّار، عالم بزرگ عامّه) والی مدینه بود. او جاسوسی ویژه برای امام تعیین کرده بود و بلافاصله با آغاز امامت امام، خیلی زود شروع به ارسال گزارش احوال امام به بغداد کرد. این مسئله تا بدان حد جدی بود که امام برای رد گم کردن، در برابر او دست به اقدامات ویژه ای زد تا گزارش های ضد و نقیضی که به نزد هارون می فرستاد، بی اعتبار شود. در عین حال، امام در مواجهه با این وضعیت، که برآمده از سیاست گذاری کلان برمکیان بود، ناچار شد به مدت چهار سال در برابر هارون تقیه ای ویژه اعمال کند و در کنار اعلام امامت خود، سعی کرد این اعلام و دعوت؛ برای خلیفه حساسیت برانگیز نباشد.

حسن ابن علی وشاء، که واسطه نامه رسانی بین عباس ابن جعفر(۱) ابن محمد ابن اشعث و امام بود، می گوید: جعفر از من خواست تا به امام بگویم نامه هایی را که از او به امام می رسد، پس از خواندن بسوزاند تا مبادا به دست کسی بیفتد. حسن می گوید نزد امام رفتم که پیام را به ایشان برسانم که خود امام، پیش از هر حرفی فرمود: «به او بگو من همیشه این کار را درباره نامه های او انجام داده ام».(۲)

۱- جعفر بن اشعث از کارگزاران مهم هارون بود که پس از مدتی امارت بر آفریقا و خراسان، در نهایت معلم و سرپرست محمد امین شد. عباس هم از کارگزاران مأمون بود و مدتی هم والی خراسان شد. برمکیان، به این خاندان که به اشاعثه معروف بودند، حسادت می کردند و در صدد ضربه زدن به آنها با برچسب تشیع بودند.

۲- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۶، ص ۲۰۶.

ص: ۱۹۲

در همین زمان هم، که در امتداد دوران زندانی بودن و شهادت امام کاظم علیه السلام بود، دستگاه خلافت، هنوز برخی از شیعیان شناخته شده در بغداد را آزار و یا زندانی می کرد؛ کسانی همانند داوود ابن کثیر رقّی که از زندان به امام نامه نوشت تا برای آزادی اش دعا کند؛(۱) یا محمد ابن ابی عمیر که بخشی از دوران زندانی های چند ساله اش توسط هارون عباسی در همین زمان بود؛(۲) و یا یکی دیگر از شیعیان که در بغداد دستگیر و در شهر گردانده شد تا اقرار به افضلیت خلفای صدر اسلام بکند و او از روی توریه و تقیه، جملاتی (دوپهلو) گفت؛(۳) و یا محول (مخول) ابن ابراهیم کوفی سجستانی که به دستور هارون مدتی را در زندان گذراند.(۴)

۲. در دوره میانی، با مشغول شدن هارون به بحران های خلافت و آن گاه رخ دادن جنگ های امین و مأمون، جامعه شیعه از طرف عباسیان تا حدودی درامان بود و در عوض، این فشار از سوی دو - سه قیام زیدی که در حجاز و عراق ایجاد شد، متوجه امام و شیعه گردید. این فشار بر امام خیلی محدود بود، چرا که اصولاً عمر قیام زیدیه در حجاز کوتاه بود، ولی در عراق این فشارها چنان شدید شد که برخی از رهبران شیعه همانند یونس ابن عبدالرّحمان را ناچار به هجرت چند ماهه از عراق به حجاز کرد.(۵)

البته در این زمان، به زاویه ای دیگر از تقیه نیز باید توجه کرد و آن، مسئله تقیه شیعیان در متن جامعه اسلامی است. توضیح اینکه در این سال ها، با وجود گسترش تشیع، تنها شهر شیعه نشین جهان اسلام، قم بود و در کوفه، با توجه به گسترش روزافزون تشیع، هنوز شیعه در اقلیت (البته اقلیتی بزرگ، شناخته شده و قدرت مند) بود؛ از این رو، در برخی از خاندان ها یا محله های شهر، تقیه در برابر دیگر افراد خاندان یا همسایگان و اهالی محل و یا قبیله ضرورت می یافت. نمونه ای از این تقیه را، در دو ماجرا که مربوط به تولّد فرزند و نام گذاری آنهاست می توان دید.

احمد ابن عمر کوفی، از امام رضا علیه السلام خواسته بود برای سلامت زایمان همسر و تولد فرزندش دعا کند و او نیز نام فرزندش را اگر پسر بود، علی خواهد گذاشت؛ امّا

۱- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۶، ص ۲۰۶.

۲- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۶، ص ۲۰۱.

۳- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۴، ص ۱۹۹.

۴- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۷، ص ۶۴۹.

۵- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۴، ص ۱۹۳.

ص: ۱۹۳

امام به او تأکید کرد که نام فرزند حتماً باید «عمر» باشد. احمد چون از سفر بازگشت و دید که اهل خانه نام فرزندش را علی گذاشته اند، نام او را به عمر تغییر می دهد و چون چنین می کند، تمامی اهل محل به دیدارش می آیند و نسبت به ایمان و اسلام او که مثل آنها بوده، ابراز شادمانی می کنند و به او اطمینان خاطر می دهند که چون او از آنهاست، صدمه ای به وی نخواهند زد!(۱)

این ماجرا در حالی اتفاق افتاد که امام از ابن غیلان مدائنی، که ساکن مدائن هم بود، خواست که نام فرزندش را حتماً علی بگذارد، چرا که باعث طول عمر او خوهد شد.(۲)

۳. در دوره پایانی، که هم زمان با دوران ولایت عهدی امام رضا علیه السلام است، با برطرف شدن مسئله قیام زیدیه و اتخاذ سیاست مسالمت آمیز از سوی مأمون نسبت به امام، دورانی با آرامش نسبی برای جامعه شیعه در ایران و حجاز فراهم شد؛ اگر چه قیام عباسیان در بغداد و اوضاع آشفته آنجا، کام شیعه بغداد را تلخ کرد، ولی حتی همین اتفاق هم، بر روی هم، خطری را متوجه آنها نکرد.

در این دوران، البته هر چه زمان جلوتر می رفت، بیشترین فشارها متوجه شخص امام رضا علیه السلام می گردید؛ چرا که مأمون وقتی ناکامی سیاست های خود را در ماجرای ولایت عهدی می دید و از طرفی دیگر محبوبیت روزافزون امام را مشاهده می کرد، سعی می کرد امام را در اواخر عمر مبارکش، هر چه بیشتر در حصر و دور از مردم قرار دهد، به گونه ای که در دوران اواخر اقامت امام در مرو، دیدارهای ایشان به شدت محدود شده بود و مردم از خانه وی رانده می شدند.(۳)

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

وضعیت تقیه ورزی شیعه در دوره خلافت عباسی

ادوار تاریخی

عباسیان در مرحله تشکیل و تثبیت خلافت خود (دوره آغازین خلافت) و یا دوره های پایانی عصر حضور امامان (خطر ولادت امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف)،

۱- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۰۸.

۳- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۳۴.

ص: ۱۹۴

بیشترین هجوم و فشار را بر جامعه شیعه وارد می کردند. در این دوره، بیشترین تقیه حفاظتی امامان و شیعیان صورت می گرفت.

امام رضا علیه السلام و مراحل تقیه ورزی در دوران امامتش

ادوار تاریخی

در اوج شکوفایی خلافت عباسی (دوران هارون و مأمون)، چون خلافت تصور می کرد در اوج اقتدار است و خطری جدی و مستقیم از سوی امامان شیعه متوجه آن نیست، در مدت زمان قابل توجهی، از درجه تقیه حفاظتی شیعه کاسته شد و جامعه شیعه و یا خواص آن، فرصتی برای توسعه و گسترش افکار و سازمان خود یافتند.

بازشناسی تقیه نسبت به شخص امام به صورت ویژه

ادوار تاریخی

امامان شیعه، به ویژه در تمام دوره خلافت عباسی، در دو مرحله در اوج تقیه بودند: یکی در آغاز امامتشان، که حاکمیت به شدت تحولات امامت جدید را زیر نظر می گرفت و دیگر در پایان دوره زندگانیشان، که چون در اوج ناکام سازی طرح های خلیفه بودند، خلفا آنها را در آستانه شهادت، در حصر و مراقبت بسیار شدیدی قرار می دادند.

امام و تقیه ورزی در آغاز امامت

مدیریتی

امام رضا علیه السلام در آغاز امامت خود، در مثلث تهدیدآمیزِ عباسیان، برمکیان و والی زبیری مدینه بود؛ از این رو، تا چهار سال تقیه ای خاص را در پیش گرفت.

نسبت سنجی برافتادن برمکیان و مسئله تقیه

سیاسی / اجتماعی

مدیریت غیبی امام و برافتادن برمکیان، به معنی تضعیف تدریجی خلافت و آغاز بحران های گوناگون اجتماعی و سیاسی اش بود و مشغول شدن خلافت به این بحرآنها، در نهایت به فرصت سازی مدیریتی برای جامعه شیعه منجر شد.

ص: ۱۹۵

مدیریت سیاسی

امام با مدیریت غیبی تلاش می کرد فرصت تاریخی ده ساله ای را برای تشیع فراهم کند تا مراحل تکمیلی جامعه سازی شیعه با فراغ بال بیشتری صورت بگیرد.

قیام های فراگیر زیدیه و مسئله تقیه

سیاسی / اجتماعی

قیام های زیدیه برای شیعیان عراق، نه تنها دست آورد مثبتی نداشت بلکه باعث هجوم های خاص و گسترده تر آنها به شخصیت های شیعی شد؛ امری که تقیه شیعه را شدت بخشید و یا به هجرت آنها منجر شد.

مراتب تقیه ورزی حتی در نام گذاری فرزند

اجتماعی

در مناطقی که شیعیان در تماسی ویژه با جامعه عامه بودند، شدت فشارها و حساسیت ها چنان رو به فزونی گذاشته بود که شیعیان معمولی هم، حتی در نام گذاری فرزندان و یا فعالیت های متعارف اجتماعی در شهرها و روستاها و محله هایشان باید تقیه محور می بودند.

بازتاب های تقیه

اخلاقی / سیاسی

سال ها تجربه تقیه ورزی شیعیان، باعث پدیدار شدن اخلاق تقیه مبنی بر اوج محبت ورزی و هم زیستی محترمانه و وحدت گرایانه آنان در جامعه اسلامی شد.

بازتاب حضور اجتماعی تقیه محور شیعیان در جهان اسلام

اخلاقی / اجتماعی

سبک زندگی تقیه محور در بلندمدت، ضمن کاستن فشارها از شیعیان، زمینه را برای اجرای تقیه جذبی در جوامع مستعد به سوی فرهنگ اهل بیت علیهم السلام فراهم می ساخت.

۳/۲/۴/۲: خواص جامعه شیعه و تقیه نفوذی

۳/۲/۴/۲: خواص جامعه شیعه و تقیه نفوذی

آغاز دوران تقیه در تاریخ تشیع، درست از زمان رحلت پیامبر و هجوم گسترده متولیان خلافت به امیرالمؤمنین علیه السلام و یارانش است که با غصب خلافت نیز همراه بود. این تقیه

ص: ۱۹۶

آغازین، که به سبب هجوم گسترده جریان باطل صورت می گرفت، هدفش حفظ و سلامت رهبری و نیروهای اندک بود، از این رو، از آن با عنوان «تقیه حفاظتی» یاد می شود.

پس از هجوم های شدید اولیه به شیعه و گذار از آنها، جریان باطل، مشغول مسائل سیاسی - اجتماعی خود شد. جامعه اسلامی نیز که دچار تغییر و تحولات بسیار شده بود، نیازمند نیروهای متخصص و کارآمد گردید و از همین رو، با هدف فعال سازی جامعه و خواص شیعه، نفوذ افراد کارآمد و متعهّد شیعه در سازمان کارگزاری خلافت آغاز گردید. این نفوذ، نه با هدف ضربه زدن، خراب کاری و یا کودتا، بلکه با هدف نمایش افراد و سامانه صالح در سطوح کلان خلافت بود، تا در نهایت، با مدیریت آنها، ضمن این که فشارها بر جامعه و رهبر شیعه کاهش می یافت، زمینه ها برای رشد و توسعه تشیع نیز فراهم گردد.(۱)

با تحلیلی که اجمالاً ـ از مسئله تقیه آوردیم، می توان تاریخ امامت و تشیع را از رحلت پیامبر تا پایان دوران امامت امام رضا علیه السلام مطابق جدول زیر تقسیم بندی کرد:

دوره ها

نوع تقیه و نتایج آن

خلیفه اول

دوران تقیه حفاظتی با هدف حفظ اندک یاران موجود.

خلیفه دوم

دوران تقیه نفوذی با هدف شرکت دادن یاران تربیت شده و متخصص در تحولاتی که ناشی از فتوحات صدر اسلام بود.

خلیفه سوم

دوران تقیه جذبی (و بسترسازی در جامعه برای عدالت خواهی ای که به علی خواهی برسد. امری که در نهایت، جامعه را به سوی مطالبه خلافت امام علی علیه السلام کشاند).

امویان و مروانیان

بازگشت به دوران تقیه حفاظتی به سبب تلاش های گسترده خلفا برای نابودی تشیع.

خلافت عباسی از آغاز تا دوران امامت امام رضا علیه السلام

دوران تقیه نفوذی: در این زمان، با توجه به تحولات گسترده سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی و با توجه به تلاش گسترده عباسیان برای مصادره عنوان اهل بیت پیامبر، لازم بود

۱- این اتفاق، در مرحله «تقیه جذبی» صورت می گرفت؛ بدین معنا که افراد کارآمد و صالح، با ورود به جوامع مستعد و نمایش عمل صالح و حقیقتِ دین و اخلاق اهل بیتی، زمینه های تدریجی جذب آنها به مذهب اهل بیت را فراهم سازند. در این زمینه، ر.ک: علی صفایی، درس هایی از انقلاب، فصل کتاب تقیه.

ص: ۱۹۷

که افراد مستعد شیعه، بـا نفوذ پنهـانی در دسـتگاه خلافـت، به یاری امام و جامعه شـیعه بیاینـد و تحت تأثیر این تحولات به رشـد و شکوفایی تشیع کمک کنند.

با این نگاه است که در دوران امام صادق علیه السلام ، تقیه نفوذی شـروع شد. در دوران امامت امام کاظم علیه السلام ، مصادف با خلافت هـارون، بـا وزارت علی ابن یقطین، تقیه نفوذی به اوج خود رسـید و در دوران امـام رضا علیه السلام ، اسـتمرار و گسترش یافت و حتی در جریان ولایت عهدی و حضور امام در خراسان، شـیعیان جدیدی در سازمان کارگزاری خلافت عباسی نفوذ کردند. فهرستی از کارگزاران شیعی خلافت عباسی در دوران امامت امام رضا علیه السلام چنین است:

خانـدان اشاعثه با رهبری محمد ابن اشـعث و پسـرش جعفر. این دو، از کارگزاران مهم هارون و مأمون بودند و اموال بسـیاری که از آنهـا بـا عنوان وجوهـات به وکلای امام کاظم علیه السـلام در عراق می رسـید، باعث وسوسه آن وکیلان برای طراحی جریان وقف شد.

ریان ابن شبیب و ریان ابن صـلت دو شـیعه قمی بودند که با دسـتگاه مأمون در خراسان همکاری می کردند. ریان ابن صلت از یاران امام در خراسان بود که در همان زمان، در دسـتگاه مأمون و فضل ابن سـهل مشـغول به کار بود. او در اواخر دوران اقامت امام رضـا علیه السـلام در طی مأموریتی به عراق آمـد و از آن پس ساکن بغـداد و جزءِ بزرگان شـیعه آن شـهر شد. ریان ابن شبیب هم پس از شهادت امام به قم آمـد و ساکن آنجا شـد.(۱) بـدین گونه بود که اخبـار امام در خراسان از طریق این دو تن، به دو مـدرسه حـدیثی شیعه در بغداد و قم می رسید.

حسن و حسـین ابن علی ابن یقطین، اگر چه جایگاه و مقام پدر را در دسـتگاه عباسـی نداشـتند، ولی دارای روابطی نیکو با عباسـیان بودند و در عین حال از اصحاب امام رضا علیه السلام نیز بودند.

۱- دربـاره چگونگی حضور این دو در دربـار مـأمون خبری در دست نیست؛ اگر چه در منابع شـیعی، ریان بن شبیب، دایی معتصم، خلیفه بعـدی و برادر مـأمون شـمرده شـده، ولی این سـخن نـادرست می نمایـد؛ چرا که مـادر معتصم، ترک بود. ممکن است نوعی ارتباط فامیلی بین ریان و معتصم هم بوده که زمینه حضور آن دو را در دربار مأمون فراهم ساخته است.

ص: ۱۹۸

در همین جا بایـد متذکّر شد که تقیه نفوذی، مسئولیت و رسالتی بسیار حساس و خطرناک و سنگین بود که از عهده اکثر شیعیان عوام و خواص برنمی آمد، چرا که لازمه پذیرش این مسئله، آگاهی هم زمان نسبت به حق و باطل و وجود قدرت مدیریتی و هوش یاری بالا بود وگرنه، ممکن بود نتیجه حضور ناسنجیده یک شیعه، حتی از میان خواص، باعث اتفاقی ناخوش آیند برای شیعه و یا رهبر شیعه شود؛ هماننـد سرگذشتی که هشام ابن حکم پیدا کرد. هشام اگر چه دانش مند کلامی درجه یکی در جامعه شیعه بود، ولی ثمره حضور گسترده او در مجالس علمی دربار هارون، در نهایت باعث حساسیت دستگاه خلافت علیه امام کاظم علیه السلام شد.

امام رضا علیه السلام ، در روایتی درباره تبیین علت غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده انـد: «غیبت او از شما، دفاعی محض است از سوی خداوند؛ و این هم به نفع شما و هم به نفع اوست و خداوند هم بهترین مدافع است. داستان ابی الحسن (کاظم علیه السلام) برای شما بایـد عبرت باشد. آیا از سرانجام هشام خبر دارید؟ او بود که باعث حساسیت خلافت به ابوالحسن شد».(۱)

به همین علت است که حسن ابن حسین انباری چنین گفته است: «در طول چهارده سال به امام نامه می نوشتم و اجازه می خواستم که وارد کار سلطان شوم، تا اینکه سرانجام به امام نامه نوشتم که اینک تهدیـد به مرگ شـده ام و اگر کار نکنم، متهم به رافضی بودن می شوم و این آثار بدی برایم دارد. امام پاسخ دادند: متوجه خوف شما شدم؛ اگر متعهّد می شوی که در عمل و کار خود به دستورهای پیامبر عمل کنی، به یارانت یاری برسانی و مراقب فقرای مؤمنین باشی، اشکال ندارد وگرنه، نه.»(۲) این در حالی است که حکم عمومی امـام برای کـار کردن در دستگاه حکومت، همان بود که به سلیمان جعفری، آن گاه که از امام درباره کارمنـدی حکومت پرسید، فرمودنـد: «ورود در کارهای آنها و یاری رسانی به آنها و سعی در برآوردن حوایج آنها، همانند کفر است و نگاه عامدانه به آنها گناه کبیره است و آتش به همراه دارد».(۳)

با توجه به شرایط پیچیده این مأموریت بود که از دوران امام صادق علیه السلام تا دوران

۱- موسوعه، ج ۳، ص ۲۷۷.

۲- موسوعه، ج ۴، ص ۱۸۹.

۳- موسوعه، ج ۴، ص ۱۸۸.

ص: ۱۹۹

امام جواد علیه السلام ، که دوران تقیه نفوذی بود،(۱) یاران اهل بیت علیهم السلام که در حوزه تقیه نفوذی فعال بودند، به شدت معدود و محدود بودند و اینان نیز غالباً از یاران عالم و متخصص امامان بودند و در میان آنها، با وجود تمام تهدیدها و تشویق ها و وسوسه ها ریزش و یا سقوطی رخ نداد. البته ماجرای هشام ابن ابراهیم مشرقی عباسی را باید از این پرونده جدا کرد. او که از وکلای امام و از یاران ایشان در مدینه بود، به هنگام ولایت عهدی امام به خراسان آمد تا در رکاب امام باشد، ولی به واسطه ارتباط نزدیک به دربار، به تدریج جذب فضل ابن سهل و مأمون و تبدیل به عامل نفوذی آنها علیه امام شد. او حتی در اواخر دوران حضور امام در خراسان، در مقام خوش خدمتی به مأمون، هم جسارت های متعددی به امام کرد و هم بر ایشان حدیث دروغ می بست و هم از دیدار مردم با وی جلوگیری می کرد.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

جایگاه تقیه در بینش سیاسی اجتماعی شیعه

جایگاه کلامی

تاریخ تشیع، پس از رحلت پیامبر، همراه با تقیه بوده است و بدون تقیه، که با هدف حفظ تشیع و تنش زدایی بین اقلیت بر حق و اکثریت جامعه اسلامی بود و هست، تشیع معنایی ندارد.

انواع و مراتب تقیه که متناسب با زمان باید اجرا شود.

مفهوم شناسی

تقیه، دارای اقسام و مراتب سه گانه حفاظتی، نفوذی و جذبی است. در دوران اوج خلافت عباسی، در کنار تقیه حفاظتی، مراتبی از تقیه نفوذی هم وجود داشت.

ادوار شناسی تقیه ورزی

تاریخی

در مدیریت کلان تاریخی - اجتماعی، امامان شیعه در دوره خلافت امویان، برای تقیه نفوذی هیچ گونه اجازه ای نمی دادند؛ ولی در دوره خلافت

۱- چرا که پس از آن، دوباره دوران شیعه ستیزی خلفا، از دوران متوکل تا نیمی از دوران غیبت صغری احیا و آغاز گردید.

ص: ۲۰۰

عباسی، بـا توجه به تغییرات فکری و ساختاری خود خلافت، در کنار تحولات تاریخی جامعه اسـلامی و شـیعی، تقیه نفوذی پس از سال ها مهجور ماندن دوباره احیا شد.

پیش شرط های اجرای تقیه نفوذی

روان شناسی

تقیه نفوذی، از خطیر ترین مسـئولیت هـا در جـامعه شـیعه است که شـروط فراوانی دارد و حـتی علم و تخصـص نیز به تنهـایی، برای پذیرش آن کافی نیست.

بازتاب ارتکاب تقیه نفوذی نااهلان

جامعه شیعه، در طول تاریخ، از افراد نامناسبی که پا در عرصه تقیه گذاشته اند، ضربه هایی خورده؛ اگر چه موارد آن اندك است.

دشواری های تقیه نفوذی

مدیریتی

یاران نفوذی امام، چون در اوج قدرت عباسـیان (دوره هارون و مأمون) به این مسـئولیت سنگین می پرداختند، در اوج توان علمی و مدیریتی و دارای مرتبه بالای تقوای اخلاقی بودند.

دست آوردهای تقیه نفوذی

اجتماعی

تقیه نفوذی در دوران امـامت امـام رضـا علیه السـلام ، باعث کاهش تهدیـدها و هجوم ها علیه امام و جامعه شـیعه و بسترسازی برای حمایت های مالی و معنوی از آنها شد.

فکری / کلامی

حضور شخصیت های علمی شیعه در دربار مأمون، هم زمان با ماجرای ولایت عهدی امام رضا علیه السلام ، فرصت تاریخی مناسبی برای شیعه بود تا با استفاده از امکانات و ابزار خلافت عباسی، به نشر موقتی معارف خود بپردازد.

گستردگی تقیه نفوذی

جغرافیایی / تاریخی

حضور تقیه محور شیعیان در دربار هارون و مأمون، از بغداد تا خراسان، بیان گر گستردگی و

ص: ۲۰۱

عمق و آینده نگری مدیریت تقیه محور امام است که برای تمامی مراحل و ادوار و جغرافیای امامت خود، یارانی فعال و متخصص در عرصه تقیه نفوذی تربیت و آماده کرده بود.

۳/۳: فرصت سالیانه حج و مدیریت اجتماعی امام

۳/۳: فرصت سالیانه حج و مدیریت اجتماعی امام

عبادت و معنویت، یکی از جلوه های بارز زندگانی امامان شیعه است و در این میان، آن دسته از برنامه های عبادی - اسلامی که ابعاد اجتماعی و سیاسی نیز دارند، جایگاهی مهم تر در زندگی ایشان داشته است و در میان این همه، عبادات سیاسی حج جایگاهی ویژه دارد؛ چرا که یکی از فلسفه های مهم حج، در کنار فرصت های معنوی آن، یا ایجاد هم گرایی اجتماعی کلان در بین مسلمانان در تمامی جغرافیای اسلام، ایجاد پیوند مستمر بین جامعه اسلامی با امام و ولیّ هر زمان است.(۱)

اهمیت سیاسی - اجتماعی مراسم حج تا بدان حد است که هارون در دوران خلافت ده ساله اش، که معاصر با امامت امام رضا علیه السلام بود، دو بار آن را به جای آورد. نیز در این سال ها، مکه مرکز تجمع انبوه علمای فرقه های گوناگون عامه بود و حتی برخی از آنها، سال ها مقیم مکه می شدند. از این رو، امامان معصوم که پس از عاشورا در تقیه و حصر شدید قرار داشتند و شیعیان نیز برای ارتباط با امامشان، گرفتار ممنوعیت و محدودیت بودند، سعی می کردند از فرصت سالیانه حج برای ارتباط دوسویه، نهایت استفاده را بکنند؛ به ویژه از زمان امام کاظم علیه السلام ، که سازمان وکالت گسترش یافت، یکی از مهم ترین فرصت های دیدار وکلا با امامان معصوم، همین فرصت سالیانه حج بود.

با همین رویکرد، امام رضا علیه السلام در دوران امامت بیست ساله شان، به جز سه سال آخر که در خراسان بودند، از سال ۱۸۳ ه . ق. تا سال ۱۹۹ ه . ق. در مراسم حج شرکت داشتند.(۲)

۱- امام باقر علیه السلام می فرماید: «تمام الحجّ لقاء الامام.» (عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۲.)

۲- درباره حضور هرساله امام در حج، اگر چه نصّی وجود ندارد، ولی به قرینه ماجراهای گوناگون امام در ارتباط با شیعه، واقفیه، زیدیه و عباسیان، می توان حدس زد امام در مراسم حج سالیانه حضور داشته است.

ص: ۲۰۲

اهمیت مراسم حج برای امام تا بدان حد بود که در بین سال های ۲۰۰ تا ۲۰۳ که در مدینه نبود، باز هم دراین باره اقداماتی انجام داد. سال ۲۰۰ در مسیر خراسان بود و سال ۲۰۳ در توس، در حصر شدید و ممنوعیت بود و از این رو، نمی توانست اقدام مشخصی در این مورد انجام دهد؛ اما در سال ۲۰۲ که در خراسان آزادی نسبی داشت، در نامه ای به محمد ابن عیسی یقطینی، از او خواست که همراه صفوان ابن یحیی و موسی ابن عبید، از طرف وی حج بگزارند.

در نگاهی کلی، مهم ترین برنامه های امام در طول مراسم حج هفده ساله خود، بنا بر آنچه از دلِ روایات کشف می گردد، موارد زیر است:

ارتباط با شیعیان از دیدارهای عمومی گرفته تا رسیدگی به حوایج عمومی آنها.

ارتباط با وکلا و پی گیری مسائل کلان جامعه شیعه.

ارتباط پیوسته با یاران علمی خود و پاسخ به مسائل مستحدثه (نوپدیدِ) آنها و نیز یاری آنها در پالایش احادیث صحیح و غیر صحیح.

مواجهه با جریان های انحرافی داخل جامعه شیعه و دفع شبهات آنها؛ همانند جریانات واقفیه و غالیان. مثلاً در حج سال ۱۸۳ تا ۱۸۴، نقش ویژه ای در ابطال ادعاهای واقفیه و بازگشت افراد بسیاری به مذهب حق داشت.

مدیریت مقابله با خطرهای دشمنان (عباسیان و یا وزرای آنها) یا دفع آن خطرها با دعا و ابزارهای معنوی (همانند دعا و توسل ایشان در سال ۱۸۶، در مکه برای برافتادن برمکیان).

دفع تبلیغات زیدیه و ایجاد مرزبندی بین تشیع و زیدیه؛ همانند برخوردی که با قیام زیدیه و محمد ابن جعفر الصّادق علیه السلام در سال ۱۹۹ ه . ق. کرد و شیعه را از همراهی با آنها بازداشت.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

فلسفه حج در فقه سیاسی شیعه

فقه سیاسی

در تشیع، بسیاری از عبادات، ابعاد و رویکردهای سیاسی - اجتماعی دارند و غفلت از این ابعاد، باعث

ص: ۲۰۳

بی روح شدن آن مناسک عبادی - اجتماعی و تبدیل آنها به اسلام و عبادت غیر شیعی می شود.

فلسفه سیاسی حج

از منظر فقه سیاسی، کارکرد سالیانه مسلمانان در مراسم حج، در مرتبه اول، بیعت و انس سالیانه با رهبر سیاسی - اجتماعی برحق خود در هر زمان است و آن گاه، ایجاد هم گرایی فراگیر و جهانی بین مسلمانان، بر محور عبادت و امامت است.

نقش مراسم سالیانه حج در دوران حضور امامان در حجاز

مدیریتی

امامان شیعه، از عاشورا تا مقطع تبعید به دیگر شهرها، که در مرحله مکتب سازی و جامعه سازی بودند، با حضور هرساله در مراسم حج، ضمن شناسایی و جذب استعدادهای جدید، به مدیریت مسائل کلان جامعه شیعه از طریق خودِ شیعیان حاضر در مراسم حج می پرداختند.

سازمان وکالت و فرصت سالیانه حج

مدیریتی

هم زمان با گسترش و توسعه سازمان وکالت، مراسم سالیانه حج، تبدیل به تجمع سالیانه اکثر وکلا از مناطق گوناگون شیعی نزد امامان می شد تا ضمن تحویل وجوه مالی شرعی، معضلات فکری و فرهنگی جامعه هم حل و فصل گردد.

جامعه شیعه و مراسم حج

مدیریتی / اجتماعی

با توجه به وجود تقیه، مراسم سالیانه حج، بهترین فرصت اجتماعی برای دیدارهای آزاد و گسترده شیعیان با امام معصوم بود.

امامان و مراسم حج

مدیریتی

به هنگام مراسم حج، امامان شاهد یکی از دوران های بسیار فعال مدیریتی سالیانه خود بودند.

مراسم حج و فرصت دیدار با شخصیت های اسلامی

اجتماعی / فکری

مراسم سالیانه حج، فرصتی برای دیدار علمای فرقه های گوناگون جهان اسلام با هر امام بود. در این دیدارها، یا امام با آنها به مناظره های علمی می پرداخت

ص: ۲۰۴

یا آنها مشکلات و معضلات علمی خود را به ایشان عرضه می کردند.

حضور شخصیت های اجتماعی و علمی فرقه های گوناگون

سیاسی / اجتماعی

حضور موازی رهبران و شخصیت های علمی فرقه های اسلامی، می توانست با هدف تحت الشعاع قرار دادن جایگاه اجتماعی امام در مراسم حج باشد؛ ولی همواره در تاریخ امامت، امامان معصوم شیعه در ضمن مراسم حج، بیشترین اقبال را از سوی عوام و خواص داشتند.

واهمه خلافت از حضور سیاسی امام در حج

سیاسی

خلافت عباسی که در اوج اقتدار خود، قصد به حاشیه راندن امامان معصوم از جامعه اسلامی را داشت، با مشاهده کارکرد های حج در ضمن سفر حج هارون (در زمان امامت امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام)، تلاش کرد با حضور خلیفه، امام را به حاشیه براند، ولی پس از ناکامی در این نقشه، در طراحی جدیدی تلاش کرد با دور ساختن امامان از جامعه، این فرصت مهم اجتماعی - مدیریتی را از امامان بگیرد (با زندانی کردن امام کاظم علیه السلام و انتقال امام رضا علیه السلام به خراسان).

کارکرد حج برای آسیب زدایی از جامعه شیعه

مدیریت علمی

امام رضا علیه السلام در طول پانزده سال حضور در حج، تلاش فراوانی کرد تا در مواجهه با جریان های انحرافی و مدعیانی هم چون واقفیه، غالیان و زیدیه، ضمن دفع شبهاتشان، از تأثیرگذاری آنها بر مکتب تشیع جلوگیری کند.

۳/۴: امام و مدیریت فرهنگی جامعه شیعه

اشاره

۳/۴: امام و مدیریت فرهنگی جامعه شیعه

تشیع در دوران خلافت عباسی، تدریجاً از هویت و ساختارِ بیشتر قبیله ای (قبایل عرب شیعی که ساکن عراق و یا مهاجر به ایران بودند)، به سوی هویت اجتماعی متکثر

ص: ۲۰۵

می رفت. شاهد این مدعا، رشد آماری شخصیت های شیعه غیر عرب است. حتی بخش قابل توجهی از یاران برجسته امام رضا علیه السلام ، غیر عرب بودند که سرآمد آنها، یونس ابن عبدالرّحمان است؛ یا خاندان ابن سعید اهوازی و یا علی ابن مهزیار اهوازی. شاهد دیگر این مدّعا، رشد تشیع در میان ایرانیان است.

بدیهی است که این نظام اجتماعی جدید، نیازمند غنی سازی و به روز کردن فرهنگی باشد؛ از همین رو بود که امام رضا علیه السلام در دوران امامت خود، به ویژه پس ازسفر به ایران، به سرمایه گذاری بر روی برخی از شعایر مهم شیعه پرداخت تا هویت فرهنگی مستقل و تعریف شده ای برای تشیع شکل بگیرد؛ جلوه هایی از این طراحی و برنامه ریزی فرهنگی امام رضا علیه السلام چنین است:

الف) امام و طراحی جشن عید غدیر

الف) امام و طراحی جشن عید غدیر

در روایتی از فیاض ابن محمد توسی آمده است که امام رضا علیه السلام در یکی از اعیاد غدیر، مردان شیعه را برای احیای سنّت روزه روز عید غدیر فراخواند و سپس آنها را برای ضیافت افطاری مفصّل به منزل خود دعوت کرد و در عصر همان روز نیز بسته های هدایای متنوعی به منازل شیعیان شهر فرستاد و باعث سرور خانواده های شیعه شد. امام سپس برای شیعیان سخن رانی مفصّلی کرد و با یادآوری احیای جشن عید غدیر توسط امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران خلافتش، به شیعیان توصیه اکید کرد که جشن عید غدیر باید مهم ترین فرهنگِ شادی بخش شیعه شود.(۱)

از قراین و ظواهرِ این روایت، به ویژه به قرینه وجود نام راوی ایرانی، می توان حدس زد این اتفاق در زمان اقامت امام در خراسان رخ داده باشد و احتمالاً در عید غدیر سال ۲۰۱؛ یعنی سال آغازین اقامت امام در خراسان و زمانی که در آغاز ولایت عهدی خود آزادی عمل بیشتری داشت.

ب) امام و طراحی عزاداری دهه محرّم

ب) امام و طراحی عزاداری دهه محرّم

از دیگر اقدامات امام در خراسان و برای شیعیان عرب و عجم خراسانی خود، توجه به عزاداری محرّم و سرمایه گذاری ویژه برای آن است. شاید بتوان گفت امام رضا علیه السلام ، در

۱- بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۱۱۲.

ص: ۲۰۶

مقام فرهنگ ساز، اولین توسعه دهنده عزاداری حسینی از روز عاشورا به دهه محرّم است. ایشان در دیدار با ریان ابن شبیب به او و شیعیان توصیه فرمود: «اهل بیت علیهم السلام در سراسر دهه آغازین محرّم، سوگوار مصیبت شهادت سیدالشّهداء علیه السلام بودند و بر شیعه است که همانند امامان معصوم خود باشد».(۱)

یکی از سیره های امام رضا علیه السلام در این باره آن بود که هر گاه نامه یا بسته ای را ارسال می کردند، مقداری تربتِ سیدالشّهداء علیه السلام در آن قرار می دادند تا ضمانت به سلامت رسیدن آن مرسوله به مقصد باشد.(۲)

ج) امام و طراحی پایتخت های فرهنگی – معنوی برای شیعه ایرانی

ج) امام و طراحی پایتخت های فرهنگی - معنوی برای شیعه ایرانی

پس از سفر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ، خواهر ارجمند امام رضا علیه السلام به قم، و رحلت وی در آن شهر، امام در دیدار با سعد ابن سعد اشعری قمی و اندک شیعیان قمی خود که به خراسان آمده بودند، به فرهنگ سازی برای مزار و زیارت حضرت معصومه علیها السلام پرداخت و با این کار سعی کرد شهر قم را، که تنها شهر شیعه نشین آن زمان بود، تبدیل به کانون معنویت و فضیلت کند؛ تا بلکه بر اساس روایت امام صادق علیه السلام که قم را، حرم اهل بیت علیهم السلام نامیده است، فرهنگ زیارت این مزار و رفت وآمد به آن شهر مورد توجه شیعیان ایرانی قرار بگیرد و آنجا به پایتخت فکری و فرهنگی و معنوی شیعیان تبدیل شود.(۳)

این در حالی است که امام در دیدار با دوست و دشمن، به ویژه در خراسان، تأکید داشت که شهادت و مزار خود ایشان در خراسان و در توس خواهد بود؛ و به ویژه در قالب روایاتِ مربوط به فضیلت زیارت بارگاه مطهرش، برنامه ریزی وسیعی را برای طراحی و تثبیت فرهنگ زیارت بارگاه خود انجام می دادند.

در پایان یادآور می گردد که از دیگر جلوه های مدیریت فرهنگی در سیره رضوی، به ویژه در مقطع حضور امام رضا علیه السلام در خراسان، تلاش گسترده ایشان برای به نمایش گذاشتن مناسک عبادی، مطابق با سیره نبوی ناب آن بود؛ کاری که فرهنگ اجتماعی و دینی عباسیان و مذاهب عامه را به شدت به چالش می کشید.

۱- موسوعه الامام الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۵۲.

۲- الاستبصار، ج ۳، ص ۲۷۹.(نرم افزار گنجینه نور)

۳- موسوعه، ج ۴، ص ۱۷۷.

ص: ۲۰۷

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

جایگاه فرهنگ دینی در سیره امامان

مدیریت فرهنگی

امامان شیعه، به ویژه در جامعه سازی تشیع، برای استقلال فرهنگی جامعه شیعه و غنی سازی و به روز کردن آن اهتمام فراوانی داشتند.

آسیب شناسی فرهنگی

امام رضا علیه السلام نسبت به تأثیرگذاری اندیشه های انحرافی، همانند غالیان و زیدیه، بر نمودهای مهم فرهنگ شیعی، هم چون فرهنگ عاشورا و مهدویت نگرانی داشت و با دقت، سلامت فرهنگی شیعه را زیر نظر داشت.

جامعیت فرهنگ شیعی

کلامی / فرهنگی

مکتب تشیع، از نظر تنوع فرهنگ های شادی و حزن و دیگر فرهنگ های مورد نیاز جامعه، نسبت به سایر جوامع و فرقه های اسلامی، بیشترین غنا را دارد؛ از این رو، امام رضا علیه السلام در فرهنگ سازی خود، هم به فرهنگ شادی مذهبی و هم به فرهنگ حزن مقدّس، توجهی هم زمان داشت.

کارکرد های اجتماعی فرهنگ شیعه

سیاسی / اجتماعی

تنوع و گستردگی فرهنگ های اجتماعی شیعه، حتی در زمان امامت امام رضا علیه السلام ، تا بدان حد بود که در جامعه اسلامی، شیعیان را از نوع نام گذاری فرزندان و یا رنگ و نوع لباس ها و مراسم دینی شناسایی می کردند.

خلأ و فقر فرهنگی، عاملی برای زوال اجتماعی

سیاسی

مکتب و گرایش سیاسی زیدیه، به لحاظ فقر گسترده خود در تولید نمادهای فرهنگی و شعایر سیاسی - عبادی مستقل، پس از برافتادن حکومت های کوتاه مدت خود، به سرعت رو به

ص: ۲۰۸

فراموشی می رفت. اصولاً قیام های زیدیه، کمترین بازتاب فرهنگی و اجتماعی را در جغرافیای قیام های خود داشت.

ارکان فرهنگی شیعه

فرهنگی / کلامی

مبنای هویت فرهنگی شیعه، بر فرهنگ های سه گانه شادی غدیرِ ولایت، حزن عاشورای شهادت و پویایی و آینده نگری انتظار مهدویت مبتنی است؛ از این رو، این سه عنصر، مبنای مدیریت فرهنگی امام رضا علیه السلام بودند.

ضرورت روزآمدسازی فرهنگ دینی

مدیریت فرهنگی

امام رضا علیه السلام پس از سفر به خراسان، با توجه به دگرگونی های جامعه جدید شیعه و رشد اجتماعی آن در بستر تاریخ، به بهسازی، بازتعریف و یا تکمیل فرهنگ و شعایر شیعی در جامعه می پرداخت.

نگاه فلسفه تاریخی به جایگاه تشیع در ایران

آینده نگری

امام، با توجه به تحول اجتماعی ایران و حرکت آن به سوی تشیعِ مکتبی، بر فرهنگ زیارت بارگاه خود در آینده و زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام ، هم برای شیعه ایرانی هم برای شیعیان سراسر جهان، تأکید و با گسترش فرهنگ زیارت در بلندمدت، به غنی سازی فرهنگی تشیع در ایران کمک شایانی کرد.

مبنای فرهنگ سازی امام در خراسان

کلامی / فرهنگی

امام با احیای سیره نبوی در شعایر دینی و عبادی، سعی می کرد فرهنگ های انحرافی اسلامِ عباسیان و مکاتب عامه را به چالش بکشد. از همین روست که مأمون، خیلی زود از حضور اجتماعی امام در خراسان کاست تا مبادا رفتارها و مناسک نبوی گونه امام، تبدیل به فرهنگ عمومی خراسان شود.

ص: ۲۰۹

۳/۵: امام و مدیریت اخلاقی و تربیتی جامعه شیعه (سبک زندگی شیعی)

اشاره

۳/۵: امام و مدیریت اخلاقی و تربیتی جامعه شیعه (سبک زندگی شیعی)

جامعه اسلامی در اواخر قرن دوم ه . ق. همان گونه که در فصل فرقه شناسی بیان شد، از نظر سبک و نظام زندگی، به سوی آشفتگی و تکثرگرایی افراطی و گسترش فاصله در پیوندهای اجتماعی می رفت. جهان اسلام، در آغاز قرن دوم فرقه هایی سه گانه داشت که عبارت بودند از: اهل سنّتِ همراه با نظام خلافت، جامعه شیعه و گروه های پراکنده خوارج؛ اما در این زمان (دوران امامت امام رضا علیه السلام)، در نتیجه تغییر فضای علمی و فکری و تحت تأثیر حمایت های سیاسی، فرقه های فقهی نیز، در کنار فرقه های کلامی و سیاسی، شروع به پیدایش و رشد کردند.

این تکثر و فرقه گرایی، حتی در بدنه اصلی جامعه اهل سنّت هم پدیده ای فراگیر شد؛ به گونه ای که هر منطقه یا مدرسه ای، کم کم برای خود دارای مکتب فقهی خاص می گردید؛ مکتب فقهی - کلامی ای که خروجی اخلاقی و اجتماعی اش، خود را در سبک زندگی روزمره مردم نشان می داد. به عنوان نمونه در مکتب های فقهی اهل سنّت، در همان زمان، یک فرقه، غِنا را جایز می دانست و دیگری حرام؛ یکی شرب نبیذ را حلال می دانست و دیگری حرام؛ یکی خواستار اجرای گسترده امر به معروف و نهی از منکر بود و عده بیشتری آن را محدود و تعطیل می کردند!

در این اوضاع، امام رضا علیه السلام در دورانی که در مدینه بود، در سفرهای حج، در طول مسیر سفر به خراسان و در مدت اقامت در خراسان، در نمایش سبک زندگی ممتاز اهل بیت علیهم السلام ، برای مرزبندی با دیگر سبک ها و نظام های اسلامی، اهتمامی ویژه داشت. بر این اساس، امام رضا علیه السلام فرموده ای زیبا دارند: «اگر مردم زیبایی و ارزش سخنان و دستورهای ما اهل بیت علیهم السلام را بشنوند و بشناسند، قطعاً از سخنان ما پیروی خواهند کرد».(۱)

بر همین اساس بود که امام رضا علیه السلام ، در لحظه لحظه حضور اجتماعی و زندگی روزانه خود، به جای پرداختن شعارهای حماسی و احساسی؛ و یا دعوتِ بدون پشتوانه به قیام (مانند زیدیه)، تلاش می کرد یادآور سیره، گفتار و رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد و نشان دهد تنها راه درست زندگی، عمل به این آیه قرآنی است: «لکم فی رسول الله، اسوه

۱- لو عرف النّاس محاسن کلامنا، لاتبعونا: بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۰.

ص: ۲۱۰

حسنه.»(۱) و از همین رو بود که امام برای هر حضور اجتماعی خود در خراسان، شرط گذاشته بود که آن حضور، به شکل، شیوه و روش نبوی باشد؛ مانند برگزاری نماز عیدی که نیمه کاره رها شد.

بر این اساس، امام رضا علیه السلام با نگاهی جامع به مسائل و نیاز های زندگی و با مراقبت و نظارت بر شیعیان، سعی می کرد شیوه زندگی شیعی را که پدران معصومش طراحی کرده بودند، به موازات گسترش جامعه شیعی و در کنار ریزش ها و هجوم های داخلی (واقفیه) و خارجی (صوفیه و مکاتب فقهی عامه و جریان های زیدیه)، به سلامت و هماهنگ با اوضاع زمان و مکان، ترویج و مدیریت کند.(۲)

با این نگاه، جلوه های برتر سبک زندگی و مدیریت اخلاقی و تربیتی امام رضا علیه السلام را در حکایات و روایاتی از نوع زیر می توان جست وجو کرد:

۳/۵/۱: امام در حوزه اخلاق فردی

۳/۵/۱: امام در حوزه اخلاق فردی

کسانی که مطالبی از اخلاق فردی امام روایت کرده اند، اوج اخلاق انسانی را در ایشان دیده اند. ابراهیم ابن عباس صولی می گوید: «من هرگز ندیدم که امام، در سخن گفتن درشتی کند؛ سخن کسی را پیش از فراغ او قطع کند؛ درخواست کسی را، اگر قادر بر آن باشد، رد کند؛ پاهای خود را مقابل هم نشین دراز کند؛ در برابر هم نشین تکیه دهد؛ غلامان و بردگان خود را بدگویی کند و آب دهان بر زمین اندازد. هرگز قهقهه نمی زد، بلکه خنده اش تبسم بود. وقتی هم در منزلش مهمانی نبود، چون سفره انداخته می شد، با غلامان و خادمان خود هم غذا می شد».(۳)

از دیگر نمونه های اخلاقی امام رضا علیه السلام این است که وقتی امام در خراسان بود، مأمون کنیزی ویژه در جمال و صدا، به ایشان تقدیم کرد. وقتی آن کنیز، سادگی منزل امام و برنامه های عبادی و معنوی آنجا را دید، با توجه به انسش به فضای اشرافی و درباری، نتوانست در آن فضا دوام بیاورد، بنابراین با درخواست از امام به دربار مأمون بازگشت.(۴)

۱- احزاب: ۲۱.

۲- درباره مبانی و ابعاد و شاخصه های سبک زندگی شیعی، ر.ک: آیین برنامه سازی زندگانی امام صادق علیه السلام، اثر نگارنده، فصل سوم.

۳- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۴.

۴- موسوعه، ج ۶، ص ۲۳۲.

ص: ۲۱۱

امام رضا علیه السلام وقتی که در مدینه بود، چون در میان انبوه مدعیان علم و مکتب ها و جریان ها بود، تحت الشعاع آنها، در انزوا قرار داشت؛ به گونه ای که خودشان فرموده اند: «من در مسجدالنّبی می نشستم و هرگاه علمای عامه در مسئله ای دچار اختلاف می شدند و به نتیجه ای نمی رسیدند، به من مراجعه می کردند.»(۱) ولی فرصت سفر به ایران، چه در طول مسیر و چه در مدت اقامت در خراسان، سیره و سبک زندگی و رفتاری ایشان را بسیار آشکارتر کرد؛ سیره ای که حتی رجاء ابن ضحاک، مأمور آوردن امام از مدینه تا خراسان را، تحت تأثیر قرار داد. همو می گوید: «امام در نیشابور، وقتی نمازهای واجب را به جا می آورد، عنایت داشت که در همه نمازها (برخلاف عامّه) «بسمله» را به جهر و بلند بگوید».(۲)

در حقیقت، امام در یک برنامه هوش مندانه، در فرصت ولایت عهدی خود، با شرط مداخله نکردن در حکومت و صرفاً حضور داشتن در مرو، در مراودات اجتماعی اش با مردم، به احیای سیره نبوی اهتمام می کرد؛ امری که وقتی بازتاب هایش در مرو رو به توسعه گذاشت، مأمون را به وحشت انداخت و دستور داد در نیمی از دوران حضور یک و نیم ساله امام در خراسان، رفت وآمد ها به منزل وی به شدت محدود و گاهی ممنوع شود.(۳)

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

نگاهی جامع به اخلاق فردی امام

اخلاقی

امام رضا علیه السلام آیینه تمام نمای سیره پیامبر در زمانه خود بود.

اخلاقی

اخلاق فردی حضرت، سبکی جامع در حوزه رفتارهای گوناگون انسانی بود.

۱- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲- موسوعه، ج ۳، ص ۲۱.

۳- موسوعه، ج ۱، ص ۳۳۴.

ص: ۲۱۲

اخلاقی

مبنای اخلاق فردی امام، رابطه عمیق، پیوسته و عاشقانه با حق تعالی بود که روابط دیگر هم از آن متأثّر می شد.

اخلاقی

بررسی نقش ادب و رعایت احترام و حقوق متقابل در سیره فردی امام.

بازتاب های اجتماعی اخلاق فردی امام

تربیتی

دعوت امام به آیین و سیرت نبوی با اخلاق و رفتار فردی خود.

فرقه شناسی و اخلاقی

اخلاق فردی و اهل بیتی و جامع و کامل امام، نقطه امتیاز امام از دیگر مدعیانِ علم و اخلاق و تصوّف در جامعه اسلامی بود.

تربیتی

بررسی اخلاق فردی امام در موسم حج و ایجاد جاذبه ها برای مکتب اهل بیت علیهم السلام .

اخلاقی

جایگاه ویژه فرودستان اجتماعی در حوزه اخلاق فردی امام.

بازتاب های اخلاق فردی امام در سفر خراسان

تربیتی

نقش اخلاق فردی امام در ایجاد شیفتگی و جاذبه در بین ایرانیان و خراسانیان نسبت به ایشان.

اخلاقی / اجتماعی

حاکمیتِ معنویت و عبودیت در تمامی رفتارها و گفتارهای فردی امام و جاذبه آن برای مأموران حکومتی دربار مأمون.

سیاسی

وحشت مأمون از تأثیر تدریجی اخلاق فردی امام در ایجاد جاذبه فراگیر در بین مردم نسبت به ایشان و تلاش تدریجی برای قطع

روابط امام با مردم و محدود کردن حضور اجتماعی ایشان.

۳/۵/۲: بازخوانی سبک زندگی شیعی

۳/۵/۲: بازخوانی سبک زندگی شیعی

امام رضا علیه السلام در فرصت تاریخی دوران حضور خود در ایران، که هدف بلندمدتش، طراحی راهبرد جغرافیایی توسعه تشیع در ایران بود، تلاش می کرد در دیدارهایی که

ص: ۲۱۳

با علاقه منـدان ایرانی خود دارد، با تعریف دقیق تشیع و زنـدگی شـیعی، به مرزبندی دقیق آن با جریان های مدعی بپردازد؛ چرا که خراسانی ها، یک بار با شعار «الرّضا من آل محمد»، فریب عباسیان را خورده بودند. در این سال ها هم، به ویژه در طبرستان، زیدیه بـا همین شعار، امّا بر اساس تفسیر های خود، مشغول تبلیغ و فعالیت بودنـد؛ از این رو، تعریفِ روشن تشیع و تبـدیل آن از محبت عمومی به اطاعت و پیروی آگاهانه، ضروری بود.

در این باره در حکایتی آورده انـد: وقتی که امام در خراسان بود (به احتمال زیاد در همان ماه های آغازین حضور در مرو که دیدار ها با ایشان در آزادی و به راحتی انجام می گرفت)، عده ای به منزل امام آمدند و خود را شیعه امام معرفی و از خادم تقاضای دیدار کردنـد. امـام اجـازه دیـدار نـداد. آنـان که به عشق دیـدار امام از شـهرهای دیگر خراسان آمـده بودنـد و نمی توانسـتند دست خالی بازگردنـد، به مـدت دو ماه، هر روز به منزل امام می آمدند و تقاضای دیدار می کردند، ولی هر بار ناکام می ماندند تا اینکه روزی در مقابل منزل، آن قـدر گریه و زاری و پافشاری کردنـد تا امام به ایشان اجازه دیدار داد. در آغاز دیدار، پرسـش مهم آنها این بود که چرا امام رضا علیه السـلام ، شیعیان خود را، در شهر مرو که نشانی از تشیع ندارد، دو ماه معطّل دیدار و انگشت نمای مردم کرده است؟ امام فرمودند: «این ادعای شـماست که می گویید شـیعه ما اهل بیت علیهم السلام هستید! شما مُحب و دوست دار ما اهل بیت علیهم السـلام هستید، ولی هنوز به مرتبه تشـیع نرسیده اید!» آن گاه مفصّل برای آنها از شروط شیعه شدن گفتند و در نهایت آنها را اکرام کردند.(۱)

در حکایتی دیگر، ابوسـعید خراسانی می گویـد: در خراسان دو نفر به خدمت امام رسـیدند و از نمازشان پرسـیدند که قصـر است یا تمام؟ امام به یکی فرمود: «نماز تو قصر است، چون هدفت دیدار من بوده؛ و به دیگری فرمود: نماز تو تمام است چون هدفت دیدار سلطان بوده».(۲)

امـام در مقـام بـازخوانی و یا تعریف دقیقِ سـبک زنـدگی شـیعی، تلاش می کرد از التقاط و اختلاط سـبکی و فرهنگی در زنـدگی شیعیان جلوگیری کند؛ خصوصاً در جایی که

۱- موسوعه، ج۲، ص ۱۹۴.

۲- موسوعه، ج ۴، ص ۳۷.

ص: ۲۱۴

فرقه ای یا سبکی بسیار نزدیک به شیعه، (سبک های انحرافی و جداشده از شیعه) حضور داشت؛ فرقه هایی مانند واقفیه، غُلات و زیدیه. نمونه هایی از تذکّرات امام به شیعیانش برای این فاصله گیری و مرزبندی چنین است:

امام، سلیمان ابن جعفر جعفری را سرزنش کرد که: چرا با عبدالرّحمان ابن یعقوب رفت وآمد می کند؟ او پاسخ داد: عبدالرّحمان دایی من است. امام فرمود: ولی او عقاید باطلی درباره خداوند دارد؛ یا با او باش، یا با ما! جعفری پرسید: اگر با او رفت وآمد داشته باشم، ولی بر عقیده اش نباشم چه طور؟ امام فرمود: وقتی عذاب بیاید، همه را با خود می سوزاند!(۱)

امام به محمد ابن عاصم فرمود: شنیدم با واقفیه نشست و برخاست داری. این کار را ترک کن.(۲)

در سخنی دیگر، امام تأکید دارد که شیعیان در مجالست، غذا خوردن، ازدواج کردن، به امانت سپردن اموال و حتی یاری و یاوری، باید از واقفی ها پرهیز کنند.(۳)

امام در نامه ای به یحیی ابن ابی عمران همدانی، از گم راهی احمد ابن سابق اعثم اشج خبر داد و او را لعنت کرد و از وی و شیعیانِ محل سکونت او خواست که از او بر حذر باشند. این در حالی است که وقتی نامه امام به یحیی رسید، چیزی از گم راهی احمد مشاهده نشده بود، ولی خیلی زود مشخص شد که او معتاد به شرب خمر شده و مشغول فتنه افکنی در بین شیعیان است.(۴)

امام خطاب به ابوهاشم جعفری در یک روایت و خطاب به حسین ابن خالد در روایتی دیگر، آنها و شیعیان را از هر گونه مراوده و ارتباط اجتماعی با غالیان منع کرد و آنها را خارج از دین دانست.(۵)

بازتاب این مدیریت اخلاقی و اجتماعی در جامعه شیعه آن گاه ظاهر شد که با

۱- موسوعه، ج ۵، ص ۳۳۲.

۲- موسوعه، ج ۵، ص ۳۳۳.

۳- موسوعه، ج ۵، ص ۳۳۳.

۴- سازمان وکالت، ج ۲، ص ۵۲۵.

۵- موسوعه، ج ۷، صص ۳۸۸ و ۳۸۹.

ص: ۲۱۵

توطئه پیچیده مأمون در ماجرای ولایت عهدی امام رضا علیه السلام ، زیدیه فریب او را خوردند و عده زیادی از علویانِ زیدی مسلک، که مخالف عباسیان بودند، با خلافت مأمون و ولایت عهدی امام همراهی کردند و حتی عباس ابن امام کاظم علیه السلام ، از سوی خلافت عباسی والی کوفه شد و او در کوفه می خواست از مردم شهر برای خلافت مأمون و ولایت عهدی امام رضا علیه السلام بیعت بگیرد (کوفه ای که هنوز پایگاه علمی و فکری بسیاری از فرقه های کلامی و فقهی و مذهبی بود) و تقریباً همه فرقه ها به این طرح التقاطی راضی شده و حاضر به بیعت بودند؛ ولی تنها این شیعیان بودند که گفتند: وقتی با عباس بیعت می کنند که او فقط برای امامتِ برادرش امام رضا علیه السلام بیعت بگیرد، ولی عباس نپذیرفت و شیعیان هم با او بیعت نکردند.(۱)

نمونه همین اتفاق در قیام ابوالسرایا در عراق رخ داد. در این قیام، به جز عباسیان، تمامی جریان های فقهی و کلامی، اعم از معتزله و حنفی ها و اهل حدیث، همراهی کردند و تنها این شیعیان بودند که حاضر به همراهی و همکاری با زیدی ها نشدند و از همین رو، برخی از سران آنها را، زیدی ها تعقیب و اذیت کردند.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

تشیع در مقام مستقل ترین و ناب ترین مکتب اسلامی

کلامی / تاریخی

در تاریخ فرقه ها و مذاهب اسلامی، مکتب تشیع از همان آغاز دارای هویتی مستقل و جامع و کامل در تمام حوزه های رفتاری و اندیشه ای است و از التقاط و اختلاط و یا وابستگی به دیگر جریان ها دور است.

مبانی سبک زندگی شیعی از منظر سیره رضوی

کلامی

امامان شیعه در هر دوره زمانی، آیینه تمام نمای پیامبر در زمان خود بودند.

اخلاقی

امام رضا علیه السلام در فرصت های تبلیغی خود بارها تأکید

۱- الطبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۸، ص ۵۶۰.

ص: ۲۱۶

کرده است، مبنای سبک زندگی شیعی – اهل بیتی، سیره نبوی است.

ضرورت پیوستگی مستمر شیعیان با امامان و رهبران

اجتماعی / تاریخی

ریزش های تاریخی تشیع، مانند غالیان و واقفیه در زمان امام رضا علیه السلام ، نشان داد به مجرد فاصله گیری این فرقه ها از مدیریت اخلاقی – تربیتی امامان، افراط و تفریط و نقص ها و کاستی ها و دورافتادگی از روزآمدی و پویایی، از شاخصه های سبک زندگی آنها می شود.

اخلاق فردی امامان معصوم، مبنای سبک زندگی شیعی

کلامی / اخلاقی

از مبانی مهم در سبک زندگی دینی برای حفظ پویایی و نشاطِ آن، ضرورت حفظ ارتباط مستمر با ولیّ معصومِ هر زمان یا نایبان اوست تا سبک زندگی، روزآمد باشد.

کلامی

امامان شیعه در هر دوره، سرآمد اخلاق اسلامی در تمام حوزه های فردی و خانوادگی و اجتماعی و مدیریتی بودند.

امام و اسکان شاگردان در مناطق و ارجاع به آنها

تربیتی / مدیریتی

کارکرد مدرسه علمی – تربیتی یارانِ ویژه امام و سپس بازگشت آنها به مناطق خود، طراحی سامانه تکثیر اجتماعی اخلاق و تربیت معصوم در شیوه علمی و عملی خود است.

امام و آسیب شناسی سبک زندگی

تربیتی

امام در خراسان، اهتمامی ویژه داشت تا به مرزبندی شفاف بین مدعیان محبتِ اهل بیت علیهم السلام با مکتب تشیع بپردازد و تشیع را به جای ابرازِ محبت عاطفی، به سبک و شیوه عملی تعریف کند.

مدیریت مبارزه منفی با فرقه های انحرافی و کارکرد های آن برای جامعه شیعه

مدیریت حفاظتی

امام، هم زمان با پیدایش، اوج گیری و هجوم تبلیغاتی فرقه های انحرافی، در برنامه ای جامع، دستور فاصله گیری و مرزبندی همه جانبه با منحرفان را به

ص: ۲۱۷

جامعه شیعه داد تا سبک زندگی فردی و اجتماعی شیعیان در شکل خود حفظ شود.

کارکرد های تاریخی مدیریت تربیتی امام در سبک زندگی سیاسی شیعه

مدیریتی / سیاسی

در خلافت مأمون، که دوران اوج سیاست های هوش مندانه در بین جریان های باطل است، همه فرقه های اسلامی و مدعیان قیام و شورش، با طرح های او همراه شدند و تنها مکتب شیعه بود که آگاهانه فریب توطئه های سیاسی و اجتماعی او را نخورد.

نقش تاریخی تقیه جذبی در این زمان

مدیریتی / اجتماعی

امام، با توجه به مکان و زمان، برای مدیریت مهاجرت و فعال کردن یاران تربیت شده جامعه اسلامی، با هدف گسترش تشیع، برنامه ریزی می کرد.

مدیریتی / تربیتی

آمادگی و رشد گروهی از یاران امام برای ایفای نقش حضور اجتماعی در جوامعِ خسته از باطل، به قصد الگوسازی جدید برای آنها بر محور حق و حقیقت.

۳/۵/۳: امام و سبک زندگی تقیه محور

۳/۵/۳: امام و سبک زندگی تقیه محور

یکی از محورهای مهم در سبک زندگی شیعی، که برآمده از پدیده غصب خلافت و ایجاد انحراف در جریان خلافت و جهان اسلام است، ضرورت رعایت تقیه شیعیان است. به فرموده امامان شیعه، این تقیه ورزی و سبک زندگی تقیه محور، مبنای زندگی شیعی تا زمان ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

با توجه به اوضاع اجتماعی حق و باطل، همان گونه که پیش تر بیان شد، تقیه، دارای سه مرتبه است: تقیه حفاظتی، تقیه نفوذی و تقیه جذبی. بدیهی است در سبک زندگی تقیه محور، تقیه ای که کارکرد اجتماعی فراگیر دارد، در ابتدا تقیه حفاظتی و سپس تقیه جذبی است؛ چرا که تقیه نفوذی برای خواص است که باید دارای تخصص ها و آگاهی ها و توان مندی های ویژه باشند.

ص: ۲۱۸

با توجه به ضرورت رعایت تقیه حفاظتی و جذبی، با هدف حفظ سلامت اجتماعی شیعه و سپس تلاش برای جاذبه مکتب تشیع، امام برای طراحی سبک زندگی مسالمت آمیز بین جامعه شیعه و جامعه اسلامی تلاش می کرد؛ البته این زندگی مسالمت آمیز، باید همراه با رعایت همان مرزبندی های سابق باشد تا منجر به اختلاط و التقاط فرهنگی و اجتماعی نشود. هدف این زندگی مسالمت آمیز این است که چون شیعیان، مطابق تجربه تاریخی حق، همواره در اقلیت هستند، از ابراز رفتارهای افراطی و تند و خشن در برابر جامعه غالب پرهیز کنند تا مبادا برای خود و یا جامعه شیعه گرفتاری و دردسر فراهم نسازند و در برابر تندی ها و اهانت ها، تا آنجا که ممکن است، با سعه صدر و اخلاق نیکو برخورد کنند؛ باشد که این اخلاقِ تقیه محور، ضمن دفع شرّ آنها، زمینه جذب فطرت های پاک را هم فراهم کند.

نمونه هایی از مدیریت امام رضا علیه السلام و آموزش زندگی در قالب تقیه حفاظتی

روزی امام با جمعی از شیعیانش در حال عبور از کوچه های مدینه بود که مردی که بر درِ مغازه اش نشسته بود، با طعنه و قصد جسارت گفت: این امامِ رافضه است. اصحاب امام ناراحت شدند و خواستند واکنش نشان دهند، ولی امام آنها را آرام کرد و فرمود: «او به زودی مؤمنی خالص خواهد شد.» پس همان شب مغازه او آتش گرفت و بخشی دیگر از اموالش را هم دزدها بردند. فردای آن روز، مرد که فهمیده بود این اتفاقات، نتیجه اسائه ادبش به امام است، نزد ایشان آمد و شیعه خالص شد. امام به شیعیانش فرمود: «ایمان او جز با این طریق تحصیل نمی شد».(۱)

احمد ابن حلال می گوید: مردی به نام اخرس در مکه بود که هر گاه امام به مکه می آمد و ایشان را می دید، شروع به بدگویی و هتّاکی می کرد. من چاقویی خریدم و به کمین او نشستم تا از مسجدالحرام بیرون بیاید و به او حمله کنم، ولی ناگهان نامه ای از امام به من رسید که قسمم داده بود آن کار را انجام ندهم.(۲)

۱- موسوعه، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲- موسوعه، ج ۱، ص ۳۲۲.

ص: ۲۱۹

ابی الحسن صائغ می گوید: عموی من در سفر امام رضا علیه السلام به خراسان، در بخشی از مسیر با ایشان همراه شد و وقتی برخورد رجاء ابن ضحّاک، فرماندهِ مأمون را با امام دید، از امام خواست او را بکشد؛ ولی امام اجازه نداد.(۱)

وقتی امام ساکن خراسان شد و ابراهیم ابن هشام عباسی، دچار انحراف شد و از سوی دربار مسئول خانه امام شد و او بدین بهانه، به امام اسائه ادب می کرد، ریان ابن صلت از امام اجازه قتل او را به صورت پنهانی خواست، ولی امام به شدت مخالفت کرد.(۲)

بر اساس همین زندگی تقیه محور است که امام در یک زمان شناسی روزآمد، هماهنگ با شدت و ضعف سیاسی و اجتماعی دستگاه خلافت، از شیعیانش می خواست در آغاز امامتش به مدت چهار سال با احتیاط به تبلیغ امامت آن حضرت بپردازند؛ ولی پس از برافتادن برمکیان و کم شدن تدریجی حساسیت های خلافت نسبت به امام، آن حضرت شیعیان خود را به ویژه در برابر جریان انحرافی واقفیه فعال ساخت.

امام، با توجه به جغرافیا شناسی حق و باطل، در مسئله نام گذاری فرزندان شیعیان، در جاهایی که لازم به تقیه نبود و یا می شد به شکلی کم رنگ آن را به جای آورد، بر انتخاب اسامی اهل بیتی برای فرزندان اصرار داشت؛ ولی در جایی که شیعه ای در تقیه شدید زندگی می کرد، موظف می شد حتی در نام گذاری فرزند خود نیز تقیه را رعایت کند.

خود وجود مبارک امام، در مرو ناچار بود در جمعه و جماعتِ مأمون شرکت کند (نماز به تقیه را به جا آورد)، ولی در طول سفر که مجال بیشتری داشت، نمازهای خود را مطابق فرهنگ اهل بیت علیهم السلام می گزارد و حتی در نیشابور، در مقابل علمای عامه، جهر در بسمله داشت.

۱- موسوعه، ج ۱، ص ۳۹۴.

۲- موسوعه، ج ۲، ص ۱۸۹.

ص: ۲۲۰

جلوه های تقیه جذبی در سیره امام رضا علیه السلام

جلوه های تقیه جذبی در سیره امام رضا علیه السلام

در این سال ها، که تدریجاً باطن سبک زندگی و مدیریت خلافت عباسی برای جوامع تحول خواه، به ویژه در ایران آشکار می شد و تجربه های تاریخی همراهی آنان با برخی مدعیان قیام و اصلاح گری به آنها جواب نداد، امام برنامه های ویژه ای برای توسعه تقیه جذبی در گستره های مستعد اجتماعی تدارک دید.

اسکان یاران برجسته در مناطق مستعد؛

برنامه ریزی برای مهاجرت تدریجی و گسترده علویان به عراق، و به ویژه به ایران؛

پذیرفتن سفر به خراسان و تلاش برای نمایش عملی و علمی گسترده سیره نبوی برای طبقات و گروه های اجتماعی گوناگون؛

پذیرش سفر به خراسان و فرصت سازی برای رفت وآمد آزادانه یاران برجسته اش به ایران و خراسان و حضور اجتماعی آنان.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

چیستی زندگی تقیه محور (تقیه حفاظتی)

سبک زندگی / اخلاقی

هر شیعه، ضمن رعایت مرزبندی هویتی در جامعه اسلامی، در متن زندگی اش باید در اوج رعایت اخلاق و احترام به حقوق مسلمانان باشد و نیز دارای جاذبه فردی برای مکتب اهل بیت علیه السلام باشد.

هدف تقیه

سیاسی / اجتماعی

سبک زندگی تقیه محور، به معنی حفظ اقلیت بر حق در بین اکثریتی است که با حق بیگانه اند و این تقیه، با ترک مناسکی که موجب حساسیت و موضع گیری علیه حق می شود، صورت می گیرد. این کار، یعنی غلبه جاذبه بر دافعه.

ص: ۲۲۱

سیاسی

زندگی تقیه محور، یعنی ندادن بهانه به دست دشمنان در وضعی که جامعه حق از همه سو تحت مراقبت و خطر هجوم است.

روش تقیه ورزی

اخلاقی

زندگی تقیه محور، یعنی داشتن سعه صدر و آستانه تحمل بالا در مواجهه با رفتارهای جاهلانه اجتماعی مسلمانان غیر شیعه.

تربیتی / اجتماعی

سبک زندگی تقیه محور، یعنی زمان شناسی و نسبت شناسی روزآمد جامعه حق و باطل و دقت در انتخاب های فردی، به گونه ای که احترام جبهه غیر شیعه را به دنبال داشته باشد.

چیستی تقیه نفوذی

مدیریتی

تقیه نفوذی، به معنی زمان شناسی و فرصت شناسی، با هدف شناسایی موقعیت های مناسب، برای منتشر شدن شیعیان و مؤمنان راستین در جامعه غیر شیعه و غیر ایمانی است. همچنین استفاده از فرصت های مناسب برای گسترش اخلاق مؤمنانه در جامعه، به صورت غیر مستقیم.

چگونگی تقیه نفوذی

مدیریتی / اجتماعی

تقیه نفوذی، به معنی شناسایی فرصت های تاریخی هجرت های اجتماعی و امکان نشر تدریجی و غیر مستقیم اخلاق و رفتار اهل بیتی در جوامع جدید است.

بازتاب های تاریخی تقیه نفوذی

تاریخی

هجرتِ گسترده علویان به ایران، از زمان امام رضا علیه السلام ، مهم ترین نقش را در گسترش تشیع در ایران داشته است.

۳/۶: امام و مدیریت اقتصادی جامعه شیعه

اشاره

۳/۶: امام و مدیریت اقتصادی جامعه شیعه

جامعه شیعه از دوران امامت امام کاظم علیه السلام ، قدرت اجتماعی و اقتصادی اش رو به فزونی گذاشت و از همین رو بود که برای مدیریت کلان این جامعه رو به گسترده تر

ص: ۲۲۲

شدن، از دوران امام صادق علیه السلام ، سازمان وکالت پی ریزی شد. یکی از وظایف مهم این سازمان، رسیدگی به حقوق شرعی اموال شیعیان بود و بر اساس این رسالت، وکلا وظیفه داشتند هر ساله؛ و ترجیحاً در ایام حج و در پوشش سفرهای زیارتی حج، وجوه شرعی و هدایای شیعیان را نزد امام بیاورند.

رخ دادن پدیده واقفی گری، که مهم ترین علت و عامل آن، انباشت اموال شیعیان نزد وکلا- بود، بیان گر رشد اقتصادی جامعه شیعه، با وجود تمامی محدودیت ها و فشارها بر آن است. این وضعیت نسبتاً مطلوب، نشان می دهد که رعایت سبک زندگی تقیه محور، در کنار رعایت اصول اخلاقی اسلامی، همانند صداقت و امانت داری، چنین وضع اقتصادی ای را پدید آورده بود.

با توجه به همین وضع نسبتاً مساعد بود که پس از به وجود آمدن مسئله واقفی گری و عزل خودبه خودی آنها و جای گزینی وکلای دیگر، به موازات رشد منفی آن جریان، مکتب امامت و تشیع، بدون اینکه از انحراف واقفی ها ضربه سنگین بخورد، با آرامش به حیات و استمرار و نشاط خود ادامه داد.

گزارش های تاریخی درباره مدیریت اقتصادی امام رضا علیه السلام را می توان به دو مرحله تقسیم کرد؛ یکی مرحله اقامت امام در مدینه است و دیگری، دوران اقامت ایشان در خراسان.

۳/۶/۱: مدیریت اقتصادی امام در دوران حضور در مدینه

۳/۶/۱: مدیریت اقتصادی امام در دوران حضور در مدینه

امام در آغاز امامت خود، با نامه نگاری به وکلای پدرش، از آنها خواست اموالی را که به مدت چهار سال، تدریجاً نزد خود جمع کرده اند، به ایشان تقدیم کنند؛ که در پاسخ به ایشان، غیر از سران واقفیه، سایر وکلا چنین کردند.

پس از ایجاد جریان واقفیه، امام رضا علیه السلام از شیعیان خواست که از هر گونه روابط اقتصادی و اجتماعی با آنها پرهیز کنند. امام همچنین در جاهایی مانند همدان و قم، که حضور وکیل لازم بود، وکلای خود را منصوب کرد و بدین گونه، در آغاز امامتش، نه تنها دچار هیچ گونه مشکل مالی نگردید، بلکه وقتی برادرش عباس، از ایشان به قاضی مدینه شکایت کرد و این شکایت، بیشتر جدا از بدهی هایش طمع به

ص: ۲۲۳

اموال امام بود، پس از این که در شکایتش ناکام ماند، امام تمام قرض های او و دیگر برادرانش را ادا کرد.(۱)

نمونه هایی از گزارش های تاریخی درباره مدیریت اقتصادی امام، که مربوط به حقوق و وجوه شرعی است، به این شرح است:

یکی از شیعیان (که احتمالاً از وکلا بوده) می گوید: اموال فراوانی از شیعیان را نزد امام بردم و تحویل ایشان دادم، ولی ندیدم امام از فراوانی آن اموال خوش حال شود و این، مایه شگفتی من شد. امام وقتی شگفتی مرا دید، ظرف آبی طلبید و شروع به شستن دستانش کرد. خوب که نگاه کردم، دیدم از میان دستان امام، طلا می ریزد! آن گاه امام فرمود: «هر کس این ها را دارد، آنچه از دنیا به او می رسد، برایش مهم نیست».(۲)

بارها شیعیان از امام می پرسیدند: اگر کسی شیعه باشد، ولی عقیده به تجسیم برای خداوند داشته باشد و یا معتقد به جبر باشد، آیا می شود به او زکات داد؟ و امام می فرمود: «به آنها زکات ندهید و شهادتشان را قبول نکنید». در خبری هم فرمود: «به کسی که مُحب و دوست دار اهل بیت علیهم السلام باشد، ولی شیعه نباشد، نمی توان زکات داد».(۳)

یکی از شیعیان تاجر در فارس، به امام نامه نوشت و درخواست کرد امام او را از دادن خمس معاف کند. امام به او توصیه کرد: اگر می خواهد شیعه باشد، باید خمس اموالش را بدهد و خود را با نپرداختن خمس، از دعای خیر ایشان محروم نسازد؛ چرا که پرداخت خمس، باعث گشایش رزق و محو گناهان و ذخیره آخرت خواهد بود.(۴)

از دیگر جلوه های مدیریتی امام در جامعه شیعه، مشاوره دادن اقتصادی - اخلاقی به آنها در زمینه کسب و کار است؛ مشاوره هایی که هدف نهایی آنها، حفظ شیعیان از ضرر و ورشکستگی و درماندگی از یک سو، و تلاش برای غرق نشدن آنها در دنیاگرایی، از

۱- موسوعه، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲- موسوعه، ج ۱، ص ۳۲۳.

۳- موسوعه، ج ۴، صص ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۹.

۴- موسوعه، ج ۶، ص ۳۱۰.

ص: ۲۲۴

سوی دیگر است. دو نمونه از گزارش های تاریخی که بیان گر مدیریت دوسویه امام در این زمینه است، چنین است:

ابومحمد مصری می گوید: از امام اجازه خواستم تا برای سفری تجاری از بغداد به مصر بروم. امام فرمود: «این سفر را فعلاً عقب بینداز و عجله نکن». او هم پذیرفت و تا دو سال صبر کرد. پس از دو سال، وقتی اجازه امام به او رسید، از بغداد راهی مصر شد. خروج او از بغداد، هم زمان با آغاز هرج ومرج در بغداد بود (احتمالاً مصادف با جنگ های امین و مأمون)، در نتیجه، ضرری در بغداد متوجه او نگردید و در مصر هم سود فراوانی کرد.(۱)

حسین ابن خالد صیرفی، که وضع خوبی داشت، نزد امام آمد و از وی مشورت گرفت تا برای تجارت به منطقه «اعوض» در اطراف مدینه برود. امام فرمود: «به وضع موجود قانع باش و نرو، چرا که به اندازه کفایت ثروت داری». او نپذیرفت و به آن سو رفت، اما دزدان به او حمله کردند و هر چه همراه داشت، بردند.(۲)

۳/۶/۲: مدیریت اقتصادی امام در خراسان

۳/۶/۲: مدیریت اقتصادی امام در خراسان

سفر اجباری امام به خراسان، که روی هم سه سال طول کشید، همانند زندان های چهار ساله امام کاظم علیه السلام ، موقتاً موجب دور افتادن امام از وکلایش در عراق و غرب ایران و دیگر مناطق شد. این اتفاق، باعث شد اموال شیعیان دیگر به امام نرسد و البته مدیریت امام در جریان واقفیه، از تبدیل شدن این حادثه به واقفیه ای جدید در سال های آتی جلوگیری کرد.

در خراسان، امام به مدت دو ماه از پذیرش خلافت و سپس ولایت عهدی پرهیز کرد تا اینکه وقتی تهدید به قتل شد، به ناچار آن را پذیرفت.(۳) پس از این اتفاق، مأمون ضمن اینکه سکه های جدیدی با طرح ولایت عهدی امام زد، برای امام مقرری ویژه ای

۱- زندگانی حضرت امام رضا۷، ترجمه بحار الأنوار، ص ۳۴.

۲- موسوعه، ج ۱، ص ۳۱۸.

۳- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۳۷.

ص: ۲۲۵

به مبلغ هزارهزار درهم قرار داد.(۱) سپس امام در منزلی مناسب و وسیع در کنار کاخ مأمون اسکان داده شد؛ منزلی که دری ویژه به قصر مأمون داشت تا مأمون هر گاه خواست، بتواند مستقیم نزد امام بیاید.

خبر این مقرری و مسکن، وقتی در جامعه منتشر شد، باعث اعتراض صوفیه خراسان گردید. آنها خیلی زود به دیدار امام آمدند و نسبت به این وضع، ابراز ناراحتی و مخالفت کردند؛ ولی امام با کمک آیات قرآنی و مقامی که حضرت یوسف در دربار فرعون پیدا کرد، پاسخ آنها را داد.(۲)

مسئله ولایت عهدی، در آغاز ماه مبارک رمضان سال ۲۰۱ ه . ق. رخ داد؛ از این زمان تا روز عرفه، سه ماه فاصله است و نوشته اند که امام تمامی اموال خود را در روز عرفه همان سال انفاق کرد؛ که باعث اعتراض شدید فضل ابن سهل به امام شد.(۳)

این اتفاق، در کنار نماز عیدی، (احتمالاً نماز عید فطر همان سال ۲۰۱ ه . ق.) که امام با سیمایی کاملاً زاهدانه و با لباس ها و ظاهری ساده از منزل برای نماز بیرون آمد، خیلی زود به جامعه خراسان، نشان داد که شخصیت امام، تفاوت بسیاری با شخصیت های دستگاه خلافت و یا دیگر دنیاپرستان دارد.

امام در دوران اقامت خود در مرو، به صورت محدود، با شیعیان ارتباط داشت و یارانی مانند ریان ابن صلت و ریان ابن شبیب نیز در دستگاه خلافت داشت که اموال شرعی و هدایای شیعه را به وی می رساندند و از مقرری خود نیز به صورت محدود استفاده می کرد. گزارش هایی که از هزینه کردِ اموال در این دوران ثبت شده، موارد زیر است:

امام هدایایی به ثناگویان مسئله ولایت عهدی و خصوصاً شعرا می داد؛ سرآمد این افراد، دعبل خزاعی است که وقتی اشعارش را برای امام خواند، با وجود مخالفت دعبل، ده هزار درهم از سکه های طرح ولایت عهدی و عبای خود را به او داد.(۴)

۱- موسوعه، ج ۲، ص ۳۰۵.

۲- موسوعه، ج ۳، ص ۱۰۶.

۳- موسوعه، ج ۲، ص ۲۰۸.

۴- الاغانی، ج ۱۸، ص ۲۹.(نرم افزار تراث : جامع منابع فرهنگ و ادب)

ص: ۲۲۶

امام در ماجرای احیای جشن عیـد غـدیر، هـدایایی به منازل شـیعیان شـهر فرسـتاد که شامل لباس و کفش و انگشتری و غذا به تعداد افراد هر خانه بود.(۱)

امام، محمد ابن عیسـی یقطینی را، به احتمال زیاد در سال ۲۰۱ و به احتمالی کمتر در سال ۲۰۲، به مدینه فرستاد تا چند مأموریت را انجـام دهـد که عبـارت بودنـد از: توزیع اموالی بین سـادات و نیازمنـدان مـدینه، گزاردن حـج از سوی ایشـان و طلاق دادن یکی از همسران ایشان و پرداختن سیصد درهم به عنوان مهریه.(۲)

از دیگر موارد مدیریت اقتصادی امام در خراسان، توجیه کردن شیعیان نسبت به اصل ضرورت پرداخت وجوه شرعی و بیان برخی از موارد مصرف و شروط آن است. نمونه هایی از این موارد:

جمعی از شـیعیان خراسان نزد امام جمع شدنـد و از ایشان تقاضا کردنـد که خمس ندهنـد، ولی امام با این تقاضا به شـدت مخالفت کرد و فرمود: «ندادن خمس به معنی خروج از موالات نسبت به امام و شیعه گری است».(۳)

عبدالسّلام ابن صالحِ هروی، درباره زکات دادن به معتقدانِ به جبر از امام پرسید و امام او را منع کرد.(۴)

سخن پایانی در مورد اخلاق و مدیریت اقتصادی امام

سخن پایانی در مورد اخلاق و مدیریت اقتصادی امام

روزی امام دیـد که غلامانش برای کمک به تعمیر منزل، مردی را به کار گرفته اند. از آنها درباره او و دست مزدش پرسـید. گفتند: روزمزد کار می کند. امام فرمود: دست مزد امروزش چه قدر است؟ گفتند: هیچ تعیین نکرده ایم و هر چه به او بدهیم، راضی است. امام به شدت ناراحت شد و با شـلاق به توبیخ غلامانش پرداخت. این رفتار امام، باعث پرسش یکی از یاران گردید. امام پاسخ داد: من بارهـا آنهـا را از این کـار (یعنی به کـار گرفتن افراد پیش از تعیین حقّ‌الزحمه آنها) منع کرده ام؛ ولی آنها این کار را تکرار می کنند!(۵)

۱- بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۱۱۲.

۲- سازمان وکالت، ج ۱، ص ۳۰۳.

۳- موسوعه، ج ۴، ص ۱۰۹.

۴- موسوعه، ج ۲، ص ۳۸۶.

۵- موسوعه، ج ۴، ص ۳۳۲.

ص: ۲۲۷

در سفارشی دیگر، امام غلامانش را از دور انداختن میوه نیم خورده منع کرده است.(۱)

از این دو روایت معلوم می گردد امـام دوست داشت غلامان و هر کس که به ایشان منسوب است، در حساب و کتابِ مالی با مردم، ضمن رعایت حقوق متقابل، اصل صداقت و شفافیت را رعایت کنند و از استثمار و یا کم گذاشتن و یا سوءاستفاده از اضطرار و نیاز دیگران پرهیز کنند و در استفاده از نعمت ها هم مراقب اسراف باشند.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

وضعیت اقتصادی جامعه شیعه

اقتصادی

بـا توجه به سـفارش امامـان به فرهنـگ کار و تلاش، در کنار رعایت سـبک زنـدگی تقیه محور، که کارکردش، حضور اجتماعی و اقتصـادی گسترده شـیعیان است، جـامعه شـیعه بـا وجود تحمـل محرومیت هـای سیاسـی و حکومتی، به رشـد، اسـتقلال و شـکوفایی اقتصادی رسید.

قدرت اقتصادی

قـدرت اقتصـادی جـامعه شـیعه در آغـاز امـامت امام رضا علیه السـلام تا بـدان حـد بود که با وجود انحراف و ریزش وکلای مهم و تأثیرگذار ایشان در عراق و مصر، امام هیچ گاه در مدیریت اجتماعی خود، دچار بحران اقتصادی نشد.

اقتصاد، عامل اصلی انحراف واقفیه

اخلاق اقتصادی

انباشت اموال عمومی نزد وکلای امام کاظم علیه السلام و نداشتن سلامت اخلاقی، مهم ترین عامل پیدایش واقفیه بود.

مدیریتی / تاریخی

ماجرای انحراف واقفیه نشان داد که سازمان وکلا، برای مدیریت اقتصادی و گردش های مالی کلان، به بلوغ کامل نرسیده است.

۱- موسوعه، ج ۴، ص ۳۶۰.

ص: ۲۲۸

کارکردهای اقتصادی سازمان وکالت

مدیریتی

ایجاد نظام وکالت با هدف مدیریت اقتصادی وجوه شرعی، تنها نظام اقتصادی جهان اسلام بود که رقیب نظام اقتصادی رسمی خلافت بود.

بازتاب های استقلال اقتصادی شیعه

اجتماعی

استقلال اقتصادی جامعه شیعه، در مقایسه با نیازِ اقتصادی فراگیر علمای عامه، باعث شد که برخلاف علمای عامّه، که به سبب مسائل اقتصادی و معیشتی، به همکاری گسترده با خلافت روی آورده بودند، علمای شیعه همواره دارای استقلال سیاسی و اجتماعی باشند.

سبک زندگی اقتصادی شیعه

فقه اقتصادی

امام بارها در برابر کسانی که به دنبال دینِ بدون اقتصاد بودند، تشیع را مکتبی جامع و فراگیر، حتی در حوزه اقتصاد معرفی می کرد.

سبک زندگی شیعی از منظر اقتصادی

امام در مواجهه با جریان صوفیه تلاش داشت در مقام تعریف سبک زندگی شیعی، آن را با اقتصاد و معیشت دینی پیوند بزند و همراه با پیشرفت های زمانه، تعریفی روزآمد از زندگی شیعی بکند. از سوی دیگر نیز با نمایش سیره نبوی، با پرهیز از تجمل گرایی، تعریفی جامع از زهد به جامعه عرضه می کرد.

اقتصاد معنوی

امام در مقام فرهنگ سازی و احیای مناسبت های دینی – تاریخی، به شیعیان توصیه می کرد با هزینه کردهای اقتصادی مناسب، به حفظ و توسعه شعائر دینی (جشن و سوگواری) در جامعه شیعی یاری برسانند.

معیار هزینه کردِ وجوه شرعی

امام به هنگام هزینه کردن وجوه شرعی، بر اصل سلامت دینی افرادی که وجوه شرعی خرجشان می شد، تأکید می کرد تا اموال شرعی شیعه، فقط در مسیر تقویت حق، هزینه شود.

ص: ۲۲۹

مشاوره های غیبی امام برای بازرگانان شیعه

در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام ، از امدادهای غیبی می توان برای کسب و کار دنیوی بهره مند شد؛ به شرطی که اصول دینی و اخلاق اقتصادی و حرفه ای زیربنای تجارت و تلاش قرار بگیرند.

هشدار های اقتصادی

امام در عقد قراردادهای اقتصادی، بر شفافیت، صداقت و رعایت حقوق متقابل و رعایت عدالت تأکید ویژه داشت.

هشدارهای اخلاقی امام درباره بهره مندی از نعمت ها

امام در مقام بهره وری از نعمت ها، بر پرهیز از افراط و تفریط و رعایت اعتدال و انصاف و بهره مندی کامل از نعمت ها (و پرهیز از اسراف) تأکید داشت.

ص: ۲۳۰

ص: ۲۳۱

فصل چهارم: فصل ویژه مسئله ولایت عهدی

اشاره

فصل چهارم: فصل ویژه مسئله ولایت عهدی

ص: ۲۳۲

ص: ۲۳۳

مسئله ولایت عهدی امام رضا علیه السلام ، برای مأمون عباسی، هفتمین خلیفه عباسیان، یکی از مسائل بسیار حساس تاریخی از دیدگاه سیاسی و کلامی است. شاید از منظر تقابل تاریخی حق و باطل و تقابل های امامان شیعه با خلفای اموی و عباسی، بتوان ادعا کرد این مسئله، یکی از پیچیده ترین و دشوارترین نقاط درگیری رأس هرم حق و باطل است.

بر اساس روایات منابع شیعی، یکی از برجسته ترین القاب امام رضا علیه السلام ، «عالم آل محمد» است و از سوی دیگر، در روایتی منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام که در توصیف خلفای عباسی است، درباره مأمون گفته شده: «سابعهم اعلمهم»،(۱) یعنی هفتمین خلیفه عباسی، دانش مندترین آنهاست. این توصیف امام علی علیه السلام از مأمون را، غالباً با گرایش های معتزلی و روحیه و پیشینه و شخصیت علمی مأمون تطبیق داده و این بعد شخصیتی او را کمتر در مسئله ولایت عهدی به تصویر کشیده اند.

در این فصل، تلاش می شود به طور موجز، به تحلیل مسئله ولایت عهدی پرداخته شود و شدت تقابل حق و باطل و شکست ها و پیروزی های هر یک، در انتها به تصویر کشیده شود.

مباحث این فصل در زیرمجموعه های زیر آورده می شود:

الف: مسئله ولایت عهدی، چرایی و چیستی؛

ب: گاه شمار سفر به خراسان و نتایج آن؛

ج: گاه شمار اقامت امام در خراسان و بازتاب های آن؛

د: امام و مدیریت بحران ولایت عهدی و دست آوردهای آن برای توسعه جغرافیای تشیع؛

ه : امام و مسئله وصایت امام جواد علیه السلام .

۱- مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۷۶.

ص: ۲۳۴

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

بررسی تطبیقی سیاست های ضد اهل بیتی امویان و عباسیان

سیاسی / مدیریتی

در دوران خلافت اموی، بـا توجه به دیکتاتوری و خفقان اجتماعی آنها در حکومت، مهم ترین سـیاست علیه امامان، محاصـره آنان در مـدینه بود، سـیاستی که در اواخر خلافت آنهـا ناکام مانـد؛ ولی در دوره عباسـیان، با توجه به تحولات اجتماعی، آنها در نهایت نتوانستند به سیاستی واحد علیه امامان شیعه برسند.

درماندگی و آشفتگی مدیریتی عباسیان در برابر امامان

ادوار شناسی

سیاست های ضد اهل بیتی عباسیان، بر اساس میزان درایت خلفا و اقتدار خلافت در هر دوره، متغیر بود.

عمق خشونت سیاسی عباسیان

امنیتی

امامان شیعه در دوران خلافت عباسی، در مواجهه با خلفای عباسی بسیار تهدید به قتل می شدند.

ولایت عهدی به مثابه پیشرفته ترین روش مبارزه

مدیریتی

ماجرای ولایت عهدی امام رضا علیه السلام ، در میان تقابلات خلفا و امامان، پیچیده ترین، عالمانه ترین و هوش مندانه ترین طرح و برنامه اجرایی و طراحی نرم افزاری در تاریخ خلافت علیه امامت است.

اهدافی که از ولایت عهدی دنبال می شد

سیاسی / مدیریتی

مأمون در ماجرای ولایت عهـدی، سـعی کرد تمام روش های قبلی خلفا را، همراه با ابتکارات ویژه خود به اجرا بگـذارد تا امام رضـا علیه السـلام را از تمـام ابعادی که تصوّرش می رود، در محاصـره و مخمصه قرار دهـد و در نهایت، با بی اعتبار ساختن نظام امامت، جامعه شیعه را از درون به فروپاشی بکشاند.

ص: ۲۳۵

الف) مسئله ولایت عهدی، چرایی و چیستی

اشاره

الف) مسئله ولایت عهدی، چرایی و چیستی

زیر فصل ها

الف۱: نگاهی کلی به سیاست خلفای بنی عباس در برابر امامان شیعه

الف۱: نگاهی کلی به سیاست خلفای بنی عباس در برابر امامان شیعه

خلافت بنی عباس پس از پیدایش در سال ۱۳۲ ه . ق. مهم ترین چالش و خطر فکری، اجتماعی و سیاسی مستمرش را از سوی خط امامت شیعی می دید؛ چرا که جریان امامت شیعه، با مبنای شرعی و علمی خود، تمام مبانی مشروعیتِ این خلافت را زیر سؤال می برد و برخلاف زیدیه، که هر چند وقت یک بار، دست به قیام مسلحانه می زد و برای مدتی سرکوب می شد، جریان امامت، روندی پویا و رو به گسترش داشت.

از همین رو، یکی از برنامه های مستمر خلافت عباسی، در امتداد امویان، رویارویی مستمر با امامان شیعه بود؛ البته تفاوت سیاست کلی عباسیان با امویان این است که سیاست امویان، محاصره سیاسی - اجتماعی امامان در مدینه، همراه با اجرای سیاست قلع و قمع شیعیان در عراق بود؛ ولی در زمان عباسیان، با توجه به پیشرفت های اجتماعی تشیع در زمان درگیری های اموی - عباسی، دیگر امکان محاصره سیاسی - اجتماعی - اقتصادی جامعه شیعه فراهم نبود و تنها راه ضربه زدن هم زمان به امام و جامعه شیعه، فاصله افکندن بین آنها از طریق اِعمال برنامه های ویژه نسبت به امامان بود.

جدول کلی این برنامه ها چنین است:

امامان شیعه

خلفای عباسی

نوع مواجهه و تقابل

امام صادق علیه السلام

سفّاح و منصور عباسی

سیاست احضار های مکرر امام به کوفه و تهدیـد های پیاپی به قتل رساندن ایشان، در کنار انتخاب والیانی ویژه برای مدینه به منظور محدودسازی روابط اجتماعی امام.

امام کاظم علیه السلام

منصور، هادی، هارون

پس از ناکـامی سـیاست احضار ها و تهدیـد به قتل ها و یا مراقبت ها و کنترل ها در مـدینه، در نهایت، برنامه زنـدانی کردن طولانی مدت (چهار سال) امام، آن هم در شهری غیر از مدینه (بصره و بغداد) به اجرا گذاشته شد.

امام رضا علیه السلام

هارون، امین، مأمون

انتخاب والیانِ دشـمن اهل بیت (از آل زبیر) برای مدینه و در نهایت، اجرای طرح اسـتثنایی ولایت عهدی جهت خلع سـلاح فکری و اجتماعی امام.

ص: ۲۳۶

امام جواد علیه السلام

مأمون، معتصم

ازدواج تحمیلی برای مهار امام از داخل منزلش و اقامت های طولانی مدت ایشان در بغداد.

امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام

معتصم، واثق، متوکل

طرح تبعید همیشگی امامان به سامرا، پایتخت نظامی عباسیان، برای مراقبت و محدودسازی پیوسته ارتباط امامان با جامعه شیعه و جلوگیری از تولّد امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف .

همان گونه که بر اساس جدول بالا مشخص می شود، برنامه عباسیان تا زمان خلافت مأمون، به گونه ای، تلاش برای ضربه زدن به تشیع و جامعه شیعه از مسیر مواجهه با امامان شیعه است؛ ولی وقتی مأمون به خلافت رسید و اتفاقاً آغاز خلافت او نیز هم زمان با گسترده ترین و خطرناک ترین قیام های یک پارچه و هماهنگ زیدی ها در جغرافیایی به گستردگی عراق تا یمن است، او متوجه شد که دیگر سیاست حذفی جواب نمی دهد؛ از این رو، برای مهار و همراه ساختنِ هم زمان زیدی ها و شیعیانِ امامی، تلاش کرد برنامه عجیب و استثنایی پیشنهاد خلافت و یا ولایت عهدی را به امام رضا علیه السلام عرضه کند و آن گاه که این پیشنهاد و طرح، با درایت و مدیریت هوش مندانه امام رضا علیه السلام ، به تجربه تلخی برای مأمون تبدیل شد، او امام رضا علیه السلام را به شهادت رساند و به عراق رفت.

مأمون بعد از شهادت امام رضا علیه السلام ، با تصور ناقصی که از کودکی امام جواد علیه السلام داشت، سعی کرد، این بار با ازدواج تحمیلی اُمّ فضل (دخترش و بنا به نقلی خواهرش) با امام جواد، دست کم به دو هدف مهم برسد: از یک سو، مراقبت شبانه روزی امام از داخل منزلش و از سوی دیگر، تلاش برای شراکت در نسل امامت و ایجاد امامانی شیعی که تباری عباسی هم دارند.

با توجه به این که تعداد امامان در روایات، دوازده نفر پیش بینی شده بود، زمان تولد امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ، به شدت نزدیک بود و این طرح که تلاش شود آن موعود، تباری عباسی هم داشته باشد تا شاید موعودیت او در مسیر اهداف عباسیان و خلافت آنها باشد، بسیار مغتنم بود؛ ولی این طرح هم همانند طرح ولایت عهدی، با امدادهای غیبی و درایت امام جواد علیه السلام ناکام ماند. در این هنگام بود که خلافت عباسی در برابر خط امامت، و به ویژه خطر تولد امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ، چاره ای جز انتقال و کنترل و مراقبت

ص: ۲۳۷

شبانه روزی امامان، از کودکی تا لحظه شـهادت، نداشت. از همین رو، امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام برای همیشه به سامرا منتقل شدند و همه شیوه های مراقبت و جاسوسی را بر آنها اعمال کردند.

الف۲: چرایی اجرای طرح ولایت عهدی مأمون

الف۲: چرایی اجرای طرح ولایت عهدی مأمون

پرسشـی که از قـدیم مطرح بوده این است که مسـئله ولاـیت عهـدی، طرح و نقشه مـأمون بوده است یـا فضل ابن سـهل، وزیر ایرانی او؟(۱) البته امروزه، پس از پژوهش های متعـدد و تألیف آثار متنوع، دیگر در انتساب طراحی این نقشه به مأمون شـکی باقی نمانـده است؛ چرا که مـأمون در وضـعی به خلافت رسـید که تمام عوامل علیه او بود. مرگ ناگهانی هارون در وضـعی رخ داد که خراسان در آشوب و شورش بود و اکـثر لشـکریان هـارون نیز به امین، برادر مـأمون پیوسـتند. از سویی دیگر، ذخـایر مـالی فراوانی در خزینه حکومتی بغـداد برای امین وجود داشت؛ در حـالی که مـأمون در خراسـانِ بحران زده، منـابع مالی کافی نـداشت. بـدتر از همه اینکه مأمون محبوبیتی همانند امین در میان عباسـیان نداشت، چرا که مادرش کنیز و ایرانی بود و از این رو، مورد تنفر و بی مهری عباسیان بود.

همه این عوامـل بـاعث شـده بود که دست یـابی به خلاـفت برای مـأمون، محـال به نظر برسـد؛ ولی وقتی که بـا سـیاست بـازی های وزیرش، فضـل ابن سـهل، در نهایت توانست آشوب های خراسان را با مـذاکره آرام کنـد و با لشـکر کوچک خود امین را شکسـت دهد، ناگهان خود را بین دو محذور دید. از یک سو، ناگهان قیام های زیدی – علوی، مرکز جهان اسـلام را به صورت گسترده ای فراگرفت و از سوی دیگر، بر اساس تجربه رابطه پدرش با برمکیان، احساس می کرد ایرانیان در دسـتگاه سیاسی و نظامی او در حال قدرت گیری مجدّد هسـتند و در آینده، خطری جدی برای او خواهند بود؛ همان گونه که فضل ابن سـهل، پس از کشته شدن امین، حسن ابن سهل، برادرش را والی کل عراق کرده بود.

در این میان، جریان تشیع و امام رضا علیه السلام هم، که در فرصت درگیری مأمون و امین،

۱- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۶۶.

ص: ۲۳۸

رو به توسعه گذاشته بود، خطری عمیق تر بود. در این اوضاع، اگر چه مأمون بر امین پیروز شده بود و عنوان خلافت را یدک می کشید، ولی عملاً جریان های معارض و مخالفِ گوناگونی را در برابر خود می دید که تا آنها در اوج اقتدار بودند، عنوان خلافت برای او تبدیل به چیزی می شد که تقریباً صد سال بعد رخ داد؛ یعنی عنوان خلافت برای خلفا، عنوانی تشریفاتی و اسمی بود و کارها در دست وزرا و یا نظامیان بود!

از همین رو، مأمون از آنجا که در دوران پدر، تربیت شده برمکیان و استادان گوناگون علوم دینی و سیاسی بود و با هوش و ذکاوت خود، درس های سیاسی فراوانی هم از هارون آموخته بود، سعی کرد با خطرپذیری بی سابقه و بی نظیر و ایجاد بحرانی خودساخته و مدیریت شده، بر دیگر بحران ها و جریان های رقیبِ داخلی و پنهان و آشکار غلبه کند. این بحران خودساخته و مدیریت شده چیزی نبود جز پیشنهاد خلافت یا ولایت عهدی تشریفاتی به امام رضا علیه السلام ، که مهم ترین، محبوب ترین و معنوی ترین شخصیتِ جهان اسلام و رقیب تاریخی امویان و عباسیان بود؛ کسی که در کنار شیعیان، در میان زیدیه و بخش هایی از جامعه اسلامی، دارای نفوذ و تأثیر و محبوبیت فراوانی بود.

با پذیرش پیشنهاد مأمون، امام ناچار می شد مشروعیت تاریخی خودش را به خلافت مأمون منتقل کند و آن گاه او نیز به عنوان واکنش خلافت در مقابل واکنش هایی که جریان های رقیب علیه این انتخاب انجام می دادند، به نوبت و با روش های گوناگونِ پنهان و آشکار، به حذف عوامل مزاحمِ رقیب خود می پرداخت.

بهترین شاهد این ادعا، قتل های سیاسی مأمون، در پنج سال اول خلافت اوست، که دوران آشفتگی و بحران خلافت او نیز هست. کثرت و اهمیت این قتل ها، در مقایسه با پانزده سال بعدِ خلافت او، که دوران ثبات و آرامش خلافتش است، نشان می دهد که مأمون برای انتقال از ولایت عهدی به خلافت، چه مسیر پرخطر و پرخونی را طی کرده است!

آمار قتل های سیاسی مأمون

سال

رویداد

۱۹۸ ه . ق.

قتل محمد امین

۲۰۰ ه . ق.

قتل فرماندهِ کلّ لشکریانش، هرثمه ابن اعین

ص: ۲۳۹

۲۰۱ ه . ق. رمضان

زندانی کردن فرماندهان برجسته لشکرش که مخالف ولایت عهدی امام رضا علیه السلام بودند. آنها چند ماه بعد در آستانه ترک مرو کشته شدند.

۲۰۲ ه . ق. رمضان

قتل فضل ابن سهل، وزیر برجسته اش در حمام سرخس و سپس قتل چهار قاتل او، که مأموران و سربازان ویژه خود مأمون بودند.

۲۰۳ ه . ق. صفر

شهادت امام رضا علیه السلام در توس با مسموم کردن ایشان.

۲۰۳ ه . ق.

مسمومیت و قتل محمد ابن جعفر الصّادق از رهبران زیدیه، که با مأمون همراه شده بود، در شهر جرجان، دو ماه پس از شهادت امام رضا علیه السلام .

این قتل های سیاسی در حالی صورت گرفتند که مأمون، بعد ها دو تن از رقبای مهم خود را که وابسته به جریان سنّتی بنی عباس بودند، با وجود تمام فتنه افروزی هایشان علیه مأمون، عفو کرد. این دو نفر، فضل ابن ربیع و ابراهیم ابن مهدی ابن شکله عباسی بودند. فضل، آخرین وزیر هارون و وزیر امین و عامل اصلی تشویق او به جنگ با مأمون بود که بعد از قتل امین متواری شد و پس از ورود مأمون به بغداد، بخشیده شد. ابراهیم ابن مهدی ابن شکله عباسی هم کسی بود که در دوران ولایت عهدی امام رضا علیه السلام ، در اعتراض به این ولایت عهدی، با کمک عباسیان بغداد مدعی خلافت شد و به مدت دو سال خلافتی خودخوانده را در بغداد و مناطق اطراف آن تشکیل داد و در نهایت از لشکریان مأمون شکست خورد و متواری شد.

سخن آخر اینکه: دست آورد ماجرای ولایت عهدی برای مأمون، خلع سلاح و آرام ساختن جریان های زیدیه و حتی شریک کردن موقت و جزئی برخی از علویان در برخی از پست های سیاسی بود. در حقیقت مأمون، با ماجرای ولایت عهدی، موفق به فریفتن زیدی ها شد، به گونه ای که دربار او، کانون رهبران شکست خورده زیدیه، همانند محمد ابن جعفر الصّادق علیه السلام و زید ابن موسی الکاظم علیه السلام (زیدالنّار) شده بود. عباس ابن امام کاظم علیه السلام هم، امارت کوفه را پذیرفت. اسحاق ابن امام کاظم علیه السلام که مراسم ازدواجش هم زمان با مراسم ولایت عهدی در مرو برگزار شده بود، در همان سال ۲۰۱ ه . ق. از طرف مأمون امیرالحاج بود و پس از آن هم مأموریتی در یمن یافت.

از سوی دیگر، ماجرای ولایت عهدی، باعث به حاشیه رفتن تدریجی فضل ابن سهل و تضعیف جایگاه او شد و به موازات آشکار شدن حسادت ها و سوء تدبیرهای او، بهانه ها برای حذف فیزیکی او به دست مأمون به تدریج فراهم می شد.

ص: ۲۴۰

مأمون همچنین به گونه ای با ولیّ عهد کردن امام رضا علیه السلام ، که مورد نفرت عباسیان بود، انتقام تاریخی خود را از عباسیانِ بغداد گرفت و به تحقیر آنها پرداخت تا آنها ناچار به پذیرش او و خواسته هایش شوند.

از سوی دیگر، مأمون چون نگاهی روشن فکرانه داشت، قصد اجرای سیاست های فرهنگی و تعدیل اندیشه های دستگاه فکری اهل سنّت (البته با کمک معتزله) را هم داشت. بنابراین، با ولیّ عهد کردن امام رضا علیه السلام و تقویت ظاهری و موقت اندیشه های اهل بیتی، در واقع به بسترسازی و فرصت سازی برای مراحل آتی برنامه های فرهنگی خود پرداخت.

آخرین دست آورد نقشه مأمون، ضربه زدن غیر مستقیم به شخصیت و مدیریت امام رضا علیه السلام است. ضربه به شخصیت امام، به این شکل که ایشان را تبدیل به یکی از مهره های حکومت عباسی می ساخت؛ و ضربه به مدیریت امام، به این صورت که امام را از مدینه و عراق به شدت دور می کرد و بین امام و جامعه شیعه، فاصله مکانی شدیدی ایجاد می کرد و بدین شکل، در میان شیعیان، بحران فکری جدیدی ایجاد می شد.

مأمون در تمامی نقشه ها و تفکرات خود موفق شد، به جز در مورد اخیر، که با درایت امام ناکام ماند؛ چرا که نه تنها شخصیت و مدیریت امام دچار مشکل نشد، بلکه این بحران و چالش مهم در تاریخ امامت را تبدیل به فرصتی تاریخی برای گسترش تشیع کرد.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

پیش زمینه های طرح ولایت عهدی

سیاسی / اجتماعی

بحران های فراگیر و وجود مدعیان آشکار و پنهان در برابر مأمون، او را به چاره اندیشی و طراحی مسئله ولایت عهدی برای گذر از بحران های موجود کشاند.

ص: ۲۴۱

کارکرد های ولایت عهدی برای مأمون

سیاسی

مسئله ولایت عهدی، بحرانی خودساخته و مدیریت شده از بالا بود برای برطرف کردن بحران های سیاسی و اجتماعی در جامعه.

قتل های سیاسی مأمون

سیاسی / مدیریتی

گستردگی و تنوع قتل های سیاسی مأمون در میان شخصیت های برجسته سیاسی و نظامی و مذهبی، نشان گر تلاش او برای به دست آوردن عنوانِ مقتدرترین خلیفه و خلافت عباسی است.

موانع پیش روی طرح ولایت عهدی

مدیریتی

در ماجرای پیچیده ولایت عهدی، تنها مانع در برابر مأمون؛ آگاهی، درایت، تدبیر و مدیریت معصومانه امام بود.

بازتاب تاریخی ولایت عهدی برای مأمون

سیاسی

اجرای طرح هر چند ناقصِ ولایت عهدی، (به علت مقاومت های منفی امام)، باعث سرکوبی و حذف تدریجی تمام رقیبان مأمون و بسترسازی برای رسیدن وی به خلافتی مقتدر بر اساس طرح ها و ایدئال های خودش بود. (خلافتی همراه با اندیشه های کلامی معتزله گرا)

بازتاب تاریخی ولایت عهدی برای امام رضا علیه السلام

مدیریتی / اجتماعی / تاریخی

امام در مواجهه با ولایت عهدی، در اولین گام، به گونه ای عمل کرد که سلامت نظام امامت و جامعه شیعه حفظ شود و آن گاه که مأمون مشغول تقویت بنیان های خلافت خود بود، امام حضور تاریخی اش در خراسان را تبدیل به بزرگ ترین فرصت تاریخی برای گسترش جغرافیای تشیع قرار داد.

ب) گاه شمار و جغرافیای سفر امام از مدینه به خراسان

اشاره

ب) گاه شمار و جغرافیای سفر امام از مدینه به خراسان

مأمون پس از سرکوبی قیام ابوالسرایا و اکثر قیام های زیدیه، تا اوایل سال ۲۰۰ ه . ق. بدون اینکه به سرکوبی کامل زیدی ها بپردازد، خلافت را به امام رضا علیه السلام پیشنهاد کرد و در این باره، دو ماه با امام نامه نگاری کرد، ولی امام با این پیشنهاد مخالف بود.

در نهایت، مأمون با اعزام لشکری کوچک، به فرماندهی رجاء ابن ضحاک، امام را

ص: ۲۴۲

به مرو آورد. مسیر حرکت، از مدینه به بصره و از آنجا، از مسیر اهواز و ناس به مرو بود. مسیر به نحوی انتخاب شده بود که از مناطق شیعه نشین دور باشد و در عین حال، امام خیلی هم معطل نشود. این سفر در تابستان و پاییز سال ۱۹۵ ه . ش. مصادف با پایان سال ۲۰۰ ه . ق. و آغاز سال ۲۰۱ ه . ق. انجام شد.

برای دیدن عکس به فایل پی دی اف مراجعه کنید

جدول گاه شمار تفصیلی سفر امام رضا علیه السلام از مدینه به مرو

سال

رویدادها

۲۰۰ ه . ق.

شعبان / رمضان

نامه نگاری دوماهه مأمون به امام، برای راضی کردن ایشان در پذیرش خلافت یا ولایت عهدی و سر باز زدن امام از پذیرش این پیشنهاد.

۲۰۰ ه . ق.

۱۵ شوّال

اعزام رجاء ابن ضحاک به همراه لشکری کوچک برای آوردن امام از مدینه به مرو، به دستور مأمون.

۲۰۰ ه . ق.

۲۵ ذی القعده

خروج امام از مدینه و آغاز سفر (هم زمان با اوایل تیرماه سال ۱۹۵ ه . ش.).

ص: ۲۴۳

۲۰۰ — ۲۰۱ ه . ق. (تابستان)

امام در منزل نبّاجی، در نزدیکی بصره منزل می کند. ابوحبیب نبّاجی، پیش از ورود امام، در رؤیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دیده بود که برای دیدار امام به آنجا آمده است. در مدت حضور امام در آن منزل، نبّاجی می بیند که سیما و رفتار های او همانند پیامبر است.

در بصره نیز ابوعلوان نامی، در رؤیا می بیند که پیامبر به بصره آمده است. کمی بعد امام رضا علیه السلام وارد شهر شد و سیما و رفتارش، از نگاه ابوعلوان شبیه پیامبر بود.

ورود به اهواز و بیماری امام و اقامتی چندروزه در این شهر که همراه با دیدار با ابوهاشم جعفری شیعه است.

ورود امام به نیشابور (احتمالاً در اواخر تابستان) و اقامت ایشان در این شهر.

ورود امام به توس و اقامت چندروزه در آنجا و مشخص کردن مزار خود در کنار قبر هارون. امام همچنین روزی در تشیع جنازه ای شرکت کرد و فرمود: او از شیعیان ما بود.

۲۰۱ ه . ق. ۱۰ جمادی الثّانی

ورود امام رضا علیه السلام به شهر مرو. (اوایل دی ماه ۱۹۵ ه . ش.)

۲۰۱ ه . ق.

از جمادی الثّانی

تا شعبان

آغاز دوران مذاکرات طولانی همراه با فشارهای همه جانبه به امام برای تحمیل پذیرش خواسته های مأمون و مقاومت طولانی امام. مأمون سرانجام با حربه تهدید به قتل، امام را مجبور کرد. امام ولایت عهدی را به صورت مشروط پذیرفت.

۲۰۱ ه . ق.

۱ تا ۵ رمضان

امام ولایت عهدی را در اول ماه رمضان پذیرفت، ولی اعلام رسمی آن در پنجم ماه صورت گرفت.

۲۰۱ ه . ق.

۷ رمضان

بیعت گیری عمومی از مردم برای ولایت عهدی امام رضا علیه السلام .

با توجه به جدول گاه شمار فوق، مدت زمان سفر گروه نظامی اعزامی از مرو به مدینه، در حدود ۴۰ روز (۳۵ تا ۳۹ روز) است، ولی مدت سفر امام از مدینه تا مرو، از ۲۵ ذی القعده سال ۲۰۰ ه . ق. تا ۱۰ جمادی الثّانی سال ۲۰۱ ه . ق. حدود ۵/۶ ماه طول

ص: ۲۴۴

می کشد. این در حالی است که به دستور مأمون، گروه اعزامی می بایست امام را از کوتاه ترین مسیرِ غیر شیعی به مرو می آوردند. یعنی آنها باید مسیر مدینه، بصره، اهواز، فارس، نیشابور و مرو را طی می کردند. این مسیر، بنا بر آنچه در متون جغرافیایی تاریخی آمده، در شرایط طبیعی، شصت منزل (و نهایتاً نود منزل) راه بوده است؛ یعنی اگر این مسیر، با کمی عجله طی می شد، سی و چند روز طول می کشید و به طور معمول، دو ماه و در طولانی ترین شکل، سه ماه.(۱) با این حال، سفر امام دست کم، حدود سه ماه زمان اضافی دارد؛ با وجودی که در منابع تاریخی، جز اقامتی چند روزه در اهواز و توس گزارش دیگری از اقامت طولانی مدت امام در شهرهای مسیر سفرشان ثبت نشده است. در برخی منابع متأخّر، گزارشی از زندانی شدن امام در شهر سرخس وجود دارد که این، بیشتر ناشی از خلط مسیرهای رفت وبرگشت امام است؛(۲) چرا که مأمون در مسیر بازگشت به عراق، چند ماه در سرخس اقامت کرد تا نقشه قتل فضل ابن سهل را در حمام شهر عملی کند و پس از آن هم، بر تبعات و اعتراض های ناشی از آن غلبه کند. در همین زمان بود که امام را هم مدتی زندانی ساخت، ولی خیلی زود ایشان را آزاد کرد. به همین علت، این زمان طولانی اضافی، ربطی به ماجراهای آتی سرخس ندارد.

به نظر می رسد تنها جایی که می توانسته این زمان اضافی سه تا چهار ماهه در آن سپری شده باشد، شهر نیشابور است؛ چرا که طبق گزارش اکثر منابع، امام در آن شهر، در منزل بانویی نیشابوری به نام «بسنده» اقامت گزید و ماجراهای متعددی برای ایشان در این شهر گزارش شده است. بنا بر برخی گزارش ها، امام بین دو تا چهار ماه در نیشابور اقامت داشته است.(۳)

عجیب است که از این اقامت طولانی امام، گزارشی در منابع تاریخی نیامده است؛ با این که مأمون، طبیعتاً برای تحمیل خواسته خود به امام، برای رسیدن به اهدافش، عجله هم

۱- در این زمینه، ر.ک: جلیل عرفان منش، جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا۷ از مدینه تا مرو، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

۲- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۴.

۳- احمد ابن محمّد ابن حسن خلیفه نیشابوری، صاحب تاریخ نیشابور، ورود امام به نیشابور را در سال ۲۰۰ ه . ق. نوشته است. (صص ۱۱۷ — ۱۲۵) با این حساب، ورود امام به نیشابور، در آخرین روزهای سال ۲۰۰ ه . ق. بوده و تا رفتن به مرو، می توانسته ۴ تا ۵ ماه ساکن نیشابور باشد. (به نقل از: جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا۷ از مدینه تا مرو، ص ۱۳۲).

ص: ۲۴۵

داشته است. تنها علتی که می توان برای این اقامت چند ماهه ذکر کرد، این است که شاید چون نیشابور، بزرگ ترین شهر خراسان و مرکز تجمع علمای عامه حنفی و حدیثی در خراسان بود، با توجه به سیاست مناظراتی که مأمون بعدها بین امام و علمای ادیان و مذاهب راه اندازی کرد تا امام را از نظر علمی زیر سؤال ببرد، هدف این اقامت امام هم، برآوردِ بازتاب حضور ایشان در یک شهر آکنده از علمای عامه باشد.

با توجه به این اتفاق است که گزارش شده امام در نیشابور، در همه نمازهای واجب خود، جهر به بسمله داشت.(۱) این بدین معنی است که امام رضا علیه السلام متوجه بود که اسکان موقّت ایشان در نیشابور، هدف دار است؛ پس هوش مندانه، به جای واکنش انفعالی، سعی می کرد این اتفاق را تبدیل به فرصت کند؛ خصوصاً بر اساس آنچه که بعدها رجاء ابن ضحاک به مأمون گزارش داده است، امام هر جا مقیم می شد، از نماز صبح تا طلوع آفتاب به عبادت می گذراند و از طلوع آفتاب تا نزدیک نماز ظهر، مردم محل را به حضور می طلبید و به آنها حدیث آبا و اجداد خود را می آموخت.(۲)

برای دیدن عکس به فایل پی دی اف مراجعه کنید

از طرف دیگر می توان حدس زد که علمای برجسته نیشابور، با وجود ادعا و جایگاهی که داشتند، نمی توانسته اند در طول این مدت، حضور گسترده ای در محضر

۱- موسوعه، ج ۳، ص ۲۱.

۲- موسوعه، ج ۱، ص ۳۲۱.

ص: ۲۴۶

امام داشته باشند، چون اگر چنین بود، گزارش هایی از این اتفاق، مانند ماجرای حدیث «سلسلهالذّهب» ثبت می شد.

با توجه به برخی معجزات و کراماتی که برای امام در دوران اقامت در نیشابور ذکر شـده،(۱) می توان حدس زد امام در آغاز ورود به شـهر، احتمالاً مورد بی مهری خواص شـهر قرار گرفته است و آن گاه که به جذب عوام مردم پرداخته و خبر علم و کرامت ایشان در شـهر پخش شـده، انبوه خـواص خجالت زده، تنهـا در موقع خروج ایشـان از شـهر، پس از چنـد مـاه، در جمعی بیسـت و چند هزارنفری، گرداگرد مرکب امام را گرفته و از وی تقاضای بیان حدیثی کرده اند(۲) و امام هم، با توجه و آگاهی از پیش زمینه های فکری و ذهنی این علمـا، برای آنهـا حـدیث سلسـلهالذّهب را که هویتی توحیـدی ولایی، آن هم ولایت مسـتمر از امیرالمؤمنین علیه السـلام تا خود حضـرت را دارد، بیان کرده است تا شایـد در آن جمع، کسـی هوش یار و هـدایت شود؛ ولی رسوخ انـدیشه حدیثی عامه چنان بود که علمای حاضر، فقط به ثبت حدیث پرداختند.

در بررسی کلی رویدادهای طول مسیر، امام پس از خروج از مدینه، صحرای بزرگ عربستان را طی کرد تا به حومه بصره رسید و از آنجا تا خوزسـتان، گزارش های سـفر به صورت پراکنده وجود دارد. گزارش رویدادهایی در نبّاج، بصره، اهواز، پل اربق و غیره در منابع تاریخی ثبت شده است. گزارش هایی که حاکی از دیدار شیعه و غیر شیعه با امام است، ولی پس از خروج امام از خوزستان تا زمـان ورود به نیشـابور، هیـچ گزارشـی از رویـدادهای سـفر ثبت و ضـبط نشـده است. گزارش های مربوط به خراسان هم مربوط به نیشابور و توس و مسیر بین آن دو شهر است که عمدتاً گزارش دیدار مسلمانان عامه با امام است. برخی منابع نیز از استقبال مأمون و شخصیت های نظامی و کشوری او از امام به هنگام ورود به مرو حکایت دارند.(۳)

همراهان امام در سفر به مرو

همراهان امام در سفر به مرو

امام به هنگام خروج از مدینه، با اهل بیت وداع به شـهادت و بازنگشـتن کرد و کسی از اهل بیتش را با خود همراه نکرد. از اصحاب وی معدودی با ایشان همراهی کردند:

۱- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۲.

۲- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۶.

۳- الطبری، دلائل الإمامه، ص ۳۵۰.

ص: ۲۴۷

هشام ابن ابراهیم مشرقی: وکیل امام در مدینه و مهم ترین کارگزار امور ایشان در مدینه بود.(۱)

محوّل سجستانی: کمی پس از آغاز سفر امام، در همان مسیر حرکت کرد تا به ایشان رسید و همراهش شد.(۲)

خیران و مسافر: دو تن از خادمان امام، که همراه ایشان از مدینه تا خراسان آمدند و بعد از شهادت ایشان به مدینه، نزد امام جواد علیه السلام بازگشتند.(۳)

البتّه در طول راه، تدریجاً عده ای دیگر نیز، به صورت موقت یا دائم، به امام ملحق شدند.

کسانی مانند عموی ابی الحسن صائغ، که در ضمن مسیر قصد ترور رجاء ابن ضحاک را داشت، ولی امام مانع شد.(۴) اباصلت هروی نیز از نیشابور به امام ملحق شد و تا واپسین روزهای حیات امام با ایشان بود و پس از شهادت هم بین نیشابور و توس در رفت وآمد بود.(۵) مردی نیز به قصد مشایعت، از نیشابور همراه امام شد و تا بعد از توس همراه ایشان بود و در آنجا، امام از وی خواست به خانه خود بازگردد.(۶) نیز مردی از «کرمند» (یکی از روستاهای اصفهان) که مدتی در طول مسیر، مرکب های خود را در اختیار امام می گذاشت و به هنگام جدایی از امام درخواست حدیث کرد و امام به او فرمود: «کن محبّاً لمحبّینا ... و اَن کنت فاسقاً و کن محبّا لمحبّینا و اَن کانوا فاسقین.»(۷) بدین معنی که : تلاش کن که دوست دار دوستان ما باشی ... اگرچه دچار فسق و فجور باشی و همچنین تلاش کن دوست دار دوستان ما باشی اگرچه آنها دچار فسق و معصیت باشند.

اصولاً ـ برنامه کلی امام در طول سفر، که از مسیری غیر شیعی و بیشتر بیابانی بود، تلاش برای بیشترین بهره وری تبلیغی بود؛ همان گونه که رجاء ابن ضحاک به مأمون

۱- موسوعه، ج ۷، ص ۳۸۲

۲- موسوعه، ج ۱، ص ۳۴۱.

۳- موسوعه، ج ۷، ص ۶۶۴.

۴- موسوعه، ج ۱، ص ۳۹۴.

۵- العطاردی، مسند الامام الجواد۷، ص ۲۹۴.

۶- بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۲۵۳.

۷- المیانجی، مکاتیب الائمّه، ج ۵، ص ۵۵. (از نرم افزار مجموعه آثار آیه الله میانجی)

ص: ۲۴۸

گزارش داد که علی ابن موسی الرّضا علیه السلام ، هر جا که اطراق می کردیم، پس از اقامه نماز فجر تا طلوع آفتاب به عبادت مشغول بود و از طلوع آفتاب تا نزدیک نماز ظهر، برای مردم می نشست و به آنها از اجدادش حدیث می گفت و ظهر دوباره به عبادت مشغول می شد.(۱)

از دیگر جلوه های بارز این سفر، معجزات و کرامات و یا اخبار غیبی امام است. بیشترین گزارش ها در این باره، مربوط به مسیر بصره تا مرز پایانی آنجا و نیشابور تا سرخس است.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

پیشنهاد مأمون به امام در قالب نامه

سیاسی

مأمون به جای اینکه امام را نزد خود احضار کند و سپس درخواستش را به ایشان عرض کند، درخواستش را از همان آغاز، از طریق نامه به ایشان عرض کرد و گذاشت تا این خبر، دست کم در مدینه منتشر شود؛ سیاستی که از همان آغاز باعث حیرت طیف های سیاسی گوناگون و احتمال ریزش های اجتماعی از اطراف امام شد.

مقاومت دوماهه امام تا آمدن مأموران نظامی

سیاسی

امام با مقاومت خود در برابر درخواست ناگهانی و شگفت مأمون، او را ناچار به فرستادن مأموران نظامی کرد تا در نهایت، به اجبار اما محترمانه از مدینه خارج شود؛ سیاستی که دست کم از همان آغاز، واقعیت ماجرا را برای بسیاری از شیعیان و اهل بیت امام آشکار ساخت.

۱- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۰.

ص: ۲۴۹

انتخاب مسیر از منظر مأمون

جغرافیایی / اجتماعی / مدیریتی

مسیر انتخاب شده، ضـمن آنکه کوتاه ترین مسـیر بود، به واسطه وجود فاصله فکری بین مردمان آن با امام، کمترین عوارض و آثارِ اجتماعی و فرهنگی ناشی از حضور امام را داشت.

کارکرد رؤیاها در مرحله اول سفر

مدیریت غیبی

رؤیای برخی از شخصیت ها، در آستانه سفر امام در همان آغاز راه، باعث شد که با انطباق شخصیت امام رضا علیه السلام با پیامبر، ایشان در مرحله اول سفر، چندان هم مهجور و غریب نمانند.

فقدان گزارش های تاریخی در مورد جزئیات سفر امام در جنوب غرب و مرکز ایران

جغرافیایی / اجتماعی

نبود گزارش های تاریخی در این بخش از مسـیر، نشانه فاصـله گیری گسترده فکری و اجتماعی بین مردم این مناطق و مکتب امامت است؛ فاصـله ای که از بین بردن آن، نیازمنـد تحوّل اجتمـاعی و فرهنگی مهمی بود؛ تحولی که هجرت علویـان در سال های بعـد به این مناطق، به واسطه سفر امام بسترساز آن شد.

نگاهی کلی به رفتار و سخنان امام در طول سفر

امام در مواجهه با مسـلمانانی که کمترین آشـنایی را با مکتب اهل بیت علیهم السـلام داشـتند، در ابتدا سعی می کرد با سیره رفتاری اهل بیتی، آنها را به خود جذب کند. پیام ویژه امام برای آنها این بود که تلاش کنند با محبت به اهل بیت علیهم السلام و شیعیان، به اسلام راستین نزدیک تر شوند.

مدت زمان طولانی سفر و اقامت امام در نیشابور

مدیریتی / سیاسی

مـأمون پس از عبور دادن امـام از منـاطق غربی ایران، با اطمینان از گرایش های فکری حاکم بر شـهر نیشابور، با اقامت دادن امام در این شهر،

ص: ۲۵۰

قصد سنجش جایگاه و اعتبار اجتماعی ایشان در یک شهر علمی مسلک ایرانی را داشت.

فکری / کلامی / شخصیتی

مأمون با اجرای طرح اقامت موقت امام، به احتمال زیاد (مانند مناظرات بعدی خود)، قصد کاستن از شخصیت امام و تحقیر اجتماعی ایشـان در قـالب هم عرض جلوه دادن وی بـا انبوه علمـای مکتب عـامه در نیشـابور را داشت تـا وقتی که امـام به مرو آمـد؛ دیگر در موقعیت و مرتبه ممتاز تاریخی سابقِ خود در مدینه نباشد.

بازتاب حضور تاریخی امام در مسیر

اجتماعی / فرهنگی

بسـیاری از مردم منـاطق ایران، به ویژه مردم جنوب غرب خراسـان، در مواجهه اولیه نمی دانسـتند امام رضا علیه السـلام کیست، ولی وقتی که در حضور کوتاه مدت ایشان، جلوه های عینی و علمی سیره نبوی و علوی را دیدند، به تدریج شیفته ایشان شدند.

قدم گاه های رضوی در مسیر سفر به مرو

میراث فرهنگی/ معنوی

مردم ایرانی ساکن در مسیر سفر امام، بعد از عبور امام از منطقه خود، در حسرت و پاس داشت آن حضور کوتاه مدت، سعی کردند قدم گاه های رضوی را تبدیل به میراث معنوی و فرهنگی جدیدی در منطقه خود کنند.

بازتاب حضور تاریخی امام در نیشابور

مدیریت غیبی و معنوی

کرامـات و معجزات امام در نیشابور، در کنار به نمایش گذاشـتن نمود عملی سـیره نبوی، به تدریـج باعث جـذب توده های مردم به حضرت شد تا بدان حد که نیازمندان به شِفا و کرامت و معجزه، از دیگر مناطق رهسپار نیشابور می شدند.

ص: ۲۵۱

گزارش ها درباره اقامت و خروج امام از نیشابور

مدیریت علمی / اجتماعی

امـام در مقطع حضور اجتمـاعی خود در شـهر علمی نیشـابور، سـیره عبـادی اش را با کنار گذاشـتن برخی از مراتب تقیه، به صورت اصـیل و شیعی انجام می داد؛ این کار می توانست در آغاز، باعث فاصله گیری علمای عامه اهل حدیث و اهل رأی عامه در نیشابور شود، ولی گزارشی که به هنگام خروج امام در ضمن ماجرای حدیث سلسلهالذّهب در تاریخ ثبت شده، نشان می دهد که امام، اگر چه در آغاز در میان علمای شـهر مهجور بود، ولی در نهایت، همه برای کسب حدیثی مستند و طلایی، در بدرقه باشکوه بیست هزار نفری، گِرد محمل امام جمع شدند.

چرایی صدور حدیث سلسلهالذّهب در نیشابور

مدیریت علمی / فکری

امام با ذکر حـدیث سلسـلهالذّهب و پیوند زدن بین مسـئله توحید و امامتِ خاصه خود در شـهری که مرکز علمی خراسان است، پیام مهمی به علمای عامه درباره دین شناسی داد.

مجموعه پیام های امام در طول سفر

مدیریت علمی / فکری

اندک گزارش های باقی مانده از سـخنان امام در طول سفر، نشان می دهد که امام در طول سفر و فارغ از اینکه منطقه از نظر فکری چه وضعی دارد، به جای مباحث سیاسی و اخلاقی و اجتماعی، محور همه بحث های خود را امامت و ولایت قرار داده بودند.

ج) جدول گاه شمار اقامت امام در خراسان

اشاره

ج) جدول گاه شمار اقامت امام در خراسان

اقامت امام در خراسان را می توان به سه دوره تقسیم کرد:

دوره اقامت اولیه تا زمان پذیرش ولایت عهدی؛

ص: ۲۵۲

از پذیرش ولایت عهدی تا زمانی که مأمون مرو را ترک کرد؛

از زمان خروج از مرو تا هنگام شهادت در توس.

ج۱: جدول گاه شمارِ ورود امام به مرو تا پذیرش ولایت عهدی

ج۱: جدول گاه شمارِ ورود امام به مرو تا پذیرش ولایت عهدی

رویداد

توضیحات

۲۰۱ ه . ق.

۱۰ جمادی الثّانی

ورود به مرو در میان استقبال مأمون و همراهان او.

۲۰۱ ه . ق.

نیمه دوم جمادی

آغاز مذاکرات طولانی مأمون با امام درباره پذیرش مقام خلافت یا ولایت عهدی و مقاومت ایشان.

۲۰۱ ه . ق.

ماه شعبان

انحراف هشام عباسی، یکی از همراهان ویژه امام، و پیوستن او به دستگاه مأمون و تلاش های او برای متقاعد کردن امام همراه با تهدید و اهانت.

۲۰۱ ه . ق.

اواخر ماه شعبان

اواخر ماه شعبان، اوج فشار ها و هجوم ها و تهدیدها و اهانت ها به امام بود تا اینکه سرانجام امام، طرح ولایت عهدی مشروط به مداخله نکردن در امور سیاسی را مطرح کرد و مأمون که طرح خود را در آستانه شکست می دید، به ناچار آن را به همین صورت پذیرفت.

امـام پس از ورود به مرو، در نیمه مـاه جمـادی الثّانی، به درخواست مأمون (و بلکه به دسـتور او)، در منزلی مجاور قصـر او که دری مخصوص به کاخ مأمون هم داشت، اسـکان داده شد و بلافاصـله مذاکرات مأمون با امام، درباره تحمیل خواسـته های خود به ایشان آغـاز گردیـد. از نیمه مـاه جمـادی تـا زمـان پـذیرش ولایت عهـدی، که اول ماه رمضان باشـد، دوماه و نیم طول کشـید و این زمان طولانـی، حـاکی از شـدت فشـاری است که بر امام وارد می شـد؛ ولی ایشان با تمام وجود در برابر خواسـته های مأمون مقاومت می کرد. در این مـذاکرات، مأمون، هم خود با امام مـذاکره می کرد و هم شخصـیت های برجسـته دربارش را برای گفت وگو با ایشان بسیج کرده بود که در رأس آنها فضل ابن سهل قرار داشت.

ص: ۲۵۳

از نکـات بسـیار مهم این دوره این است که ابراهیم ابن هشام مشـرقی، که مهم ترین شخصـیت همراه امام بود، در همین چنـد وقت، تحت تـأثیر تطمیع ها و حضور مسـتقیم در دربار مأمون قرار گرفت و خیلی زود جـذب او و فضل ابن سـهل شـد؛ به گونه ای که در اواخر این زمانِ دوماه و نیمه؛ همین ابراهیم ابن هشام هم تبـدیل به یکی از اهرم های فشار و آزار امام از داخل گردیـد! طبق یکی از گزارش هـای تاریخی، وقتی که مـذاکرات برقرار بود، هشام عباسـی به امام گفت: چرا حرف خلیفه را گوش نمی کنی؟ امام فرمود: تو هم بر ضد من هستی؟! او گفت: اگر درخواست خلیفه را نپذیرفتی، تحویل شمشیرت می دهم!(۱)

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

ورود به مرو

اجتماعی

مأمون که در اجرای طرح های خود، در طول مسیر سـفر امام، از تخریب یا تضـعیف شخصـیت امام ناکام مانده بود، ناچار شد برای اجرای بهتر نقشه های بعدی خود، مراسم استقبال باشکوهی از امام را برگزار کند.

از اقامت در مرو تا پذیرش ولایت عهدی

فشارها و هجوم ها بر امام، از سوی مأمون و اطرافیانش برای تحمیل ولایت عهـدی به ایشان، به فشارها و هجوم ها بر اهل بیت علیهم السلام در زمان پس از رحلت پیامبر شباهت بسیاری دارد.

انحراف هشام مشرقی

دست گـاه خلافـت، برای تطمیع و همراه کردن یکی از یـاران اصـلی امـام، تلاش های گسترده ای کرد تا از او برای فشار آوردن بر امام استفاده کند.

اهانت ها و جسارت های هشام مشرقی نسبت به امام، بیان گر عمق سقوط و لغزش او و همراهی اش با جریان باطل است.

۱- موسوعه، ج ۲، ص ۲۸۰.

ص: ۲۵۴

امام و مدیریت روند مذاکرات

امام با وجود تمام فشارها و ریزش ها، تا آخرین لحظه در برابر تمامی پیشنهادهای مأمون مقاومت کرد و حتی وقتی هم که با تهدید و به ناچار، خواسته حداقلی مأمون (مسئله ولایت عهدی) را پذیرفت، در مدیریتی فعال، آن را به طور مشروط پذیرفت و آن چنان بر خواسته خود اصرار ورزید که مأمون ناچار شد آن را بپذیرد.

ج۲: جدول گاه شمارِ پذیرش ولایت عهدی تا زمان ترک مرو

ج۲: جدول گاه شمارِ پذیرش ولایت عهدی تا زمان ترک مرو

بهترین دوران اقامت امام در خراسان، دوران سکونت ایشان در مرو و فراهم شدن وضعی نسبتاً آزاد در روابط اجتماعی برای آن حضرت است. این دوران، در زمانی بود که ایشان ولایت عهدی را پذیرفت وگرنه پیش از آن، در قرنطینه ای سخت قرار داشت تا مجبور به پذیرش پیشنهاد های مأمون بشود. گاه شمار این دوران که از رمضان سال ۲۰۱ ه . ق. شروع شد و تا ماه رجب سال ۲۰۲ طول کشید، چنین است:

سال

ماه

رویداد

۲۰۱

رمضان (فروردین

۱۹۶ ه . ش.)

اعلام ولایت عهدی، بیعت گیری در مرو، دستور مأمون به ولایات برای بیعت گیری جدید، ضرب سکّه برای ولایت عهدی، تغییر رنگ لباس های رسمی حکومتی از سیاه به سبز، برگزاری مجلس عروسی اسحاق ابن امام کاظم علیه السلام با دختر اسحاق ابن جعفر الصّادق علیه السلام .

مأمون روزهای دوشنبه و پنج شنبه، جلوس عمومی داشت و مردم را به حضور می پذیرفت. پس از ولایت عهدی، از امام رضا علیه السلام خواست که در این جلوس ها همیشه حضور داشته باشد و در دست راست او بنشیند.

رمضان

مأمون پس از بیعت گیری در مرو، به ریان ابن صلت دستور داد در میان سرهنگان لشکرش، برای بیان فضایل امام علی علیه السلام

نشست هایی بر گزار کند و او (با رعایت تقیه)، فقط احادیثی را در

ص: ۲۵۵

فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کرد که از خود مأمون شنیده بود (تا اگر بعد ها بازخواست شد، آن را مستند به مأمون کند).

رمضان

زندانی شدن برخی از فرماندهان لشکر به دستور مأمون. آنها مخالف ولایت عهدی امام رضا علیه السلام بودند.

رمضان، جمعه پس از بیعت گیری

بحث امامت در مسجد مرو در بین مردم درگرفت و به تبع آن، امام جلساتی خصوصی برای برخی علاقه مندان و شیعیان در منزلش برگزار کرد.

روزهای آغازین پس از ولایت عهدی

درخواست مأمون از امام که به عنوان ولیّ عهدش به عراق برود و خودش در خراسان بماند؛ ولی امام به شدت مخالفت کرد. در مرتبه ای دیگر از امام خواست نامه ای به شیعیانش در خراسان بنویسد و آنها را به اطاعت مأمون فرابخواند، ولی امام شرط خود را یادآور شد.(۱) در مرتبه ای دیگر از امام خواست از یارانش هر کسی را که می خواهد به هر منصبی که دوست دارد، منصوب کند؛ ولی امام مجدّداً شرط مداخله نکردن خود در امور سیاسی را یادآور می شود.(۲)

اول شوّال

مأمون از امام درخواست کرد نماز عید را برگزار کند. بر اثر اصرار فراوان او، امام به ناچار و به صورت مشروط پذیرفت که اجرای آن نماز به شیوه نبوی باشد. آن نماز، به واسطه ایجاد انقلاب روحی در مردم، ناتمام رها شد.

شوّال

نامه امام به محمد ابن عیسی یقطینی، همراه با فرستادن مقداری پول تا در آن سال او و صفوان ابن یحیی از سوی امام حج بگزارند.(۳)

ماه شوّال یا ذی القعده

اوج گیری خشک سالی در ایران و خراسان و طلب مأمون از امام برای اقامه نماز باران؛ و خواندن نماز استسقا و نزول باران (در میانه های فصل بهار) و پایان یافتن خشک سالی.

۱- بحارالانوار، ج ۴۹، صص ۱۴۴ و ۱۵۵.

۲- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۶۶.

۳- الاستبصار، ج ۳، ص ۲۷۹.

ص: ۲۵۶

ماه های آغازین ولایت عهدی، ذی القعده

دعبل خزاعی شاعر، همراه چند نفر شاعر از عراق آمدند و در مجلس مأمون، اشعار متنوعی در فضیلت امام رضا علیه السلام و ولایت عهدی ایشان خواندند و از امام هدایایی گرفتند. پس از آن، دعبل همراه برادرش علی، تا وقتی که امام به توس بازگشت، همراه ایشان بود و قبل از شهادت امام با ایشان خداحافظی کرد و به قم رفت و مدتی ساکن آنجا بود.

آغاز برنامه مأمون برای برگزاری جلسات مناظره. اولین جلسه بین امام و علمای ادیان یهودی و مسیحی و صائبی برگزار شد. این علما که با دستور مأمون و توسط فضل از مناطق دیگر به مرو دعوت شده بودند، خیلی زود مقابل امام رسوا شدند و حتی رهبر صائبی ها، عمران صائبی مسلمان شد و مدتی را به شاگردی در محضر امام مشغول شد و به سفارش امام، مأمون او را مسئول صدقات بلخ کرد.

ذی القعده، ذی الحجه

فرستادن اسحاق ابن امام کاظم علیه السلام به عنوان امیرالحاج از سوی مأمون، از مرو به مکه.

۷ ذی الحجه یوم الترویه

برگزاری دومین جلسه مناظره بین امام و سلیمان مروزی، عالم و متکلّم مذهب عامه، که به دعوت مأمون به مرو آمده بود. محور بحث، بداء و آن گاه بحث اراده انسانی و جایگاه اراده حق تعالی در افعال انسان بود که در نهایت سلیمان به تناقض گویی افتاد و مفتضح شد.

۲۰۲

۵ محرّم

منتهی شدن اعتراض عباسیان بغداد به ولایت عهدی امام رضا علیه السلام ، به خلافت ابراهیم ابن مهدی عباسی، که در این روز آغاز شد و او بغداد و مناطق مرکزی عراق را تصرّف کرد.

۲۰۲

ماه های آغازین این سال

استمرار جلسات مناظره ها به ترتیب زیر:

مناظره با علی ابن محمد ابن جهم از علمای ناصبی و معاند اهل بیت علیهم السلام ، درباره عصمت پیامبران.

ص: ۲۵۷

مناظره بعدی ادامه جلسه قبل بود، بین امام و خود مأمون با حضور علی ابن محمد ابن جهم. امام به شبهات مأمون پاسخ داد.

مناظره ای با حضور علمایی که از عراق و خراسان به دستور مأمون جمع شده بودند و مأمون خود مدیریت جلسه را به عهده داشت و بحث را از عصمت پیامبر به بحث امامت کشاند و در نهایت، امام رضا علیه السلام با استدلال، خود را تنها مصداق آل پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرد.

برگزاری آخرین جلسه مناظره که با حضور عده ای از همان علما بود و در ادامه جلسه قبل. بحث از امامت شروع شد و پس از بحث درباره آمار و ارقام امامان، بحث به مهدویت و رجعت و نفی تناسخ کشیده شد.

این جلسه، آخرین جلسه مناظره عمومی امام با مأمون و علمای عامه بود.

۲۰۲

۱۵ محرّم

عقد ازدواج هم زمان مأمون با بوران، دختر حسن ابن سهل (مراسم این ازدواج در سال بعد پس از بازگشت مأمون به عراق با صرف هزینه هنگفت انجام شد.) و ازدواج امام رضا علیه السلام با اُمّ حبیب، دختر مأمون (این ازدواج در همان خراسان به صورت کامل انجام شد.) و عقد ازدواج امام جواد علیه السلام با اُمّ فضل (دختر دیگر مأمون که مراسم ازدواج آنها سال ها بعد در بغداد برگزار شد).

ربیع الثانی

ورود کاروان حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم و رحلت ایشان کمی پس از آن و دفن شدن ایشان در قم.

دو – سه ماه آخر اقامت امام در مرو

خداحافظی ریان ابن صلت، کارگزار شیعی، از امام و گرفتن هدایای ویژه از امام و رفتن او به عراق.

خبر جلسات متعدد مردمی امام به مأمون رسید و او به حاجب های حکومتی منزل امام دستور داد مردم را از اطراف

ص: ۲۵۸

منزل امام پراکنده و رفت وآمد آنها به نزد امام را ممنوع و دیدارهای امام را محدود کنند.

روزی فضل و هشام ابن ابراهیم عباسی، در دیداری خصوصی، از امام خواستند که با آنها در کودتا علیه مأمون همراه شود؛ ولی امام نپذیرفت؛ سپس آنها ادعا کردند قصد امتحان امام را داشته اند! ولی امام تصمیم آنها را جدی خواند. وقتی خبر این مذاکره به مأمون رسید و امام را بازخواست کرد، امام آن را تأیید کرد و مأمون را از سهل انگاری نسبت به اوضاع مسلمانان سخت برحذر داشت. به دنبال این رویداد، خیلی زود هشام عباسی به بهانه مأموریتی به عراق فرستاده شد و مأمون که هم از ناحیه فضل احساس خطر می کرد، به فکر حذف او افتاد.

ماه های پایانی اقامت در مرو

مأمون که سیاست ولایت عهدی را شکست خورده و محبوبیت امام را در خراسان روزافزون می دید و از جلسات علمی عمومی و خصوصی امام مطلع شده بود، دو بار تصمیم به شهادت امام گرفت، ولی هر دو بار در اجرای آن ناکام ماند.(۱)

جمادی الثّانی

امام در جلسه ای خصوصی، اخبار و اوضاع آشفته جهان اسلام را به مأمون رساند و او را مسئول بحران های پیش آمده برای مسلمانان دانست.

۲۰۲

ماه رجب

با وجود مخالفت شدید فضل ابن سهل، سرانجام مأمون پس از کشف صحت اخبار نگران کننده عراق، دستور حرکت لشکریان را از مرو داد و به سوی سرخس به راه افتاد.

از دیگر رویدادها و نکات شایسته توجه در مورد این دورانِ ۱۰ – ۱۱ ماهه، موارد زیر است:

۱- یک بار به دستور او سی شمشیرزن به منزل امام حمله کردند و در مرتبه ای دیگر، مأمون خودش امام را احضار کرد، در حالی که حاجب او آماده اجرای دستورش بود، ولی در هر دو مورد، که در مرو اتفاق افتادند، امام با خواندن حرزی ویژه نجات یافت. (موسوعه، ج ۵، صص ۲۹۳ – ۳۰۰).

ص: ۲۵۹

نکته اول: شخصیت های مرتبط با امام در خراسان، پس از اینکه امام رضا علیه السلام ولایت عهدی را پذیرفت:

با اینکه امام، دو خادم با خود از مدینه آورده بود و از شیعیان، کسانی مانند: اباصلت و نیز ریان ابن صلتِ شیعی، که جزء کارگزاران مأمون بود، با ایشان در ارتباط دایم بودند؛ ولی طبق هماهنگی های به عمل آمده بین مأمون و فضل ابن سهل، افراد زیر در منزل امام مشغول به کار شدند:

محمد ابن ابی عباد که فردی فاسد الاخلاق هم بود و به عنوان کاتب امام از سوی فضل تعیین شده و در حقیقت یکی از جاسوس های در منزل امام بود.(۱)

هشام ابن ابراهیم عباسی، از یاران امام که به عباسیان پیوسته بود، مسئول امور منزل و دیدار های امام شد.

محمد ابن عَمرو توسی، حاجب و دربان مأمون، که گه گاه حاجب و دربان امام هم بود.(۲)

اُمّ حبیب، دختر مأمون، تنها بانوی منزل امام در خراسان بود.(۳)

یاسرِ خادم، که از خادمان مأمون بود، در منزل امام مأمور خدمت گذاری شد.(۴)

و بدین گونه، در طراحی مأمون، امام هیچ خلوت مستقلی، حتی در منزل خود نداشت و از راه های متعدد، اخبار ایشان به دربار می رسید؛ ولی این اتفاق، نه از سوی امام و نه از سوی شیعیان، باعث زمین گیری و قطع رابطه نگردید؛ ضمن اینکه در این زمان، وجود دو ریان (ریان ابن شبیب و ریان ابن صلت) خود نعمت ارتباطی مهمی بود.

نگاهی به آمار ملاقات شیعیان با امام در همین فرصتِ ۱۰ – ۱۱ ماهه، نشان گر حفظ ارتباط امام با شیعیانش در حد قابل قبولی است. گزارشی از این دیدارها چنین است:

ارتباط مستمر افرادی مانند دعبلِ شاعر، برادرش علی و یا ارتباط عِمران صائبی پس از شیعه شدنش؛ و یا ارتباط مستمر اباصلت هروی.

۱- موسوعه، ج ۷، ص ۵۷۶.

۲- موسوعه، ج ۱، ص ۳۳۴.

۳- موسوعه، ج ۲، ص ۲۹۷.

۴- بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۶۴.

ص: ۲۶۰

حضور خادم های مطمئن در منزل امام، مانند خیرانِ خادم و محمد ابن زید طبری که اصالتاً کوفی، اما ساکن خراسان بود و از خادمان امام بود.

دیدار برخی از اصحاب با امام در خراسان؛ مانند ایوب ابن نوح، فیاض ابن محمد توسی، سهل ابن قاسم نوشجانی، ابراهیم ابن ابی محمود خراسانی، ابراهیم ابن عبدالحمید خراسانی، محمد ابن سنان، محوّل سجستانی، سعد ابن سعد اشعری قمی، برید ابن عمیر شامی و در نهایت ملاقات حسن ابن علی وشاء از واقفی ها در مرو با امام، که باعث استبصار او و بازگشتش به امامتِ امام رضا علیه السلام شد.

امام رضا علیه السلام همچنین با فرزند خود و یارانش در حجاز و عراق، با نامه در ارتباط بود؛ مانند نامه ای که توسط ابراهیم ابن ابی محمود برای امام جواد علیه السلام فرستاد و یا نامه ای که همراه سیصد دینار پول و سفارش های متعدد به محمد ابن عیسی یقطینی به عراق فرستاد.(۱) این در حالی است که امام، بارها و بارها، نامه هایی را برای فرزند گرامی اش ارسال کرده است.

نکته دوم: برنامه های تبلیغی و نرم افزاری امام در خراسان:

با بررسی مجموعه سخنان امام که به ما رسیده است، در یک روند تدریجی، از لحظه ورود امام به نیشابور، تا واپسین جلسات مناظره ای، معلوم می گردد که امام در یک مدیریت نرم افزاری هوش مندانه، به صورت مستقیم و غیر مستقیم، محور تبلیغات خود را بحث امامت قرار داده است.

گزارش اجمالی این تبلیغات و اقدامات و بعضاً نوع اجرای آنها چنین است:

مرحله

نوع اقدام

نیشابور

امام، آگاهانه، با بیان حدیث سلسلهالذّهب، پیونددهنده توحید و امامت خاصه خود بود.

در آغاز ولایت عهدی

امام در ضمن خطبه خوانی اش، به بحث امامت به جای خلافت اشاره ای کرد؛ به گونه ای که در جمعه بعد از این رویداد، در مسجد مرو بحث امامت، بحث اول جامعه شده بود.

۱- الاستبصار، ج ۳، ص ۲۷۹.

ص: ۲۶۱

در جلسات خصوصی با اصحاب خود

به دنبال فراگیر شدن اجتماعی بحث امامت، امام، مباحث تخصصی امامت و امام شناسی را برای شاگردان اندك خود آغاز کرد.

در جلسات مناظره

امام، روند جلسات مناظره را به گونه ای مدیریت می کرد که از مباحث کلی توحیدی و کلامی به سوی امامت عامّه، امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و در نهایت به مباحث تطبیقی امامت در زمان خودش و سپس به بحث مهدویت برسد.

در جلسات خصوصی با مأمون

در جلسات خصوصی، وقتی مأمون از امام درباره اسلام محض به صورت چکیده پرسید، امام در ضمن مباحث توحید و نبوّت، بحث امامت را هم مطرح کرد.

و بدین گونه است که امام، فرصت حضور در خراسان را، تبدیل به فرصتی تاریخی برای بیان مسئله امامت و ولایت در سطوح مختلف مخاطبان خود از خواص و عوام، در دو جامعه و جبهه حق و باطل کرد. این تطبیق امام به گونه ای بود که در اغلب موارد، در کنار مباحث کلّی، بحث مصداقی و روزآمد را هم مطرح می کرد و همین اتفاق، یکی از علل درماندگی مأمون در برابر وی شده بود؛ چرا که نقشه مأمون، تخریب شخصیت امام با برچسب ولایت عهدی بود؛ ولی امام از یک سو، با شروط خود، عملاً طرح مأمون را ناکام گذاشت و از طرفی دیگر، در تمام حضورهایی که در جامعه داشت، به جای تقویت نظریه خلافت، به ترویج نظریه امامت می پرداخت.

نکته سوم: احیای سیرت و سنّت و نام و شخصیت پیامبر از سوی امام:

در سفر امام به خراسان، طرح خلافت این بود که امام را از مسیری ببرد که غیر شیعی باشد و مستقیم و غیر مستقیم، با ایجاد بی توجهی اجتماعی، اسباب بی احترامی به امام را فراهم سازد. در برابر این طرح، تاریخ از جانب امام، شاهد رابطه ای دوسویه بین امام و ساحت ملکوتی غیبی است. توضیح اینکه چون پیامبر اسلام، شخصیت و الگوی اول درجهان اسلام است، در زمان سفر امام به مرو، گزارش هایی درباره به خواب دیدن پیامبر در برخی از مناطق، ثبت شده است که به نحوی طرح مأمون را بی اعتبار می کرد؛ گزارش هایی مانند

ص: ۲۶۲

رؤیای ابوحبیب نبّاجی در نبّاج.(۱) (نبّاج، اولین منزل در راه بصره، پس از عبور از بیابان بزرگ بود).

رؤیای ابوعلوان بصری در بصره.(۲)

دیدن برخی از خراسانی ها پیامبر را به خواب و خبر دادن ایشان از دفن امام رضا علیه السلام در توس.(۳)

بدین گونه، در برخی مناطق، بسترهای اجمالی برای استقبال و یا ایجاد زمینه ارتباط و احترام و بهره مندی از امام رضا فراهم شد. در همین زمینه، امام رضا علیه السلام در ماجرای نماز عید، به صراحت، شرط اجرای این نماز را اقامه آن به سیرت و سنّت پیامبر گذاشت و باعث زمینه سازی برای ایجاد تحوّل در مردم مرو شد. در موارد دیگر هم که به سیره و سنّت نبوی تصریح مستقیم نداشت، در همه گفتارها و رفتارهایش، هدفش احیای حدیث و یا سنّت پیامبر بود؛ مانند همان حدیث سلسلهالذّهب که در نیشابور خواند و سندش را نه از طریق اسنادهای غیر معصومانه عامّه، بلکه از طریق سند معصومانه اهل بیت علیهم السلام ، به پیامبر رساند. از همین رو بود که مأمون خیلی زود فهمید چه اشتباه فاحشی کرده است و ارتباطات اجتماعی امام را در خراسان، به شدت محدود کرد.

از نکات جالب توجه در همین زمینه، رؤیاهای مبارک خود امام است. امام در موارد متعددی که نیازمند تصمیم گیری های ویژه و یا مواجهه با پیشنهادهای توطئه گرایانه مأمون بود، در پاسخ به او، به رؤیایی که شب گذشته از پیامبر دیده و پیامبر در آن رؤیا به ایشان دستوری داده بود، متمسّک می شد. نمونه های این رؤیا ها چنین است:

وقتی در آغاز ولایت عهدی و ماجرای استسقا (نماز باران)، مأمون به امام مراجعه کرد تا در همان روز (جمعه) مراسم را برگزار کند، امام آن را تا دوشنبه پیشِ رو به عقب انداخت و فرمود: «پیامبر در رؤیا به ایشان چنین دستوری داده است».(۴)

۱- بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۳۵.

۲- بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۱۹.

۳- موسوعه، ج ۱، ص ۱۲۷.

۴- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۶۷.

ص: ۲۶۳

وقتی در مسیر بازگشت به سرخس، مأمون پیشنهاد کرد در صبح زودی که قرار بود فضل ابن سهل در حمام کشته شود، امام نیز همراه فضل و مأمون به حمّام برود، امام عذر آورد که در رؤیا پیامبر را دیده و او را از حمّام رفتن در آن روز پرهیز داده و آن را بدیمن دانسته است.(۱)

نکته چهارم: درباره شهود ولایت عهدی:

پس از اقامت امام در مرو و فشار و تهدیدهای دوماه و نیمه مأمون و اطرافیانش بر ایشان، سرانجام امام در اول ماه رمضان، طرح ولایت عهدی مشروط را به مأمون داد. مأمون که دید زمان زیادی از ورود امام به مرو گذشته و این اقدام ایشان، تدریجاً موجب حرف و حدیث در میان مردم شده است و امام رضا علیه السلام نیز به هیچ نحوی به طرح حداکثری او رضایت نمی دهد، گمان کرد اگر موقتاً طرح حداقلی امام را بپذیرد، شاید بعداً در سیاستِ گام به گام خود بتواند ایشان را با خواسته هایش همراه سازد.

طرح مشروط امام، که به میمنت ماه مبارک رمضان، پیشنهاد شد، مایه خروج مذاکرات از بن بست دوماه و نیمه بود و همه از آن استقبال کردند. در اول ماه رمضان، مأمون جلسه ای از کارگزاران برجسته خود تشکیل داد و در آن جلسه، متن ولایت عهدی امام نوشته شد و مأمون از بسیاری از کارگزاران خود خواست که بر این معاهده، شهادت مکتوب بدهند و آن را امضا کنند. شخصیت های برجسته امضاکننده این معاهده، افراد زیر هستند:

فضل ابن سهل، ذوالریاستین، که هم وزیر کشور و هم وزیر جنگ مأمون بود.

یحیی ابن اکثم تمیمی مروزی، قاضی مأمون، فقیه و عالِم عربِ ساکن مرو که با پیوستن به دربار مأمون و پذیرش قضاوت او معروف شده بود. او تا زمانی که قاضی مأمون بود (سال ۲۱۷)، سعی می کرد جلو مأمون را در انتشار نظریه مخلوق بودن قرآن بگیرد. او از علمای اهل رأی خراسان بود.(۲)

بُشر ابن معتمر ابوسهل معتزلی، از علمای معتزلی که به واسطه گرایش های معتزلی مأمون، به او پیوسته بود.

۱- الارشاد، ج ۲، ص ۲۲۶. (نرم افزار سیره معصومان)

۲- تاریخ الاسلام، ج ۱۸، ص ۵۳۶.

ص: ۲۶۴

ثمامه ابن اشـرس نمیری بصری. او هم از علمای معتزلی بود که از بصره به خراسان آمده و به مأمون پیوسته بود. او از قائلین به نظریه خلق قرآن بود.(۱)

حماد ابن نعمان (حماد ابن ابوحنیفه)، پسـر ابوحنیفه، رئیس مـذهب حنفی و از علمای بزرگ مدرسه اهل رأی و دارای عقاید مرجئه گری و از ملازمان دربار مأمون بود.

محمد ابن یحیی ابن ابوبکر صولی بغدادی. او از شعرای دربار مأمون و از علمای ادب و شعر و لغت بود.

عبدالله ابن طاهر ذوالیمینین، پسر طاهر، سردار بزرگ مأمون (و دومین امیر طاهریان).

با نگاهی به اسامی این شهود برجسته ولایت عهدی امام رضا علیه السلام ، مشخص می شود که در بین یا ران مأمون، نمایندگانی از مدرسه اهل رأی و مدرسه اعتزال وجود داشته اند، ولی از علمای اهل حدیث، چه از مدرسه عراق و چه از مدارس حجاز و خراسان، نشانه ای نیست.

از نظر شخصیت شناسـی نیز، رجال ایرانی و یا بزرگ شـده در ایران، مثل عبـدالله ابن طاهر، به چشم می خورند و از شخصـیت های سیاسی عرب و عباسی معروفِ آن زمان، نامی در این شهود به چشم نمی خورد.

نکته پنجم: از شرط مداخله نکردن تا مشاوره های موردی مهم:

از پیش شـرط های مهم امام برای پـذیرش ولایت عهدی، مداخله نکردن ایشان در امور و عزل و نصب ها بود. حتی یک بار هم که مـأمون، به اصـرار از امـام خواست تـا از یـاران خود هر کس را می خواهـد به هر منصبی منصوب کنـد، امـام نپـذیرفت. یک بار هم مأمون، چنـد نفر از برادران امام، مانند عباس، اسـحاق و ابراهیم (که البته عقاید زیدی داشـتند) را، به همکاری گرفت؛ ولی امام آنها را به حساب خود ننوشت و مأمون هم این را می دانست. با این حال، هر چه زمان جلوتر می رفت و اوضاع جهان اسـلام، آشفته تر و پرهرج ومرج تر می شـد، امام هماننـد سـیره امیرالمؤمنین علیه السـلام در دوران ۲۵ سـاله خلفـای سه گانه، بر مشورت ها و راهنمایی های دل سوزانه خود نسبت به امّت اسلامی،

۱- تاریخ الاسلام، ج ۱۵، ص ۹۳.

ص: ۲۶۵

برای مأمون می افزود؛ مشاوره هایی که رویکرد غالب آنها، انتقاد از نوع مدیریت فضل ابن سـهل و برادرش، حسن بود. در حقیقت، امام وزارت آنها را خطری مهم برای جامعه اسـلامی، در مقایسه با خلافت مأمون می دانست.(۱) نمونه هایی از این مشاوره ها چنین است:

در جلسه ای چهارگانه ای که مأمون، امام، فضل ابن سـهل و یحیی ابن اکثم (عالم دربار) حضور داشـتند، فضل گزارشـی از یکی از مرزهـای اسـلامی بـا ترکسـتان داد کـه فتحی صـورت گرفته و پس از آن، یکی از همـان ترک هـای تـازه مسـلمان به امـارت منطقه منصوب شده است. امام فرمود: «حتی خلیفه و وزیر او نیز، چنین حق شرعی ای ندارند که در مرزهای اسلامی، افرادی از اسرا یا تازه مسـلمانِ آن منطقه را ولاـیت بدهنـد؛ چرا که گرایش آنهـا به پیشـینه خود بیشـتر از گرایش آنهـا به دین جدیـدشان است و بیشتر به مصلحت سابق خود عمل می کنند تا این که در خدمت منافع و اهداف اسلام باشند».(۲)

به نوشـته همه مورخینِ عامه و خاصه، مهم ترین فردی که در تصـمیم گیری مأمون برای ترک خراسان و رفتن به عراق نقش داشت، امام بود. اوضاع عراق در این زمان به شـدت آشـفته بود و حسن ابن سـهل هم، در مقابله با اختلافات داخلی ضـعیف عمل می کرد؛ ولی فضل ابن سـهل، مانع رسـیدن این اخبار به مأمون می شد و تلاش می کرد برای همیشه مأمون را در خراسان نگه دارد و ائتلاف این دو برادر، تدریجاً بر تمام شـئون خلافت مسلط شود. سرانجام، فرماندهان مأمون، پنهانی دست به دامان امام شدند و ایشان، اخبار عراق را به مـأمون رسانـد و واسـطه دیـدار پنهـانی فرمانـدهان با مأمون شـد. وقتی که خبر این دیـدار به فضل رسـید، عـده ای از آن فرماندهان را زندانی کرد و عده دیگری را تازیانه زد. او همچنین تلاش وسیعی کرد که مأمون به عراق نرود، ولی مأمون با درایت و راهنمایی امام، سرانجام تصمیم تاریخی خود را برای ترک خراسان و رفتن به عراق گرفت.

۱- درست هماننـد نگاهی که امام به برمکیان در قیاس با هارون داشت. در حقیقت، امام خطر تازه مسـلمانانی را که حقیقتاً مسـلمان نشده و مناصب حسّاس داشتند، از خطر اسلام خلافتی بیشتر می دانست.

۲- موسوعه، (به نقل از: الانوارالبهیه)، ص ۲۱۹.

ص: ۲۶۶

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

مراسم ولایت عهدی از منظر مأمون

سیاسی

مأمون با وجود مخالفت های پنهان و آشکار، سعی کرد مراسم ولایت عهدی، باشکوه و چشم گیر باشد و بیعت گیری برای امام در مرو به صورت کامل اجرا شود تا بدین گونه، اقتدار خود را در اجرای این تصمیم شگفت به نمایش بگذارد.

مراسم ولایت عهدی از منظر امام

شخصیتی

مراسم ولایت عهدی، اگر چه باشکوه تمام و رویدادهای موازی متعددی به انجام رسید، ولی امام رضا علیه السلام در طول مراسم، نه حضور فعالی داشت، نه سخنان بسیاری گفت و نه نشاط خاصی نشان داد.

سخنرانی کوتاه امام و بازتاب های آن

مدیریتی تبلیغی

امام در سخنان کوتاه خود، با خطاب قرار دادن عموم مردم، با موضوع جایگاه اهل بیت علیه السلام و ولایتِ آنها، زمینه ساز ایجاد مباحثات کلامی در سطح جامعه شد.

درخواست های مأمون از امام پس از پذیرش ولایت عهدی

سیاسی

مأمون در سیاستی گام به گام، تلاش بسیار می کرد تا با درخواست ها یا مشوّق های سیاسی اجتماعی اش، امام را به نقض شرط خودش وادارد، ولی امام با هوش یاری، توطئه های او را خنثی می کرد.

امام و نماز های عید و باران

تربیتی

امام با مدیریت نمازهای عبادی - سیاسی یا عبادی - اجتماعی عید و باران، بر مبنای سیره نبوی و اصول دینی، ضمن گره گشایی از مشکلات جامعه، مبنا و روش حکومتی مأمون را در سطح جامعه به چالش کشید.

حوادث طبیعی در حضور و شهادت امام

کلامی / عرفانی

با آمدن امام به خراسان و ایران، خشک سالی نابودگر در آن سال به پایان رسید و پس از شهادت ایشان، زلزله های پیاپی خراسان را فراگرفت. این اتفاقات، شاید به نوعی،

ص: ۲۶۷

بیان گر برکت حضور امام برای جامعه، و نیز آثار ولایت گریزی مردم و غربت و شهادت ایشان بود.

فرصت شناسی تاریخی دعبل خزاعی

مدیریتی / شخصیتی

اقدام دعبل در گردآوری شعرا و سفر گروهی به خراسان و شعرسرایی برای ماجرای ولایت عهدی، پایه گذار شعر رضوی از سوی شاعری شیعی با امکانات خلافت عباسی، و تلاش برای عمومی کردن این فرهنگ، در میان شعرای مسلمان بود.

مأمون و طراحی و مدیریت جلسات مناظرات

سیاسی / فکری

مأمون پس از گذشت مدتی کوتاه از ماجرای ولایت عهدی، وقتی دست بالای امام را در این ماجرا دید، در اقدامی سریع و تلافی جویانه، به وزیر خود دستور داد در یک برنامه ریزی منظّم، طرح برگزاری جلسات مناظره علمای گوناگون با امام را عملیاتی کند تا شاید ایشان بدین وسیله، تحت فشار روانی و یا احتمالاً در ناکامی علمی قرار بگیرد.

همکاری های رهبران زیدیه با مأمون

سیاسی

خراسان در این سال، محل اجباری بسیاری از علویان زیدی بود. آنها به راحتی مأموریت های حکومتی و یا مناصب مذهبی را از سوی مأمون می پذیرفتند، ولی نه خود آنها و نه امام، این همراهی ها را به حساب تشیع امامی نمی گذاشتند.

فکری

رهبران زیدی با پذیرش مناصب مذهبی، مانند امیرالحاجی از سوی مأمون، در کنار اجرای آن بر مبنای فقه رسمی حکومت، به گونه ای مستقیم، هم تأییدکننده خلافت عباسی و هم تأییدکننده مدارس فکری - فقهی عامه شدند.

طرح عقد ازدواج دختران مأمون با امام رضا علیه السلام و فرزندش

مدیریتی

مأمون پس از مواجهه با ناکامی سیاسی در مسئله ولایت عهدی، سعی کرد با ازدواج دخترانش با امام و فرزند ایشان، ضمن تظاهر و نمایشِ شدت علاقه دوسویه خود و امام، در کنار تکمیل محاصره امام در عمق خلوت ایشان، امیدوار به تولد فرزندی باشد که ریشه مشترک

ص: ۲۶۸

علوی عباسی داشته باشد. (این طرح، مانند تجربه تاریخی تلاش خلیفه دوم برای ازدواج با یکی از دختران امام علی علیه السلام با هدف ظاهرسازی سیاسی و تاریخی و تطهیر جنایات تاریخی خود بود).

سفر حضرت معصومه علیها السلام به ایران

آینده پژوهی اجتماعی / فرهنگی

این سفر نه به مقصد خراسان، بلکه دقیقاً به قصد قم بود و بانویی ویژه از حریم ولایت آن را انجام داد تا پیش گویی های تاریخی اهل بیت علیهم السلام برای ایجاد حرم اهل بیت علیهم السلام در ایران، و دقیقاً در شهر قم، بر محوریت مرقد مطهر ایشان را عملیاتی کند.

جغرافیایی / تاریخی

سفر حضرت معصومه علیها السلام به قم با هدف تحکیم و تقویت جایگاه علمی و معنوی آن شهر، به عنوان کانون تشیع در مرکز ایران، صورت گرفت تا خیلی زود قم تبدیل به پایتخت علمی و معنوی شیعه ایران شود.

امام و طراحی فرهنگ زیارت مرقد حضرت معصومه علیها السلام

فرهنگی

امام با طراحی فرهنگی – اجتماعی زیارت مرقد حضرت معصومه علیها السلام ، کوشید شهر قم را کانون رفت وآمد شیعیان ایران سازد و پیوند آنها با حوزه علمی این شهر مستحکم شود.

روابط اجتماعی امام در مرو

سیاسی / اجتماعی

امام در آغاز ورود به مرو، به عنوان شخصیتی سیاسی که مانند دیگر شخصیت های برجسته سیاسی، دست نیافتنی و دور از مردم است، معرفی شده بود، ولی مواجهه های گوناگون عبادی – اجتماعی امام، باعث ایجاد جاذبه اجتماعی برای ایشان شد و برخورد بازِ امام با مردم، به تدریج باعث وحشت مأمون از ایجاد پایگاه فکری – اجتماعی بزرگی برای امام در مرو شد.

فکری / فرهنگی

نتیجه ارتباط فراگیر محبین اهل بیت علیهم السلام با امام در مرو، در فرآیندی تدریجی و تحت تأثیر مدیریت تبلیغی امام،

ص: ۲۶۹

کم کم باعث گذر از محبت عمومی مردم به سوی تشیعِ اعتقادی می شد.

سیاسی

حضور اجتماعی امام در میان مردم مرو، که تفاوت ماهوی با ارتباط اجتماعی خلیفه و شخصیت های برجسته عباسی داشت، باعث تضعیف پایگاه و سرمایه اجتماعی عباسیان در خراسان شده بود.

طرح کودتای پیشنهادی توسط فضل

سیاسی / اجتماعی

جایگاه و پایگاه سیاسی - اجتماعی امام در اواخر دوران اقامت ایشان در مرو، تا بدان جا رسید که هم فضل ابن سهل در طرح اولیه ای که برای انجام کودتا آزمود و هم فرماندهان نظامی مأمون که از فضل وحشت داشتند، همگی برای برنامه های ویژه خود دست به دامان امام شدند و وقتی خبر این دو جریان به مأمون رسید، متوجه شد که امام با وجود کنارگیری اش، جایگاه مهمی، نه تنها در جامعه، بلکه در بدنه حکومتی او دارد.

کارگزاران حکومتی در منزل امام

مدیریتی / اخلاقی

مأمون و فضل سعی می کردند برای انتخاب کارگزاران تحمیلی در منزل امام، افراد فاسد و یا مورد اطمینان خود را انتخاب کنند تا زمینه های اثرگذاری اخلاقی امام بر آنها وجود نداشته و پیوند و ارتباط آنها با دربار عباسی، مستمر و مستحکم باشد تا مأموریت های خود را به صورت کامل انجام دهند.

ارتباط اجتماعی امام با شیعیان در خراسان

مدیریتی

سطح قابل توجه ارتباطات مستقیم و یا مکاتبه ای امام با شیعیانش، با وجود دوری جغرافیایی خراسان از مراکز تشیع و با وجود مراقبت های خلافت و با وجود کوتاه بودن اقامت ایشان در مرو (۱۰ ماه)، نشان گر مدیریت پویا و پیوسته امام در جامعه شیعه و تقویت مدیریت واسطه ای خود در این زمان است.

ص: ۲۷۰

برنامه های تبلیغی امام

تبلیغی

امام در مدیریت تبلیغی و نرم افزاری خود، با اجرای برنامه های تبلیغی و فرهنگی موازی درباره سیره نبوی و شخصیت علوی و معارف امام شناسی، سعی می کرد ترجمانی راستین از شخصیت، سیرت و سخنان پیامبر در امامت خود باشد.

امام در تبلیغات و جلسات علمی خود، بحث امامت را در امامت تاریخی امیرالمؤمنین علیه السلام منحصر نمی کرد، بلکه با تبیین مباحث امامت از منظرِ ضرورت های اجتماعی و تربیتی تلاش می کرد برای جامعه، ضرورت جریان تاریخی امامت را اثبات کند و آن گاه امامت خاصه خود را مستقیم و یا غیر مستقیم یادآور گردد.

تبلیغی / سیاسی

توجه ویژه امام رضا علیه السلام به شخصیت و سیرت پیامبر و دادن الگویی متفاوت با الگوهای سیاسی و فکری عباسیان یا علمای عامّه، باعث آگاهی فکری جامعه اسلامی ایرانی - خراسانی گردید که مصداق واقعی شعار «الرّضا من آل محمد» را می باید در شخصیت ایشان جست وجو کند.

شهود علمی ولایت عهدی

شخصیت شناسی

مدرسه حدیث، در تجربه تاریخی خود، چه در حجاز و چه در خراسان، نشان داد بیشترین فاصله و موضع گیری را در برابر اهل بیت علیهم السلام دارد؛ در برابر این، مدرسه رأی و اعتزال، اگر چه هیچ گاه حاضر به همکاری با اهل بیت علیهم السلام نبود، ولی اگر مصلحت حکومتی اقتضا می کرد، با طرح های حکومتی مسالمت آمیز درباره اهل بیت علیهم السلام مشارکت و همکاری داشت.

مشاوره های امام به مأمون

سیاسی/ اجتماعی

امامان در تقیه ورزی خود، هیچ گاه در اقدامی که منجر به تقویت نظام خلافت یا خلیفه ای از خلفای اموی و عباسی

ص: ۲۷۱

شود، مشارکت نمی کردند؛ ولی در همان زمان، اگر کیان جامعه اسلامی و ثبات و آرامش آن در خطر می افتاد؛ از مشاوره های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، برای حفظ و یا تقویت اسلام و جامعه اسلامی و یا دفع خطر دشمنان، به خلفا دریغ نمی کردند.(سیره سیاسی ائمّه، اعتقاد به مشروعیت نداشتن خلافت، در کنار ضرورت حفظ بنیان سیاسی – اجتماعی جامعه اسلامی بود).

موعظه های سیاسی امام به مأمون

اخلاقی / سیاسی

امام، به ویژه در نیمه دوم حضور در خراسان، به واسطه جایگاه و موقعیتی که تدریجاً در دربار و در خراسان به دست آورده بود، بر حجم موعظه های خود به مأمون افزود؛ موعظه هایی که همگی مربوط به اخلاق سیاسی و مدیریتی و یادآور مسئولیت سنگین مقام خلافت مسلمین و ضرورت رسیدگی پیوسته به مسائل آنها بود.

ج۳: جدول گاه شمار خروج امام رضا علیه السلام از مرو تا شهادت در توس

اشاره

ج۳: جدول گاه شمار خروج امام رضا علیه السلام از مرو تا شهادت در توس

به نوشته مورخان؛ خروج مأمون همراه امام، فضل ابن سهل و لشکریان، در حدود ماه رجب سال ۲۰۲ ه . ق. رخ داد. از این اتفاق، تا زمان شهادت امام در توس، در آخر ماه صفر ۲۰۳ ه . ق. حدود هفت ماه طول کشید. این زمان طولانی، با توجه به اینکه ظاهراً مأمون باید برای نجات خلافت، به سرعت به عراق برمی گشت، عجیب و بعید است. پرسش این است که این هفت ماه، با وجود کوتاهی مسافت بین مرو تا توس، چگونه سپری شده و چه رویدادهایی در این فاصله رخ داده است؟

سال

ماه

رویدادها

۲۰۲

رجب

خروج مأمون و همراهان از مرو و رسیدن به سرخس و دستور اقامت مأمون به لشکریان برای مدتی در سرخس.

رسیدن اخباری به فضل از سوی برادرش مبنی بر اینکه احتمالاً خطری متوجه اوست و درخواست از او برای مراقبت ویژه از خودش.

ص: ۲۷۲

۲ شعبان

اجرای توطئه قتل فضل ابن سهل به دست مأمون در سحرگاهی، در حمام سرخس؛ تروری که اگر چه عاملان آن به سرعت شناسایی و اعدام شدند، ولی موقتاً موجب شورش طرف داران فضل در لشکر مأمون شد؛ شورشی که با مداخله و عنایت امام به آرامش رسید.

اوایل ماه شعبان

مأمون پس از دفع شورش برخی از لشکریانش در اعتراض به قتل فضل، تا پایان ماه رمضان در سرخس ماند و در این مدت، چند روزی هم امام را زندانی کرد.

مأمون پس از به قتل رساندن فضل، اصرار داشت امام در کنار ولایت عهدی، منصب وزارت را نیز بپذیرد و جانشین فضل شود، ولی امام نپذیرفت.

۲۰۲

عید فطر

حرکت مأمون با امام و لشکریانش از سرخس به توس.

به دستور مأمون، ابراهیم ابن امام کاظم علیه السلام امیرالحاج شد.

ماه شوّال

ورود به توس و آغاز اقامت چند ماهه امام همراه مأمون و لشکریانش در توس.

ماه های پایانی زندگانی امام

فزونی گرفتن موعظه های امام به مأمون که باعث خشم روزافزون او می شد.

امام در این ماه ها، محل مراجعه مأمون و والیان او در مسائل مستحدثه است (همانند وصیت یک مجوس برای فقرا که آیا شامل فقرای مسلمانان می شود و یا نصرانی ای که با هاشمی ای زنا می کند و بعد برای فرار از حکم، مسلمان می شود).(۱)

روزی صوفی ای دست گیر شده بود که از شدت بیچارگی دزدی کرده بود. مأمون قصد اجرای حد بر او را داشت، ولی او ضمن دفاع از خود، مأمون را متهم و رسوای جمع کرد. در نهایت، آن صوفی با وساطت امام آزاد گردید، ولی مأمون به

۱- موسوعه، ج ۲، ص ۳۱۶.

ص: ۲۷۳

شدت کینه امام را به دل گرفت و مقدمات شهادت او را فراهم کرد.(۱)

خداحافظی و رفتن دعبل شاعر و برادرش از توس به قم.

هفته های آخر زندگانی امام

امـام، هر جمعه ناچـار به حضور در جـامع توس بود. در این اواخر، وقتی از جـامع توس که با منزل امام فاصـله داشت، بازمی گشـت عرق کرده و غبارگرفته بود و نارضایتی شدیـدی در چهره اش نمایان بود. ایشان پیوسـته، دعای نجات و رهایی (و آرزوی شـهادت) از خداوند داشت.

آخرین روز ماه صفر

اجرای طرح شـهادت امـام به دست مـأمون و تحقق پیش بینی هـای امام مبنی بر شـهادتشان در توس و دفن شـدنش در کنار هارون. مأمون پس از به شهادت رساندن امام، چند روزی برای ایشان به ظاهر عزاداری کرد و آن گاه توس را به قصد جرجان ترک کرد.

مأمون و مسئله شهادت امام رضا علیه السلام

مأمون و مسئله شهادت امام رضا علیه السلام

مأمون از ماجرای ولایت عهـدی امام رضا علیه السـلام ، اهداف متعددی را دنبال می کرد؛ ولی وقتی در مرو، از نزدیک با امام روبه رو شـد و مـذاکرات تحمیل خلافت و یا ولایت عهـدی دو ماه و نیم طول کشـید و در نهایت هم، مأمون تنها با پـذیرفتن شـروط امام توانست ولایت عهدی را به وی تحمیل کند، معلوم شد که امام از قبل دست مأمون را خوانده است و حاضر نیست بازیچه خلافت و دنیای او بشود. البته مأمون با پذیرش ولایت عهدی مشروط، به کمترین نتایج و اهدافش نیز دست یافت. نتایجی مانند

جایگـاه سیاسـی فضـل ابن سـهل، تـدریجاً تضـعیف شـد و تمام نقایص و عیب های آغازین خلافت، متوجه او و اقـداماتش شـد. در حقیقت، مسئولیت بحران های آغازین خلافت مأمون همگی به گردن فضل افتاد.

جریان زیدیه کاملًا به دام توطئه های مأمون افتاد.

۱- موسوعه، ج ۵، ص ۱۷۲؛ ج ۴، ص ۳۴۷.

ص: ۲۷۴

تلاش شد در میان جامعه اسلامی، نوعی هم گرایی جدید و فراگیر ترِ میان فرقه ای، در ضمن حفظ مشروعیت خلافت عباسی ایجاد شود.

با این حال و با وجود همه این دست آوردها، هنوز امام به چنگ مأمون نیفتاده بود؛ از این رو مأمون تدریجاً از چند جبهه تلاش کرد تا شاید امام را به دام توطئه های خود بیندازد. یکی از این راه ها، برنامه های عبادی بود و دیگری، راه اندازی جلسات و مناظرات علمی.

برنامه های عبادی، اگر چه به ظاهر، صبغه سیاسی نداشت و شروط امام را نقض نمی کرد، ولی وقتی به جماعت برگزار می شد و به دستور مأمون هم بود، معلوم بود که رویکردی سیاسی می یافت. پیشنهاد برنامه های عبادی، توطئه ای کاملاً هوش مندانه بود، چرا که این برنامه، به سبب صبغه عبادی اش نمی توانست با مخالفت کامل امام روبه رو شود ولی در نهایت، به سبب صبغه سیاسی اش به نفع مأمون تمام می شد. در این مبارزه هم، امام برگ برنده دیگری رو کرد و آن، گذاشتن پیش شرط دومش، یعنی اجرای برنامه های عبادی اش مطابق با سیره و روش پیامبر بود. بدین گونه بود که نماز عید نیمه کاره تمام شد و نماز باران هم، با مدیریت امام، با بارش همراه شد تا در هر دو برنامه، مردم متوجه حقانیت و معنویت و پاکی و صداقت و حتی ولایت تکوینی و تشریعی امام بشوند.

مناظره ها هم که احتمالاً سه تا پنج ماه طول کشید، به شکست علمی تمامی علمای غیر اسلامی و اسلامی، چه در حوزه فقه و چه در حوزه کلام و تاریخ منجر شد و بلکه سبب ساز تبلیغ گسترده برای نظریه امامت و تشیع نیز شد، به ویژه وقتی که برخی از آن علما، رسماً شیعه هم شدند و ناکامی دیگری برای مأمون رقم زدند. در این اوضاع بود که در کنار ناکامی طرح های سیاسی مأمون، همانند بحران سیاسی – اجتماعی عراق و رشد فزاینده محبوبیت اجتماعی امام، او با تمام ادعاهای روشن فکرانه اش ناچار شد به طرح شهادت امام فکر کند.

این تحلیل کلی از ناکامی های مأمون در برابر امام، در واقع همان پاسخی است که اباصلت هروی به احمد ابن علی انصاری داد. انصاری از او پرسید: «چرا مأمون که در آغاز، آن همه نسبت به امام ابراز شیفتگی و علاقه می کرد، در نهایت ایشان را به شهادت رساند؟» اباصلت پاسخ داد: «هدف مأمون از ماجرای ولایت عهدی، نمایش

ص: ۲۷۵

دنیاگرایی امام و در نتیجه، بی اعتبار کردن ایشان در انظار اجتماعی بود. او همچنین با اجرای مناظره ها می خواست جهل امام را آشکار کند؛ ولی تمام طرح های او باعث عزت بیشتر امام و رشد بیشتر حقد و حسادت مأمون شد».(۱)

درماندگی مأمون و بازگشت او به سیاست قتل و حذف فیزیکی رقیبانش را، در نوع خروج او از مرو تا عراق می توان دید؛ به گونه ای که وقتی مأمون از اوضاع آشفته عراق آگاه شد، به جای بازگشت سریع به عراق، فقط نزدیک دو ماه در سرخس توقّف کرد تا فضل را بکشد. آن گاه چهار ماه در توس توقّف کرد تا امام رضا علیه السلام را به شهادت برساند. وقتی هم از توس خارج شد، به جرجان رفت و آنجا هم چهل روز توقف کرد تا محمد ابن جعفرالصّادق علیه السلام را شهید کند و در نهایت، در اوایل سال ۲۰۴ وارد بغداد شد.

مأمون می دانست که بقای امام برای او و خلافتش خطرناک و زیان آور است و گریزی از به شهادت رساندن ایشان نداشت. از طرف دیگر، او چندین مرتبه، مستقیم و غیر مستقیم از خود امام شنیده بود که سرانجام در توس به شهادت خواهد رسید و در کنار هارون به خاک سپرده خواهد شد. تلاش های موردی مأمون برای به قتل رساندن امام (حداقل دو بار در مرو و یک بار در سرخس، هم زمان با قتل فضل)، نشان می دهد مأمون، از اینکه این پیش بینی امامان پیشین و خود امام رضا علیه السلام ، درست باشد و به دست او هم اجرا شود، نگران بود و حتی شاید به همین علت بود که موقتاً امام را در سرخس به بهانه قتل فضل یا علل دیگر زندانی کرد تا شاید در آن جا (همانند شهادت مخفیانه امام کاظم علیه السلام در زندان های بغداد به دستور هارون)، امام را شهید کند؛ ولی شاید سنگینی قتل فضل، اجازه نداد زمینه مناسبی برای شهادت امام فراهم شود.

بازگشت مأمون به توس و اقامت چهار ماهه اش در آنجا، که همراه با استخفاف امام، به ویژه در مراسم نمازهای جمعه بود، (تا بدان حد که امام، در بازگشت از نمازهای جمعه، از خداوند طلب نجات و شهادت می کرد)(۲) احتمالاً ـ نقشه مأمون بود تا ضمن فشارهای روانی بر امام، وضع روانی جامعه و همراهان را نیز آماده سازد تا در فرصتی مناسب، امام را به صورتی مخفیانه، ولی کاملاً ناگهانی از میان بردارد.

۱- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۴.

ص: ۲۷۶

شاید به همین علت است که بر طبق برخی گزارش ها، امام با انگور و یا با انار زهرآلود مسموم شده است؛ ولی بنا بر برخی دیگر از گزارش ها، امام در مدت زمانی کوتاه، با هر دوی این میوه های زهرآلود مسموم شده(۱) تا اثرگذاری و فرآیند شهادت امام به سرعت رخ دهد. به همین علت است که در فاصله زمانی تناول اجباری میوه های مسموم تا لحظه شهادت، امام در یک نیم روز، ناچار می شود بیش از پنجاه مرتبه اتاق خود را برای دفع عوارض سم ترک کند.(۲)

در آستانه و لحظه شهادت امام رضا علیه السلام ، اگر چه از منظر کلام و عرفان شیعی، امام جواد علیه السلام بر بالین ایشان حاضر و متکفّل کفن کردن و نماز بر امام بوده است؛(۳) ولی به ظاهر و با مدیریت مأمون، پس از شهادت امام، از تجمع گسترده مردم در اطراف منزل و مدفن ایشان جلوگیری شد. طبق یک گزارش دیگر، اگر چه مأمون بعد از دفن امام برای ایشان مراسم سوگواری نیز برگزار کرد، ولی دستور داد پیکر مطهر امام شبانه دفن شود.(۴)

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

خروج مأمون از مرو به سوی عراق

سیاسی

خروج نیمه اجباری مأمون به سوی عراق، نشان گر شکست خوردن مأمون در قسمت اعظمی از نقشه های ولایت عهدی اش است.

سیاسی / مدیریتی

خروج از مرو، آغاز قتل های سیاسی مأمون است، زیرا با این قتل ها، راه رسیدنش به بغداد هموار می شد.

از ناکامی ها تا سوء استفاده های مأمون از ترور فضل

سیاسی / اجتماعی

مأمون پس از به قتل رساندن فضل، اگر چه در آغاز به امام نیاز داشت تا شورش طرف داران فضل را بخواباند، ولی وقتی مجدداً امام پیشنهاد حضور

۱- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴۴.

۲- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴۰.

۳- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴۴.

۴- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴۵.

ص: ۲۷۷

هم زمان در وزارت و ولایت عهدی را نپذیرفت، مأمون با زندانی کردن موقت امام در سرخس، می خواست او را در فشار بگذارد.

زمان طولانی طی مسیر و اقامت در سرخس و توس

روانی / سیاسی

زمان طولانی خروج از مرو تا شهادت امام در توس، نشان گر اوج درماندگی مدیریتی مأمون در برابر امام است؛ چرا که از یک سو، ولایت عهدی برای او هیچ منفعتی نداشت و از طرف دیگر هم، امام به اهداف تاریخی اش دست یافت. در نهایت هم، مأمون نمی خواست پیش گویی های مربوط به شهادت امام، دقیقاً محقق و اجرا شود.

مسئله پیش گویی های اهل بیت

کلامی / سیاسی

پیش گویی های غیبی، یکی از قدرت های نرم افزاری معصومان بود؛ پیش گویی هایی که وقتی در جامعه منتشر و محقّق می شد، آن هم بعضاً به دست خود رهبران باطل، باعث رسوایی آنها می شد.

رهبران باطل، غالباً از تحقّق دقیق و کامل پیش گویی های اهل بیت علیهم السلام واهمه داشتند و در مدیریتی گسترده، سعی می کردند تا می شود جلوی تحقق آنها را بگیرند تا باعث رسوایی معصومان شوند.

غربت و حصر اجتماعی امام در توس

سیاسی

شدت فشارهای مأمون بر امام و شیعیان، باعث رفتن شیعیان از مرو و توس شد و امام در ماه های پایانی زندگانی، به ویژه در توس، در غربت و حصر اجتماعی شدیدی بود.

د) امام و مدیریت بحران ولایت عهدی و فرصت سازی از آن برای توسعه جغرافیایی تشیع

اشاره

د) امام و مدیریت بحران ولایت عهدی و فرصت سازی از آن برای توسعه جغرافیایی تشیع

دست آوردهای مدیریت امام رضا علیه السلام برای جامعه شیعه، در طول مدت دوران ولایت عهدی را دست کم می توان از دو منظر نگریست.

ص: ۲۷۸

اول: حفظ جامعه شیعه، از چالش ها و آسیب های توطئه ولایت عهدی و جلوگیری از توطئه هوش مندانه مأمون که می توانست در قالب ماجرای ولایت عهدی، جامعه شیعه را، یا به سوی التقاط با عباسیان یا زیدیه بکشاند، یا آن را دچار بحران فکری - اعتقادی جدیدی بکند، یا دچار انشعاب و فرقه سازی کند، یا موجب تقویت فرقه های انحرافی ای مانند واقفیه و غُلات شود. نتیجه مدیریت امام در این بخش، حفظ سلامت جامعه شیعه و تضمین روند رو به رشد آن، بدون هیچ گونه چالش و بحران جدید بود.

دوم: گسترش دادن جامعه شیعه، به ویژه در جغرافیای مستعدّ و متمدّن ایران زمین. در حقیقت، مهم ترین دست آورد سفر امام به ایران و خراسان، که به بهانه ماجرای ولایت عهدی رخ داد، فرصتی تاریخی برای گسترش تشیع در ایران بود. در حقیقت، توطئه کوتاه مدت مأمون، برای ضربه زدن به خط امامت و جامعه شیعه، با طراحی بلندمدت امام، نتایج تاریخی معکوسی علیه باطل و به نفع جامعه حق به بار آورد.

این دو ادعا، در دو مرحله زیر بررسی و اثبات می شوند:

د.۱: مدیریت امام برای حفظ سلامت جامعه شیعه.

د.۲: مدیریت امام برای گسترش جامعه شیعه جدید.

د۱: مدیریت امام برای حفظ سلامت جامعه شیعه

د۱: مدیریت امام برای حفظ سلامت جامعه شیعه

امام رضا علیه السلام ، از حدود سال ۱۸۶ ه . ق. که هارون برای حج به حجاز آمده بود، در جمع برخی از شیعیان، مستقیم و غیر مستقیم، تأکید می کرد که مزار ایشان در کنار قبر هارون و در منطقه خراسان خواهد بود.(۱) به طور کلی، در برخی از پیش بینی های امامان قبلی، روایاتی هست که بر شهادت امام رضا علیه السلام در خراسان تأکید شده است.(۲) از این مطالب، مشخص می شود که امام رضا علیه السلام با آمادگی کامل، با مسئله ولایت عهدی اش مواجه می شد.

بنا بر برخی گزارش ها، که وداع تاریخی امام با فرزندش را، نه در آغاز سفر از مدینه به مکه و از مکه به خراسان (که استبعاد زیادی دارد)، بلکه در ضمن حج سال قبل از

۱- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۲.

۲- موسوعه، ج۱، الباب الاوّل، الفصل السادس: شهادته و مبلغ سنّه و مدفنه (الإخبار بشهادته).

ص: ۲۷۹

رفتن ایشـان به خراسان، (یعنی سال ۱۹۹ ه . ق.) ذکر کرده انـد، امـام در این فرصت، قطعاً به آگـاه سازی یارانش هم پرداخته بوده است.

آغاز سـفر امام به خراسان، در ۲۵ ذی القعـده بود، یعنی چیزی کمتر از دو هفته مانـده به آغاز مراسم حـج سال ۲۰۰ ه . ق. و بـا این حساب، اصحابی که در آن سال در مسیر حج بودند، می توانستند دست کم در مسیر رفتن خود به حج، با امام دیدار کنند و از امور آگاه شوند؛ چرا که احتمال سـفر امام رضا علیه السـلام به خراسان، از ماه شعبانِ همان سال، با آغاز نامه نگاری های مأمون به ایشان بر سر زبان ها افتاده بود.

این موارد، همه شاهدی است که خروج امام رضا علیه السـلام به سوی خراسان، آن هم در کنار تبلیغات فریبنده سـربازان مأمون، که همراه بـا نوعی احترام اجبـاری و بـا شـعار تفویض مسـئولیت مهم ولاـیت عهـدی بود، اگر چه در آغـاز می توانست هماننـد ماجرای زنـدانی شـدن امام کاظم علیه السـلام به چالشـی مهم برای شـیعه تبـدیل شود (چالش واقفیه)؛ ولی مـدیریت امام و تجربه ماجراهای واقفیه که به بلوغ و رشـد فکری بیشتر جامعه شـیعه منجر شـده بود، باعث شد که رویداد ولایت عهدی با کمترین بحران برای جامعه شیعه سپری شود.

بر اسـاس مـدیریت پیش بینی محور خود امـام رضـا علیه السـلام دربـاره شـهادت قریب الوقوعش، ایشان حتی برای معضل و چالش امـامتِ امـام جواد علیه السـلام در کودکی، زمینه هـا را چنان آماده کرده بود که به جای اینکه در زمانی کوتاه، جامعه شـیعه با چند بحرانِ هم زمان (ولایت عهدی و امامت در کودکی) روبه رو شود، این تحولات را با کمترین تردید و هزینه پشت سر بگذارد.

سلامت فکری شیعه در مواجهه با مسئله ولایت عهدی تا به بدان حد بود که تنها گزارش هایی که از تشکیک و یا تردید شیعیان در این زمینه ثبت شده، موارد زیر است:

وقتی خبر رفتن امـام به سوی مأمون منتشـر شـد، عـده ای از شـیعیان، ماننـد یونس ابن عبـدالرّحمان، مـدعی شدنـد که حتی پـذیرش تحمیلی خلافت و یا ولایت عهدی از سوی امام می تواند به معنی نقض امامت باشد.(۱)

۱- موسوعه، ج ۲، ص ۲۸۰.

ص: ۲۸۰

در خراسان، پس از پایان ماجرای ولایت عهدی، عده ای در دیدار با امام، به این تصمیم ایشان اعتراض کردند، ولی امام با مثال های قرآنی (داستان حضرت یوسف علیه السلام در دربار فرعون) آنها را اقناع کرد. البته این عده، هم شیعه، هم صوفیه، هم زیدیه و هم بعضاً برخی از علمای عامه بودند.

در خراسان، پس از پایان ماجرای ولایت عهدی، تعدادی از خواص شیعه، مانند ایوب ابن نوح و ریان ابن صلت، قصد تطبیق ولایت عهدی امام با مسئله مهدویت را داشتند که امام خیلی سریع جلوی این انحراف آنها را گرفت.(۱)

حد فاصل نظر یونس ابن عبدالرّحمان تا نظر کسانی مثل ریان ابن صلت و ایوب ابن نوح، که هر سه از خواص شیعه بودند، نشان گر نوعی اظهارنظرهای افراطی و تفریطی است که همگی به سرعت با تبیین امام، اصلاح شدند.

ریان ابن صلت، در اواخر زندگانی امام در خراسان، چون از کارگزاران بنی عباس بود، در قالب مأموریت حکومتی، از خراسان به عراق و بغداد منتقل شد. آمدن او به بغداد، کمی پیش از شهادت امام رضا علیه السلام ، به گونه ای تمام مواریث علمی و داستان های سیاسی و اجتماعی امام در خراسان را، به مدرسه بزرگ شیعه در بغداد منتقل کرد. همین امر باعث شد در آستانه انتقال امامت از امام رضا علیه السلام به امام جواد علیه السلام ، که زیر سایه سنگین دو چالش ولایت عهدی امام رضا علیه السلام و امامتِ امام جواد علیه السلام در کودکی بود، کمترین هزینه ها و تبعات برای جامعه شیعه پدید آید؛ همان گونه که در جلسه ای که خواص شیعه بغداد، پس از دریافت خبر شهادت امام رضا علیه السلام و ادعای امامت امام جواد علیه السلام ، گرفتند تا موضع خود را اعلام کنند، یونس ابن عبدالرّحمان تشکیکی کوتاه مطرح کرد که با پاسخ قاطع و سریع و صریح همه سران شیعه و به ویژه ریان ابن صلت مواجه شد و غائله خیلی زود خوابید و در همان جلسه، همه شیعه و حتی یونس ابن عبدالرّحمان، امامت امام جواد علیه السلام را پذیرفتند.

این ها همه حاکی از آن است که امام رضا علیه السلام در همان زمان که درگیر مسئله ولایت عهدی و توطئه های پیچیده مأمون و اطرافیان او بود، با التفات به چالش های جامعه شیعه، سعی در شبهه زدایی سریع و حفظ سلامت آنها داشت. بر همین اساس،

۱- موسوعه، ج ۳، صص ۲۷۱ — ۲۷۶.

ص: ۲۸۱

امام رضا علیه السلام در ده ماه اقامت در مرو و چهار ماه اقامت در توس، و دست کم یک ماه پیش از واقعه شهادت، با اینکه کاملاً زیر نظر کارگزاران مأمون و حتی همسر تحمیلی خود اُمّ حبیب بود، آمار نامه هایش به شیعیان و امام جواد علیه السلام و یا دیدارهایش با شیعیان، قابل توجه و چشم گیر است و نشان گر مدیریت مستقیم و غیر مستقیم ایشان نسبت به شیعیان عراق و حجاز است.

د۲: مدیریت امام برای گسترش جامعه شیعه جدید

د۲: مدیریت امام برای گسترش جامعه شیعه جدید

پیش بینی تاریخی پیامبر اسلام، مسلمان شدن قریب الوقوع ایرانیان و جذب تدریجی آنها برای یاوری دین حق بود. پس از غصب خلافت، خلفا که از این پیش بینی و تبعات احتمالی آن آگاه بودند، با راه اندازی فتوحات و فتح سریع ایران، سعی کردند در این منطقه به گونه ای عمل کنند که اولاً ـ در نخستین گام، یک مرزبندی عرب و عجم درست کنند و تا یک قرن ایرانیان را، اگر چه مسلمان هم شوند، از پیکره جهان اسلام و تحولات آن جدا سازند.(۱) ثانیاً اگر هم آنها مسلمان شدند، اسلام آنها اسلامی تعصب محور بر مبنای اسلامی انحرافی و ضد اهل بیتی باشد. بدین گونه بود که در غرب ایران، که مجاور سرزمین های اسلامی عربی بود، امویان، اسلام اموی را به صورت فراگیر تبلیغ می کردند تا در نهایت، اسلام اموی، مذهب رایجِ بیشتر مناطق ایرانِ غربی، از شمال غرب تا جنوب غرب شد.

این تلاش های تاریخی، اسلامِ انحرافی را در این مناطق نهادینه کرده بود، به گونه ای که پس از تغییر خلافت، اگر چه اسلامِ معتدل عباسیان، در قالب فقه و کلامِ حنفی، توسط شاگردان ابوحنیفه در خراسان و ماوراءالنّهر گسترش یافت و یا تشیع، به تدریج و خیلی آرام، جای پایی در مناطقی از خوزستان و همدان به دست آورد، ولی اکثر مناطق غربی ایران، بر همان اسلام اموی خود باقی ماندند و شهر قم که کاملاً شیعی بود، تبدیل به جزیره ای تنها در میان جغرافیای اسلام اموی شده بود.

از شواهد بزرگ این مدّعا اینکه در طول سفر امام رضا علیه السلام به ایران، وقتی ایشان

۱- امری که سرانجام در اولین گام، همکاری ایرانیان ساکن عراق را با مختار به دنبال داشت و در نهایت، همکاری ایرانیان با محوریت خراسانی ها، نابودی تاریخی امویان و به خلافت رسیدن عباسیان را به همراه داشت.

صحرای بزرگ عربستان را طی کرد، از اولین منازل در جغرافیای عراق تا آخرین منازل در خوزستان، گزارش هایی در دست است، ولی با اینکه امام در حد فاصل خوزستان تا کویر مرکزی، از بخش هایی از فارس و یزد و اصفهان عبور کرده اند، کمترین گزارشی از این مرحله از سفر ایشان ثبت و ضبط نشده است!

در خراسان هم، اگر چه به دنبال تبلیغات زیدیه و عباسیان، محبت به اهل بیت علیهم السلام آشکار بود و حتی گزارش هایی از وجود تشیع از زمان امام صادق علیه السلام در این مناطق وجود دارد و در زمان امام رضا علیه السلام ، فضل ابن شاذان، از یاران برجسته ایشان از نیشابور بود (البته در آن زمان ساکن عراق بود و بعدها به نیشابور بازگشت)، ولی اکثر جامعه اسلامی عرب و عجمِ خراسان و ماوراءالنّهر، بر مذاهب گوناگون عامه بودند و تشیع، پدیده ای نو و پراکنده در خراسان بود و به طور کلی، اکثر شیعیان ساکن ایران، چه در قم و چه در خوزستان و خراسان، ریشه در قبایلِ عربِ شیعه مهاجر به این مناطق داشتند و هنوز مسلمانان ایرانی به صورت گسترده با تشیع آشنا نشده بودند.(۱)

غیر از مسئله جغرافیای سفر، از نظر زمانی، سفر امام رضا علیه السلام در بهترین فرصت تاریخی صورت گرفت؛ چرا که در این زمان، بیش از نیم قرن از خلافت عباسی گذشته بود و حقیقتِ این خلافت و چهره باطنی آن، به ویژه در قالب جنگ داخلی و بزرگِ امین و مأمون، خود را نشان داده بود. این در حالی بود که طرح نوسازی دینی جامعه، با فرقه سازی فقهی عباسیان هم در حال اجرا بود تا اسلام اموی به اسلامی معتدل تبدیل شود.

در این فرصت، که جامعه در حال تغییر و تحول دینی و فکری، همراه با یأس ها و دل زدگی های سیاسی بود، سفر تاریخی امام رضا علیه السلام در قالب آیینه تمام نمای سیره نبوی، بهترین تبلیغ عملی و گفتاری برای مذهب و مکتب اهل بیت علیهم السلام بود؛ به ویژه که فرصت تاریخی حضور امام رضا علیه السلام در ایران، همراه با سیاست درهای باز مأمون به روی علویان بود تا شاید آنها را با خلافت همراه کند. این سیاست مأمون، فرصت تاریخی گسترده ای به علویان داد تا به صورت جدی، دست کم در جغرافیای غربی ایران منتشر شوند. سفر تعداد قابل توجهی از فرزندان امام کاظم علیه السلام به ایران، مثل سفر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم و یا احمد ابن موسی علیه السلام به شیراز (و موارد دیگر: در

۱- تاریخ تشیع در ایران، ج ۱، ص ۱۶۳.

ص: ۲۸۳

ری (امام زاده حمزه)، در بهبهان (بی بی حکیمه)، در کاشان (آقاعلی عباس) و دیگر مناطق) از جمله این موارد است.(۱)

این اتفاق، در کنار هجرت برخی از شاگردان امام رضا علیه السلام به همین مناطق غربی ایران، با محوریت قم، ری و اصفهان بود که چون این هجرت ها عمدتاً در زمان امام جواد علیه السلام رخ داده است، بررسی آنها را به کتاب زندگانی امام جواد علیه السلام موکول می کنیم.

فهرست اجمالی شخصیت های برجسته این نهضت مهاجرتِ علمی خواص شیعه، که از شاگردان امام رضا علیه السلام بودند و بعداً هجرت علمی خود را انجام دادند، به این شرح است:

ابراهیم ابن هاشم کوفی قمی: او ذخیره حدیثی کوفه را به قم منتقل کرد و تأثیر فراوانی در تعمیق فضای علمی حوزه نوپای قم گذاشت.

حسن و حسین ابن سعید کوفی اهوازی قمی: آنها در اصل کوفی بودند، ولی برای مدتی طولانی ساکن اهواز و باعث تحول ایمانی جمع بسیاری شدند و در نهایت، ساکن قم شدند.

حسین ابن یزید نخعی کوفی: او از کوفه به ری مهاجرت کرد و «برقی»، شاگرد او در ری، از علمای معروف شیعه است.

فضاله ابن ایوب ازدی: از اصحاب اجماع و از شاگردان برجسته امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام و ساکن اهواز بود.

ریان ابن شبیب اشعری: وی پس از شهادت امام رضا علیه السلام از خراسان به قم آمده و ساکن آنجا شد.

عبدالرّحمان ابن ابی نجران: از محدثان کوفی و ساکن قم.

علی ابن مسیب همدانی: ساکن در قم.

مؤلف شیعی کتاب «الغارات»: وی برای نشر تاریخ و حدیث اهل بیت علیهم السلام در اصفهان به این شهر هجرت نمود.

دعبل خزاعی، شاعر و برادرش، علی: آنها در بازگشت از توس یکی دو سال در قم و آن گاه در خوزستان حضور داشتند.

۱- تاریخ تشیع در ایران، ج ۱، ص ۲۳۳.

ص: ۲۸۴

و بـدین گونه است که مشخص می شود تـا پیش از سـفر امـام رضـا علیه السـلام به ایران، هم امویـان و هم عباسـیان، یک سیاسـت نانوشـته داشـتند تا از انتشار شخصـیت های شیعی در جغرافیای ایران جلو گیری کنند، ولی ماجرای ولایت عهدی، فرصتی تاریخی به شخصیت های شیعی داد که با آمدن امام به ایران، این سد را بشکنند.

به نظر می رسـد در راسـتای تحقق اهداف بلندمدت ترویج تشـیع در ایران، خود امام در یک برنامه ریزی دقیق، ابتدا با نفوذ به عمق جغرافیای ایران و پذیرش غریبانه ترین سـفر؛ حضور در بخش دشوار این مأموریت جغرافیایی را شـخصاً به عهده گرفته بود و علویان و شخصـیت هـای شـیعی، مـأموریت سـفر به بخش غربی و مرکزی این جغرافیـا را، که در میـانه جغرافیـای حضور امام در خراسان و جغرافیای جامعه شیعه در عراق بود، به عهده گرفته بودند.

از شواهد برنامه ریزی آگاهانه امام در طول این هجرت تاریخی، این است که: امام رضا علیه السـلام می توانست این سفر را نپذیرد، یا همان گونه که مأمون در خراسان، پس از پذیرش ولایت عهدی، از امام خواسته بود که ایشان به عراق برود و خودش در خراسان بماند، امام می توانست به عراق بازگردد، یا اینکه در اواخر دوران اقامت خود در خراسان، مدیریت پذیرش شـهادت خود را در مرو و یا سـرخس انجام دهـد (چرا که در این شـهرها هم، امام از سوی مأمون بارها تهدیـد به شـهادت شـد)، ولی امام مدیریت حضور و شهـادت خود را به گونه ای طراحی کرد که این اتفـاق در توس رخ دهـد؛(۱) البته این چیزی بود که مـأمون به ظـاهر از اجرای آن حـذر داشت، ولی در نهـایت، وقتی در برابر مـدیریت امام درمانـده شـد، پس از اقامتی چهار ماهه در توس، سـرانجام ناچار به انجام دادنش شد.

۱- از جهت جغرافیـایی، توس در آن زمـان در میان سیسـتان و خراسان جنوبی بوده است که سایه خوارج بر آن سـنگینی می کرد و در ماوراءالنّهر هم، مکتب حـدیثی اهل سـنّت غالب بود و در خراسان شـرقی، مکتب اهل رأی حاکم بود و در نیشابور هم انواع فرقه هـای تسـنّن حضور داشـتند. توس از این نظر انتخـاب شـد تـا از این جغرافیاهـای فکری فاصـله داشـته باشـد. از نظر مطالعه جغرافیای تاریخی تسـنّن و تشیع، جالب است بدانیم که حتّی امروزه هم، فاصله مشهد مقدّس با جغرافیای تسنّن در جنوب شرق، شرق و شمال این شـهر، حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ کیلومتر است. این بـدین معنـا است که امـام می دانسـته که مـاوراءالنّهر و خراسان شـرقی، از هرات به سمت شـرق، اگر چه اسـتعدادهایی اجتماعی برای تشـیع دارند، ولی با توجه به مسائل اقلیمی و جغرافیایی و اجتماعی، تسنّن در آنها غالب خواهد بود؛ و در تعریف جغرافیای تشیع جدید، مرقد مطهر باید به گونه ای باشد که ضمن شعاع بخشی به مناطق شرقی مشهد مقدّس، بیشتر حافظ تشیع در مناطق غربی خود باشد.

ص: ۲۸۵

با توجه به همین مأموریت تاریخی امام بود که برنامه ها و سیره ایشان در خراسان، نسبت به مدینه، فراگیرتر و متفاوت تر بود. گویا امام در خراسان، توجهی ویژه داشت که جامعه شیعه تازه ای که داشت ایجاد می شد و هسته های اولیه تشیع، حتماً جامع و کامل باشند و از همان آغاز، درست شکل بگیرند و پایه های صحیح و استواری داشته باشند.

نمونه هایی از برنامه های امام برای سازمان دهی تشیع در خراسان چنین است:

تلاش برای نمایش صحیحِ شخصیت و سیره پیامبر و کلاً دین اسلام در انظار مردم خراسان و ماندگار کردن این تصویر در اذهان.

تفکیک و مرزبندی بین مُحب و دوست دار اهل بیت علیهم السلام با شیعه واقعی. امام می کوشید مُحبین اهل بیت علیهم السلام در خراسان را تشویق کند تا تلاش کنند به شیعه حقیقی تبدیل شوند. نمونه این تلاش، در انتظار گذاشتن دو ماهه گروهی از مدعیان تشیع برای دیدار با ایشان است. امام سرانجام در دیدار با آنان، ویژگی های تشیع و شیعه حقیقی را برای آنها تعریف کرد.(۱)

برگزاری جلسات علمی در بین عموم مردم، با رویکرد مباحث کلامی، در شهر مرو، که کمی بعد، به دستور مأمون از این کار جلوگیری شد.(۲)

بازخوانی و تعریف و تفسیرِ تخصصی مباحث امامت برای خواص یاران خود که در خراسان بودند.

تلاش برای بازخوانی، توسعه و گسترش فرهنگ جشن و عزاداری شیعه، با اجرای مراسم عید غدیر و دهه اول محرّم.

به برکت سفر و حضور امام رضا علیه السلام و با همین تلاش ها و مدیریت معصومانه بود که بذر تشیع از خراسان تا غرب ایران پاشیده شد و البته بدیهی است که این تحول اعتقادی، برای به بار نشستن کامل، نیازمند زمان بود. از طرف دیگر نیز، درست همانند پیدایش شهرهای کربلا و نجف، که به صورت تدریجی، بر گرد مرقد مطهر امام حسین علیه السلام و امام علی علیه السلام شکل گرفتند، انتقال جمعیت از شهرهای کوچک و روستاهایی مانند توس و سناباد به گرد مزار آن حضرت و تعریف شهر جدیدی که قرار بود با محوریت محبت و اعتقاد به امام رضا علیه السلام شکل بگیرد، نیازمند زمان بود؛ چرا که

۱- التفسیر المنسوب الی الامام العسکری۷، ص ۳۱۲، رقم ۱۵۹.

۲- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۲.

ص: ۲۸۶

این شـهر، با وجود نزدیکی با شـهرهاییماننـد نیشابور و مرو و هرات، که از مراکز بزرگ جمعیتی خراسان و از مراکز علمی بزرگ تسنّن بودند، باید کاملاً جدای از آنها شکل می گرفت تا هویتی کاملاً مستقل داشته باشد و در بلندمدت با تبدیل شدن به کانون جمعیتی جدید در خراسان، جای گزین تمامی آن شهرهای بزرگ شود.

نکته شـگفت این که شـهر مشـهدالرّضا، با توجه به مجاورت با ماوراءالنّهر، پیوسـته با هجوم متعـدد اسـلام ناصبی به مرقـد مطهر امام روبه رو بود. در حمله مغول نیز، در کنار نابودی کامل شـهرهای مرو و نیشابور، آنجا نیز نابود شـد، ولی به برکت وجود مزار نورانی امام رضا علیه السلام ، روند احیا، بازسازی و توسعه شهرِ جدید مشهد، با وجود آن همه هجوم وغارت گری های ویران گر، سریع و چشم گیر بوده است.

تحولاـت سیاسـی، فکری و اجتمـاعی پس از حمله مغول، مشـهد را تـدریجاً به شـهری بزرگ در منطقه تبـدیل کرد. پس از آن نیز، سیاست های فکری و فرهنگی ای که از دوره تیمور و جانشـینان او آغاز گردیـد، باعث گسترش تشـیع در خراسان شد. نیز به برکت همیـن مرقـد مطهر رضـوی در خراسـان بـود که، در تحولاـت اجتمـاعی و فرهنگی پس از دوره مغـول، به طـور تـدریجی، تسـنّن در خراسان شرقی و ماوراءالنّهر از گرایش های تند و متعصب، فاصله گرفت و تعدیل یافت و به سوی پذیرش نسبی هم زیستی مسالمت آمیز با تشیعِ قدرت گرفته در خراسان غربی پیش رفت.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

نوع مواجهه امام با مسئله ولایت عهدی

کلامی

پیش گویی های آینـده نگر امام در نیمه اول دوران امامتش، نشان می دهـد امام نه تنها از سال ها قبل آماده توطئه های مأمونی بود، بلکه جامعه شیعه را هم تدریجاً آماده پذیرش بحران ها و تحولات مهم می کرد.

تاریخی / آینده نگر

مدیریت امام در مسئله ولایت عهدی، اگر چه به ظاهر تحت تأثیر طرح و نقشه های مأمون بود،

ص: ۲۸۷

ولی بـا توجه به آگـاهی قبلی خود امـام و مـدیریت از پیش طراحی شـده ایشان و نیز با توجه به اهـداف بلندمـدت برای جامعه حق، مدیریتی فعال و پویا بود.

مقایسه وضعیت فکری شیعه بین مقطع آغازین امامت امام رضا علیه السلام تا دوران ولایت عهدی

فکری / کلامی

جـامعه شـیعه در آغاز امامت امام رضا علیه السـلام ، تحت تأثیر زنـدان های بلندمـدت امام کاظم علیه السـلام و سوء اسـتفاده برخی وکلای ایشان، با بحرانی مهم و بزرگ روبه رو شد (واقفیه)، ولی در زمان ولایت عهدی امام رضا علیه السلام ، در مواجهه با بحران های سه گانه (دوری سه ساله امام از مـدینه، ولایت عهدی ایشان و کودک بودن وصـیّ ایشان) دچار کمترین چالش ها و بحران ها گردید.

حضور تاریخی دو ریان در خراسان

شخصیت ها و رسالت ها

امام با اسـتفاده بسـیار بهینه از حضور تاریخی دو ریان در دسـتگاه مأمون، با فعال کردن آنها در خراسان، به ارتقای علمی و فرهنگی جـامعه شـیعه پرداخت تا با بازگشت آنها در آینـده به قم و بغـداد، میراث علمی و فرهنگی رضوی خراسان را به مراکز شـیعی منتقل کنند.

شخصیت ها و مسئولیت ها

بصـیرت و توان منـدی یـاران عـالم و کارآمـد در اوضـاع بحرانی، می توانـد یـاوری ویژه برای امام معصوم و پـذیرش سـنگین ترین مسئولیت ها از سوی ایشان باشد.

نگرش برخی از خواص شیعه به ولایت عهدی

شخصیت شناسی

تردیـدهای موردی یونس ابن عبـدالرّحمان، درباره ولایت عهدی و یا تطبیق های مهدوی ریان در همین زمینه، بیان گر این است که اگر مدیریت امام در مسئله ولایت عهدی نبود، این اتفاق،

ص: ۲۸۸

می توانست باعث انحراف برخی از خواص شیعه شود.

کلامی / فکری

تردیدها و اما و اگرهای خواص شیعه در این زمان، در حد شک و شبهه، یا اشتباه در تطبیق در حوزه اندیشه ای و فکری بود و هیچ گاه همانند مسئله واقفیه به وسوسه های اجتماعی – اقتصادی نزدیک نشد.

خلافت مأمون و بازسازی خلافت عباسی

سیاسی

درگیری مأمون با امین، در حقیقت، درگیری نوگرایان و سنت گرایان عباسی بود و پیروزی اصلاح گران عباسی به رهبری مأمون، به معنی آغاز اصلاح برنامه های اسلامی بود؛ برنامه هایی که می بایست مرحله به مرحله پیش می رفت.

سیاسی / اجتماعی

نوگرایی، به ویژه در جغرافیای ایران، ضرورتی اجتناب ناپذیر بود؛ ولی مشکل مأمون این بود که بخش هایی از جامعه اسلامی، با شناختن کنهِ خلافت عباسی و سطحی بودن این اصلاحات، با آن همراهی نمی کردند و در جست وجوی اصلاحات عمیق تری بودند.

امام و زمان شناسی

سفر امام به خراسان، تلاشی بود برای بهره وری از فرصت تغییرخواهی جامعه و اجرای برنامه های اصلاح گرانه و البته ناکارآمدِ مأمون که در بخش هایی از جامعه، آمادگی برای پذیرش مکتب ناب و اصیل را فراهم می کرد.

بازخوانی ولایت عهدی از منظر فرصت سازی برای هجرت های شیعیان و علویان

مدیریتی / اجتماعی

تلاش برای گسترش جغرافیایی – اجتماعی شیعه، در اواخر دوران امامت امام رضا علیه السلام ، منحصر به سفر تاریخی ایشان نبود، بلکه این

ص: ۲۸۹

سفر، فرصت های تاریخی متعددی به شخصیت های علمی شیعه و همچنین علویان داد تا با حضور در مناطق جدید و مستعد عراق و ایران، زمینه های اجتماعی و فرهنگی نشر تشیع را فراهم سازند.

شخصیتی

یاوران امام، با اعتلای علمی، اخلاقی و اجتماعی خود، به درجه ای از آمادگی و بلوغ رسیده بودند که برای نشر و گسترش دین و تشیع، حاضر شدند برای همیشه، محل زندگی خود را تغییر دهند و به جای تعلقات خویشاوندی و قبیله ای و شخصی، رهنمودهای امام و نیازهای جامعه شیعه را، مبنای تعیین محل اقامت خود قرار دادند.

مدیریتی

درگیری های امین و مأمون و حوادث ناشی از آن، که مانند درگیری های عباسیان و امویان و تحولات سال های آغازین خلافت عباسی بود، فرصتی مناسب برای گسترش تشیع بود. از این رو، تشیع پس از جهش اجتماعی - جغرافیایی در دوران امام صادق علیه السلام ، جهش بعدی اش، از سفر تاریخی امام رضا علیه السلام آغاز گردید. این بدین معنی است که اگر از فرصت های کلان در جامعه رو به دگرگونی و وازده باطل درست استفاده شود، می توان بذر حق باوری و تشیع را در دل مردم آن جامعه پاشید.(۱)

۱- نمونه های امروزین آن، فرصت های ناشی از فروپاشی شوروی، جنگ بالکان و نیز تحوّلات ناشی از بیداری اسلامی، برای نشر و گسترش تدریجی تشیع در این جغرافیاها است.

ص: ۲۹۰

انتخاب حومه توس برای شهادت

عرفانی / آینده نگرانه

امام با مقاومت در برابر شهادت در شهرهای مرو و سرخس؛ و پیش بینی مزاری برای خود در حومه توس (بر اساس روایات پیش بینی نگر)، برنامه ای دقیق برای ایجاد شهری جدید با محوریت زیارت رضوی در خراسان داشت؛ شهری که از فرهنگ التقاطی شهرهای غیر شیعی خراسان به دور باشد.

ه) امام و مدیریت مسئله وصایت و جانشینی امام جواد علیه السلام

ه) امام و مدیریت مسئله وصایت و جانشینی امام جواد علیه السلام

یکی از مسائل مهم دوران امامت امام رضا علیه السلام ، مسئله ولادت و وصایت و جانشینی فرزندش بود؛ چرا که ایشان، بر اساس مصالح آسمانی، برخلاف پدر بزرگوارش امام کاظم علیه السلام ، که دارای فرزندان بسیاری بود، تا سال ۱۹۶ ه . ق. یعنی ۴۸سالگی، فرزندی نداشت و همین امر، هجوم سنگین واقفی ها را علیه امام و جامعه شیعه به دنبال داشت.(۱) سرانجام در این سال، تنها فرزند ایشان، یعنی «جوادالائمّه علیه السلام » به دنیا آمد؛ ولی به علت شباهت بیشتر فرزند به مادرش، هجوم بعدی، شبهه کثیفی بود که وقتی فراگیر شد، دامن برخی از علویان را نیز گرفت. این دسته، در نهایت، در حدود سال ۱۹۸ ه . ق. جلسه ای گرفتند و از قیافه شناسان دعوت کردند تا نظر کارشناسی خود را بدهند که همگی، گواهی بر انتساب جوادالائمّه علیه السلام به امام رضا علیه السلام دادند.(۲)

بدین گونه، امام پس از گذار از این بحرآنها، مسئله امامت فرزندش را به صورت گسترده ای مطرح کرد؛ البته امام، در آستانه تولد و در دوران کودکی فرزندش، همواره بر امامت و ولایت او تأکید می کرد؛ ولی پس از دفع فتنه شبهه انتساب فرزندش، بر شدت این کار افزود. در این زمان امام، در آستانه سفر به خراسان بود؛ سفری که به تصریح و تأکید ایشان، بدون بازگشت بود و منتج به شهادتِ قطعی و نزدیک ایشان می شد. به طور طبیعی، در همین زمان بود که بحران سوم، یعنی احتمال تحقق امامت امام جواد علیه السلام در کودکی، که مسئله کلامی مهمی نیز بود، خود را نشان داد. امام رضا علیه السلام

۱- موسوعه، ج ۱، ص ۵۹ و ۳۱۷؛ ج ۳، ص ۲۳۸.

۲- موسوعه، ج ۱، ص ۶۱.

ص: ۲۹۱

این مسئله را رد که نمی کرد، هیچ، در مواردی بر آن تصریح و تأکید هم داشت. در این مقطع تاریخی بود که جامعه شیعه در برابر آزمونی دیگر قرار گرفت، یعنی پذیرش امامتِ امامی در دوران کودکی اش.

دامنه بحران وقتی فراگیر شد که امام رضا علیه السلام ، مانند امام کاظم علیه السلام ، در سه سال آخر عمر گرامی اش، از مدینه و فرصت ارزش مند مراسمِ سالیانه حج دور بود. یعنی بین امام و جامعه شیعه فاصله افتاده بود. این فاصله افکنی، با وجود کودک بودن فرزند امام می توانست، زمینه ساز توطئه هوش مندانه و فتنه افروزی آگاهانه دشمنان جامعه شیعه باشد. امام در برابر این توطئه، با آگاهی و علم غیب خود، از همان آغاز، در شهر مدینه، با استدلال های عقلی و قرآنی، به آگاهی جامعه شیعه و رهبران آن پرداخت. در خراسان نیز، هر گاه با شیعیان دیدار داشت یا نامه ای به عراق و حجاز می نوشت، باز بر این مطلب تأکید می کرد.

گاه شمار خبر دادن امام از وصایت فرزندش و پاسخ به شبهه امامت در کودکی این گونه است:

سال

رویداد

۱۹۵ ه . ق.

یک سال پیش از ولادت امام جواد

در حج آن سال، وقتی ابن قیامای واقفی، نزد امام آمد و مسئله فرزند نداشتن امام را دلیل بطلان امامت آن حضرت اعلام کرد، امام به صراحت خبر از تولد قریب الوقوع فرزندش داد و او را امام پس از خود خواند.

۱۹۶ ه . ق.

ماه رجب

تولد امام جواد علیه السلام و خبر دادن امام رضا علیه السلام از وصایت و امامت او در کودکی.

۱۹۹ ه . ق.

آخرین حج امام

امام در این سال، در ضمن برگزاری آخرین مراسم حج خود که همراه فرزندش بود، به یاران خود درباره وصایت و امامت او تأکید کرد و در کنار کعبه، وداعی سخت با کعبه و فرزندش کرد.

۱۹۹ — ۲۰۰ ه . ق.

در زمان قیام ابوالسرایا

در فاصله حج آن سال، تا شکست ابوالسرایا که امام به خراسان احضار شد، تحت تأثیر قیام زیدیه در عراق، جمع قابل توجهی از یاران شاخص امام به مدینه پناه آوردند. امام در این زمان جدی ترین

ص: ۲۹۲

آگاه رسانی نسبت به وصایت فرزندش و دفع شبهات امامت در کودکی را انجام داد.

۲۰۱ – ۲۰۳

در خراسان

امام در فرصت های محدود و اندکی که در دیدار با شیعیان داشت، بارها، هم در مرو (خطاب به ایوب ابن نوح(۱)) و هم در توس، در آستانه شهادت (خطاب به ابراهیم ابن ابی محمود، که همراه جمعی از شیعه خدمت امام رسید(۲))، به مسئله وصایت فرزندش تأکید کرد. ریان ابن صلت، که در خراسان مصاحب امام بود و در اواخر حیات ایشان به بغداد بازگشت، از داعیان مهم وصایت امام جواد علیه السلام ، در آغاز امامت ایشان در بغداد بود.

۲۰۳ ه . ق.

در آستانه شهادت

امام، خطاب به خادمش، مسافر، که همراه ایشان به خراسان آمده بود می فرمود: «پس از شهادتش باید به حجاز برود و به ابوجعفر جواد علیه السلام ملحق شود، چرا که او صاحب و مولای او خواهد بود».(۳)

از نکات شایسته توجه در مسئله وصایت امام جواد علیه السلام ، دفع شبهه مهدویتِ امام رضا علیه السلام است. این شبهه، پس از ادعای مهدویت و غیبت، برای امام کاظم علیه السلام از سوی واقفیه بود که ریشه در زندان های طولانی آن حضرت داشت و ریشه آن در پذیرش ولایت عهدی از سوی امام بود؛ یعنی مسئله ولایت عهدی، این شبهه را در ذهن برخی از شیعیان وارد کرد که قدرت سیاسی و صاحب منصب شدن امام، همان مهدویت است.

ایوب ابن نوح می گوید: به امام گفتم: امید دارم شما صاحب این امر باشید و آن اتفاق (ظهور موعود) بدون شمشیر محقق شود، چرا که با شما بیعت شده و درهم ها نیز به نام شما زده شده است. امام فرمود: «هر یک از ما اهل بیت علیهم السلام ، که در نامه ها به او اشاره شده و در جامعه، انگشت نمای خاص و عام باشد و از او سؤال ها پرسیده شود و محل جمع آوری آشکار اموال باشد، قطعاً شهید خواهد شد؛ تا اینکه خداوند از بین ما، جوانی را که ولادت و زندگانی مخفیانه دارد، مبعوث کند».(۴)

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۵.

۲- موسوعه، ج ۳، ص ۲۵۱.

۳- موسوعه، ج ۳، ص ۲۴۶.

۴- موسوعه، ج ۳، ص ۲۶۷.

ص: ۲۹۳

ریان ابن صـلت می گویـد: به امام گفتم: شـما صاحب این امر هستید؟ فرمود: «کسـی که زمین را از عدل پر کند، قائمی است که از نسل ماست و ...».(۱)

بـدین گونه بود که امـام، با نفی مهـدویت و موعودیت و قائمیت خود؛ و با تبیین مبانی امامت در کودکی، همراه با اشاره های مکرر به شهادت و دفن شدنش در کنار هارون در خراسان، در زمانی که هارون در سال ۱۸۶ ه . ق. به سفر حج آمده بود، تلاش می کرد ضمن آگاهی رسانی درباره زمان تقریبی شـهادت خود، نه تنها شـیعیان را برای امامت فرزنـدش آماده سازد، بلکه به شـبهات امامت در کودکی هم کاملاً پاسخ دهد، تا آغاز امامت امام جواد علیه السلام ، برخلاف دوره آغازین امامت امام کاظم علیه السلام و خود ایشان، همراه با کمترین چالش ها باشد.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

تجربه تاریخی انتقال وصایت و جامعه شیعه

کلامی

انتقال وصایت و امامت از دیدگاه شیعه، امری ماورائی و غیبی و فارق از مشارکت جامعه است؛ ولی پذیرش آن، فرایندی اجتماعی و تاریخی است که تابع تحولات و عوامل گوناگون داخلی و خارجی است.

تاریخی / اجتماعی

پس از طراحی و بازتعریف ساختار اجتماعی شیعه در دوران امام صادق علیه السلام ، فرایند انتقال وصایت به امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السـلام ، پرمخاطره ترین تجربه انتقال در تاریخ شیعه بوده است. آغاز امامت امام کاظم، هم زمان، تحت تأثیر هجوم هـای بیرونی و مـدعیان داخلی علوی بود و آغاز امامت امام رضا علیه السـلام ، با انحراف داخلی تعـدادی از وکلای امام کاظم علیه السلام (جریان واقفیه)، مواجه شد.

۱- موسوعه، ج ۳، ص ۲۷۱.

ص: ۲۹۴

کلامی / تاریخی

مدیریت و تولید معارف تاریخی شیعه به دست امامان معصوم، باعث بازتولید و تقویت و تکمیل معارف شیعه در حوزه امام شناسی، در آغاز دوران امامت امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام شد؛ به حدی که فرایندهای انتقال امامتِ بعدی، با وجود زمینه های چالش زای متعدد، با کمترین آسیب و شک و شبهه و تردید صورت گرفت.

کلامی

تجربه های تاریخی - کلامی شیعه در مواجهه با مدعیان و منکران امامت، پس از شهادت هر امام معصوم، باعث شده بود تا شیعه در روندی تاریخی، زیر نظر مدیریت مستقیم معصومان، به بلوغ فکری و تاریخی و کسب آمادگی برای ورود به مرحله غیبت صغری برسد.

بازتاب تولّد نورانی امام جواد علیه السلام

اجتماعی / کلامی

ولادت امام جواد علیه السلام ، چون در زمانه هجوم های سنگین و مستمر واقفیه رخ داد و سرانجام با مدیریت غیبی امام رضا علیه السلام به سرانجامی مطلوب برای شیعه رسید؛ بابرکت ترین ولادت در تاریخ معصومان خوانده شده است. یعنی نفس این ولادت، خود شبهه های بسیاری را از جامعه شیعه زدود و حقانیت فراوانی برای اهل بیت علیهم السلام و شیعه فراهم ساخت و از طرف دیگر، زمینه ساز رسوایی بیشتر واقفیه گردید.

مظلومیت تاریخی امام جواد علیه السلام

کلامی / تاریخی

امام جواد علیه السلام ، مجموعاً فقط هفت سال از زندگانی پدر را درک کرد که سه سال از این هفت سال را هم، امام رضا علیه السلام در خراسان بود. در تاریخ امامت، امام جواد علیه السلام تنها امامی است که فقط چهار سال، محضر پدر گرامی خود را درک کرده است.

ص: ۲۹۵

توطئه مأمون برای به شهادت رساندن سریع امام رضا علیه السلام

سیاسی

مأمون می دانست انتقال امامت در تقیه شدید، باعث بحران در جامعه شیعه می شود؛ به همین علت، پس از ناکامی اش در طرح ولایت عهدی، با طراحی نقشه شهادت سریع امام رضا علیه السلام ، تلاش کرد بحران جدیدی برای جامعه شیعه به وجود آورد.

مأمون و شخصیت معنوی امام جواد علیه السلام

سیاسی / مدیریتی

مأمون با آگاهی از وصایت امام جواد علیه السلام و با توجه به کودک بودن ایشان، با عقد دخترانش با امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام ، تلاش داشت از درون خانه خود این دو امام، بیشترین مراقبت و نفوذ را در جریان امامت داشته باشد.

مأمون با آگاهی از وصایت قطعی امام جواد علیه السلام با طراحی مسئله ازدواج دخترش با ایشان، گمان می کرد با توجه به کودکی آن حضرت، می تواند پس از شهادت امام رضا علیه السلام ، امامت شیعه را در اختیار بگیرد و حتی امید داشت که امامِ بعد از امام جواد علیه السلام ، دورگه ای از علویان و عباسیان باشد.

امام و مدیریت تبلیغی وصایت

مدیریت کلامی / اجتماعی

تحولات ناشی از قیام زیدیه و تجمع علمای شیعه در حجاز، باعث شد امام رضا علیه السلام ، با فرصت شناسی، تبلیغی جامع و فراگیر در مورد وصایت فرزندش بکند و هر گونه شبهه ای را در این باره برطرف سازد تا جامعه شیعه، این وصایت را کاملاً و با اطمینان بپذیرد.

شبهات کلامی علیه مسئله وصایت

کلامی

وجود نگرش های انحرافی در مسئله مهدویت، به ویژه در مقطع ولایت عهدی امام رضا علیه السلام ، وصایت امام جواد علیه السلام را با بحران مواجه می کرد؛ ولی واکنش سریع و صریح امام و شبهه زدایی ایشان، خطر این بحران و انحراف را برطرف ساخت.

ص: ۲۹۶

ص: ۲۹۷

فصل پایانی: ایده های ناظر به فرهنگ رضوی

اشاره

فصل پایانی: ایده های ناظر به فرهنگ رضوی

زیر فصل ها

۱. مشهد پایتخت معنوی ایران و شرق اسلامی

۲. ایده های تکمیلی

منابع

ص: ۲۹۸

ص: ۲۹۹

۱. مشهد پایتخت معنوی ایران و شرق اسلامی

اشاره

۱. مشهد پایتخت معنوی ایران و شرق اسلامی

در یک نگاه کلی و تاریخی، بر اساس تحولاتی که بارگاه امام رضا علیه السلام و ساکنان مجاورِ آن در شهر مشهد داشته اند، پیشینه این بارگاه و شهر مشهد را می توان در چهار دوره کلی، از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مطالعه و بررسی کرد:

الف) مرحله پیدایش و شکل گیری تدریجی شهر مشهد تا دوران صفویه با محوریت «از جغرافیای محبت تا جغرافیای تشیع».

ب) از دوران صفویه تا پایان دوره استعمار و غرب گرایی با محوریت «به سوی پایتخت معنوی و کانون تشیع ایرانی».

ج) دوران پس از انقلاب اسلامی، کانونی برای گسترش جغرافیای تشیع و محبّت اهل بیت علیهم السلام به سوی شرق.

د) نگاهی آینده پژوهانه به رسالت فراروی مشهد و شیعه خراسانی.

۱/۱: مرحله پیدایش و شکل گیری تدریجی شهر مشهد؛ از کانون محبت تا کانون تشیع

۱/۱: مرحله پیدایش و شکل گیری تدریجی شهر مشهد؛ از کانون محبت تا کانون تشیع

پس از دفن پیکر مطهر امام رضا علیه السلام در توس، عباسیان بر مزار ایشان و قبر هارون بقعه ای ساختند که باعث شد مزار امام، تدریجاً در کانون توجه مسلمانان منطقه قرار بگیرد. با توجه به نزدیکی مزار ایشان به نیشابور، که یکی از مراکز بزرگ علمی اهل سنّت بود، زیارت آن، مورد عنایت ویژه علما و مردم این شهر قرار گرفت. جوینی، از حاکم نیشابور نقل می کند که ابوبکر ابن خزیمه (متوفّی ۳۱۱ ه . ق.) و ابوعلی ثقفی شافعی (متوفّی ۳۲۲)، به همراه دیگر استادانِ شهر نیشابور، همگی با هم به زیارت مزار علی ابن موسی الرّضا علیه السلام می رفتند.(۱)

۱- امام رضا۷ از دیدگاه اهل سنّت، ص ۱۳۴. (به نقل از: فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۹۸).

ص: ۳۰۰

پس از شهادت امام رضا علیه السلام ، و به ویژه پس از بازگشت دانش مند شیعه، فضل ابن شاذان نیشابوری به نیشابور، تشیع در آن شهر و مناطق مجاورش و نیز در توس، رو به رشد و گسترش گذاشته بود. از سوی دیگر، در قرن سوم نیز، به تدریج، با اقامت گسترده خاندان هایی از سادات در سبزوار، این شهر مهم نیز به دومین شهر شیعی ایران تبدیل شد.

این وضع باعث شد که در همان یکی - دو قرن اول پس از دفن امام رضا علیه السلام ، مزار ایشان در کانون توجه جامعه شیعی و سنّی خراسان قرار گیرد و عاملی برای تقریب و هم گرایی و هم زیستی در بین آنها شود؛ به گونه ای که برخی از پادشاهان سامانی، که اولین سلسله مقتدر ایرانی است، نسبت به امام یا بازسازی مزار ایشان، عنایت ویژه ای داشتند.

در همین زمان، شهر توس هم که نزدیک مزار امام رضا علیه السلام بود، تدریجاً رنگ و بویی کاملاً شیعی یافت. شاهد این مدّعا، فراوانی لقب «توسی» در میان واپسین یاران امامان معصوم و در دوران غیبت صغری است. آغاز دوران غیبت کبری نیز، مصادف با درخشش شخصیتی چون شیخ توسی در جهان اسلام بود.(۱)

از نکات مربوط به وضع مزار امام رضا علیه السلام در قرن های آغازین پیدایش آن، اولین هجوم و تخریب آن مزار به دست سبکتگین غزنوی (پدر سلطان محمود غزنوی) است. این اتفاق، ممکن است ناشی از تأثیرپذیری این سلسله ترک، از علمای اهل حدیثِ متعصب ساکن در مناطق شرقی خراسان و ماوراءالنّهر باشد.(۲)

در جغرافیای تاریخی - اسلامی خراسان و ماوراءالنّهر، که گاه ماوراءالنّهر، با مرکزیت بخارا، همانند بغداد و دمشق، شاهد اوج گیری افکار تسنّنِ حدیثی متمایل به ناصبی گری بوده است که بازتاب آن یا در تألیفاتِ به دور از فضای تقریب مذاهب دیده می شود؛ مانند کتاب «صحیح»، اثر امام بخاری؛ یا در حملات تاریخی ترکان تازه مسلمان غزنوی و غُزها پیش از حمله مغول؛ و حملات ازبک ها در دوران پس از مغول. در این حملات، چندین مرتبه شهر مشهد و بارگاه مطهر امام رضا علیه السلام ویران و غارت شد.

۱- تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، صص ۵۱۳ و ۵۳۹.
۲- تاریخ تشیع در ایران، ج ۱، ص ۲۷۴.

ص: ۳۰۱

پس از ویران شدن بارگاه امام به دست سبکتگین، وقتی قلمروِ دولت دیلمی ها به شرق خراسان رسید، سریعاً به بازسازی مرقد مطهر امام پرداختند. صاحب ابن عبّاد، وزیر فخرالدّوله دیلمی، با سرودن اشعاری که در شرح آرزوی او درباره اقامت در جوار مزار امام است، ضمن نشان دادن علاقه ویژه ی خود به امام، دستورِ بازسازی بارگاه امام رضا علیه السلام را داد. تحت تأثیر عنایات ویژه صاحب ابن عبّاد و دیلمیان به بارگاه و شخص امام رضا علیه السلام ، شیخ صدوق هم، اثر ارزش مند «عیون اخبار الرّضا علیه السلام » را در شرح حال امام به نگارش درآورد(۱) و تلاش کرد در چند سفر برای زیارت مزار ایشان به مشهد بیاید.

برای دیدن عکس به فایل پی دی اف مراجعه کنید

کمی پس از اینکه سلطان محمود غزنوی، حکومت غزنویان را به اوج اقتدار خود رساند و مشهد را تصرف کرد، تلاش کرد در مقام جبران ویران گری های پدرش و در

۱- شیخ صدوق، مقدّمه عیون اخبار الرّضا علیه السلام.

ص: ۳۰۲

تکمیل کار دیلمیان، بزرگ ترین برنامه عمرانی، تا آن زمان را، در مورد مزار امام رضا علیه السلام انجام دهد. حتی می گویند: او بود که وقتی به توسعه و سازمان دهی خانه ها و بناهای مردم ساکن در اطراف مزار امام پرداخت، نام این شهر را مشهد گذاشت.(۱)

در این سال ها، مشهد اگر چه داشت تدریجاً از شهری کوچک به شهری متوسط در خراسان غربی تبدیل می شد، ولی هم چنان به واسطه نزدیکی با نیشابور، تحت تأثیر شهرت و عظمت آن شهر و نیز شهرهای توس، هرات، مرو و سرخس بود. مشهد، در عین حال، در برابر شهر نیشابور، که کانون علمی علمای عامه و بعضاً خاصه بود؛ مورد توجه اکثر علمای عامه و تمامی اقلیت علمای خاصه و نیز برخی از پادشاهان ترکِ سلجوقی و خوارزمشاهی بود.

تقریباً پس از هجوم ویران گر سبکتگین غزنوی (و در برخی موارد غُزها)، دیگر تا دوران حمله مغول، هتک حرمت خاصی به این بارگاه نشد؛ با این که همگی سلسله های حاکم بر خراسان و ایران در این دوران، با تعصب و سخت گیری خاصی، پیرو مذهب حنفی بودند.

برای دیدن عکس به فایل پی دی اف مراجعه کنید

۱- تاریخ تشیع در ایران، ج ۱، ص ۳۷۴.

ص: ۳۰۳

از منظری دیگر، با گـذر زمان و رشـد نزاع های فرقه ای به ویژه در قرون پنجم و ششم، در اکثر شـهرهای ایران، و به ویژه در مناطق مجاور مشهد، به تدریج، نحله های مختلف تصوّف نیز رو به رشد گذاشتند. این رویداد باعث شد تا شهر مشهد در کنار سلسله های سنّی مـذهبِ برآمـده از ماوراءالنّهر و مراکز بزرگ تسنّن در اطراف آن، نقش مهمی در تعدیل تسنّن، حفظ و گسترش محبت اهل بیت علیهم السلام در میان آنهـا و نهایتاً تقویت تصوّف متمایـل به اهـل بیت علیهم السلام داشته باشـد و کانونی برای رفت وآمد شیعیان و یا اقامت نسبی آنان باشد.

برای دیدن عکس به فایل پی دی اف مراجعه کنید

تأثیر جایگـاه مشـهد در تقویت تشیع در خراسان را، در شـهری مثل توس می توان دیـد که در آغاز دوران غیبت کبری، شخصـیت برجسته جهان تشیع، شیخ توسی و در میانه حمله مغول خواجه نصیر توسی از آنجا برخاسته اند.

ص: ۳۰۴

برای دیدن عکس به فایل پی دی اف مراجعه کنید

حمله مغول، باعث ویرانی شهرهای بزرگ خراسان شد، ولی می توان از برخی قراین فهمید که ویرانی مشهد نسبت به دیگر شهر کمتر بوده است؛ چون در تاریخ، از مقاومت مردم این شهر در برابر مغول ها چیزی گزارش نشده است. می دانیم که در حمله مغول، شهرهای بزرگ خراسان، مانند سمرقند، بخارا، هرات، مرو و نیشابور کاملاً ویران شدند و این ویرانی، باعث افول اجتماعی، فرهنگی، علمی و به طور کلی، افول همه جانبه آنها شد. بدتر این که: روند احیای این شهرها، با توجه به تکرار چندباره حملات مغول ها، با تأخیر بسیاری انجام گرفت. این در حالی بود که، با رشد روحیه عرفان و تصوفِ ناشی از حملات مغول ها(۱) از یک طرف و کارکرد بارگاه امام رضا علیه السلام

۱- تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۷۱۴.

ص: ۳۰۵

در آرامش بخشی معنوی در آن سال های سخت، از طرف دیگر، به تدریج نام و جایگاه شهر مشهد مقدس بیشتر مورد توجه مردم قرار گرفت و این شهر تدریجاً، تبدیل به شهری مهم در خراسان غربی شد؛ به ویژه که در اواخر دوران حاکمیت مغول ها، برخی از پادشاهان مغول، مانند سلطان محمد خدابنده نیز شیعه شدند.

درباره او نوشته اند: پس از آنکه شیعه شد، به زیارت مشهد رضوی می آمد و در آنجا عالمی به نام حسن کاشی را یافت که در مقام ترویج تشیع بود. سلطان، ضمن تکریم، او را با خود به سلطانیه برد تا در راه ترویج تشیع او را یاری رساند.(۱)

تحت تأثیر تحولات فکری و اجتماعی و گسترش تشیع در شرق، در این زمان در اطراف مشهد، تسنّن دوازده امامی صوفیانه هم، تدریجاً جای گزین تسنّن حدیثی می شود. از سرآمدان این جریان، شاعر و صوفی مشهور، ملّااحمد جامی است.(۲)

مهم ترین اتفاق برای شهر مشهد در اواخر دوره مغول – تیموری، تبدیل شدن آن به پایتخت شاه رخ، پسر تیموراست؛ اتفاقی که با بازسازی و توسعه گسترده بارگاه رضوی (ساختن مسجد گوهرشاد، مدرسه پری زاد و مدرسه دودر) و خود شهر مشهد همراه بود. این بدین معنی است که در این سال ها، شهر مشهد از نظر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی، سرآمد شهرهای خراسان غربی شده بود. مشهد در این زمان، به سبب وجود بارگاه مطهر رضوی، دارای جمعیتی بزرگ با اکثریت شیعه بود. این وضع، اگر در مناطق مجاور، باعث رشد تشیع نشده باشد، دست کم موجب تقویت تسنّن دوازده امامی شده است.

شاهد این مدعا، ظهور ملّاحسین کاشفی در خراسان، در آستانه ظهور صفویه است. حوزه فعالیت علمی و تبلیغی ملّاحسین کاشفی، از هرات تا سبزوار بود. در هرات او را سنّی می دانستند و در سبزوار، شیعی! او نویسنده کتاب مهم «روضهالشّهدا» است که در مناقب امام رضا علیه السلام نیز اشعار قابل توجهی دارد. این کتاب، باعث گسترش و تقویت مجالس روضه خوانی اهل بیت علیهم السلام در خراسان، درست کمی پیش از تشکیل دولت صفویه در میان شیعه و سنّی شده بود.(۳)

۱- تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۶۶۵.

۲- تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۷۱۴.

۳- تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۷۲۹.

ص: ۳۰۶

جایگاه مشهد مقدّس، در اواخر دوران تیموری تا ظهور صفویه، چنان بود که عالم بزرگ شیعه، ابن ابی جمهور احسائی، از عراق به آنجا هجرت کرد و برای تقویت تشیع در خراسان در مشهد ساکن شد و مجالس مناظرات گوناگونی با علمای هرات برگزار کرد.(۱)

بدین گونه است که بارگاه مطهر رضوی، تا پیش از حمله مغول، کانونی محکم برای حفظ و گسترش تشیع شده بود. این کانون پس از ایجاد و تثبیت، در مرحله بعد، باعث تقویت و رشدِ محبّت به اهل بیت علیهم السلام در میان تسنّن متصلّب خراسان و ماوراءالنّهر شد و بدین گونه، در مرحله گذار، یعنی دوران پس از مغول، مشهد تبدیل به کانونی برای تقویت تسنّن دوازده امامی شد، فرایندی که خراسان غربی را در آستانه تشکیل دولت شیعی صفویه، آماده پذیرش گسترده تشیع کرد.

برای دیدن عکس به فایل پی دی اف مراجعه کنید

۱- تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۷۷۶.

ص: ۳۰۷

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

مزارامام در جوار قبر هارون

سیاسی

هم جواری این دو مدفن باعث شد که در سال های آغازین پیدایش این مرقد شریف به دست عباسیان، امنیت و عمران بقعه، مورد توجه باشد و برخلاف هجوم های برخی از خلفای عباسی در سال های بعد به مرقد مطهر سیدالشّهداء علیه السلام و برخی بقاع دیگر، این اتفاق درباره مزار امام رضا علیه السلام رخ ندهد.

کلامی

قبر هارون که در کنار مرقد امام است، با وجود خلافت طولانی عباسیان و نیز وجود فرقه های ناصبی در منطقه، هیچ گاه مورد توجه مسلمانان نبوده است.

دفن امام درحومه شهر توس

جغرافیایی

قرار گرفتن مزار امام در توس، به سبب فاصله گذاری مرقد از شهرهای بزرگ و کوچک خراسان، برای پرهیز از به حاشیه رفتن کارکرد های فرهنگی آن مزار در میان فرهنگ های موجود بود.

جغرافیایی / تاریخی

فاصله گذاری جغرافیایی، فرصتی جغرافیایی بود تا مرقد مطهر رضوی، محور پیدایش شهری جدید بر مبنای فرهنگِ ایمان و عشق به حریم رضوی باشد.

بازتاب زیارت عامه در سال های آغازین

فرهنگی

مزار نورانی امام، کانونی اهل بیتی برای جذب و تألیف قلوب و تعدیل گرایش های افراطی خواص و عوام در خراسان بود.

نگاهی آماری به زائران عامه در جغرافیای خراسان

تاریخی / فرهنگی

گستردگی و کثرت زوّار عامه مرقد مطهر رضوی از نیشابور و توس، در مقایسه با علما و عموم مردم از ماوراءالنّهر، بیان گر استعدادهای فرهنگی خراسان غربی برای پذیرش تشیع در بلندمدت (در مقایسه با ثبات و پافشاری ماوراءالنّهر بر تسنّن) بود.

ص: ۳۰۸

علمای شیعی

برجسته توسی

تاریخی / فرهنگی

پدیدار شدن علمای بسیار برجسته در تاریخ تشیع از شهر توس، بیان گر سرعت و عمق اثرگذاری فرهنگ رضوی در مناطق مجاور خود با غلبه مکتب تشیع است.

حملات تاریخی نواصب به حریم رضوی تا پیش از حمله مغول

تاریخی

حملات تاریخی و تخریب و یا غارت حریم رضوی به دست نواصب، مانند تخریب و غارت حرم حسینی در عراق، بیان گر وحشت آنها از اثرگذاری این دو بقعه مطهر در توسعه و عمق یافتن تشیع در جغرافیای عراق و خراسان است.

کارکرد تاریخی حریم رضوی در زمان حاکمیت سلسله های اسلامی تا پیش از حمله مغول

فرهنگی

با توجه به پیدایش و غلبه سلسله های ترکِ عامه مسلک، در قرن های پنجم تا هفتم، از ماوراءالنّهر به سوی دیگر مناطق جهان اسلام، حرم رضوی به عنوان جغرافیای واسطه ای در بین ماوراءالنّهر و ایران و عراق، نقش فراوانی در تعدیل گرایش های فرقه ای سلاطین ترک و تقویت نسبی روحیه هم زیستی مسالمت آمیز دینی در آنها داشت.

حریم رضوی در آستانه حمله مغول

تاریخی

با گذشت سه - چهار قرن از پیدایش شهر مشهد، این شهر به عنوان نماد و هویت شیعی در خراسان، در میان مراکز بزرگ علمی و اجتماعی عامه شناخته می شد و کانون هم زیستی مسالمت آمیز فرقه های اسلامی و مبدئی برای تقویت تسنّن اهل بیتی و یا تصوّف شیعی در خراسان بود.

کارکرد تاریخی مشهد در دوره مغول و تیموری

تاریخی

نابودی و ویرانی کانون های جمعیتی خراسان و ماوراءالنّهر در برابر احیای سریع تر مشهد، این شهر را تبدیل به کانون نشر علم و

معارف در فضای مرده پس از هجوم مغول کرد.

ص: ۳۰۹

عرفانی

فرهنگ زیارت رضوی و معارف اهل بیتی، باعث تعدیل تدریجی اسلام های جمودگرا و یا عرفان های دنیاگریز در منطقه خراسان شد و جامعه مصیبت زده خراسان را به عرفان شیعی نزدیک تر ساخت.

تاریخی / اجتماعی

در دوران آرامش جهان اسلام، پس از پایان حملات مغول ها، مشهد با هویت شیعی - رضوی، مهم ترین شهر خراسان شده بود و اولین حوزه های علمی شیعی در آن تشکیل شد.

۱/۲: از دوران صفویه تا پایان دوران استعمار و غرب گرایی؛ به سوی پایتخت معنوی و کانون تشیع ایرانی

۱/۲: از دوران صفویه تا پایان دوران استعمار و غرب گرایی؛ به سوی پایتخت معنوی و کانون تشیع ایرانی

در آستانه تشکیل دولت شیعی صفویه، مشهد و تمامی مناطق غربی آن، پیش تر به جغرافیای تشیع وارد شده بودند؛ از این رو، پس از شکل گیری صفویه، اندک علمای موجود در مشهد، با بهره گیری از جایگاه معنوی این شهر، به تبلیغ تشیع در مناطق شرقی و شمالی و جنوب شرق خراسان پرداختند.

صفویه در سال های آغازین پیدایش، با دو دشمن بزرگ در شرق و غرب خود مواجه بودند. در غرب، خلافت مقتدر عثمانی بود و در شرق، حکومت دردسرساز ازبکانِ متعصب. رسمیت یافتن تشیع در ایران، باعث حساسیت و واکنش این دو دولت در آغازین سال های پیدایش صفوی ها شد. واکنش هایی که خود را در شکل جنگ چالدران تا حملات چندباره ازبک ها به مشهد و غارت آنجا، به عنوان پایگاه مهم تشیع در خراسان، نشان داد. حملات به مشهد بسیار گسترده بود، به گونه ای که در قرن اول تأسیس صفویه، مشهد چندین مرتبه عرصه هجوم قرار گرفت که شدید ترین آنها در حوالی سال های ۹۱۵ ۹۱۶ ه . ق. بود.(۱) پس از آن نیز، در اواخر

۱- تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۷۷۹.

ص: ۳۱۰

قرن دهم (۹۹۰ ه . ق.)، دوباره به مشهد حمله شد و جمع بسیاری از علمای شیعه ساکن این شهر به شهادت رسیدند.(۱)

سرانجام وقتی مرزهای شرقی ایران (در دوره شاه عباس)، به ثبات رسید، اوج رشد و شکوفایی مشهد آغاز شد. در این رشد و شکوفایی، عواملی چند نقش داشتند که عبارتند از:

۱. پس از رسمیت یافتن تشیع در ایران، با توجه به تسلط خلافت عثمانی بر مکه و مدینه و عتبات عراق، حکومت صفوی در جست وجوی تعریف پایگاهی معنوی برای هویت بخشی به نظام جدید خود بود. برای ایفای این نقش، اگر چه شهر قم هم وجود داشت، ولی از نظر معنوی، هم شأن شهرهای مذکور نبود و تنها این مشهد بود که با توجه به وجود مزار امام رضا علیه السلام ، در کنار وجود منابع روایی غنی در فرهنگ حدیثی شیعه، می توانست به عنوان کانون و پایتخت معنویت ایران تعریف شود.

۲. از اواخر دوران تیموری، با گسترش شهر مشهد و غلبه تشیع و ایجاد اولین مدارس علمی رسمی، به دست بازماندگان تیموری، تدریجاً با اسکان علمای شیعه، حوزه علمی شیعه مشهد نیز بنیان گذاری شد. پس از تأسیس دولت صفویه، مشهد در همان آغازین سال ها، کانون توجه بسیاری از علمای ایرانی قرار گرفت، به گونه ای که از فجایع حمله شیبک خانِ ازبک، در سال ۹۱۶ ه . ق. قتل عام گسترده علمای شیعه، به ویژه عالم مشهور، ملّاعبدالله شوشتری بود. کمی بعد، وقتی که به دعوت صفوی ها علمای شیعه لبنان، از جبل عامل به شکلی گسترده به ایران مهاجرت کردند، برخی از آن علمای بزرگ، پس از مدتی اقامت در شهرهای دیگر ایران، سرانجام تصمیم گرفتند در اواخر عمر، مجاور مرقد مطهر امام رضا علیه السلام شوند. شخصیت های برجسته این گروه، شیخ حرّ عاملی و شیخ بهایی بودند. این اتفاق، باعث تلفیق جایگاه معنوی شهر مشهد با حوزه علمی قدرت مند آن شد و بر موقعیت علمی و اجتماعی مشهد افزود.

۱- تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۷۹۱.

ص: ۳۱۱

برای دیدن عکس به فایل پی دی اف مراجعه کنید

۳. صفویه پس از کوشش برای تبدیل کردن مشهد به پایتخت معنوی ایران و تشیع، تلاش های فراوانی برای فرهنگ سازی زیارت امام رضا علیه السلام نیز انجام دادند. در رأس این کوشش ها، برنامه ریزی عمرانی – اقتصادی برای این مهم بود. کارهایی مانند ساخت کاروان سراهای فراوان در مسیرهای منتهی به مشهد مقدّس، یا تشویق فرهنگ وقف برای زیارت و زائران رضوی.

مهم تر از همه، این بود که شیخ بهایی، به عنوان بزرگ ترین مهندس و طراح شهری در دوران صفوی، پس از اصفهان، مهم ترین ایده ها و طرح های عمرانی خود را با کمک شاه عباس صفوی در مشهد مقدس به اجرا گذاشت و بدین گونه مشهد مقدس، به تدریج پس از اصفهان تبدیل به دومین شهر بزرگ ایران گردید.

۴. اقدام سیاسی – مذهبی – فرهنگی شاه عباس، که به پیشنهاد علمای شیعه و

ص: ۳۱۲

همراهی گسترده آنها مبنی بر به زیارت رفتن با پای پیاده از اصفهان به مشهد صورت گرفت، نقشی مهم در طراحی فرهنگ زیارت رضوی در تاریخ اجتماعی جدید ایران داشت و بدین گونه بود که از آن پس، در کنار فرهنگ سفر حج و زیارت عتبات، زیارت مرقد مطهر رضوی نیز جزء فرهنگ های برجسته ایرانیان گردید، به ویژه در آن سال ها که روابط سرد سیاسی صفویه با عثمانی، باعث محدودیت سفرها به حج و عتبات گردیده بود.

بدین گونه بود که در تحول تاریخی - فرهنگی مهمی که در جغرافیای ایران و در جغرافیای تاریخی تشیع صورت گرفت، مشهد مقدس تبدیل به کلان شهری در شرق اسلامی گردید تا در آغازین مرحله، شعاع معنویت و قدسیت بر ایران پرتو بیفکند.

در سال های پس از صفویه، تحولات پر فراز و نشیب حکومت افغان ها و افشاریان، اگر چه باعث هرج ومرج های سیاسی و اجتماعی در ایران شد، ولی هیچ کدام به جایگاه مشهد لطمه ای وارد نکرد.

در دوره سلطنت قاجاریان، پس از تثبیت دوباره اوضاع سیاسی، شهر مشهد و خراسان، دوباره از مناطق مهم ایران شدند و حوزه علمیه مشهد نیز کاملاً تبدیل به یکی از حوزه های علمیه مهم در جامعه شیعه شد.

یکی از رویدادهای مهم در این دوران، دست اندازی استعمارگران بر بسیاری از مناطق و استان های مرزی ایران دوره قاجار است. در این تحوّلات، خراسان بزرگ از دو سو با دست اندازی استعمارگران روس و انگلیس مواجه شد. تجاوزهای پیاپی آنها و ضعف دولت مرکزی، باعث جدایی مناطق بسیاری از شرق و شمال شرق ایران شد. نتیجه این تحولات، نزدیکی مرزهای سیاسی - استعماری جدید در شرق ایران به شهر مشهد بود. این اتفاق، تأکیدی دوباره است بر اینکه اگر جایگاه معنوی فرهنگی اجتماعی مشهد در شرق ایران نبود؛ مانعی معنوی در برابر استعمارگران وجود نداشت و نابودی هویت تشیع در خراسان جدی بود.

ص: ۳۱۳

برای دیدن عکس به فایل پی دی اف مراجعه کنید

از همین روست که با آغاز دوران استعمار، مشهد و حوزه علمیه آن و بافت اجتماعی آن شهر، جایگاه ویژه ای در ایستادگی و مقاومت در برابر استعمار داشته است.

جلوه هایی از این مبارزات و مقاومت ها چنین است:

ص: ۳۱۴

نقش مردم و علمای مشهد و خراسان در رویداد مشروطیت؛

نقش مردم و روحانیت در ایستادگی در برابر تجاوزات مکرر روس ها به خراسان که سرانجامش گلوله باران مرقد مطهر امام رضا علیه السلام بود؛ (اقدامی که باعث سقوط امپراطوری تزار روسیه شد).

مبارزات گسترده علما و مردم مشهد علیه سیاست های غرب گرای رضاخان که اوج آن در هجرت مراجع مشهد به تهران و قتل عام مسجد گوهرشاد ظاهر شد.

از نکات قابل توجه در دوره رضاشاه این است که او هجومی گسترده علیه شعایر دینی هم چون حجاب، لباس روحانیت، عزاداری حسینی و مانند این ها انجام داد؛ ولی هیچ گاه نتوانست مانع فرهنگ زیارت رضوی شود. همین کارکرد معنوی فرهنگی اجتماعی زیارت رضوی، یکی از عوامل مهمی بود که پس از سقوط رضاشاه، اگر چه حاکمیت غرب گراها استمرار یافت، ولی با توجه به برطرف شدن محدودیت ها و ممنوعیت ها، خیلی سریع فرهنگ دینی، سبک غالب زندگی در ایران شد.

فرهنگ زیارت رضوی، با توجه به پیشرفت های وسایل نقلیه و رفاه نسبی جامعه متوسط، نقشی ویژه در این بازگشت معنویت داشت؛ به گونه ای که در دهه های چهل و پنجاه شمسی، وجود یک عکس یادگاری خانوادگی از زیارت مشهد مقدّس، یکی از سنّت های فرهنگ عمومی مردم متوسط جامعه شده بود. این بدین معنا بود که فرهنگ زیارت رضوی، مهم ترین سرمایه اجتماعی شیعه ایرانی در آن سال ها بود؛ سرمایه ای اجتماعی که در نهضت انقلاب و دفاع مقدس هم امتداد پیدا کرد.

این سرمایه، هم چنان رو به توسعه کمّی و کیفی است و هر روز که می گذرد، شاهد پیوند قلبی و حضوری و فکری و فرهنگی و رفتاری روزافزون ایرانیان با بارگاه رضوی و اثرپذیری بیشتر از معنویت ها و برکت های حضور و زیارت آن مرقد مطهر و نورانی است.

ص: ۳۱۵

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

نتیجه خشم ناصبی ها از دولت شیعی صفوی و ضربه بر پیکر بی دفاع مشهد

تاریخی

پیدایش و درخشش دولت شیعی صفوی، باعث خشم و وحشت حکومت های ناصبی ماوراءالنّهر شد و آنها در چندین مرتبه به مشهد و حریم رضوی هجوم آوردند و آن را تخریب کردند و علما و مردم شیعه را به شهادت رساندند تا شاید فروغ تشیع در خراسان خاموش گردد؛ ولی هر بار شهر به سرعت به دست مردم علاقه مند به اهل بیت علیهم السلام و حریم رضوی احیا گردید.

دولت صفوی و نیازهای فرهنگی یک حکومت شیعی

فرهنگی

دولت صفوی در مقام طراحی فرهنگ شیعی – ایرانی برای دولت خود، با مشاوره علمای شیعه و مبتنی بر مستندات دینی، به اعتباربخشی و توسعه و تشویق فرهنگ زیارت رضوی در جامعه شیعه ایرانی پرداخت.

فرهنگی / اجتماعی

مشهد از دوران صفوی، با طراحی مشترک علمای شیعه و شاهان صفوی، تبدیل به پایتخت معنوی کشور شیعی ایران شد و زیارت مشهد، اعتباری مانند زیارت عتبات عالیات و بلکه بالاتر یافت.

تسهیلات صفویه برای توسعه فرهنگ زیارت

عمرانی

دولت صفوی برای تسهیل امر زیارت حریم رضوی، در برنامه ریزی کلانی، راه های امن، همراه با امکانات رفاهی در بین مناطق گوناگون جمعیتی ایران و شهر مشهد ایجاد کرد.

اقامت علمای بزرگ در مشهد

فرهنگی

علمای بزرگ شیعه با محوریت مراجع بزرگی که از لبنان به ایران آمده بودند، با اقامت در مشهد سعی

ص: ۳۱۶

کردند ضمن فرهنگ سازی زیارت رضوی برای عموم مردم، پایه گذار حوزه علمی و دینی مشهد هم باشند و از آن پس، حوزه علمیه مشهد، یکی از حوزه های مهم جهان تشیع شد که علمای بزرگی را تقدیم مکتب اهل بیت علیهم السلام کرد.

جایگاه تاریخی مشهد در مبارزه با استعمار

تاریخی

شهر مشهد و حریم رضوی، مهم ترین سنگر دفاعی شیعه ایرانی خراسان در برابر تجاوزهای روس ها از شمال و انگلیسی ها از شرق بود.

تاریخ درخشان حوزه علمیه و مردم مشهد در مبارزات علیه استعمار در دوران قاجار و پهلوی.

شخصیت های برجسته شیعه

تاریخی

علما و مراجع برجسته شیعه دو قرن اخیر، که به نوعی با مشهد مقدس ارتباط داشته اند و خدمات علمی و اجتماعی آنها.

بازشناسی نقش فرهنگ زیارت رضوی در دوره پهلوی

فرهنگی / تاریخی

فرهنگ زیارت رضوی که ایادی استعمار نتوانستند در ایران با آن مقابله کنند.

فرهنگ زیارت رضوی (در مقایسه با انحطاط فرهنگی مسلمانان در آسیای مرکزی، در دوره روس ها و کمونیست ها)، عاملی مهم برای حفظ هویت دینی در میان شیعه ایرانی بوده است.

فرهنگ رضوی، عاملی مهم برای بازگرداندن هویت دینی به جامعه شیعه ایرانی پس از سقوط رضاخان بوده است.

جلوه های فرهنگ رضوی در دوره مدرن در میان شیعه ایرانی

فرهنگی

ورود فن آوری به جامعه ایرانی، باعث توسعه فرهنگ رضوی در قالب آسان سازی زیارت و نیز تبدیل زیارت ها به یادگاری بسیار باارزش و نیز فرصت سازی برای زیارت های مجازی از راه دور شده است.

ص: ۳۱۷

فرهنگ رضوی و مشهد در تاریخ انقلاب

تاریخی / اجتماعی

نقش و جایگاه مشهد، علما و مردم شهر و فرهنگ رضوی در مبارزات دوران انقلاب.

مشهد و دفاع مقدس.

اوج تأثیرگذاری و توسعه فرهنگ رضوی در جامعه شیعه ایرانی در دوران آرامش و امنیتِ پس از دفاع مقدس.

مشهد، پایتخت معنوی ایران با بیشترین آمار مسافرت و زیارت.

۱/۳: مشهد در دوران تحولات منطقه ای پس از انقلاب اسلامی؛ کانونی برای گسترش جغرافیای محبت اهل بیت و تشیع به سوی شرق

۱/۳: مشهد در دوران تحولات منطقه ای پس از انقلاب اسلامی؛ کانونی برای گسترش جغرافیای محبت اهل بیت و تشیع به سوی شرق

همان گونه که بیان شد، تا زمان امامت امام رضا علیه السلام ، تشیع، تازه وارد مرزهای غربی و جنوب غرب ایران شده بود و به علت حضور تسنّن متصلّبی که بازمانده دوران اموی در ایران، از جنوب تا شمال غرب بود، پیشرفت تشیع، به اتفاقی مهم و بسیار بزرگ نیاز داشت.

مهاجرت تاریخی امام رضا علیه السلام به مرو و اقامت کوتاه مدت ایشان در آنجا و سپس وجود مزار ایشان در خراسان، باعث شد تشیع بتواند کم کم در این سد فکری و فرهنگی متعصب نفوذ کند یا آن را دور بزند.

در اواخر دوران امامت امام رضا علیه السلام و در سال های پس از آن، بستری که سفر امام رضا علیه السلام فراهم کرده بود، موجب مهاجرت گسترده علویان و امام زادگان به سراسر مناطق غربی و مرکزی ایران شد و بستری برای تحول دینی و معنوی تدریجی مردمان این مناطق به تشیع فراهم کرد. از این رو، رشد تشیع در نیمه غربی، نیاز چندانی به نقش آفرینی فرهنگ زیارت بارگاه رضوی نداشت، اگر چه در مقام تقویت و غنی سازی، هم چنان به آن نیاز بود.

مکتب تشیع نیز، در فرایندی چندقرنی، در خراسان مرکزی و غربی و جنوبی (خراسان بزرگ در دوران عباسیان)، تحت تأثیر فرهنگ زیارت رضوی، جای خود را به تدریج باز می کرد؛ ولی در خراسان شرقی و ماوراءالنّهر، با توجه به وجود مراکز

ص: ۳۱۸

جمعیتی و علمی متصلّبِ سنّی، در کنار ظهور پیاپی حکومت های ترک و مغول، برای قرن ها فرهنگی ایجاد شد که در برابر رشد تشیع در آن مناطق سدّی ایجاد کرده بود و این وضع به گونه ای بود که حتی پس از تحولات سیاسی - اجتماعی - جغرافیایی قرون نوزدهم و بیستم، که ضرباتی سهمگین به جامعه اسلامی منحطّ آن مناطق زد و همچنین پس از فروپاشی شوروی و کمونیسم و دیگر اندیشه های شرقی و غربی، اسلام سنّتی و تاریخی این مناطق، دیگر ظرفیت و آمادگی لازم برای احیاگری گسترده اسلامی و ساختن تمدنی روزآمد را نداشت.

با توجه به همین درماندگی قرائت های سنّتی اسلامی بود که در جمهوری های آسیای میانه، پس از سقوط شوروی، جریان های اسلامی قدرت مندی شکل نگرفت و خیزش مسلمانان تاجیکستان هم، ریشه در اثرپذیری آنها از انقلاب اسلامی ایران داشت. تجربه اسلامِ طالبانی در افغانستان نیز، که ریشه در همان تسنّن متصلّب سلفی گرا داشت، خیلی زود ناکارآمدی خود را نشان داد.

تحولات پس از سقوط شوروی و حکومت طالبان در افغانستان، نشان داد اگر تجربه انقلاب اسلامی ایران، بر بنیان فرهنگ و معارف اهل بیت علیهم السلام و با شعار هم گرایی بر محور محبت اهل بیت علیهم السلام و الگوهای زندگی ساز و تمدّن محورِ آن، به شکلی نرم و ملایم تبلیغ شوند، زمینه جذب و پذیرش بسیاری در این مناطق خواهد داشت. اگر بتوان تجربه فرایند تاریخی و تدریجی گذار از تسنّن متصلب و سلفی به تسنّن دوازده امامی یا تسنّن صوفی و سپس رسیدن به تشیع ناب را برای این مناطق نمونه سازی کرد؛ این اتفاق و تأثیرش، سریع تر رخ خواهد داد.

رشد روزافزون تشیع در افغانستان و پاکستان و رشد گرایش های اعتقادی بر مبنای محبت به اهل بیت علیهم السلام و اسلام تمدن سازِ ایرانی (در مقابل ناکامی تجربه حکومت های سکولار آسیای مرکزی و نیز تجربه موجود اسلام ترکیه ای و عربستانی و یا تجربه پاکستان و مصر و ...) نشان از جاذبه های تشیع برای جغرافیای شرق اسلامی دارد.

با این وصف، مشهدالرّضا علیه السلام و فرهنگ زیارت رضوی و فهم و درایت بالای مجاوران این مزار شریف، اعم از خواص و عوام، مهم ترین عامل برای آسان سازی مواجهه مخاطبان تشنه این مناطق با ظرفیت ها و ارزش های تشیع و انقلاب اسلامی است.

ص: ۳۱۹

فرهنگ زیارت رضوی و اقامت های کوتاه یا بلند زائران مسلمان کشورهای مجاور در مشهد مقدّس، اگر به شکلی مناسب صورت بگیرد، می تواند معارف و آموزه های شیعی - رضوی را به سرعت در شرق اسلامی گسترش دهد؛ تجربه ای که به صورت ناقص و البته بیشتر خودبه خودی و قهری، در اقامت سی ساله افغان ها در ایران و بازگشت عده قابل توجهی از آنها به افغانستان در سال های اخیر، خود را نشان داد. نتیجه این اتفاق به گونه ای بود که امروزه در افغانستان، تشیع از اقلیتی کوچک ومحروم و مظلوم، تبدیل به اقلیتی بزرگ (که به سرعت در حال گذر از یک سومِ جمعیت به نیمی از آن است)، با اثرگذاری فراوان و رو به رشد شده است.

اگر تحولات اجتماعی و سیاسی آسیای مرکزی و شبه قاره و شرق چین؛ و خلأ های فکری و فرهنگی مردم این مناطق از طرفی، و غَنای مکتب اهل بیت علیهم السلام ، در قالب فرهنگ زیارت رضوی، از طرف دیگر مورد توجه مجاوران عام و خاص حریمِ قدس رضوی قرار بگیرد و در کنار آن، تسهیلات رفت وآمد آسان و گسترده زائران این مناطق فراهم گردد، در آینده ای نه چندان دور، این مناطق شاهد رشد و گسترش فرهنگ اهل بیت علیهم السلام خواهند بود؛ به ویژه اگر برای جذب و تربیت طلّاب دینی و دانش جویان این مناطق، حوزه ها و دانشگاه های ویژه ای در مشهد ایجاد گردد. این همه، منوط به هوش مندی و روزآمدی اندیشه متولّیان حریم قدس رضوی و مدیران استانی و شهری مشهد و سیاست گذاران کلان کشور است.

هویت شهری و اجتماعی مشهد، از آغاز بر محوریت بارگاه قدسی رضوی بوده است و برای همیشه، معیار هویتی این شهر خواهد بود. این بزرگ ترین سرمایه فرهنگی شیعه ایرانی، در مواجهه عالمانه و هوش مندانه و به روز، با مسلمانان خسته و تشنه اسلام ناب در مناطق شرق اسلامی است.

امروزه با توجه به کلان شهر شدن مشهد، برنامه ریزی های گسترده عمرانی، اجتماعی و فرهنگی در این شهر کاری بدیهی و ضروری است، ولی این برنامه ریزی ها باید همواره با توجه به اوضاع زمانه و تحولات منطقه ای و ضرورت محور و مبنا بودن فرهنگ زیارتی و زائرپذیری باشند؛ به ویژه که امروزه بارگاه قدس رضوی، در مقایسه با عتبات عالیات و مکه و مدینه، از نظر رهایی از چنگال وهابیت متعصب و وجود امنیت و فراهم بودن امکانات رفاهی و اقلیم مناسب؛ برترین موقعیت را در شهرهای

ص: ۳۲۰

مذهبی اسلامی دارد و پذیرای بیشترین میزان زائر در جهان اسلام است. اگر چه این زائران، بیشتر شیعی و از ایران و کشورهای شیعه نشین اطراف هستند، ولی با برنامه ریزی تبلیغی مناسب، در بستر تحولات اجتماعی ناشی از فروپاشی کمونیسم در آسیای مرکزی و بیداری اسلامی در جهان عرب و بحران های فراگیر اقتصادی و اجتماعی در تمام جهان، می توان با جذب فطرت های پاک مسلمان و غیر مسلمان به فضای معنوی و شور و شعورِ حریم قدس رضوی، این بارگاه را تبدیل به پایگاه فرهنگی و اجتماعی مناسبی برای بسط و گسترش ارزش های انقلاب اسلامی قرار داد.

برای دیدن عکس به فایل پی دی اف مراجعه کنید

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

از مرز های سیاسی تا مرز های فرهنگی

فرهنگی / سیاسی

تغییر مرزهای سیاسی پس از پایان جنگ سرد و بازگشت و احیای ارزش های فرهنگی – دینی، می تواند نقطه قوّتی برای فرهنگ شیعه ایرانی (با

ص: ۳۲۱

محوریت فرهنگ رضوی)، در جغرافیای اسلامی پیرامون خود باشد.

آسیب شناسی فرهنگی اسلام در آسیای میانه

خلأ فرهنگی

اسلام سنّتی در آسیای میانه، که گرفتار ناکامی های تاریخی و سرکوب های دوره استعمار و ناکارآمدی در دوران معاصر است، نیازمند بازخوانی و بازتعریف است.

خلأ فرهنگی

جوامع مسلمانِ رهاشده از سلطه کمونیسم، در خلأـ فکری بین قرائت های سنّتی از اسلام و جوامع مدرن گرفتار هستند که هیچ سنخیتی نیز با هم ندارند.

سیاسی / فرهنگی

اسلام انقلابی و حماسی برآمده از فرهنگ شیعه ایرانی، برای اندیشمندان و روشن فکران و جوانان مسلمان منطقه جاذبه های فراوان دارد.

نسبت شناسی فرهنگ رضوی با نیاز های منطقه ای

مدیریتی / سیاسی / فرهنگی

ضرورت دارد بین نیازهای هویتی و دینی منطقه ای و مهم ترین ظرفیت فرهنگی شیعه ایرانی، که فرهنگ رضوی است، توجه هم زمان و بینارشته ای داشت.

فرصت سازی حضور مسلمانان منطقه در فضای معنوی و ملکوتی حریم رضوی، می تواند بهترین مدرسه علمی و عرفانی برای بازگشت هویت دینی به میان آنها باشد.

حضور افغان ها در ایران، تجربه تاریخی و اثبات شده برای تقویت و گسترش نقش سیاسی و اجتماعی تشیع در افغانستان است.

تقویت حضور مسلمانان منطقه در فضای ملکوتی حرم رضوی، تأثیر فراوانی در تضعیف عملی تبلیغات سلفی و وهابی ها دارد و بسترسازی

ص: ۳۲۲

مناسبی برای نفوذ و گسترش تدریجی فرهنگ اهل بیتی در کشورهای منطقه است.

مسئولیت ها و رسالت ها در پیش گاه امام رئوف

مدیریتی / فرهنگی

در سیاست گذاری و برنامه ریزی برای آستان قدس رضوی، باید نگاهی کلان و فراملّی داشت.

طراحی الگوی ایرانی - اسلامی فرهنگ زیارت و جای گزینی آن با عناوینی مانند «توریسم اسلامی» یا «گردش گری دینی»، برای هماهنگ سازی فرهنگ زیارت رضوی با رسالت ها و اهداف متعالی دین و نیازهای منطقه ای، ضرورت بسیار دارد.

ضرورت دارد تعریفی دقیق از ویژگی های «مجاور امام رضا علیه السلام » و «شهروندِ مشهد مقدس» بودن بشود تا بینش مجاوران و شهروندان محترم برای پذیرش و میزبانی فرهنگی و معنوی زائران داخلی و خارجی ارتقا یابد.

ضرورت دارد جایگاه مشهد مقدس و فرهنگ زیارت رضوی، در طرح هایی مانند طرح جامع مهندسی علمی - فرهنگی کشور، یا طراحی الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت، یا سند چشم انداز ایران در ۱۴۰۴، با توجه به تحولات و نیازهای منطقه ای و ظرفیت های فرهنگ رضوی و چشم انداز های دینی این فرهنگ، به طور دقیق تعریف و شناسایی شود.

۱/۴: نگاهی آینده پژوهانه به رسالت فراروی مشهدالرضا علیه السلام

۱/۴: نگاهی آینده پژوهانه به رسالت فراروی مشهدالرضا علیه السلام

بر اساس برخی از روایاتِ آخرالزّمانی اسلامی، که مربوط به جغرافیای شیعه ایرانی است، در آخرالزّمان، یک شهر و یک منطقه رسالت هایی مهم دارند؛ رسالت هایی که

ص: ۳۲۳

از زمان پیامبر پیش بینی شده اند و بسترهای لازم برای اجرای آنها در هر دو منطقه، در زمان امامت امام رضا علیه السلام فراهم شد. رونـد تحولات اجتماعی - فرهنگی این دو منطقه، برای رسیدن و عمل به رسالت هایشان، رونـدی تاریخی، تـدریجی و مرحله ای است.

این دو منطقه، یکی شهر قم است، که پس از دفن پیکر مطهر حضرت معصومه علیها السلام در آنجا، در زمان امام رضا علیه السلام ، رسماً عنوان «حرم اهل بیت علیهم السلام » را گرفته است. شهر قم، در فرایندی بلندمدت باید از جهت نرم افزاری به نقطه ای برسد که در آخرالزّمان و در آستانه ظهور، نشردهنده معارف فرهنگ و ارزش های اهل بیت علیهم السلام به سراسر جهان باشد.

دقیقاً در مرحله بعد و کمی مانده به ظهور، از نظر سخت افزاری، مهم ترین جغرافیایی که زمینه سازی ظهور را فراهم می کند، خراسان است. بر این مطلب، در روایات شیعی و سنّی، تأکید و تأیید شده است.(۱) تأکید بر «خراسان» در این روایات را می توان از چند نظر مطالعه و بررسی کرد:

از نظر جغرافیایی و مردم شناسی: کانون های جمعیتی مهم منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی در طول تاریخ، عبارت بوده انـد از: حوزه بین النّهرین، منطقه جنوب غرب ایران (خوزستان، فارس و بوشهر)، مناطق غربی ایران در حد فاصل کوهستان های زاگرس تا قفقاز و کویر مرکزی (از لرستان تا آذربایجان و ارمنستان)، منطقه طبرستان بزرگ، منطقه خراسان که از منتهی الیه کویر مرکزی شروع می شد و تا کوهستان های مرکزی افغانستان و جنوب ماوراءالنّهر امتداد می یافت (خراسان ایران و شرق افغانستان) و ماوراءالنّهر (حوزه جمعیتی دو رود جیحون و سیحون).(۲)

در طول تاریخ، مناطق حد فاصل مدیترانه تا کویر مرکزی ایران، همواره در کانون درگیری ها و کشمکش های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بوده انـد؛ ولی منطقه خراسان، اگر از سمت شرق خود، در معرض تهدیـدها و یا هجوم های جمعیتی قرار نمی گرفت (ورود ترک ها از ترکستانِ مرکزی و مغول ها از مغولستان مرکزی)، تبدیل به پایگاه

۱- معجم الاحادیث الامام المهدی [، ج ۱، فصل: اهل مشرق و خراسان.

۲- هم چنین منطقه رود نیل، منطقه شامات و فلسطین، مناطق شمال عراق و جنوب ترکیه و منطقه ترکیه غربی.

ص: ۳۲۴

جمعیتی ذخیره ای می شد و از طرف دیگر، کمتر دچار بحران های فکری و فرهنگی می گشت. نهایتاً اینکه با داشتن چنین ویژگی هایی، توانست در موقع لزوم، با خیزش ناگهانی خود، معادلات را در خاورمیانه به هم بزنند؛ درست همانند تجربه ای که عباسیان اجرایش کردند. همین روند را، اقوام مهاجر یا مهاجمِ ترک سلجوقی و مغولان نیز به گونه ای دیگر تکرار کردند.

نشانه های این اتفاق تاریخی در روایات آخرالزّمانی دیده می شود:

در اخبار آخرالزّمانی تأکید شده است: در آستانه ظهور، منطقه خاورمیانه در معرض بیشترین هجوم ها و تهدیدها قرار می گیرد. وقتی که این تهدید ها و بحران ها به نهایت خود رسید و منطقه تشیع در خطر نابودی قرار گرفت، خیزش های اجتماعی خراسان با گرایش شیعی، باعث تغییر ناگهانی معادلات منطقه می شود و با به عقب راندن دشمنان تشیع، زمینه ها و بسترهای ظهور منجی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم می شود.

در این پیش بینی ها، اگر چه منطقه خیزشِ زمینه سازان ظهور موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ، به صورت مبهم و مجمل، «خراسان» ذکر شده، ولی بدیهی است با توجه به اینکه این خیزش، گرایشی شیعی دارد، باید با فرهنگ رضوی ارتباطی تنگاتنگ داشته باشد.

با توجه به این پیش گویی ها، شهر مشهد و فرهنگ رضوی و زیارت امام رضا علیه السلام ، در فرایند نهایی خود باید به سمتی برود که آن رسالت نهایی و جهانی را در چشم انداز خود داشته باشد.

جدول ایده یابی

موضوع جزئی

پیش فرض علمی

ایده

ظرفیت های ویژه فرهنگ رضوی

فرهنگی

فرهنگ رضوی، برترین شاخصه فرهنگی شیعه ایرانی است.

فرهنگ رضوی، ظرفیت های چندگانه حماسی – علمی – اجتماعی دارد (در مقایسه با ظرفیات صرفاً حماسی فرهنگ عاشورایی).

ص: ۳۲۵

فرهنگ رضوی، جامع ترین شناس نامه هویتی و فرهنگی شیعه دوازده امامی است. (از منظر روایات، در مقایسه با فرهنگ عاشورایی که مشترک با دیگر فرقه ها است).

سند چشم انداز فرهنگ رضوی از منظر روایات آخرالزّمانی

آینده پژوهی

نقش آفرینی آخرالزّمانی فرهنگ رضوی در بین زمینه سازان ظهور ضرورت تام دارد.

جغرافیـای خراسـان بـا محوریت حریم رضوی، بهترین پناهگاه برای تجمع زمینه سازان ظهور موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف ، در میان هجوم های گسترده و تودرتوی آخرالزّمانی جریان های باطل است.

شیعه خراسانی، آخرین امید و سرمایه اجتماعی جامعه شیعه بحران زده در آستانه ظهور خواهد بود.

فرهنگ رضوی، تنها معبر جغرافیایی و اجتماعی رسیدن به جامعه زمینه سازان ظهور، در گستره جامعه و شیعه ایرانی است.

۲. ایده های تکمیلی

اشاره

۲. ایده های تکمیلی

آنچه در این اثر آورده شده، ایده های برنامه سازی در مورد زندگانی امام رضا علیه السـلام است. در این ایده یابی، رویکرد غالب، ایده یابی محتوایی با محوریت سیاسی - اجتماعی - علمی - فرهنگی بوده است. محورهای متعدد دیگری وجود دارد که در این اثر مجال پرداختن به آنها نبود. گزارش اجمالی این محورها چنین است:

۲/۱: ایده های محتوایی تکمیلی در مورد زندگانی و شخصیت امام رضا علیه السلام

اشاره

۲/۱: ایده های محتوایی تکمیلی در مورد زندگانی و شخصیت امام رضا علیه السلام

زیر فصل ها

۲/۱/۱: ایده های عبادی - عرفانی

۲/۱/۲: فرهنگ زیارت

۲/۱/۳: سبک زندگی رضوی

۲/۱/۴: موضوع های ماورائی

۲/۱/۵: فرهنگ رضوی در حوزه فرهنگ اجتماعی عمومی

۲/۱/۶: شخصیت شناسی افراد فعال در حوزه رضوی

۲/۱/۷: امام رضا علیه السلام و فرهنگ رضوی از منظر دیگران

۲/۱/۱: ایده های عبادی – عرفانی

۲/۱/۱: ایده های عبادی – عرفانی

این ایـده هـا، سـیره رفتاری و گفتاری و مناسک عبادی امام را شامل می شود و اگر چه به صورت اجمالی، در مباحث کتاب به آنها اشاره ای شـد، ولی ابعاد گوناگون آن نیازمنـد فصـلی جداگانه است؛ به ویژه از منظر ادعیه ای که از امام به صورت عمومی و یا در شرایط خاص صادر شده است و می تواند پژوهشی ارزنده باشد.

ص: ۳۲۶

در همین زمینه، اعمال و مناسک عبادی متعلق به امام رضا علیه السلام شایسته توجه است. می دانیم که در فرهنگ معنوی شیعه، برای هر امام، نمازها و دعاها و صلوات هایی وجود دارد که هر شیعه علاقه مند، در سیر و سلوک عبادی خود می تواند با به جا آوردن این موارد به قصد قربت، در سلوک معنوی هر امام همراه باشد و از معبر سلوک خاص آن امام، تقربی دیگرگونه بیابد و یا با توسل به آن امام، به مقام های متعالی برسد. نماز امام رضا علیه السلام ، روز متعلق به امام در هر روزِ هفته و دیگر موارد شبیه به این، جزئی از فرهنگ معنوی شیعه است.

از مباحث دیگر در این زمینه، بحث شخصیت شناسی امام از منظر القاب نورانی ایشان است که غالباً القابی با محوریت شخصیت عبادی، معنوی، فکری و اخلاقی آن حضرت است.

۲/۱/۲: فرهنگ زیارت

۲/۱/۲: فرهنگ زیارت

پس از شهادت امام و پیدایش بارگاه نورانی آن حضرت در توس، بنا بر فرهنگ سازی تاریخی ای که معصومان صورت داده بودند، خیلی زود فرهنگ زیارت امام رضا علیه السلام ، به ویژه در میان شیعیان و با محوریت شیعه ایرانی ایجاد شد و رو به توسعه گذاشت.

این فرهنگ، جلوه ها و ابعاد گوناگونی داشت که عبارت بودند از:

الف) فرهنگ زیارت نامه های رضوی: بازخوانی، تنوع کمّی و کیفی، ساختار زیارت نامه ها و مرحله بندی های مناسکی هر یک، می تواند از مباحث مطالعات و ایده های برنامه سازی ارزنده باشد.

ب) فرهنگ اجتماعی زیارت در تاریخ ایران اسلامی: شامل بازکاوی آماری و جغرافیایی زائران رضوی در دو گستره خواص و عوام زائران است و اینکه چگونه در تحولات تاریخی - اجتماعی ایران، این فرهنگ همواره روندی رو به رشد داشته است.

از زاویه ای دیگر، بررسی آماری فرهنگ روزهای مربوط به زیارت امام رضا علیه السلام در فرهنگ شیعه ایرانی و بازتاب های اجتماعی - آماری آن ایده های جذاب خواهد بود.

در همین جا شایسته است ذکر شود که اصولاً مطالعات علمی جامعه شناختی،

ص: ۳۲۷

مردم شناختی و فرهنگی در مورد زیارت و زائران رضوی، بسیار اندك و پراكنده است. وضع برنامه سازی رسانه ای هم از این بدتر است. این كمبود و ضعف، وقتی خود را بیشتر نشان می دهد كه برای فرهنگ زیارت رضوی و شهر مشهد، رسالت ها و كاركرد های تاریخی و آینده پژوهانه در نظر بگیریم. با این حساب، در ایده های برنامه سازی یا مطالعاتی، می توان به كاركردهای اجتماعی فرهنگ زیارتی رضوی در سده اخیر و روند تحولات سیاسی - اجتماعی معاصر شیعه ایرانی پرداخت.

از ایده های دیگر در این زمینه، موضوع زیارت رضوی از راه دور در فرهنگ شیعه ایرانی است؛ به ویژه زیارتی كه در قالب زیارات سه گانه (حسینی - رضوی - مهدوی) در پایان نمازهای جماعت و فردی، یا مناسك عبادی در جامعه ایرانی نهادینه شده است.

۲/۱/۳: سبک زندگی رضوی

۲/۱/۳: سبك زندگی رضوی

پس از ایجاد بارگاه رضوی در حومه توس، در روندی تاریخی و تدریجی، شهر مقدس مشهد ایجاد گردید. جمعیتی كه به تدریج در این شهر ساكن می شد، فارغ از مسئله نژاد و زبان و فرهنگ بود. آنچه در این سكونت، محور و مبنای تعریف هویت بود، میزان علاقه وافر افراد و خانواده ها برای سكونت در مجاورت بارگاه رضوی بود. این به معنی عشق و علاقه مندی به فرهنگ اهل بیت علیهم السلام با محوریت فرهنگ رضوی است؛ عشق و علاقه ای كه در بلندمدت توانست خود را در قالب سبك زندگی ویژه ای نشان دهد كه كانون آن، عشق به امام رضا علیه السلام بود. این سبكِ زیست خاص، به ویژه در سال های پیش از حمله مغول، كه شهر مشهد در محاصره جغرافیایی فرقه ها و مذاهب گوناگون بود، خود را بیشتر نشان می داد. با پیشرفت تشیع در ایران، این سبك به تدریج رو به توسعه و نهادینه شدن گذاشت و امروزه، هماهنگ با درخشش شیعه ایرانی در منطقه و جهان، خود را در نقطه اوج تعالی و كمال نشان می دهد.

این سبك زندگی شیعه را می توان در دو حوزه مطالعه كرد. یكی: از منظر روند شكل گیری تاریخی و مؤلفه های ساختاری آن؛ و دیگری: از منظر وضع اجتماعی و كمال یافته آن در ایران معاصر.

در مطالعه فرهنگی - اجتماعی معاصر هم، می توان در دو حوزه، مطالعه و

ص: ۳۲۸

برنامه سازی کرد: حوزه سبک زندگی مجاوران همیشگی بارگاه امام رضا علیه السلام و حوزه سبک زندگی زائران.

از این منظر، مسئله خدمت گذاری آستان قدس رضوی و زندگی و شخصیت خادمان این حریم نیز از مباحث شایان توجه است و مطالعات تاریخی درباره فرهنگ خادمان رضوی و شناخت سبک زندگی در حین خدمت آنان؛ و یا نوع زیست عمومی آنها، تحت تأثیر نفوذ معنوی فرهنگ رضوی، می تواند ایده ای بسیار جذاب باشد.

۲/۱/۴: موضوع های ماورائی

۲/۱/۴: موضوع های ماورائی

فرهنگ زندگی اهل بیت علیهم السلام ، چه در زیست دنیوی و چه در زیست برزخی، ارتباط تنگاتنگی با عالم غیب دارد. بازتاب این ارتباط غیبی در زیست دنیوی اهل بیت علیهم السلام ، در خبرهای غیبی و معجزات و کرامات ایشان است. بازتاب ارتباط غیبی اهل بیت علیهم السلام در زیست برزخی نیز، در توسلاتی است که زائران آنان، و از جمله زائران حضرت رضا علیه السلام ، با هدف شفا و کرامت به آنان می کنند و جواب می گیرند؛ یا در قالب تشرفات و رؤیاهایی که زائر، در فضایی ماورائی و ملکوتی، توفیق دیدار امام رئوف و یا فرزند موعودش را یافته است.

بدیهی است با توجه به امکان وجود افراط و تفریط در این زمینه، ضرورت دارد تعریف ویژه ای برای این مطالعات و ایده یابی ها صورت بگیرد؛ همان گونه که دفتر ثبت کرامات رضوی به این مهم پرداخته و دسته بندی های بسیار جالب و متنوعی از کرامات رضوی در این دفتر وجود دارد که حداقل گزارش اجمالی و کلی آنها، می تواند برای علاقه مندان حتی غیر شیعی بسیار اثرگذار باشد.

۲/۱/۵: فرهنگ رضوی در حوزه فرهنگ اجتماعی عمومی

۲/۱/۵: فرهنگ رضوی در حوزه فرهنگ اجتماعی عمومی

در این حوزه می توان به بازتاب های عمومی فرهنگ رضوی در شعاع شیعه ایرانی پرداخت. یکی از این موارد، آمارگیری اسامی برگرفته از نام مبارک «رضا» و «نجمه»، مادر گرامی آن حضرت است.

این حوزه همچنین شامل مطالعه فرهنگی - اجتماعی نیز هست؛ مانند عکس یادگاری سفر مشهد و یا فرهنگ شعر آیینی - رضوی و یا سفرنامه های رضوی.

ص: ۳۲۹

۲/۱/۶: شخصیت شناسی افراد فعال در حوزه رضوی

۲/۱/۶: شخصیت شناسی افراد فعال در حوزه رضوی

در این حوزه می توان به شخصیت های برجسته ای که به نوعی مرتبط با حریم رضوی هستند، پرداخت و البته در یک ساختار برنامه سازی، این معرفی می تواند شامل شخصیت های سفید باشد و در مقام آسیب شناسی، شخصیت های سیاه و خاکستری را نیز بررسی و معرفی کرد.

در حوزه شخصیت های سفید می توان گروه های زیر را برشمرد:

علمای دینی برآمده از شهر مقدس و حوزه علمیه مشهد؛

علمای مجاور و یا مدفون در شعاع حریم رضوی؛

شخصیت های علمی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشهد، به ویژه در دوره معاصر؛

خادمان حریم حرم رضوی؛

نویسندگان برجسته در حوزه معارف رضوی؛

از همه مهم تر و جالب تر: سادات رضوی در تاریخ و جغرافیای شیعه ایرانی.

۲/۱/۷: امام رضا علیه السلام و فرهنگ رضوی از منظر دیگران

۲/۱/۷: امام رضا علیه السلام و فرهنگ رضوی از منظر دیگران

آن چه که تاکنون از معارف و ایده های رضوی آورده شد، همگی از منظر فرهنگ شیعی بود. بازخوانی شخصیت آن حضرت و یا بازشناسی تاریخی و معاصر فرهنگ رضوی را می توان از زاویه های برون دینی هم مطالعه کرد. مواردی مانند

امام از منظر اهل سنّت، به ویژه اهل سنّت خراسان بزرگ و ماوراءالنّهر؛

امام از منظر اهل کتاب مقیم در ایران؛

امام و مشهد در نگاه و نوشته مستشرقان؛

مشهد در تجربه تاریخی استعمارگران؛

مشهد در نگاه فرقه های انحرافی قدیم و جدید.

۲/۲: ایده های ناظر به فرم

۲/۲: ایده های ناظر به فرم

در معرفی ایـده یـابی رسـانه ای در این اثر، رویکرد غـالب، ایـده هـای برنـامه سـازی بود؛ یعنی اولویت بـا ساختارهـای برنامه سازی ترکیبی، مستند، گفت وگومحور، خبری، گزارشی و

ص: ۳۳۰

دیگر ساختارهای غیر داستانی است. این بدین معنا است که هدف اولیه این اثر، معرفی ایده های داستانی (تاریخی) نبوده است و ساختار آن، برخلاف کتاب «آیین برنامه سازی امام کاظم علیه السلام » است. این مطلب به معنی نفی استفاده از اثر حاضر در حوزه ایده های داستانی نیست؛ چرا که اولاً ساختار کتاب به گونه ای تنظیم شده که در معرفی فضای عمومی تاریخی و معاصر، به گونه ای عمل کند که هر فیلم نامه نویسی، بسترهای اجتماعی و فرهنگی لازم برای داستانِ مورد نیاز خود را در اختیار داشته باشد و در خلق آثار واقعی یا تخیلی، به گونه ای عمل نکند که از فضای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی فرهنگ رضوی دور باشد. ثانیاً معرفی گسترده شخصیت های سفید، سیاه و خاکستری در این اثر، به منزله معرفی ایده هایی برای داستان و فیلم نامه است. فقط درمورد هر شخصیت، می بایست مطالعات تکمیلی صورت می گرفت که در این اثر، مجال این کار نبود.

مثلاً شخصیت هایی مانند «دعبل شاعر، حبّابه والبیه، هشام ابن احمد ابن عامر طائی (نواده یکی از شهدای کربلا)، محمد ابن فضل هاشمی (در آغاز امامت امام رضا علیه السلام)، داستان های یونس ابن عبدالرّحمان (از یاران برجسته امام) و بسیاری دیگر مانند سران برجسته واقفیه یا غالیان یا زیدیه و مانند این ها، پس از مطالعات کافی و جامع، هر یک می توانند ایده داستانی جذابی باشند.

همچنین اکثر رویدادهایی که از امام و یا درباره ایشان، در مواجهه با زیدیه یا واقفیه یا مأمون یا رخدادهایی که در مقام تکمیل مأموریتِ جامعه سازی و فرهنگ سازی امام رضا علیه السلام برای شیعه، در این اثر آورده شده است، در کنار مطالعه وضع عمومی زمانه آن رویداد، هر یک می توانند ایده جالب و جذابی برای مطالب داستانی باشند.

این مطلب، مربوط به حوزه ایده های داستانی مستند بود؛ امّا در حوزه ایده های داستانی تخیلی نیز، با توجه به مباحث تاریخی عرضه شده، جای کار بسیار است. برای نمونه هر یک از بحث های زیر، زمینه و استعداد فراوانی برای ایده های داستانی تخیلی دارند: بازتاب فرقه سازی ها بر سبک زندگی شیعی، تحولات تاریخی - اجتماعی بارگاه رضوی، نگاه آینده پژوهانه ای که درباره شهر مشهد و خراسان وجود دارد، رسالت مشهد و فرهنگ زیارت رضوی برای مسلمانان آسیای مرکزی و شبه قاره در زمان معاصر، استبصارها و تحولات ایمانی به برکت امام رضا علیه السلام و بسیاری موارد گفته و ناگفته دیگر.

ص: ۳۳۱

در این زمینه، برای نمونه، سرگذشت اجمالی دعبل خزاعی را می آوریم تا ظرفیت های داستانی زندگی وی معلوم گردد:

ایده داستانی درباره زندگی دعبل، اولین شاعر رضوی

او از شاعران شیعی و ساکن عراق بود که مجموعه اشعارش ترکیبی بود از توصیف و مدح اهل بیت علیهم السلام و هجو و نقد و آسیب شناسی مدعیان خلافت. وقتی خبر ولایت عهدی امام به عراق رسید، او سعی کرد عده ای از شعرای درباری و یا غیر اهل بیتی را با خود همراه کند و در سفری تاریخی، به خراسان و مرو بیاورد. این اتفاق، پی ریزی اولیه شعر رضوی بود که شاعران شیعی و غیر شیعی آن را کامل کردند.

پس از آن، دعبل در فرصت تاریخی ای که مأمون برای شعرای متّصل به دربار ایجاد کرده بود، نزدیک به یک سال همراه امام بود و با او از مرو به سرخس و از آنجا به توس رفت. کمی بعد، وقتی امام در توس بود، از وی اجازه گرفت و قم رفت تا مجموعه اشعار رضوی - اهل بیتی خود را در این شهر منتشر کند. او یکسالی در قم ساکن بود. خبر شهادت امام که به او رسید، بی قرار شد و پس از مدتی، دوباره به شکل دایم به سفر در مناطق شیعه نشینِ غرب و جنوب غرب ایران و سپس جنوب عراق می پرداخت تا با وجود شهادت امام رضا علیه السلام ، اشعار رضوی خود را برای علاقه مندان بازخوانی کند.

دعبل، در نهایت به بغداد رسید. در آنجا متوجه شد شعرایی که او به مرو برده بود، همگی درباری شده اند؛ پس با آنها درگیر شد. این در حالی بود که از مرگ مأمون مدت ها گذشته بود و متوکّل، خلیفه ناصبی عباسی به خلافت رسیده بود. در این زمان، تمام شعرایی که زمانی به همراه دعبل به خراسان رفته بودند، تلاش می کردند اشعار اهل بیتی و رضوی خود را جمع آوری و نابود سازند تا جایگاه آنها در دربار خلیفه جدید عباسی مخدوش نشود؛ ولی دعبل، در برابر، تلاش می کرد با جمع آوری آثار آنها، آثار شعری رضوی را از نابودی حفظ کند. این اتفاق، درگیری های پنهان و آشکاری بین دعبل و آن شعرا و خلافت پدید آورد؛ به نحوی که او از بغداد خارج شد، ولی سرانجام نشان او را در خوزستان پیدا کردند و به شهادتش رساندند. امروزه مزار دعبل در شهر شوش، مایه افتخار مردم شیعه شهر است.

در پایان، یادآور می گردد از زمینه های دیگرِ ایده یابی، توجه به تنوع و دسته بندی

ص: ۳۳۲

مخاطبان است. مانند تنوع های سنّی، جنسیتی، علمی، ایمانی و جغرافیایی. البته در این اثر، هدف، مخاطب عموم با گرایش ایمانی اعتقاد یا علاقه مندی است و با توجه به تنوع شبکه های صدا و سیما، می توان از منظر نیاز مخاطبان گوناگون، به شخصیت و فرهنگ رضوی نگریست و به تنوع جالب و جذابی از ایده ها رسید. در این باره، به ویژه در حوزه گسترش فرهنگ زیارت از راه دور و تعریف کارکردهای آن، بر این اساس که زیارت رضوی، در کنار زیارت حسینی، از شاخصه های مستقل تشیع دوازده امامی است، می توان سرمایه گذاری ویژه ای کرد. همچنین می توان برای فرهنگ رضوی، رسالتی منطقه ای، در جغرافیای شیعه و با توجه به تحولات منطقه ای تعریف کرد. این ها مواردی است که امیدواریم با تحقق آنها، بتوانیم دین و وظیفه خود را نسبت به حضرت امام رضا علیه السلام انجام بدهیم.

ص: ۳۳۳

منابع

منابع

نرم افزار های کتابخانه ای که مهم ترین منابع این پژوهش بوده اند:

جامع تفاسیر نور .

جغرافیای جهان اسلام.

در حریم توس: مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف .

درایه النّور، نسخه ۱و۲.

درایهالنّور، نسخه ۲/۱: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

سیره معصومان.

سیره معصومان: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

شمس الشّموس: کتابخانه امام رضا علیه السلام ، حوزه علمیه اصفهان (هر دو نسخه فارسی و عربی)، معاونت پژوهشی.

گنجینه روایات نور.

گنجینه روایات نور: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

مجموعه آثار استاد صفایی حایری.

مجموعه آثار آیه الله میانجی.

مجموعه آثار آیت الله شیخ جعفر سبحانی: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

نرم افزار تراث : جامع منابع فرهنگ و ادب.

نرم افزار گنجینه (تولید مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما در قم).

نور الجنان.

نور السیره.

نورالسّیره، جامع منابع تاریخ اسلام: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

و کتاب هایی که به غیر از نرم افزارهای فوق ویا به طور ویژه از آنها استفاده شده است:

ص: ۳۳۴

قرآن کریم.

ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب. (نرم افزار سیره معصومان)

ابوالفرج اصفهانی،الاغانی، ج ۱۸، ص ۲۹.(نرم افزار تراث : جامع منابع فرهنگ و ادب)

اشعری، سعد بن عبدالله ابی خلف، المقالات و الفرق، صححه و قدم له و علق علیه الدکتور محمد جواد مشکور، طهران، ۱۹۶۳ م، موسسه مطبوعاتی عطائی.

بهبودی، محمد باقر، معرفه الحدیث و تاریخ نشره و تدوینه، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳ش.

ترابی، علی اصغر، موسوعه الرجالیه المیسره، مؤسسه امام صادق، چاپ دوم، ۱۴۲۴ ه . ق.، قم.

التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السّلام، تحقیق: مهدی رحیمی، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.

جباری، محمد رضا، سازمان وکالت، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲، قم.

جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران (تا قرن دهم هجری)، ۲جلدی، قم، انتشارات انصاریان، چاپ اول، ۱۳۷۵.

، اطلس شیعه، تهران، سازمان جغرافیایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷.

چنارانی، محمدعلی، امام رضا علیه السلام از دیدگاه اهل سنّت، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۱.

حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام، الجزء الثّانی: العصر العباسی الاول، بیروت، دارالجیل، ۲۰۰۱ = ۱۴۲۲.

حسینی قزوینی و همکاران، سیدمحمد، موسوعه الامام الرّضا علیه السلام ، مجموعه ۸جلدی، قم، مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ۱۳۸۷ = ۱۴۲۹.

الطبری، دلائل الإمامه. (نرم افزار سیره معصومان)

عطاردی، عزیزالله، راویان امام رضا علیه السلام در مسند الرضا علیه السلام ، انتشارات عطارد، ۱۳۸۸.

رضایی، محمد، آیین برنامه سازی زندگانی امام کاظم علیه السلام ، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۹.

، آیین برنامه سازی زندگانی امام صادق علیه السلام ، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۱.

صدوق، محمد بن علی بابویه، عیون اخبار الرضا، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸.

صفری فروشانی، نعمت الله، غالیان، کاوشـی در جریان ها و برآینـدها تا پایان سده سوم، مشـهد، آسـتان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۸.

ص: ۳۳۵

طوسی، محمد بن الحسن، اَلْاِسْتِبْصار فیما اختلف من الأخبار، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ق.

عرفان منش، جلیل، جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو. (نرم افزار سیره معصومان)

کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، موسسه المعارف الاسلامی، قم، ۱۴۱۱ ه . ق.

کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی (اختیار معرفهالرّجال)، دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۴۸ ش.

مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، ۱۹۹۲ م.

مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۷۲.

مسند الامام الجواد علیه السلام ، العطاردی. (نرم افزار سیره معصومان)

مسند الامام الرّضا علیه السلام . (نسخه عربی نرم افزار شمس الشموس، تولید مرکز تحقیقات کامپیوتری حوزه علمیه اصفهان)

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، صدرا، ۱۳۷۸.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آيا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹